



# فصلنامه مطالعات علوم انسانی و اسلامی

● سال اول | شماره ۱ | بهار ۱۴۰۴ ●

- |                                    |                                             |
|------------------------------------|---------------------------------------------|
| ■ مدیر مسئول: دکتر حسین قدیانی     | ■ صاحب امتیاز: دانشگاه جامع انقلاب اسلامی   |
| ■ امور اجرایی: دکتر حسین عباسی     | ■ سردبیر: دکتر عباسعلی رهبر                 |
| ■ ویراستار: سمیه صمدی              | ■ مدیر داخلی: دکتر لیلا حیدریانی            |
| ■ ناشر: دانشگاه جامع انقلاب اسلامی | ■ ویراستار انگلیسی: دکتر نیلوفر مقدمی خمایی |
| ■ طراح جلد: سید حسین حسینی         | ■ صفحه‌آرا: محمد صادقی                      |
| ■ بهاء: ۰۰۰۰ ریال                  | ■ شمارگان: ۲۰۰ جلد                          |

وبسایت نشریه: <https://nrig.cuir.ac.ir>

کلیه حقوق © محفوظ است.

مسئولیت مطالب مطرح شده در مقالات، به عهده نویسنده یا نویسندگان آن است.

نشانی: تهران- میدان سپاه- خیابان پادگان ولیعصر(عج)- پلاک ۳- ساختمان جنوبی- طبقه هفتم



---

### اعضاء هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

---

- دکتر عباسعلی رهبر / استاد دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر محمد ابراهیمی ورکیانی / دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر فتح‌الله تازی / استاد دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر فاطمه جان احمدی / استاد دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر سید احمد رضا خضری / استاد دانشگاه تهران
- دکتر سید صدرالدین شریعتی / استاد دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر لطفعلی عاقلی / دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر زاهد غفاری هسجین / استاد دانشگاه شاهد
- دکتر برزو فرهی بوزنجانی / استاد دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام
- دکتر اصغر منتظرالقائم / استاد دانشگاه اصفهان
- دکتر محمد هادی یوسفی غروی / استاد موسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام





## راهنمای تدوین و ارسال مقاله

### برای ارائه به فصلنامه علمی مطالعات علوم انسانی و اسلامی

- ۱- مقاله‌های قابل چاپ در مجله «مطالعات علوم انسانی و اسلامی»، مقالات اصیلی هستند که حاوی ایده‌ها، رویکردها و روش‌های نوین و حاصل یافته‌های تحقیقات علمی باشند، به نحوی که به پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی از لحاظ نظری و کاربردی یاری رسانند.
- ۲- مقاله‌ها باید جدید و حاصل تحقیقات نویسنده یا نویسندگان باشد و پیشتر در جایی دیگر به چاپ نرسیده باشند.
- ۳- مسئولیت کامل مطالب ارائه شده در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است. مجله در این زمینه هیچ مسئولیتی را عهده‌دار نمی‌شود.
- ۴- مقالاتی که توسط دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با همکاری استادان راهنما و یا مشاور تهیه می‌شود، ضرورتاً باید با امضای استاد مربوطه به فصلنامه ارسال گردد؛ در عین حال نویسنده مسئول و ترتیب اسامی نویسندگان به همان ترتیبی که در سایت ثبت شده باشد، در مقاله خواهد آمد و پس از آن غیر قابل تغییر خواهد بود.
- ۵- حداکثر حجم مقاله شامل متن، شکل‌ها، نمودارها و جدول‌ها حداکثر ۱۰ هزار کلمه است.
- ۶- برای نگارش مقاله، آموزه‌های مندرج در این صفحه را دنبال بفرمایید.
- ۷- مقالات در چارچوب ساختار زیر که حاوی مقدمه، داده‌ها و روش کار، شرح و تفسیر نتایج، نتیجه‌گیری و منابع و ماخذ است، تدوین می‌شود:





**عنوان مقاله)** عنوان بایستی با سؤال اصلی مقاله و محتوای آن تناسب داشته باشد، رسا و بدور از ابهام و ابهام باشد و حتی الامکان کوتاه باشد و هماهنگ با موضوعات و محورهای اعلامی فصلنامه باشد.

**چکیده)** ۱- مختصر، روان و گویا ۲- موضوعات اساسی چکیده (سؤال، روش، یافته‌ها و مهمترین پیشنهادها).

**کلیدواژگان)** حداقل سه واژه و حداکثر هفت واژه به تناسب موضوع و محتوای مقاله.

### ۱. مقدمه و بیان مسئله

مقدمه (موضوع) شروع بحث و بیان موضوع با توجه به حوزه و رشته کلی مورد بحث و مباحث روز ضرورت موضوع) بیان نیازها و ضرورت موضوع مقاله با توجه به مطالعات پیشین و شواهد موجود و یا نقدهای موجود

اهمیت موضوع) بیان اهمیت و فواید و کارکردهای بررسی موضوع مقاله از لحاظ نظری و عملی مساله اصلی) ۱- بیان روشن و کامل مسئله و سوال یا سئوالات اصلی مقاله ۲- بیان اهداف (سوالات) مقاله و تنظیم مقاله در راستای حصول آنها نحوه سازماندهی مقاله) بیان نحوه سازماندهی مقاله در راستای پاسخ به سئوالات (یا تحقق اهداف مقاله)

### ۲. ادبیات موضوع و پیشینه (حداکثر پنج صفحه)

۱-۲. ادبیات نظری (چارچوب نظری، مبانی نظری، نظریه‌ها و ...) (حداکثر سه صفحه و نیم)

جامعیت و کاربردی بودن مطالب و نظرات ارائه شده؛ ارتباط منطقی ادبیات نظری با سئوالات و اهداف مقاله؛

ارائه الگوی مفهومی و یا چارچوب نظری مشخص و کارا برای مقاله

۲-۲. پیشینه پژوهش (حداکثر یک صفحه و نیم) کفایت مطالعات و مقالات پیشین مرتبط با موضوع؛ دسته بندی و ایجاد ارتباط منطقی بین نظریات و مطالعات پیشین؛ مرور پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده در مورد موضوع و مسئله تحقیق به نحوی که حداقل هشت تا ده مقاله علمی





پژوهشی و چند کتاب معتبر پنج سال اخیر مورد بررسی قرار گرفته و مهمترین یافته‌ها و روش هر یک در قالب جدولی ارائه شوند.

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین:

۳. روش پژوهش (حداکثر در دو صفحه) رعایت اصول روش تحقیق و چارچوب مقالات

علمی - پژوهشی: ۲- استفاده صحیح، متناسب و کارآمد از روش‌شناسی ادعا شده در مقاله: ۳-

نوآوری در روش و یا ابتکار در کاربرد روش‌های موجود: ۴- ارائه توضیحات کافی در مورد روش

تحقیق: ۴- بیان جزئیات ضروری روش‌شناسی مقاله

نوع تحقیق) تحقیق بنیادی، توسعه ای یا کاربردی است

استراتژی کلی تحقیق) کمی یا کیفی و در هر کدام از چه شیوه ای و ...

تعریف مفاهیم یا متغیرها) (نظری و عملیاتی) (مشخص کردن و ارائه تعریف روشن و صحیح

از متغیرها و مفاهیم کلیدی مقاله

روش‌های گردآوری داده‌ها) پیمایشی یا کتابخانه ای یا ...

روش‌های تحلیل داده‌ها

جامعه و نمونه) ۱- تعریف جامعه و نمونه مطالعه، ۲- روش نمونه‌گیری، ۳- حجم نمونه و

روش محاسبه ۴- روش

روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات) روش‌ها و آزمون‌های مورد استفاده و نتایج هر

کدام

مراحل انجام و به کارگیری روش) شرح مختصر و مفید روش گفته شده

توضیحات لازم در خصوص روش‌های جدید به نحوی که اولاً معرف روش بوده و ثانیاً بیانگر و

روشن‌کننده رویکرد استفاده شده باشد.

۴. یافته‌های پژوهش (حداکثر در شش صفحه مقاله) ۱- یافته‌ها برآمده از بکارگیری

روش‌شناسی و ادبیات نظری و مطالعات پیشین: ۲- استفاده به‌جا و به اندازه از جداول، اشکال و

الگوها به اقتضای مقاله: ۳- دسته‌بندی و ارائه منطقی یافته‌ها به تناسب اهداف و سوالات مقاله: ۴-

پوشش‌دهی یافته‌ها نسبت به سوالات و اهداف مقاله





## ۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱-۵. بحث) مقایسه یافته‌های مقاله با نتایج مطالعات پیشین و بیان دلایل شباهت و تفاوت آنها

با هم

۲-۵. نتیجه‌گیری) ۱- ارائه نتیجه‌گیری مشخص، مختصر و قابل استفاده ۲- ارتباط درست و

منطقی نتایج با یافته‌ها و اهداف مقاله

۳-۵. پیشنهادها) پیشنهادها مبتنی بر یافته‌های مقاله ۲- در راستای توسعه نظری و یا کاربردی

نتایج مقاله باشد. ۳- کاربردی و راهبردی بودن پیشنهادات: اولویت با ارائه پیشنهادات راهبردی می‌باشد

۶. منابع) استفاده از منابع معتبر و مقالات علمی و پژوهشی جدید مربوط به حداکثر ۵ سال

اخیر (حداقل ۶۰ درصد منابع)؛ رعایت اصول ماخذنویسی: استفاده کافی از منابع با توجه به موضوع

مقاله؛ تطبیق منابع با ارجاعات داده شده در متن؛ منابع به ترتیب حروف الفبایی شماره‌گذاری شده و

برای درج ابتدا منابع فارسی (در سه دسته به ترتیب مقاله‌ها، کتابها و منابع اینترنتی) و سپس منابع

لاتین (در سه دسته گفته شده قبلی) آورده شوند.

ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز به گونه‌ای که ابتدا نام خانوادگی مؤلف یا مؤلفان و

سپس سال انتشار و در نهایت شماره صفحه به این صورت آورده شود: (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۰) و

برای ارجاعات به منابع لاتین (Ahmadi, ۲۰۱۶, p ۲۰):

برای منابع با بیش از دو نویسنده، نام خانوادگی نویسنده اول و به جای نام سایر نویسندگان،

«همکاران» ذکر گردد؛ مانند: (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۰) و برای ارجاعات لاتین

(Ahmadi et al., ۲۰۱۶, p ۲۰)

۱-۶. منابع فارسی

۲-۶. منابع لاتین





## فهرست مطالب

- سخن سردبیر ..... ۹
- طراحی الگوی هویت انقلابی جوان دانشجو مبتنی بر دین و معنویت / علی اخترشهر ..... ۱۰
- ارزیابی تبلور سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم توسعه / علی یونسی ..... ۴۹
- نهضت جنگل و ایده شکل‌گیری حکمرانی اسلامی / علی باغدار دلگشا ..... ۹۴
- مؤلفه‌های حکمرانی در اندیشه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی / محمدرضا قائمی نیک، یحیی  
بودری نژاد، محمد عبیسی ..... ۱۲۳
- تأثیر عوامل استرس‌زای کاری بر دلبستگی شغلی (با تأکید بر نقش تعدیلگر مدت زمان  
استفاده از رسانه‌های اجتماعی) / مصطفی حیدری هراتمه ..... ۱۶۳
- تبیین بازتاب مؤلفه‌های فرهنگی حکمرانی اسلامی در کتب درسی دوره ابتدایی / زهرا  
برادران کاشی، علی باغدار دلگشا ..... ۱۹۴





## سخن سردبیر

به نام خدا

سپاس از خداوند متعال و بندگان عالم او. کسانی که به پرورش و نشر علم می پردازند. با وجود همه سختی ها در این مسیر، با قاطعیت وارد آن می شوند. حال که با یاری خداوند و توجه محبت آمیز نویسندگان گرامی، اولین شماره از فصلنامه علمی «مطالعات علوم انسانی و اسلامی» را منتشر نموده ایم، بر خود لازم می دانیم که از زحمات کلیه نویسندگان و عوامل فصلنامه تشکر به عمل آوریم. به یقین و به رغم تلاش بی وقفه همکاران، نخستین شماره ی فصلنامه خالی از نقص و کاستی نخواهد بود. امیدواریم محققان، اساتید و دانشجویان با بهره گیری از نظرات سازنده خود ما را در بارور ساختن بیش از پیش نشریه، هم در شکل و هم در محتوا یاری فرمائید. فصلنامه علمی «مطالعات علوم انسانی و اسلامی» با هدف ارائه تازه ترین یافته های علمی در خصوص اندیشه های رهبری انقلاب اسلامی و نظریه ها، مأموریت ها و کارکردهای انقلاب در زمینه علوم انسانی و اسلامی، آماده دریافت و بررسی مقالات محققان گرانقدر و اساتید محترم می باشد. در این راستا، از کلیه اساتید، صاحب نظران، کارشناسان، دانشجویان، محققان و علاقمندان از سراسر کشور دعوت می نماید مقالات و دستاوردهای علمی خود را برای انتشار به این فصلنامه ارسال نمایند. این مجله به دنبال آن است با فعالیت خود و با دریافت مقالات و انتشار آن به طور منظم، دستاوردهای علمی پژوهشگران کشور را به شکل شایسته ای در اختیار علاقه مندان قرار دهد.



## طراحی الگوی هویت انقلابی جوان دانشجو مبتنی بر دین و معنویت

علی اخترشهر\*<sup>۱</sup>

### چکیده

پس از انقلاب اسلامی، در بعضی از برهه‌ها اتفاقاتی روی داد که عده‌ای از جوانان با تحریکات خارجی و داخلی به خیابان‌ها ریختند و حوادثی در جامعه بروز کرد که معنویت و دین جوان دانشجو را به نشانه رفت. به این منظور، در یک تحلیل کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی، متن دو سند (اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) مطالعه شد. یافته‌های پژوهش در دو بخش عرضه شد: بخش اول، شامل داده‌های توصیفی و بخش دوم، شامل ارائه یافته‌ها و داده‌های کیفی است. ابتدا داده‌های توصیفی شامل شاخص‌های تعیین شده هویت انقلابی جوانان دانشجو در سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بیانیه گام دوم و سپس، مؤلفه‌های اصلی و ویژگی‌های آن شناسایی شد. برای ارائه

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: akhtarshahr@yahoo.com





یافته‌های پژوهش، از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند با حضور دوازده نفر از متخصصان و استادان دانشگاه استفاده شد و جدول‌های کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی مشخص شد. از این رو، طراحی الگوی هویت انقلابی جوانان دانشجو با تکیه بر سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بیانیه گام دوم تدوین شد. برای اطمینان از روایی پژوهش، گزارش نهایی تحلیل به پنج نفر از متخصصان دو سند داده شد تا پس از بازبینی، پیشنهادهایشان در مرحله کدگذاری باز، اعمال شود. همین گروه در مرحله بعدی، کدگذاری محوری را بررسی کردند و نظرات آنها در تدوین الگو به کار گرفته شد. نتایج تحلیل یافته‌ها نشان داد که مؤلفه‌های علم‌جویی، حساسیت اجتماعی، فهم عصری، آزادی دینی، ایمان پاک و استقامت، و انگیزه تمدنی مبتنی بر دین، می‌توانند مهم‌ترین شالوده طراحی الگوی هویت انقلابی جوانان دانشجو قرار گیرند.

#### کلیدواژه‌ها:

الگو، هویت انقلابی، هویت دینی، استاد، دانشجو، سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، بیانیه گام دوم.





## ۱. مقدمه و بیان مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی موجب تغییر در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی شد. در سطح ملی، انقلاب اسلامی الهام‌بخش الگویی از حاکمیت سیاسی موسوم به جمهوری اسلامی ایران شد که مبتنی بر ارزش‌های دین اسلام و متفاوت از الگوهای رایج در این روزگار بود. همین امر، نوعی جدیدی از هویت به نام «هویت انقلابی» را ایجاد کرد.

از طرفی، دولت‌ها سعی دارند شهروندان خود را مطابق ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، تعریف کنند. به عبارتی دیگر، آنها به نوعی از هویت باور دارند که برخاسته از ارزش‌های جامعه خود باشد و همین امر باعث شکل‌گیری هویت اجتماعی-دینی در جامعه می‌شود. این امر نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کند، بلکه به زندگی افراد جامعه معنا می‌بخشد. مهم‌ترین سؤال در باب هویت، این است که افراد یک جامعه از خود می‌پرسند که چه کسی هستند! (گل محمدی، ۱۳۸۰). امروزه گفتمان انقلاب اسلامی، بخشی از هویت افراد جامعه ایران شده است و در یک حرکت اجتماعی عمیق، هر فرد دارای رسالت و آرمانی بزرگ برای پیمودن مسیر انقلاب است. امروز در گام دوم، انقلابی‌گری پس از نظام‌سازی به دنبال هویت‌سازی و بازسازی هویت مجدد است. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی براساس این هویت‌سازی جدید دچار رکود و خموشی نشده و نمی‌شود و بر این باور است که می‌توان ضمن جوشش انقلابی، از نظم سیاسی و اجتماعی برخوردار بود و میان آن دو سازگاری ایجاد کرد.

از طرفی، نهاد تعلیم و تربیت و دانشگاه، در بیشتر کشورها کارکردهای اساسی دارد. دانشگاه‌ها نهادهایی هستند که چند کارکرد اساسی دارند. در واقع، «دانشگاه‌ها چندمنظوره و چند محصولی هستند که در ایجاد و انتقال ایدئولوژی، ایجاد باورها و ارزش‌ها، گزینش نخبگان و نخبه‌پروری، توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ارتقای آموزشی، تولید و کاربرد علم و دانش و آموزش نیروی کار ماهر و جوان، نقش اساسی دارند» (اندرز، ۲۰۰۴: ۳۷۱).

از مهم‌ترین کارکردهای دانشگاه، ایجاد فرهنگ دانشگاهی تأثیرگذار در جامعه، تربیت انسان‌ها و



هویت بخشی به آنهاست. کارانا یوسکین و کاردلیس<sup>۱</sup> معتقدند که هویت دانشگاهی نقش مهمی در عملکرد دانشگاهی و انگیزه پیشرفت جامعه دارد (والیما<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸: ۱۲۸) دانشگاه توان هویت سازی، احساسات و نگرش های مثبت و منفی در جامعه ایجاد می کند. این دانشگاه است که هویت فردی و گروهی جامعه، قدرت، تبعیض، نابرابری و سلسله مراتب منزلت و اعتبار عمل را ایجاد می کند (بقایی سرابی و اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۱۸۱). بوچر، هویت دانشگاهی را در چهارچوب فرهنگ دانشگاهی و اجتماعات تعریف می کند. وی مهم ترین کارکرد دانشگاه را تعیین و ایجاد نوع خاصی از هویت برای انسان دانشگاهی می داند (همتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹).

## ۱-۱. مسئله اصلی

نظام اسلامی به نسل آینده و آینده سازان ایران اسلامی دل بسته است. در واقع، آینده انقلاب متعلق به نسل جوان است؛ نسلی که برای ساختن ایران و پاسداری از آن تا پی ریزی تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور امام عصر<sup>علیه السلام</sup>، نیازمند جهادی بزرگ است. برای دستیابی به این اهداف آرمان ها با توجه به اهداف مندرج در سند اسلامی شدن دانشگاه و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نیاز به یک الگوی کامل و بی نقصی است که تربیت نیروی انسانی شایسته به ویژه جوانان و دانشجویان از طریق آن صورت گیرد. مسئله اصلی در این تحقیق، کشف و بهره مندی از این الگو است. الگویی پویا، اثربخش و هوشمند با تکیه بر سند اسلامی شدن که باید با درک عمیق مفاهیم فلسفی و مبانی نظری تحول بنیادین و با درک تحولات منطقه ای، ملی و جهانی، نسبت به شناسایی قوت ها و ضعف ها، فرصت و تهدیدها اقدام و با شناسایی منابع و امکانات، موانع، نیروهای پیش برنده و نیروهای بازدارنده همراه باشد تا چگونگی دستیابی به اهداف را ترسیم کند.

براین اساس، سؤال های اصلی پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. شاخص های تعیین شده هویت انقلابی جوانان دانشجو در سند اسلامی شدن و بیانیه گام دوم

کدامند؟

۱. Karanauskien & Kardelis

۲. Valima



۲. ابعاد و مؤلفه‌های اصلی تبیین شایستگی‌های هویت انقلابی با توجه به سند اسلامی شدن و بیانیه گام دوم کدامند؟

۳. براساس شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد شناسایی شده، الگوی هویت انقلابی جوانان دانشجو در سند اسلامی شدن و بیانیه گام دوم چگونه است؟

## ۲. ادبیات موضوع و پیشینه

### ۲-۱. مبانی نظری

#### الف) الگو

الگوها، افرادی را شامل می‌شوند که «تجسم امر خواسته» شده‌اند. برای مثال، اگر به دنبال مهربانی هستید، «الگو مهربان» کسی است که از وجودش (ذهن، فکر، گفتار و رفتار) مهربانی تراوش می‌کند. الگو، مرجع و ملاکی است که امکان مقایسه بین «آنچه هست» و «آنچه می‌تواند باشد» را فراهم می‌کند. الگوها، افراد زنده و حاضری هستند که با عملکرد و اقدامات خود، راه را برای دیگران آشکار و روشن می‌کنند.

وقتی از الگو صحبت می‌کنیم؛ یعنی باید سه عامل مهم در وجود هر شخصی باشد:

۱. مقبولیت: تفوق علمی، صلاحیت حرفه‌ای، شخصیت قابل احترام، نظم در گفتار و رفتار، متانت و وقار، ادب در مناسبات اجتماعی، آراستگی ظاهری، احساس مسئولیت، تسلط بر خود، خودشناسی و خداشناسی و انصاف و عدل را داشته باشد.

۲. محبوبیت: دوست‌داشتنی و دلنشین باشد، دارای صفای نفس و پاک از معایب باشد، فطرتی خدادادی و روح بلندی داشته باشد (بشیری، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

۳. موفقیت: از قوانین حاکم بر روح جوان دانشجوی خود که موضوع مباحث روان‌شناسی است، آگاه باشد تا توانایی همدلی با دیگران را بیابد. همچنین، با تکنیک‌های آموزشی و تربیتی آشنا باشد و با استفاده از روش‌های صحیح بتواند در بین الگوهای گوناگون، همچون الگوی لیبرال، الگوی غیردینی خود را مطرح کند (باقری، ۱۳۸۴: ۵۷).



## ب) جوان دانشجو

- **جوان:** مراد از «جوان»، لزوماً جوان ۲۲ ساله و ۲۵ ساله نیست، بلکه افزون بر آن، افرادی هستند که از تعهد برخوردارند و می‌توانند در نظام مدیریت کشور تحولی عظیم به وجود آورند (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۰۳/۰۱). جوان از منظر مقام معظم رهبری، انقلاب فردی است که رو به آینده دارد و متعلق به آینده است (نوروزی، ۱۴۰۰: ۵۳). وقتی می‌گوییم جوان دانشجو، یعنی جوانی که پس از اخذ دیپلم، وارد دانشگاه می‌شود و در محیطی غیر از محیط مدرسه، زیست اجتماعی دارد. بنابراین، وقتی می‌گوییم جوان دانشجو، یعنی جوانانی که وارد دانشگاه می‌شوند و نسبت به دوره دبیرستان از آزادی بیشتری برخوردارند.

- **دانشجو:** عوامل سازمانی مؤثر بر پیشرفت علمی جامعه به دو بخش تقسیم می‌شوند: عوامل درون سازمان‌های بیرون از دانشگاه‌ها و عوامل درون دانشگاه‌ها. از طرفی دانشگاه، محلی است که در آن با تقویت و باروری دانش همراه است و به عبارت دیگر، محل تربیت دانشجویانی است که علاوه بر کسب تخصص در رشته تحصیلی خود، از حیث تجارب و عقل بشری، از رهاورد وحی و دین نیز لااقل در آن رشته در حد تخصص برخوردار شوند و بتوانند از حیث ظاهر، عامل به ظواهر دینی باشند. بنابراین، دانشگاه کارکردهایی مانند فراگیری علوم، ترویج و تولید علم و حل مسائل مهم اجتماعی است که تلاش می‌کند از این طریق به تعلیم و تربیت دانشجویان بپردازد، تا به کارکردهای بالا نائل آیند. شورای عالی انقلاب فرهنگی، دانشجو را کسی می‌داند که در یکی از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی، غیردولتی و غیرانتفاعی مشغول به تحصیل علم و دانش باشد (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۸۰: ۱).

## ج) سند تحول بنیادین

ما در این پژوهش از دو سند «اسلامی شدن دانشگاه‌ها» و «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» بهره خواهیم برد:

- **سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها:** دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هر جامعه، نماد تفکر و علم آن جامعه محسوب می‌شوند و اصول جهان‌بینی و نظام اعتقادی و ارزشی یک جامعه را در خود متجلی



می‌سازند و با آموزش و تربیت متفکران و دانشمندان و مدیران آینده، سعی و تلاش دارند که در جهت بخشیدن به حرکت‌های گوناگون فکری، اعتقادی، علمی، فرهنگی و سیاسی جامعه ثمربخش واقع می‌شوند. بنابراین، دانشگاه‌های مختلف جهان، علاوه بر اشتراکاتی که با یکدیگر دارند، به اعتبار تعلقی که به جوامع خود دارند، از طریق بینش‌ها و ارزش‌های مختلفی که دنبال می‌کنند، واجد خصوصیتی هستند که آنها را از یکدیگر متفاوت و متمایز می‌کند (سند دانشگاه اسلامی، ۱۳۹۲/۰۴/۲۵).

جامعه ایران اسلامی که با انقلاب اسلامی خود رویکردی الهی و معنوی، جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلامی را مبنای زندگی و شئون گوناگون اجتماعی خود قرار داده، خواهان آن است که دانشگاه‌هایی متناسب با مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی داشته باشد تا هم بتواند در آن دانشگاه‌ها از مبانی و معیارهای خود، آگاهی و شناخت دقیق‌تری حاصل کند و هم با تربیت متفکران، دانشمندان و مدیران موفق بر وفق آن مبانی و معیارها مورد نظر، به ترویج و تعمیم آنها در کل جامعه اسلامی مبادرت کند.

**- بیانیه گام دوم:** این بیانیه در آستانه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی صادر شد. بیانیه از سویی به افق پیش رو و دهه‌های آینده توجه دارد که آرمان خود را تحقق حیات طیبه در سایه دین اسلامی می‌داند و از سوی دیگر، وضعیت گذشته و حال را مورد توجه قرار می‌دهد.

از نقاط مشترک این دو سند، توجه به جوان دانشجو و تحقق حیات طیبه (تمدن نوین اسلامی) است که این ویژگی‌ها می‌تواند در ساختن هویت انقلابی نقش بسزایی داشته باشد.

#### د) هویت

وقتی از هویت صحبت می‌کنیم، در واقع ویژگی یک فرد یا گروهی که در جامعه با هم همسانی دارند، مدنظر است. وقتی یک فرد ویژگی‌هایی دارد که با دیگران متمایز می‌شود، در این صورت می‌گوییم «هویت خود» یا «هویت خویش». یک زمانی نیز افرادی به‌هم پیوسته ویژگی‌هایی دارند که با دیگر گروه‌ها متمایز می‌شوند، از جمله ویژگی‌های قومی، زبانی یا قبیله‌ای (بایرون، ۱۹۹۷، فکوهی، ۱۳۸۰: ۶۳-۶۴).



هویت به معنای «یکی شدن» و «یکی شدن خود» مطرح است. هویت از نظر جامعه‌شناسی به معنی «یکی شدن با خود و دیگران» محسوب می‌شود که نشان‌دهنده هویت فردی و اجتماعی آن شخص است (اریکسون، ۱۹۸۰: ۱۹۰). بنابراین، هویت دو جزء دارد: «یکی شدن خود» و «مشارکت با دیگران در بعضی از رفتارها». این هویت است که نقش‌های اجتماعی را به فرد القا می‌کند یا وضعیتی به وجود می‌آورد که به فرد می‌گوید او کیست و چیست (بورک، ۱۹۹۱: ۸۳۷).

در هویت دو خصیصه وجود دارد: استمرار و تمایز با دیگران. به عبارتی، فردیت فرد به‌سادگی تغییر نمی‌کند و همواره خود را در کنار «دیگری نبودن» می‌یابد (عاملی، ۲۰۰۲). همین امر باعث تمایز با دیگران می‌شود. همچنین، این نگاه باعث می‌شود که او بفهمد چه کسی است و با دیگران چه فرقی دارد. بنابراین، این هویت است که همواره تلاش می‌کند یک مفهوم ارتباطی و تعاملی با دیگران برقرار کند (بارت، ۱۹۶۹). به این معنا که به‌وسیله تشابه‌ها و تفاوت‌هایی که با دیگران دارند، شناخته می‌شوند. هویت خود به سه نوع تقسیم می‌شود: هویت اجتماعی، هویت دینی و هویت انقلابی. هویت اجتماعی، تصور افراد از خود بر حسب گروه‌هایی است که در آنها عضویت دارند و همچنین میزان تعلق و تعهد آنها نسبت به این عضویت است (تاجفل، ۱۹۷۸؛ فینی، ۱۳۸۰). هویت دینی، نوعی از هویت اجتماعی است که در محتوا و ظرف دین خاص و با توجه به جامعه آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، وقتی از هویت دینی صحبت می‌شود؛ یعنی نظام فرهنگی (باورها، ارزش‌ها، هنجارها و مناسک) همواره یک «ما»ی جمعی را حول خود به وجود می‌آورد که اجتماعی غیرقلمرویی یا غیرسرزمینی است. در اسلام به آن امت می‌گویند (طالبان، ۱۳۸۴: ۵۴۶-۵۲۳).

هویت انقلابی، نوعی دیگر از هویت اجتماعی است که براساس گفتمان انقلاب اسلامی به وجود آمده است. از یک طرف، این هویت یک هویت اجتماعی است، زیرا در جامعه ایران نمود دارد و از طرفی دیگر، هویت دینی است، زیرا برگرفته از مبانی اسلام ناب است. مطابق این معنی، دین اسلام به‌عنوان پشتوانه نظری انقلاب اسلامی، نقشی بی‌بدیل در ترسیم آرمان انقلاب اسلامی دارد که همانا رسیدن به افق تمدن نوین اسلامی است. مهم‌ترین ویژگی‌های هویت انقلابی عبارتند از:

۱. برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک در یک جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد.
۲. مذهب در تمامی ابعاد، منبعی مهم برای هویت و معنا بخشی در جهان و جامعه می‌شود.



۳. هویت انقلابی توان بسیج سیاسی توده‌ها را دارد و عاملی بسیار مهم در وحدت افراد جامعه به‌شمار می‌رود.

۴. هویت انقلابی که برگرفته از هویت دینی است، «فرایند پاسخگویی آگاهانه و هوشمندانه یک ملت به جهان‌بینی، ایدئولوژی، تعالیم دینی و مذهبی آن است که از این طریق می‌توانند مناسک و مراسم مذهبی متناسب با اعتقادات ملی، دینی و مذهبی در جامعه اسلامی را نهادینه کنند. وجود مذهب علاوه بر اینکه از لحاظ کارکردی عاملی بسیار مهم در روابط اجتماعی یک جامعه به‌شمار می‌رود، موجب دلگرمی و سرزندگی، امید و نشاط و اشتیاق عمومی افراد جامعه می‌شود و این امر با مضامین ملی از جمله آداب و رسوم، دولت، تاریخ و میراث فرهنگی در آمیخته است تا باعث تمایز و تفاوت جوامع از یکدیگر شود» (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۹۷-۱۲۷).

۵. هویت انقلابی، هویت خود را از هویت دینی می‌گیرد. هویت دینی در یک جامعه از یک سو شامل پای‌بندی افراد یک جامعه به جوهر دین و ارزش‌های دینی و از سوی دیگر، بیان‌کننده دلبستگی جمعی و عمومی افراد یک جامعه به شعائر، مناسک و نهادهای دینی و مذهبی است. از کارکردهای هویت دینی می‌توان به بُعد عملی آن اشاره کرد که همانا مشارکت و تمایل عملی انسان‌ها به ظواهر، آیین‌ها، مراسم مذهبی و دینی را دربر می‌گیرد. «در جامعه ایران اسلامی همه عناصر مختلفی در شکل‌گیری هویت دینی مردم تأثیر دارند که از آن جمله می‌توان به قرآن به‌عنوان کتاب انسان‌ساز مسلمانان، سیره انبیا و ائمه اطهار، ادعیه، مناجات‌ها، اماکن مقدس مذهبی مانند زیارتگاه‌ها، مساجد و امامزاده‌ها، مراسم و مناسک مذهبی مانند نماز و روزه و آیین‌های محرم و شب‌های قدر در ماه مبارک رمضان ... اشاره کرد که هر یک به‌نوعی در شکل‌گیری هویت انقلابی تأثیر بسزایی دارند» (همان).

نکته قابل توجه اینکه واژه «هویت انقلابی» به‌تازگی در عصر معاصر، آن هم در اندیشه‌های مقام معظم رهبری استعمال شده است. این واژه در صورت به هویت اجتماعی و در سیرت به هویت دینی برمی‌گردد. ایشان معتقدند: «عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن، اینها آن اجزای ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی هستند. اگر این بخش‌های اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمی‌کند؛ خیلی اثری

نمی‌بخشد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دل‌مان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴). ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «اصلاحات جزء ذات هویت انقلابی و دینی نظام ماست. اگر اصلاح به صورت نو به نوانجام نگیرد، نظام فاسد خواهد شد و به بیراهه خواهد رفت» (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹). همین‌طور می‌فرمایند: «هویت انقلابی مبتنی بر تفکر درست و منطق صحیح است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۰۴/۲۵).

## ۲-۲. پیشینه پژوهش

یکی از نکات مهم در این پژوهش، فقدان یا کمبود ادبیات موضوع در مسئله مورد تحقیق است. اگرچه تاکنون بحث‌ها، مقالات و تفسیرهای فراوانی درباره هویت، دانشگاه و سند اسلامی شدن گفته و نوشته شده است، اما مدل الگوی هویت انقلابی دانشجویان که با تکیه بر سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها ارائه شده باشد، کمتر بوده است. آنچه در این بخش بررسی می‌شود، مرور بخشی از تحقیقات مشابه در قلمرو موضوعی این پژوهش است.

جدول شماره ۱: خلاصه‌ای از مطالعات پیشین در مورد هویت

نویسنده (گان) و روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
کارانا یوسکین و کاردلیس (۲۰۰۵)، به روش پیمایشی	رابطه بین هویت دانشگاهی و دستاوردهای علمی	هویت دانشگاهی با جنسیت، شرایط زندگی و محیط دانشجویان رابطه دارد.
یلیجوک و یورسین (۲۰۱۳)، به روش توصیفی - کتابخانه‌ای	ساختار هویت دانشگاهی در تغییرات آموزش عالی فنلاند	به این نتیجه رسیدند که هویت دانشگاهی با توجه به تغییرات ساختاری و مدیریتی در آموزش عالی، به‌طور فزاینده‌ای در حال متنوع شدن و قطبی شدن است.
کلیگ (۲۰۰۵)، به روش توصیفی - اسنادی و	هویت دانشگاهی در معرض خطر	هویت دانشگاهی به‌صورت فعالانه‌ای در پاسخ به تغییرات ساختار دانشگاه و محیط



نویسنده (گان) و روش استفاده شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
کتابخانه‌ای		خارجی شکل گرفته است و توسعه می‌یابد.
مهرام و همکاران (۱۳۸۵)، به روش توصیفی - همبستگی	بررسی تحولات هویت علمی	مؤلفه‌های استاد و دانشجو بر هویت علمی به‌گونه‌ای است که منجر به کسب تجارب ضدتربیتی شده و بر هویت علمی دانشجویان تأثیر منفی داشته است.
اسماعیلی (۱۳۸۸)، به روش غیرآزمایشی از نوع پیمایشی	بررسی عوامل مؤثر بر هویت دانشگاهی دانشجویان دانشگاه آزاد	میزان سرمایه اجتماعی، فرهنگ دانشگاهی و انگیزه تحصیلی، در هویت دانشگاهی تأثیرگذار بوده است.
مهاجری (۱۳۸۹)، ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده سپس اعتبار و پایایی آن (از طریق آلفای کرونباخ) برآورد شده است.	بررسی و مقایسه وضعیت هویت دانشگاهی و پیامدهای آن در دانشگاه الزهراء <small>علیها السلام</small> و علامه طباطبائی	میزان جذب و ادغام دانشجویان هر دو دانشگاه در هویت دانشگاهی با نمره بالاتر از متوسط است.
دارابی (۱۳۸۶)، به روش توصیفی - اسنادی	تعیین نوع هویت در نوجوانان ایرانی	بررسی انواع هویت فردی، مذهبی، قومی، ملی و تأثیر آنها بر یکدیگر
وزارت کشور (۱۳۸۴-۱۳۸۵)، به روش توصیفی - اسنادی	بررسی الگوهای هویتی جوانان، پیمایش ملی	بررسی هویت در سه بُعد قومی، مذهبی، ملی و تأثیرگذاری بر یکدیگر
چلبی (۱۳۸۰)، به روش تحقیق پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه	هویت قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای	بررسی رابطه عناصر نمادین هویت ملی، احساس تعهد به هویت قومی و ملی
اخترشهر (۱۳۸۶)، به روش توصیفی - اسنادی	ابعاد و عناصر هویت دینی دانشجویان	هویت دانشجویان از درون سرچشمه می‌گیرد.



نویسنده(گان) و روش استفاده شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
چاووشیان (۱۳۸۱)، به روش توصیفی - اسنادی	سبک زندگی و هویت اجتماعی	موقعیت ساختاری و تأثیرگذاری برسبک زندگی

در مورد پیشینه پژوهش باید گفت که عمده تحقیقات انجام شده در زمینه هویت اجتماعی است. هویت اجتماعی، برداشت فرد از خود براساس میزان شناخت و آگاهی از عضویت در یک گروه اجتماعی همراه با ملاحظات ارزشی و احساسی مرتبط با آن است. بنابراین، سه عنصر در هویت اجتماعی نقش دارد: ۱. عنصر ارزشی که به معنای محاسباتی است که فرد از پیامدهای مثبت و منفی عضویتش در گروه دارد؛ ۲. عنصر عاطفی یا احساسی، که ناظر به احساساتی است که فرد نسبت به گروه و افراد دیگری دارد که رابطه‌ای ویژه با آن گروه دارند؛ ۳. عنصر شناختی، که نوعی هم‌ذات‌پنداری در آن شکل می‌گیرد که فرد خودش را از لحاظ اجتماعی و فرهنگی به جمع، موفقیت‌ها و شکست‌هایشان وابسته می‌داند. اما آنچه این پژوهش را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌کند، بحث از هویت انقلابی است که در درون خود از هویت اجتماعی و دینی برخوردار است. به عبارت دیگر، هویت انقلابی به نوعی هویت اجتماعی یا هویت دینی است، ولی همه آن هویت‌ها نیست، بلکه هویت انقلابی در خود ویژگی‌هایی دارد که خود را در صورت به هویت اجتماعی و در سیرت به هویت دینی نزدیک می‌کند.

آنچه در اینجا بر آن تأکید می‌شود، «هویت انقلابی» و حاصل مجموعه‌ای از رفتارهای شکل گرفته است که فرد آن را در جامعه و دانشگاه آموخته است. براین اساس، «هویت انقلابی» تبلور ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات یک جامعه است که با وقوع انقلاب اسلامی مورد پذیرش افراد جامعه قرار می‌گیرد (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۸۱).

بنابراین، آنچه در پیشینه این پژوهش‌ها به آن توجه یا نکرده‌اند یا کمتر توجه کرده‌اند، بحث هویت انقلابی است. هویت انقلابی، فرایند پاسخگویی آگاهانه و هوشمندانه یک ملت به جهان‌بینی، ایدئولوژی، تعالیم دینی و مذهبی و ویژگی‌های مناسک و مراسم مذهبی متناسب با اعتقادات دینی و مذهبی خودشان است که با وقوع انقلاب اسلامی شکل گرفته است (اخترشهر، همان: ۱۰۲).



از طرفی، هویت انقلابی از هویت دینی بهره می‌برد. هویت دینی در یک جامعه از یک سو شامل پابندی افراد به جوهر دین و ارزش‌های دینی و از سوی دیگر، بیان‌کننده دلبستگی جمعی و عمومی افراد یک جامعه به شعائر، مناسک و نهادهای دینی است. همچنین، بُعد عملی نیز دارد که بی‌شک مشارکت و تمایل عملی انسان‌ها به ظواهر آیین‌ها و مراسم مذهبی و دینی را دربر می‌گیرد.

## ۲-۳. وجه نوآوری پژوهش حاضر نسبت به مطالعات پیشین

در این پژوهش برخلاف پژوهش‌های پیشین که بیشتر به مزایا، معایب، درصد آگاهی استادان نسبت به سند اسلامی شدن و بیانیه گام دوم یا به توصیف الگوهای مختلف هویتی با تأکید بر اسناد بالادستی پرداخته‌اند، به این لایه معنایی تأکید دارد که بهره‌مندی از الگویی پویا، اثربخش و هوشمند در طراحی الگوی هویت انقلابی با تکیه بر دو سند، باید با درک عمیق مفاهیم فلسفی، مبانی نظری تحول بنیادین و درک تحولات منطقه‌ای، ملی و جهانی نسبت به شناسایی قوت‌ها و ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، اقدام با شناسایی منابع و امکانات و موانع همراه باشد تا چگونگی دستیابی به تحقق اهداف مندرج در دو سند را ترسیم کند. لذا این پژوهش از دو ویژگی منحصر به فرد بهره می‌برد: الف) تلاش برای تبیین هویت انقلابی؛ ب) احصای هویت انقلابی در دو سند بالادستی مانند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

## ۳. روش‌شناسی پژوهش

ساختار پژوهش حاضر به این صورت است که ابتدا مبانی نظری پژوهش در قالب چهار بخش «الگو»، «هویت دینی»، «دانشجویان» و «سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بیانیه گام دوم» به صورت مختصر مرور شده و پس از بیان پیشینه تحقیق و نیز جزئیات روش تحلیل کیفی و کدگذاری محوری «استراوس و کوربین»، یافته‌های پژوهش در هفت مؤلفه علم‌جویی، حساسیت اجتماعی، فهم عصری، آزادی دینی، ایمان پاک و استوار، استقامت و انگیزه تمدنی مبتنی بر دین، از طریق استناد به اظهارات مصاحبه‌شوندگان تشریح می‌شود. در ادامه با توجه به یافته‌های پژوهش، مدل هویت انقلابی دانشجویان تبیین و در نهایت، پیشنهادهایی ارائه می‌شود.



به منظور تدوین چهارچوبی منطقی و مبتنی بر اهداف بیان شده، در سؤال‌های اول و دوم از روش تحلیل محتوای کیفی (الگوی استنتاجی) و در سؤال سوم از شیوه «گراندد تئوری» استفاده می‌شود. ایده اصلی گراندد تئوری یا نظریه زمینه‌ای، این است که به جای استفاده از داده‌ها برای آزمون فرضیه‌های حاصل از ادبیات پژوهش مربوط به موضوع که در تحقیقات کمی استفاده می‌شود، از گزارش‌های کلامی افراد در مورد تجربه‌های خود به عنوان داده استفاده شود. در این پژوهش نیز داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با متخصصان تعلیم و تربیت گردآوری و سپس طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی که شیوه مورد استفاده در این نوع پژوهش است، اجرا می‌شود.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱. جامعه و روش نمونه‌گیری

جامعه تحقیق، سند تحول بنیادین و مصاحبه با دوازده نفر از متخصصان و استادان دانشگاه است که مصاحبه تا زمان اشباع داده‌ها ادامه می‌یابد. برای نمونه‌گیری از تکنیک گلوله برفی استفاده شد. به عبارت دیگر، پژوهشگر برای دسترسی به داده‌های غنی‌تر از کمک شرکت‌کنندگان برای انتخاب افرادی که می‌توانند داده‌های بیشتری در اختیار او قرار دهند، استفاده می‌کند (هنینک و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۱۱). مهم‌ترین معیار پژوهشگران برای انتخاب نمونه تحقیق عبارتند از: کارشناس سند بودن، مدرس درس معارف اسلامی، داشتن مدرک دکتری، تدریس در دانشگاه و معلمان آموزش و پرورش، به‌ویژه کسانی که سند بیانیه گام دوم را در کلاس درس دانشگاه تدریس کردند.

جدول شماره ۲: مشخصات اعضای شرکت‌کننده در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته

کد مشارکت‌کننده	جنسیت	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	محل اشتغال	سابقه خدمت	ویژگی‌های برجسته‌ای که باعث انتخاب شده است
۱	مرد	دکتری	فلسفه و کلام	دانشگاه دولتی	۱۲ سال	استاد دانشگاه، مدرس و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم



کد مشارکت کننده	جنسیت	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	محل اشتغال	سابقه خدمت	ویژگی‌های برجسته‌ای که باعث انتخاب شده است
						انسانی
۲	مرد	دکتری	جامعه‌شناسی	دانشگاه پیام نور	۱۵ سال	استاد دانشگاه، مدرس و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم انسانی
۳	مرد	دکتری	معارف اسلامی	دانشگاه آزاد اسلامی	۱۷ سال	استاد دانشگاه، مدرس و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم انسانی
۴	زن	دکتری	تاریخ و تمدن	دانشگاه غیرانتفاعی	۱۰ سال	استاد دانشگاه، مدرس و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم انسانی
۵	زن	دکتری	علوم قرآنی	دانشگاه دولتی	۱۲ سال	استاد دانشگاه، مدرس و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم انسانی
۶	مرد	دکتری	علوم سیاسی	دانشگاه پیام نور	۱۵ سال	استاد دانشگاه، مدرس و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم انسانی

کد مشارکت کننده	جنسیت	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	محل اشتغال	سابقه خدمت	ویژگی‌های برجسته‌ای که باعث انتخاب شده است
۷	مرد	دکتری	فلسفه تعلیم و تربیت	دانشگاه آزاد اسلامی	۱۶ سال	استاد دانشگاه، مدرس و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم انسانی
۸	زن	دکتری	مکانیک غیرانتفاعی	دانشگاه غیرانتفاعی	۱۳ سال	استاد دانشگاه، مدرس و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم انسانی
۹	زن	دکتری	عمران	دانشگاه دولتی	۱۵ سال	استاد دانشگاه، مدرس و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم انسانی
۱۰	مرد	دکتری	معماری	دانشگاه پیام نور	۲۲ سال	استاد دانشگاه، مدرس و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم انسانی
۱۱	زن	دکتری	کامپیوتر	دانشگاه آزاد اسلامی	۱۸ سال	استاد دانشگاه، مدرس و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم انسانی
۱۲	زن	دکتری	شیمی	دانشگاه	۱۴ سال	استاد دانشگاه، مدرس



کد مشارکت کننده	جنسیت	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	محل اشتغال	سابقه خدمت	ویژگی‌های برجسته‌ای که باعث انتخاب شده است
				غیرانتفاعی		و صاحب تألیف و مقالات در حوزه علوم انسانی

#### ۴-۲. بررسی روایی پژوهش

در تحلیل، چندین بار سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بیانیه گام دوم مطالعه شد. همچنین براساس معیارهای ارائه شده توسط کرسول و همکاران (۲۰۰۰)، برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، گزارش نهایی مرحله نخست فرایند تحلیل و مقوله‌های به دست آمده از آن، به سه نفر از متخصصان سند و یک نفر کارشناس تعلیم و تربیت داده شد تا پس از بازبینی، پیشنهادهایشان در مرحله کدگذاری باز اعمال شود. سپس، همین گروه در مرحله بعدی، کدگذاری محوری را بررسی کردند و از نظرات‌شان در تدوین الگو استفاده شد. در مصاحبه، با توجه به هدف پژوهش، از پرسش‌های زیر به منظور کشف و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها استفاده شده است:

۱. لطفاً بفرمایید وقتی با مفهوم دانشجوی ارزشی مواجه می‌شوید، چه نکاتی مورد توجه شما قرار می‌گیرد؟

۲. یک تعریف از دانشجوی با هویت انقلابی ارائه کنید.

۳. به نظر شما، دانشجویان باید چه هویت‌هایی داشته باشند؟

۴. هویت‌های مورد نظر شما چگونه دسته‌بندی می‌شوند؟

۵. شاخص‌های هویت انقلابی در دو سند چگونه است؟

۶. جوانان دانشجوی با توجه به دو سند، باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟

۷. آیا ویژگی‌های مطرح شده در دو سند در مورد هویت انقلابی جوانان دانشجو می‌تواند به صورت

یک الگو در مقایسه با الگوهای غربی مطرح شود؟



دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، خواهان جوان دانشجوی با هویت انقلابی است که از اقتدار، قابلیت‌ها، شایستگی‌ها و مهارت‌های متعدد برخوردار باشد. به همین دلیل، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های جوان دانشجوی با تأکید بر دو سند می‌تواند انتظاراتی را که از جوان دانشجوی می‌رود، شفاف‌تر کند و موجب حرکت‌های مبتنی بر تسریع فعالیت‌ها از سوی متولیان و برنامه‌ریزان نظام تعلیم و تربیت شود.

به‌منظور دستیابی به این اهداف و پاسخگویی به سؤال‌های تحقیق و تنظیم مفاد فرم مصاحبه و اجرای آن، اطلاعات جمع‌آوری و طبقه‌بندی شدند. پس از اجرای کار و تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه، مدل در قالب چهارچوب بومی شده‌ای متشکل از ۶ مؤلفه اصلی، ۱۹ مؤلفه فرعی و ۱۴۱ شاخص به دست آمد. در ادامه به‌منظور پاسخگویی به سؤال‌ها، یافته‌های پژوهش در جدول‌ها و نمودارها به‌صورت کدگذاری باز، کدگذاری محوری و سرانجام، کدگذاری انتخابی مربوط به داده‌های به‌دست‌آمده ارائه شد.



- سؤال اول: ابعاد هویت انقلابی جوان دانشجو در دو سند (اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) کدامند؟



شکل شماره ۱: شاخص‌های هویت انقلابی در سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بیانیه گام دوم

- سؤال دوم: مؤلفه‌های اصلی تبیین شایستگی هویت انقلابی جوان دانشجو با توجه به دو سند (اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) کدامند؟

با بررسی و تحلیلی که در متن دو سند انجام شد، هویت انقلابی جوان دانشجو به شش مؤلفه

تقسیم می‌شود:





شکل شماره ۲: هویت انقلابی جوان دانشجو

شش اصل هویت انقلابی مبتنی بر معنویت و دین، عبارتند از:

۱. علم جویی، اولین اصل هویت ساز انقلابی دانشجو: علم به معنی اقدامات قاعده مند برای توسعه و سازماندهی هدفمند اطلاعات ارزشمند جهان است که در قالب تفسیرهای قابل آزمایش و پیش بینی هایی درباره جهان، صورت می گیرد. علم و دانش، آگاهی و معرفت او را به جایی می رسانند که حتی فرشتگان هم به آن دست نمی یابند. هرچه دانایی انسان بیشتر شود، نقش رهبری او در زندگی پررنگ تر می شود.

جدول شماره ۳: علم جویی، اولین اصل هویت ساز انقلابی دانشجو

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	مرجع و نمونه مصاحبه
علم جویی	شایسته سالاری در پذیرش دانشجو	اختراع و ابداع، حل مشکلات جامعه	مشارکت دانشگاه در مدیریت و سیاست گذاری علمی (۵)
	طرح نقادانه مسائل	دانش محتوای اصلی، دانش زمینه تربیتی، دانش محتوای	فعال کردن تشکل های دانشجویی و اجتناب از توجه به ظاهر (۴)
			سرآمد در انگیزه های جهادی میان



کد انتخابی	کد محوری	کد باز	مرجع و نمونه مصاحبه
		تعلیم و تربیت و دانش برنامه درسی	جوانان و سرآمد در جمعیت جوان کارآمد است (بیانیه گام دوم)
	جنبش نرم‌افزاری	سواد اطلاعاتی دیجیتال، پویایی و حرکت به سوی توسعه و مهارت حل مسئله	تمرکز بر توانایی و تخصص (۷) زمام اداره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن، انقلابی، دانا و کاردان، که بحمدالله کم نیستند، سپرده شود (بیانیه گام دوم)
	روحیه پژوهشگری	خلاقیت و نوآوری، حل مسئله و تفکر انتقادی، ارتباطات و همکاری	بی توجه بودن به مدرک و مدرک‌گرایی (۱) تعهد استاد به یادگیری دانشجویان، جذب استادان و معلمان کارآزموده در هیئت علمی (۱۲)، انجام مطالعات و بررسی‌های علمی و تاریخی برای شناخت موارث و مفاخر عملی، فرهنگی، تاریخی و معاصر در تقویت هویت اسلامی و ملی (سند دانشگاه: ۷-۳)

نخستین عنصر اصلی دانشجوی، علم‌ورزی و علم‌جویی است. «دانشجوی باهویت انقلابی، فردی است با انگیزه بالایی از دانش‌طلبی، کسب علم و ارتقای توان بینشی و اندیشه خود؛ هم در جهت افزایش حجم اطلاعات علمی و دانشگاهی خود و هم در بهینه‌سازی اطلاعات و عمق بخشیدن به آن؛ یعنی تلاش توأمان کمی و کیفی در رشته تخصصی خود و هر آنچه می‌تواند مشکلات جامعه را کم کند» (اخترشهر؛ همان). آنچه در مقابل این ویژگی‌ها، از نشانه‌های دانشجویانما به حساب می‌آید، آن است که وی به دنبال مدرک‌گرایی است و بیشتر برای کسب مدارج و مدارک کاغذی تلاش می‌کند



تا سواد و علم. وی علم‌آموزی را با این هدف دنبال می‌کند که نفع اقتصادی یا منافع مادی و دنیوی بیشتری کسب کند. در حالی که اگر هویت انقلابی در ذهن و رفتار دانشجو شکل بگیرد و این هویت مبتنی بر دین و معنویت باشد، در آن صورت است که علم‌آموزی به‌عنوان یک هویت در نهاد جامعه و دانشگاه شکل خواهد گرفت. از این رو، همین امر می‌تواند آسیب‌های علم‌آموزی را برطرف کند.

## ۲. حساسیت اجتماعی، دومین اصل هویت‌ساز انقلابی دانشجو: حساسیت اجتماعی،

توانایی یک فرد در شناسایی و درک سیگنال‌ها و زمینه‌های تعاملات اجتماعی است. در هر جامعه‌ای کمابیش رفتارهای ناهنجار و خلاف اخلاق و قانون وجود دارد و طبعاً جامعه‌ای بدون وجود این‌گونه رفتارها دیده نمی‌شود. در این میان، در برخی جوامع به هر دلیل چنین رفتارهایی بیشتر است و باید برای کاهش آن فکری کرد و برنامه‌ای داشت، اما ارائه چنین فکر و برنامه‌ای مستلزم وجود حساسیت است. اگر حساسیتی در برابر مشاهده این رفتارها نباشد، طبعاً جامعه گامی را برای اصلاح آن رفتارها برنمی‌دارد.<sup>۱</sup>

جدول شماره ۴: حساسیت اجتماعی، دومین اصل هویت‌ساز انقلابی دانشجو

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	مرجع و نمونه مصاحبه
حساسیت اجتماعی	حساسیت نسبت به مسائل جامعه	دفاع از مردم، دفاع از دین، دفاع از نهادهای انقلابی، مشکلات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی	صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان، استاد، دانشجو، زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی، جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد (بیانیه گام دوم)
	دفاع از قانون اساسی و	حمایت از قانون، قانون‌مداری، قانون‌محوری و رعایت قانون و	از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند (بیانیه گام دوم)



کد انتخابی	کد محوری	کد باز	مرجع و نمونه مصاحبه
	ولایت فقیه	رعایت نظم در دانشگاه	
	تعهد به آرمان‌های اسلامی و ایرانی	دفاع از رهبری، حمایت و گوش‌به‌فرمان رهبری بودن، دفاع از مردم، دفاع از اسلام و اندیشه اسلامی	نماز، حج، روزه‌داری، پیاده‌روی زیارت، مراسم گوناگون دینی، انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت (بیانیه گام دوم)

دانشجویی با هویت انقلابی باید نسبت به مسائل اساسی جامعه و حوزه پیرامونی دانشگاه، باانگیزه و حساس باشد. حساسیت دانشجو نسبت به جامعه، یک ضرورت اساسی در عصر جدید به‌شمار می‌آید. اگر دانشجو نسبت به مسائل اساسی جامعه حساسیت نداشته باشد، وی را از دنیای پیرامونی جدا می‌کند و نمی‌تواند درک درستی از جامعه پیرامونی خود داشته باشد.

وقتی از حساسیت صحبت می‌کنیم، مراد دفاع از کشور و قانون اساسی آن است. وقتی دانشجو درک درستی از جامعه داشته باشد، می‌تواند مشکلات و معضلات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه را حل کند. لذا این هویت انقلابی اوست که وادارش می‌کند در امور جامعه و حل مشکلات آن دخالت کند؛ و این یکی از نشانه‌های بیداری دانشجوی انقلابی خواهد بود. این بیداری و آگاهی زمانی حاصل می‌شود که هویت انقلابی دانشجوی جوان شکل گرفته باشد و بتواند او را در این راه هدایت کند.

**۳. فهم عصری، سومین اصل هویت‌ساز انقلابی دانشجو:** عزم جدی و اراده قوی زمانی راهگشاست که به دنبال آن، فرد موقعیت و وظیفه خود را به‌خوبی بشناسد. برای پی بردن به اینکه در موقعیت‌های مختلف چه باید کرد، باید شرایط را در نظر گرفت و براساس آن تصمیم گرفت و عمل کرد. انسان حتی در کاری که برای خود انتخاب می‌کند، باید بصیرت لازم را در کار خود به کار برد و براساس اهمیت کار و میزان ضرورت، به آن پردازد. انسان برای انتخاب کاری که بر عهده می‌گیرد، باید در درون خود به این باور برسد که اهمیت این کار از سایر کارها بیشتر است تا بتواند در نزد خداوند حجت داشته باشد. پس، تشخیص وظیفه، یک مرحله مهم در کسب بصیرت است.



جدول شماره ۵: فهم عصری، سومین اصل هویت‌ساز انقلابی دانشجوی

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	مرجع و نمونه مصاحبه
فهم عصری	تشخیص وضع موجود	درک زمانه، داشتن تحلیل درست، درک مشکلات جامعه و درک فرهنگ جامعه	پردازش مسائل و مشکلات کشور و نقد مسائل سیاسی کشور (۴) آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد (بیانیه گام دوم)
	تشخیص وضع مطلوب	راه‌حل برای مشکلات، توسعه کشور و درک آرمان‌های انقلاب اسلامی	بالا بردن سطح آگاهی دانشجویان نسبت به مسائل روز (۹)
	تشخیص و توان تحلیل مسائل جامعه	تشخیص درست، دشمن‌شناسی، آمریکاستیزی، فشار اقتصادی و تحریم‌ها	دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها (بیانیه گام دوم)

فهم مقتضیات عصر خود، از پایه‌های تشکیل دهنده هویت انقلابی دانشجوی است. یک دانشجوی در صورت درک درست و تحلیل عالی از اتفاقات پیرامونی خود، می‌تواند معضلات و مشکلات جامعه را حل کند. این درک درست و قدرت تشخیص در مسائل ملی و فراملی را «فهم عصری» می‌گویند. لذا دانشجوی باید عالم به زمانه خود باشد و از بصیرت عالی برخوردار باشد. درک درست و داشتن بصیرت، باعث شکل‌گیری هویت انقلابی در وی می‌شود و این حاصل توجه به ابعاد دین و معنویت است.

۴. آزادگی دینی، چهارمین اصل هویت‌ساز انقلابی دانشجوی: وقتی از آزادگی صحبت می‌کنیم، مراد آزادگی، در درون به زندگی اخلاقی ما و در بیرون به گزینش از میان چند گزینه که معرف حیات ما است، برمی‌گردد. آزادی، بالعکس به جنبه‌های فیزیکی مربوط می‌شود؛ مانند اینکه درون زندان باشیم یا بیرون آن. به عبارت صریح‌تر، با این تعریف اخلاقی، معنوی و فلسفی، انسان



حتی در زندان نیز «آزاد» است، زیرا اگرچه آزادی فیزیکی خود را از دست داده، هنوز آزاد است. کلمه «آزادگی» در لغت‌نامه دهخدا، حریت، جوانمردی، اصالت، نجابت، شرافت، مروت و... تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۲۵، ج ۱: ۸۳). معمولاً واژه «آزادگی» در کنار آزادی به کار می‌رود، ولی این دو تفاوت‌های اساسی با هم دارند. «آزادی» در مقابل بردگی است و در اصطلاحی حقوقی، به معنای «رهایی تن از اسارت و نیز خلاصی از تنگناها و سختی‌های زندگی و انتخاب آگاهانه مسیر حق است»، ولی «آزادگی»، برتر از خود آزادی است و نوعی «رهایی انسان از قیدوبندهای ذلت‌آور» است و نیز به معنای «رهایی عقل و جان آدمی از زندان تن، نفس، شهوت و گام برداشتن در وادی عشق و عاشقی است». تعلقات و پای‌بندی‌های انسان به دنیا، ثروت، مال اقوام، مقام، فرزند و... در مسیر آزادی روح او، مانع اساسی ایجاد می‌کند و اسارت انسان در برابر تمثیلات نفسانی، نشانه ضعف اراده بشری و انسانی است. «این آزادی درونی، پله اول نردبان کمال و مقدمه‌ای برای رسیدن به درجات بالای آزادی انسان، یعنی آزادگی نفس است. لذا آزادگی در اوج ارزش‌های انسانی قرار دارد و آدمی را از خلق و خوی پست حیوانی به بلندای معرفت و معنویت و از خاک به افلاک می‌رساند» (محدثی، ۱۳۸۱: ۵۵).

جدول شماره ۶: آزادگی دینی، چهارمین اصل هویت‌ساز انقلابی دانشجویان

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	مرجع و نمونه مصاحبه
آزادگی دینی	بندگی خدا	حس تعاون و همکاری، کمک به دیگران و رعایت موازین شرعی	رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی، به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد (بیانیه گام دوم)
	روحیه آزادگی	زیر بار زور نرفتن، اطاعت نکردن کورکورانه، اطاعت نکردن از قدرت‌های بزرگ، رک بودن و حرف خود را زدن	اجتناب از ترویج ارزش‌های سلسله‌مراتبی و دستوری (۱۱) آزادی عمل در رقابت با سایر دانشگاه‌ها (مصاحبه ۱ تا ۸) جرئت در ابراز و اظهارنظرهای مخالف (۱۰) مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت،

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	مرجع و نمونه مصاحبه
			از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا (بیانیه گام دوم)
	ظلم‌ستیزی	دفاع از مظلومان، استکبارستیزی، دفاع از انقلاب اسلامی، دفاع از مردم و دفاع از حقوق زن	با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است (بیانیه گام دوم)

دانشجوی با هویت انقلابی مبتنی بر دین و معنویت، او را به مقام بندگی و خلیفه‌الله می‌رساند. در این صورت است که وی در مقابل خواهش و تمنیات غیرخدا، مقاومت و استقامت به خرج داده و روح خود را به عنصر آزادی پیوند می‌دهد. بنابراین، نور الهی نیز در وجودش تالو خواهد کرد. در واقع، وجود هویت انقلابی در نهاد دانشجو، او را به شکوه، بندگی و سرافرازی اُخروی خواهد رساند و همین عامل، وی را در برابر قدرت‌های مستکبر، محکم و استوار می‌کند.

۵. ایمان پاک و استوار و استقامت، پنجمین اصل هویت‌ساز انقلابی دانشجوی: یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی انسان، دوران جوانی است که روان‌شناسان به آن دوره «بحران هویت» می‌گویند، زیرا در این مرحله، تضادهای درونی و بیرونی به اوج خود می‌رسد. انسان در این مرحله، شخصیت ایده‌آل و باثبات خود را می‌سازد و راه و روش خود را برای ادامه زندگی تعیین می‌کند. اعمال و عملکرد درست یا نادرست افراد، نتیجه پایه‌گذاری‌های درست یا نادرست شخصیتی در دوران جوانی است. بنابراین، اگر جوانان در این فصل از زندگی، روش منطقی در پیش گیرند و خود را از آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها دور نگه دارند، سلامت فکری و اعتقادی خویش را تضمین می‌کنند. در این صورت، می‌توانند با تقوا و پاک‌دامنی و سلامت روح و روان، روزگار بگذرانند و در پیشگاه خداوند و خلق خدا، سرافراز باشند.

جدول شماره ۷: ایمان پاک و استوار و استقامت، پنجمین اصل هویت‌ساز انقلابی دانشجوی

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	مرجع و نمونه مصاحبه
ایمان پاک و	ایمان الهی	ایمان به خدا، اطاعت از	مشارکت دانشگاه در مدیریت و



کد انتخابی	کد محوری	کد باز	مرجع و نمونه مصاحبه
استقامت		پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام، شرکت در نماز جمعه و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی	سیاست‌گذاری علمی (مصاحبه ۸ تا ۱۲)
	آرامش و توانی درونی	عصبانی نشدن در کلاس، فحش ندادن و مسائل را با آرامش حل کردن	ایجاد امیدواری و خوش‌بینی نسبت به اوضاع (مصاحبه ۷، ۹ و ۱۱)
	کنترل و مهار نفس	نماز و روزه، اطاعت و بندگی	در عرصه‌های دین، اخلاق، معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را زیر بار مسئولیت قرار دهد (پایانه گام دوم)

داشتن ایمان پاک و اصیل، یکی از اصول اساسی هویت انقلابی دانشجوی به‌شمار می‌آید. زمانی این هویت معنی پیدا می‌کند که ایمان حقیقی و ناب، روحیه و توانی درونی و نفسانی را برای دانشجوی انقلابی به ارمغان بیاورد و او را در یک دژ محکم و استوار قرار دهد تا به درجه استواری و استقامت نائل آید. لذا، ایمان الهی و حقیقی، می‌تواند هویت انقلابی دانشجوی را برای همیشه استوار کند تا بین چند چیز مذبذب و متردد نشود.

۶. انگیزه تمدنی مبتنی بر دین، ششمین اصل هویت‌ساز انقلابی دانشجوی: «تمدن» مرحله‌ای از تکامل فکری، علمی، هنری، ادبی و اجتماعی جامعه است. در این مرحله، تمدن به معنی تخلُّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت، انس و معرفت در شهر است. همین بُعد معنوی تمدن، مرحله‌ای از تربیت انسان برای برقراری ارتباط و پیوند، تعامل و همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی و سیاسی به‌شمار می‌آید. وقتی از انگیزه تمدنی مبتنی بر دین صحبت می‌شود، منظور این است که تلاش جمعی جوانان در ساختن تمدن نوین اسلامی مبتنی بر دین شکل بگیرد تا حیات طیبه که هدف متعالی تمدن اسلامی است، به وجود آید.



جدول شماره ۸: انگیزه تمدنی مبتنی بر دین، ششمین اصل هویت‌ساز انقلابی دانشجوی

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	مرجع و نمونه مصاحبه
تمدن مبتنی بر دین	برنامه برای توجه به علم	توسعه دانش، دوست داشتن دانش، دانش بنیان‌ها و تلاش برای کشف و اختراع	شما جوانان باید پیشگام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید (بیانیه گام دوم)
	تمدن نوین اسلامی	حمایت از حکومت، کمک به دولت، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی	بی شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش، خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید (بیانیه گام دوم)
	توسعه و پیشرفت اسلامی	گسترش هنر اسلامی، هنر متعهد، هنر اصیل انقلابی، توجه به نقاشی و سینما، ادبیات و شعر و توجه به داستان جنگ و دفاع مقدس	جوانان، محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی هستند (بیانیه گام دوم) مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم (بیانیه گام دوم)

اگر دانشجوی جوان با هویت انقلابی در قالب دانشگاه اسلامی قرار بگیرد، آن وقت است که می‌تواند نقش اساسی و مؤثری در ایجاد تمدن نوین اسلامی ایفا کند و این نقش باید در چهارچوب نظام فرهنگی و انقلابی او باشد. زمانی این هدف حاصل می‌شود که دین بتواند برنامه جامع و کاملی برای دانشجوی داشته باشد. از همین رو است که متفکران اسلامی معتقدند نهادینه کردن هویت انقلابی در دانشگاه، زمینه‌ساز هویت انقلابی مبتنی بر دین و معنویت خواهد بود.

بنابراین، هویت انقلابی زمانی معنی واقعی و درست به خود می‌گیرد که مبتنی بر تمدن دینی باشد. لذا، این تمدن دینی است که هویت انقلابی دانشجوی را شکل می‌دهد و پویا می‌کند.

- سؤال سوم: براساس شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد شناسایی شده، الگوی هویت انقلابی جوان



## دانشجو در دو سند تحول چگونه است؟

پس از بررسی و مطالعه سند تحول بنیادین و مصاحبه با دوازده نفر از استادان و متخصصان سند تحول و مرور پیشینه تحقیق، کتاب‌ها و مقالات نوشته‌شده در این زمینه، شش مقوله اصلی و نوزده مقوله فرعی مربوط به طراحی الگوی هویت انقلابی جوان دانشجو با تکیه بر دو سند تحول و الگوی هویت انقلابی مبتنی بر دین و معنویت به شرح زیر تدوین شد.

جدول شماره ۹: مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به طراحی الگوی هویت انقلابی جوان دانشجو  
با تکیه بر دو سند تحول و الگوی هویت انقلابی مبتنی بر دین و معنویت

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	شرح و توضیح
علم‌جویی	تولید دانش	تولید، انتقال و انتشار علم و فناوری در خدمات نیازهای جامعه اسلامی
	جنبش نرم‌افزاری	تقویت عقلانیت، خردورزی و خلاقیت در میان دانشگاهیان در پرتو تعالیم اسلامی و توجه به همسویی مفاهیم و حیانی، عقلانی و تجربی
	ترویج دانش	نهادینه کردن نگرش اسلامی به علم و تسریع در فرایندهای اسلامی شدن نهادهای آموزشی و پژوهشی
	روحیه پژوهشگری	ایجاد توازن هدفمند و یکپارچگی در نظام‌های چهارگانه دانشگاه، فرهنگی - تربیتی، آموزشی، پژوهشی - فناوری و مدیریتی
حساسیت سیاسی	دفاع از انقلاب اسلامی	توسعه نظریه‌پردازی و طراحی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در جهت تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
	دفاع از قانون اساسی	ارتقای روحیه قانون‌مداری، دوری از قانون‌گریزی و صیانت از قانون
	دفاع از ولایت فقیه	تأکید بر تبیین آرمان‌های انقلاب اسلامی و منظومه فکری



شرح و توضیح	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
حضرت امام <small>علیه السلام</small> و مقام معظم رهبری <small>علیه السلام</small>		
شناخت و تحلیل، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، شناخت بحران‌ها و مشکلات جامعه	شناخت وضعیت موجود	فهم عصری
تشکیل حیات طیبه و پیشرفت همه‌جانبه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی	شناخت وضعیت مطلوب	
توانایی جذب و تربیت محققانی نوآور و توانمند در حل و تحلیل چالش‌های علمی و بین‌المللی و دانشمندانی برتر در عرصه‌های مورد نیاز کشور، منطقه و تعامل با آنها	تشخیص توان تحلیل	
اولویت دادن به تربیت و تهذیب روح، تعالی معنوی سرمایه انسانی دانشگاه، محوریت داشتن تزکیه در محتوای آموزشی و پژوهشی و تنظیم ساختارهای دانشگاه	روحیه آزادگی	آزادگی دینی
تربیت متخصصان متعهد، خلاق، متخلق، ماهر و کارآفرین	بندگی خدا	
دفاع از مظلوم، گرفتن حق و حقوق و رعایت حقوق دیگران	ظلم‌ستیزی	
عبور از تضادهای درونی و بیرونی	ایمان الهی	ایمان پاک و استوار و استقامت
پاک‌دامنی، سلامت روح و روان و متانت	آرامش	
انجام تکالیف یومیه و رعایت موازین شرعی در دانشگاه	نماز	
تلاش در جهت پیشرفت جامعه از طریق علم و پژوهش	توجه به علم	انگیزه تمدنی مبتنی بر دین
حمایت از حکومت در جهت برقراری عدالت و آزادی	توجه به حکومت	
تعالی و بهره‌برداری از مفاهیم دینی در حوزه هنر و معماری	هنر و معماری	



## ۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

### ۵-۱. بحث

دانشگاه، کانونی برای جوان دانشجو است که امیدها، آرمان‌ها، آمال و آرزوهایش در آنجا شکل می‌گیرد. پیوند جوان دانشجو با دانشگاه، باعث شکل‌گیری هویت انقلابی مبتنی بر دین و معنویت او می‌شود. این هویت به لحاظ شیوه، فرد را از وضع موجود ناراضی کرده و به دنبال خواست آرمان مطلوب هدایت می‌کند. به عبارت دیگر، دانشجویی با هویت انقلابی، دارای معرفت و اطلاعات تازه برای حل مشکلات جامعه است و از طرف دیگر، وی با نقد و انتقاد و درک درست از تحلیل جامعه، مسائل جامعه را ارزیابی می‌کند و این ویژگی، او را پرسشگر و انتقادگر به بار می‌آورد و همین امر، شاخصه اصلی یک دانشگاه اسلامی خواهد بود.

در تاریخ دانشگاه‌های ایران، حرکت‌های دانشجویی در ایران با چند گرایش فکری و اعتقادی مشخص همراه بوده است. سه گرایش اصلی چپ مارکسیست، راست لیبرالیسم و جریان مذهبی، از جریان‌های مهم دانشگاه‌های ایران به‌شمار می‌رفتند. در بین این سه جریان، جریان‌های مذهبی در دانشگاه‌ها حضور کم‌رنگی داشتند. به عبارت دیگر، جریان مذهبی در دانشگاه با یک رکود قابل توجه همراه بوده است؛ به طوری که تا دهه سی، جریان مذهب از دو طرف (جریان کمونیستی و لیبرالیستی) تحت فشار بود. لذا جریان مذهبی در محیط‌های دانشگاهی در عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی کم‌فروغ دیده می‌شد. از دهه چهل به بعد است که در دانشگاه‌ها شاهد تشکیل انجمن‌های اسلامی هستیم که نشان‌دهنده فعالیت‌های مذهبی آنهاست. انجمن‌های اسلامی در دانشگاه‌ها تلاش کردند که کنگره‌هایی برگزار کنند تا افرادی همچون شهید مطهری، علامه طباطبایی و دکتر شریعتی حضور داشته باشند. با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و انقلاب فرهنگی، نگاه انقلاب اسلامی به دانشگاه تغییر می‌کند و تلاش می‌شود که هویت انقلابی در بین دانشجویان دانشگاه‌ها شکل بگیرد؛ هویتی که تعداد حضور دانشجویان را بالغ به چندین هزار نفر برآورد کردند و این بدان معناست که طبقات جدیدی وارد دانشگاه شدند و می‌شوند. لذا، جریان مذهبی به‌مرور زمان وارد دانشگاه شد.



با وقوع انقلاب اسلامی، نهضت امام خمینی علیه السلام مبارزه خود را به سه رکن اساسی معطوف کرد. از یک طرف تلاش کرد اندیشه اسلامی را در مقابل جریان‌های کمونیستی و لیبرالیستی قرار دهد. از طرف دیگر، با اندیشه نفی حکومت سلطنتی، به دنبال ایجاد نارضایتی از وضع موجود در افکار دانشگاه و دانشجویان بود و با شیوه آگاهی‌بخشی، تلاش کرد هویت انقلابی مبتنی بر معنویت و دین را در بین دانشجویان نهادینه کند. این اندیشه در مقابل هویتی بود، که با نگاهی به شرق یا غرب داشتند؛ هویتی که جریان توسعه را در بیرون از جوامع اسلامی دنبال و تلاش می‌کرد با نگاه به قانون اساسی مشروطیت، به دنبال حفظ وضع موجود باشد.

این سه ضلع، جریان دانشجویی را با هویت انقلابی به نهضت امام خمینی علیه السلام پیوند می‌داد و همه اینها باعث می‌شد که جنبش دانشجویی مذهبی، یکی از ارکان اصلی تأسیس انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ باشد. پس از وقوع انقلاب اسلامی، در طول سال‌ها، موج معنویت‌خواهی که مدافع نظام محسوب می‌شد، در دانشگاه حضور یافت. همین حضور در دانشگاه‌ها باعث شکل‌گیری هویت دینی در جوانان دانشجویی شد و بر اثر همین امر، مهم‌ترین ملاک‌های هویت دینی که یک جمعی باید به آن متکی و پایبند باشند، شکل گرفت (اخترشهر، همان).

از طرفی، یکی از آرمان مهم انقلاب اسلامی، مسئله دینداری و دین‌گرایی بود. به عبارت دیگر، ریشه‌های اصلی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را می‌توان در دو عامل مهم دانست: ایجاد هویت انقلاب مبتنی بر معنویت و دینداری در جامعه. لازمه تداوم این دو عامل، توجه دولت به آنهاست و تنها نیروهایی که می‌توانند این حرکت را پیگیری کنند و به ثمر بنشانند، دانشجویان انقلابی با هویت انقلابی هستند.

بنابراین، بدون حضور دانشجویان در دانشگاه، نظام آموزشی و پژوهشی رونقی نخواهد داشت. زمانی این رونق چندبرابر می‌شود که هویت انقلابی دانشجویان مبتنی بر دین و معنویت به ثمر بنشیند. و همین امر وظایف و مسئولیت دانشجویان را چندبرابر می‌کند که اول، نگاه سطحی به علم و درس خاص نداشته باشد و دوم، همانند انقلاب اسلامی، نگاه اصلاحی و تحول‌خواه به جامعه و خویش داشته باشد.

۴۱ از همین رو، صاحبان انقلاب اسلامی معتقدند که کارکرد هویت در جامعه، قوام‌بخشی به زندگی



اجتماعی افراد است. «اگر افراد در وضعیت بحران هویت اجتماعی قرار گیرند، نقش خود را در جامعه از دست خواهند داد و قادر به ایفای نقش خود در جامعه نخواهند بود. بنابراین، دانشجوی انقلابی می‌تواند روی محیط پیرامونی خود اثرگذار باشد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷).

این اثرگذاری می‌تواند در حوزه گفتار، رفتار و عقیده باشد؛ یعنی امر بینشی، عاطفی و کنش‌گیری. ناسازگاری میان این سه عنصر، می‌تواند منجر به بحران هویت دینی شود. اسلام، هرگونه افراط و تفریط در این سه امر را مورد خطاب قرار می‌دهد و آن را انحراف از فطرت الهی و فراموشی یاد خدای متعال می‌داند. در گفتمان انقلاب اسلامی، هویت انقلابی در جامعه به این معناست که بتواند خلیفه خداوند روی زمین شود و افق تمدن نوین اسلامی را در جامعه شکوفا کند. قرآن نسبت به کسانی که از هویت واقعی خود جدا می‌شوند، آنها را به حیوان تشبیه می‌کند (اعراف/۱۶۶). بنابراین، از دیدگاه اسلام، هویت انقلابی ماهیت «از اوایی» به سوی «اوی» دارد (اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ). کسی که هویتش با خداوند متعال پیوند بخورد، از هر بحرانی می‌تواند رهایی یابد (فجر/۲۸-۲۷) و به مرتبه اطمینان و آرامش دست خواهد یافت.

## ۵-۲. نتیجه‌گیری

با بررسی اسناد بالادستی، مانند سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بیانیه گام دوم، امر هویت انقلابی به جوان دانشجوی اختصاص یافته است. جوان انقلابی با هویت انقلابی در بیانیه گام دوم تلفیقی از دانش و تعهد است که با مسلح شدن به این دو ابزار تمدن‌ساز، می‌تواند به تحقق اهداف مندرج در بیانیه گام دوم کمک کند. جوانان دانشجوی بازیگران مهم بیانیه هستند و می‌توانند انقلاب اسلامی را در مسیر گذر از گام اول به گام دوم، یاری کنند. این امر نیازمند شش مؤلفه ارزشمند هویت انقلابی است؛ هویتی که از یک طرف به هویت اجتماعی توجه دارد و از طرف دیگر، به هویت دینی. این دو هویت چنان به هم درآمیخته‌اند که تفکیک اساسی بین آنها به سختی انجام می‌گیرد یا در بعضی موارد، انجام نخواهد شد.

شش مؤلفه ارزشمند هویت انقلابی دانشجوی به این شرح است:

۱. پاسخگویی: دانشجوی در هویت انقلابی باید توان پاسخگویی به سؤال‌هایی مانند من کیستم؟



و به کجا تعلق دارم؟ را به گونه متقن و قانع‌کننده داشته باشد. پاسخگویی زمانی حاصل می‌شود که درک درست و شناخت صحیح از گذشته برای ورود به آینده داشته باشد. هرچه شناخت نسل‌های جدید نسبت به گذشته بیشتر باشد، آمادگی عقلانی بیشتری برای نگاه مثبت به نظام اسلامی پیدا می‌کنند (نوروزی، همان: ۵۴).

**۲. جهت بخشیدن به افق آینده انقلاب اسلامی:** در هویت انقلابی، نظام اسلامی به نسل آینده و آینده‌سازان ایران اسلامی که دانشجویان هستند، دل بسته است. در واقع، آینده انقلاب متعلق به نسل جوان است؛ نسلی که برای ساختن ایران و پاسداری از آن تا پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه، نیازمند جهادی بزرگ است. آینده انقلاب و نظام اسلامی مقتضی انجام تلاش در عرصه‌های شش‌گانه است که اولویت آنها، عرصه علم و فناوری است. لازمه پیشتازی در علم و فناوری و مرجعیت علمی شدن در جهان، دسترسی به آخرین دستاوردهای فناوری است؛ به‌نوعی که خود تولیدکننده فناوری‌ها باشد. آرمان‌های انقلاب بدون نیرو، نشاط و جسارت جوانی، قابل تعقیب و دسترسی نیست و اگر این ویژگی دوره جوانی نباشد، انقلاب اسلامی در دستیابی به آرمان‌های خود دچار مشکل خواهد شد (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۵/۰۶).

**۳. ایمان و عمل صالح:** ایمان و عمل صالح، برترین ویژگی «جوان تراز گام دوم انقلاب» است. معنویت و اخلاق، نیازی‌های اصلی جامعه هستند. در جامعه اسلامی، فرهنگ دینی قوام‌بخش انسانیت و ملاک سعادت و شقاوت است. از این رو، وضع معنوی و روحی فرد و جامعه امری مهم است.

**۴. فهم عصری:** از مؤلفه‌های دیگر هویت انقلابی جوان دانشجوی، فهم دقیق و درست از زمانه است. دشمن‌شناسی و تحلیل موقعیت کشور، مطالبه نظام اسلامی از جوانان دانشجوی است. تأکید بر بیانیه گام دوم بر مبارزه با استکبار و راه‌های نفوذ، مسئله‌ای مهم است که هدف از آن، مقابله با اقدام‌های دشمنان انقلاب اسلامی است.

**۵. حساسیت سیاسی و آزادی:** مؤلفه دیگر هویت انقلابی جوان دانشجوی، عدالت‌طلبی و مبارزه با ظلم و فساد است. تعهد، تخصص و آرمان‌گرایی در جوان، ظرفیتی است که موجب تحرک و ارتقای جمهوری اسلامی می‌شود.



۶. انگیزه تمدنی: تمدنی که بناست ما به آن دست پیدا کنیم و در مسیر دستیابی به آن قرار داریم، کاملاً برخاسته از خواست‌ها، تمایلات، آرزوها، ظرفیت‌ها و مطلوب‌هایی است که در همه انسان‌ها وجود دارد و یک امر تحمیلی نیست. لازمه تمدن‌سازی، توجه به فطرت و هویت است. مفهوم متناظر با فطرت، خودسازی است. خودسازی مبتنی بر ارزش‌های فطری، مفهوم متناظر با جامعه‌پردازی هویت است که در جامعه‌پردازی بدون یک نگاه روشن و مشخص به هویت انقلابی نمی‌توانیم به آن پردازیم. البته، هویت انقلابی ما مرکب از سه ضلع ایرانی بودن، مسلمان بودن و انقلابی بودن است (ذوعلم، ۱۴۰۰: ۱۲۶) و درنهایت، تمدن‌سازی می‌تواند براساس این هویت استقرا پیدا کند. لذا هویت، بخشی از هویت اجتماعی و هویت دینی جامعه ما است. هویت انقلابی جوان دانشجو به ایجاد امید و نشاط در جامعه، در انتظار حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام است. نسلی که منتظر است و به فردای دیگر امیدوار بوده و به مراتب بهتر از دیروز و امروز است.

### ۵-۳. پیشنهادها

#### ۵-۳-۱. پیشنهادهای کاربردی (مبتنی بر یافته‌ها)

- از نتایج تحقیقات انجام‌شده در مورد الگوی هویت دینی جوان دانشجو، شش مؤلفه مورد توجه واقع شده است که جا دارد دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ و تعلیم و تربیت به آن توجه وافی و کافی داشته باشند.
- در بُعد علم‌جویی، تلاش شود دانش‌افزایی در حوزه‌های دانش دیجیتال و غیردیجیتالی مورد توجه واقع شود.
- در بُعد حساسیت، تلاش شود استادها در کلاس‌های درس قدرت تحلیل و درک تعاملات اجتماعی را به دانشجویان بیاموزند و آنها را با هنجارها و ناهنجارهای جامعه آشنا کرده و نسبت به مسائل اساسی جامعه با‌انگیزه‌تر و حساس‌تر کنند.
- درک موقعیت‌های مختلف که چه باید بکنند و چه نکنند، از ابعاد فهم عصری محسوب می‌شود که استادان باید از آن بهره بگیرند تا هم درک درستی از وضعیت جامعه داشته باشند و هم بتوانند قدرت تشخیص بین روایت‌ها و واقعیت‌ها را به دانشجو ارائه دهند.



- حریت و جوانمردی، نجابت و شرافت و مروت از شاخص‌های دیگر هویت انقلابی جوان دانشجوی است که باید دانشگاه از طریق ارائه الگوها چه به لحاظ تاریخی (داستان و ادبیات) و چه به لحاظ فکری و عملی، در ساختن و رشدونمو جوان دانشجوی تلاش کند.
- جوانی دورانی است که همیشه جوانان با بحران هویت مواجه می‌شوند. لذا، لازم است نهادهای دولتی و حاکمیتی از خانواده تا مدرسه، به این امر همت کنند و توجه کافی داشته باشند.
- برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، به جوانان نخبه و متعهد نیازمندیم. بنا بر فرمایش‌های رهبری، جوان در جامعه موتور حرکت جامعه محسوب می‌شود. لذا باید متون آموزشی و محورهای پژوهشی در دانشگاه، به سمت وسوی انگیزه تمدنی در حوزه فکری و عملی حرکت کند و روزبه‌روز تقویت شود.

### ۵-۳-۲. پیشنهادهای آتی (مبتنی بر محدودیت‌ها)

- پیشنهاد می‌شود هویت انقلابی دانشجویان از طریق این الگو در دانشگاه‌های دیگر با استاد‌های دیگر مورد سنجش قرار گیرد و اختلاف وضع موجود و وضع مطلوب شناسایی شود.
- پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌های سراسر کشور اعم از دولتی، غیرانتفاعی و آزاد اسلامی در برنامه‌ریزی فرهنگی برای دانشگاه، به الگوی پژوهش حاضر به‌عنوان یک رویکرد توجه کنند.
- پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها در تدوین راهبردهای خود، الگوی پژوهش حاضر را به‌عنوان یک سند اثرگذار مورد توجه قرار دهند.
- تلاش برای جلب مشارکت هرچه بیشتر استادان و دانشجویان در تدوین و روزآمد کردن دروس معارف اسلامی و تأثیرگذاری بر هویت انقلابی دانشجویان، به‌ویژه در درس انقلاب اسلامی ایران.
- توجه به آشنا شدن دانشجویان با پیشینه فرهنگ و تمدن اسلامی و انقلاب اسلامی در تدوین برنامه‌ها و متون درسی، به‌ویژه دروس معارف اسلامی.



## ۶. منابع

### ۶-۱. منابع فارسی

- قرآن کریم (۱۳۸۴). ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، تهران، دانش پژوه.
- نهج البلاغه.
- اخترشهر، علی (۱۳۸۶). ابعاد هویت اجتماعی - دینی دانشجویان. دانشگاه اسلامی، ۱۱(۳)، ۹۷-۱۲۴.
- بیانات رهبری (۱۳۸۷). بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت.
- بارت، رولان (۱۳۸۶). اسطوره امروز، مترجم: شیرین دخت دقیقیان، تهران، نشر مرکز.
- باقری، خسرو (۱۳۹۸). الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مدرسه.
- مرادی، مریم (۱۳۹۲). رشد علوم اجتماعی. (۶۷)، ۵۹-۵۶.
- بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۹). الگوی انسان کامل با رویکرد روان‌شناختی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- بقایی سرابی، علی و اسماعیلی، محمدجواد (۱۳۸۸). عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت دانشجویان دانشگاهی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی. پژوهشنامه علوم اجتماعی، ۳(۴)، ۲۰۳-۱۷۵.
- بورک، رابرت (۱۳۸۳). در سراسیبی به سوی گومورا، لیبرالیسم مدرن و افول آمریکا، مترجم: حسین غفاری، تهران، حکمت.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت، چ دوم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵). فرهنگ دهخدا، تهران، چاپخانه مجلس.
- سازمان سنجش آموزش کشور (۱۳۸۰). ش ۱، تهران، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.
- سازمان سنجش و آموزش کشور، (۱۳۸۰)، ش ۱، تهران، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، نشر آگه.



طالبان، محمدرضا (۱۳۸۴). سنجش دین‌داری و ارزیابی مدل اندازه‌گیری در کتاب مبانی نظری مقیاس‌های دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۵۴۶-۵۲۳.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۲ ب). دو جهانی شدن‌ها و جامعه جهانی اضطراب، نامه علوم اجتماعی، ش ۱.  
عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۲ الف). دو جهانی شدن‌ها و آینده جهان، کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۶۹ و ۷۰، ص ۱۷.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۰). بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، پیام نور.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۰). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، پیام نور.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۰). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی.

محدثی، جواد (۱۳۸۱). پیام‌های عاشورا، قم، انتشارات تحسین.

نوروزی، محمدجواد (۱۴۰۰). بیانیه گام دوم، تهران، انتشارات سمت.

همتی، رضا؛ کیانپور، مسعود و اصلانی، شهناز (۱۳۹۳)، گونه‌شناسی هویت دانشگاهی و ارتباط آن با منابع درون‌دانشگاهی، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۴ (۴)، ص ۵۸۶-۵۵۹.

## ۲-۶. منابع لاتین

Chu, S.K.W., Reynolds, R.B., Tavares, N.J., Notari, M., & Lee, C.W.Y (۲۰۱۷). *Twenty-first Century Skills and Global Education Roadmaps in 21st Century Skills Development through Inquiry-based Learning* (pp.17-32). Singapore: Springer.

Creswell, J.W. & D. L, Miller (۲۰۰۰). Determining Validity in Qualitative Inquiry. *Theory into Practice*, ۳۹(۳), ۱۲۴-۱۳۰.

Enders, J (۲۰۰۴). Higher Education, internationalization, and the Nation state: Recent Developments and challenges to Governance Theory. *Higher Education*, ۴۷, ۳۶۱-۳۸۲.

Eriksen, Thomas Hylland (۱۹۸۰). *Ethnicity and Nationalism, Anthropological Perspectives*, London, Pluto Press.

Higham, R. & Djohari, N (۲۰۱۸). *From Voting to Engaging: Promoting Democratic Values across an International School Network*. Oxford Review of Education. Taylor and Francis.

Hong, J. C., Horng, J. S., Lin, C. I., & Chanlin, L., J (۲۰۰۸). Competency disparity between pre- service teacher education and In-service teaching requirements in Taiwan. *International Journal of Educational Development*, ۲۸(۱), ۴-۲۰.

Mead, G. H (۱۹۳۲). *The philosophy of the present*. Ed. a. e Murphy la sale, New York.



---

Mead, G. H (۱۹۶۷). *Mind self and society*. University of Chicago Press.

Tajfel, H (۱۹۷۸). *Differentiation Between Social Groups: Studies in the Social Psychology of Intergroup Relations*. London: Academic Press.

Turner, R (۱۹۷۵). *Ethno Methodology*. London, Penguin Education.

Valima, J (۱۹۹۸). *Culture and Identity in Higher Education Research Higher Education*, ۳۶, ۲, ۱۱۹-۱۳۸.





## ارزیابی تبلور سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم توسعه

علی یونسی\*

### چکیده

بدیهی است که دستیابی به آرمان‌های نظام حکمرانی اسلامی به یک اقتصاد مستقل و قوی نیاز دارد و در بیانیه گام دوم، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارها برای رفع مشکلات اقتصادی مطرح شده است. از این رو، به نظر می‌رسد اقتصاد مقاومتی پیش‌نیاز دستیابی به یک نظام حکمرانی اسلامی است و برنامه‌ریزی برای دستیابی به تدابیر آن، ضروری است. یکی از شئون مهم برنامه‌ریزی در کشور، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه است. برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه برای سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۶ در حالی تصویب شده است که بیش از ده سال از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌گذرد. واضح است که هرچه تبلور تدابیر اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم توسعه بیشتر باشد، امید به کاهش چالش‌های اقتصادی ایران کمتر و رسیدن به ابعاد حکمرانی انقلابی سریع‌تر خواهد بود. این مقاله تلاش می‌کند با استفاده از روش تحلیل کمی و کیفی و با واکاوی در ابعاد

۱. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور استان مرکزی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول) Email: younessi@pnu.ac.ir





بیست و چهارگانه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و فصول بیست و چهارگانه برنامه هفتم توسعه به این سؤال پاسخ دهد که موفقیت برنامه هفتم توسعه در توجه به تدابیر اقتصاد مقاومتی برای نیل به نظام حکمرانی اسلامی چند درصد است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد برنامه هفتم توسعه تا ۸۶ درصد از انتظارات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را پوشش داده است و ۱۴ درصد از نکات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم جایی نداشته و به آن اشاره نشده است.

### کلیدواژه‌ها:

نظام حکمرانی اسلامی، برنامه هفتم توسعه، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، طبقه‌بندی JEL: K۲۰،

k۱۰ و k۰۰.



## ۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از نقاط قوت و الزام‌آور رشد و توسعه در هر کشوری، تهیه سیاست‌های کلی است. در طول سال‌های گذشته، سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های مختلف توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام آماده و از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است. بدیهی است چنانچه برنامه‌های اجرایی کشور متناسب با سیاست‌های کلی نظام نباشد، انحراف منابع از اهداف کلی نظام اجتناب‌ناپذیر خواهد شد و دستیابی به نظام حکمرانی اسلامی دشوارتر خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلی نظام، اقتصاد مقاومتی است که اگر قوانین و برنامه‌های اجرایی مناسب با این الگو وضع نشود، دستیابی به تدابیر آن یا دست‌یافتنی نخواهد بود یا با تأخیر بسیار زیاد حاصل خواهد شد. دستیابی به آرمان‌های نظام حکمرانی اسلامی، امری است که به برنامه‌ریزی متناسب با جهان‌بینی، الزامات، منابع و اهداف انحصاری آن نیاز دارد. به نظر می‌رسد برای رسیدن به یک نظام حکمرانی اسلامی، اقتصاد قوی به‌عنوان یک متغیر مهم نقش دارد. هرچند در نظام حکمرانی انقلابی - اسلامی اقتصاد قوی هدف نیست، اما وسیله مهم و مؤثری است که بدون آن نمی‌توان به اهداف نظام حکمرانی اسلامی رسید.

برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، تلاشی برای قانون‌گذاری و هدایت‌داری‌ها و منابع کشور برای رسیدن به اهداف سیاست‌های کلی نظام است. یکی از شئون مهم برنامه‌ریزی در کشور، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه است. برنامه پنج‌ساله هفتم درحالی تصویب شده است که بیش از ده سال از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌گذرد و انتظار می‌رود در این برنامه، توجه به تدابیر این سیاست در بهترین سطح خود باشد و تدابیر اقتصاد مقاومتی در فصول مختلف برنامه هفتم توسعه مشاهده شود.

واضح است که هرچه تبلور تدابیر اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم توسعه بیشتر باشد، امید به کاهش چالش‌های اقتصادی و افزایش سرعت در رسیدن به نظام حکمرانی اسلامی بیشتر خواهد بود. لذا، پاسخ به این سؤال که چقدر از تدابیر اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم توسعه تبلور یافته، بسیار مهم است، چراکه تبلور ضعیف این تدابیر در برنامه هفتم باعث افزایش چالش‌های اقتصادی پیشرفت



ایران شده است و خود مانع دستیابی به اهداف تعیین شده در اقتصاد مقاومتی و آرمان‌های نظام حکمرانی اسلامی خواهد شد.

## ۲. ادبیات موضوع و پیشینه

### ۲-۱. مبانی نظری

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، هفت توصیه مهم را خطاب به ملت شریف ایران و به‌ویژه جوانان بیان فرمودند. در توصیه سوم به موضوع مهم اقتصاد می‌پردازند. براساس این توصیه، اقتصاد در تراز نظام انقلابی ترسیم می‌شود و در نظام انقلابی اقتصاد قوی هدف نیست، اما وسیله‌ای مهم و مؤثر است که بدون آن نمی‌توان به اهداف نظام انقلابی رسید. یک اقتصاد ضعیف، زمینه نارضایتی‌های داخلی و دخالت خارجی را در کشور فراهم می‌کند و موجب ضعف نظام انقلابی شده و بالعکس، یک اقتصاد قوی موجب رضایت داخلی ملت و نفوذناپذیری نظام انقلابی می‌شود (سیف و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸).

لذا سؤالی که مطرح می‌شود، این است که با چه الزامات اقتصادی‌ای برای تحقق نظام حکمرانی انقلابی - اسلامی مواجه هستیم. الزامات اقتصادی برای تحقق نظام انقلابی در یک کلام، اقتصاد مستقل است. ایجاد و تقویت اقتصاد مستقل مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، توزیع عدالت‌محور، مصرف بدون اسراف و تصمیمات مدیریتی خردمندانه است؛ یعنی یک اقتصاد در تراز نظام انقلابی، شامل چهار ویژگی فوق است.

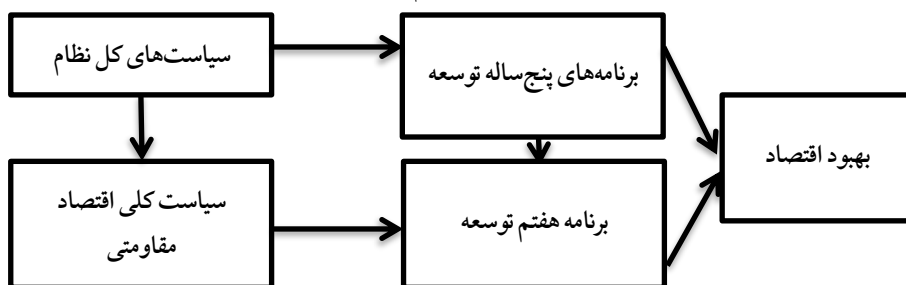
براساس شواهد تجربی و متن بیانیه گام دوم، در مسیر دستیابی به یک اقتصاد مستقل با مشکلاتی مواجه هستیم که می‌توان آنها را به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرد: مشکلات بخش خارجی، تحریم‌ها و اثرات منفی نظام سرمایه‌داری است و مشکلات بخش داخلی، شامل وابستگی به درآمدهای نفتی و دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی نامناسب، ثبات نداشتن سیاست‌های اقتصادی، رعایت نکردن اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه، در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه این عیوب، مشکلات در زندگی مردم، بیکاری جوانان، فقر و...



است.

تا زمانی که نتوان این عیوب را رفع کرد و به یک اقتصاد مستقل رسید، حل مشکلات آسان نخواهد بود و دستیابی به همه ارکان نظام حکمرانی انقلابی - اسلامی با تأخیر مواجه خواهد شد. لذا، ضروری است به الزامات اقتصادی نظام انقلابی پرداخته شود و راه‌حل‌هایی مناسب برای دستیابی به اقتصادی در تراز نظام حکمرانی انقلابی طراحی و اجرایی شود.

یکی از روش‌های دستیابی به اقتصاد مستقل، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و در دولت‌ها پیگیری شود. در این میان، درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت و برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌های کشور، از موارد مهم این راه‌حل است.



شکل شماره ۱: مدل تحقیق

حال این سؤال مهم مطرح می‌شود که آیا برنامه هفتم توسعه در ابعاد اقتصادی، تضمین‌کننده اجرایی شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برای دستیابی به اقتصاد مستقل به‌عنوان یک متغیر مهم و تعیین‌کننده ایجاد نظام حکمرانی اسلامی است یا خیر؟

این پژوهش تلاش می‌کند با واکاوی برنامه هفتم توسعه و انطباق آن با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، میزان تبلور سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم را مورد بررسی قرار دهد.

## الف) سیاست‌های کلی نظام

هر کشوری برای هدایت توانمندی‌ها و پتانسیل خود به سمت هدف غایی، نیازمند داشتن نقشه راه در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است. سیاست‌های کلی در هر کشوری افق بلندمدت



اهداف را نشان می‌دهند و برای رسیدن به این اهداف، برنامه‌ریزی می‌شود. در کشور ما از سال ۱۳۷۷ تاکنون، ۴۱ سیاست کلی تدوین و ابلاغ شده که در جدول شماره (۱) این سیاست‌ها ذکر شده است.

### جدول شماره ۱: سیاست‌های کلی نظام

ردیف	تاریخ ابلاغ	نوع سیاست کلی
۱	۱۳۷۷/۰۷/۱۱	سیاست‌های کلی «شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای»
۲	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی «بخش معدن»
۳	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی بخش «حمل و نقل»
۴	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی «منابع طبیعی»
۵	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی «منابع آب»
۶	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی «امنیت اقتصادی»
۷	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	سیاست‌های کلی نظام در زمینه «انرژی»
۸	۱۳۸۱/۰۷/۲۸	ابلاغ سیاست‌های کلی «امنیت قضایی»
۹	۱۳۸۲/۰۸/۱۲	سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در «افق ۱۴۰۴»
۱۰	۱۳۸۴/۰۳/۰۱	ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
۱۱	۱۳۸۴/۰۶/۲۵	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام برای پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیر مترقبه
۱۲	۱۳۸۵/۰۴/۱۱	ابلاغ سیاست‌های راهبردی و بسیار مهم نظام درباره بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی
۱۳	۱۳۸۵/۰۷/۱۰	سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر
۱۴	۱۳۸۸/۰۹/۰۲	ابلاغ سیاست‌های کلی قضایی (پنج‌ساله)
۱۵	۱۳۸۹/۰۱/۳۱	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام اداری
۱۶	۱۳۸۹/۰۴/۱۵	تعیین و ابلاغ سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف
۱۷	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «شهرسازی»
۱۸	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «تشویق سرمایه‌گذاری»

ردیف	تاریخ ابلاغ	نوع سیاست کلی
۱۹	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا)»
۲۰	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار، جهاد و ساماندهی امور ایثارگران»
۲۱	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «پدافند غیرعامل»
۲۲	۱۳۸۹/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «مسکن»
۲۳	۱۳۹۰/۰۴/۲۸	ابلاغ سیاست‌های کلی اشتغال
۲۴	۱۳۹۰/۰۹/۲۱	ابلاغ سیاست‌های کلی «آمایش سرزمین»
۲۵	۱۳۹۱/۰۹/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در بخش «کشاورزی»
۲۶	۱۳۹۱/۰۹/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در موضوع «خودکفایی دفاعی و امنیتی»
۲۷	۱۳۹۱/۰۹/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در بخش «صنعت»
۲۸	۱۳۹۱/۱۱/۲۴	ابلاغ سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی
۲۹	۱۳۹۲/۰۲/۱۰	ابلاغ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش.
۳۰	۱۳۹۲/۱۱/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»
۳۱	۱۳۹۳/۰۱/۱۸	ابلاغ سیاست‌های کلی «سلامت»
۳۲	۱۳۹۳/۰۲/۳۰	ابلاغ سیاست‌های کلی «جمعیت»
۳۳	۱۳۹۳/۰۶/۲۹	ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری»
۳۴	۱۳۹۴/۰۸/۲۶	ابلاغ سیاست‌های کلی «محیط زیست»
۳۵	۱۳۹۵/۰۶/۱۳	ابلاغ سیاست‌های کلی «خانواده»
۳۶	۱۳۹۵/۰۷/۲۴	ابلاغ سیاست‌های کلی «انتخابات»
۳۷	۱۳۹۷/۷/۲۲	ابلاغ سیاست‌های کلی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت
۳۸	۱۳۹۸/۰۷/۰۶	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری
۳۹	۱۳۹۹/۰۲/۰۹	ابلاغیه رهبر معظم انقلاب اسلامی در موافقت با آزادسازی سهام عدالت



ردیف	تاریخ ابلاغ	نوع سیاست کلی
۴۰	۱۴۰۱/۱/۲۱	ابلاغ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی
۴۱	۱۴۰۲/۸/۱۶	ابلاغ سیاست‌های کلی توسعه دریامحور

(منبع: یافته‌های پژوهش)

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲ ابلاغ شده است. از ابلاغ این سند کلی نزدیک به ده سال می‌گذرد و بررسی میزان دستیابی به اهداف این سیاست‌ها مهم است. یکی از روش‌های بررسی میزان دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی، بررسی برنامه‌های کوتاه‌مدت است تا مشخص شود آیا برنامه‌های کوتاه‌مدت توانسته‌اند اهداف سیاست کلی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را در خود لحاظ و شرایط به ثمر رسیدن آنها را فراهم کنند.

شاید در میان برنامه‌های کوتاه‌مدت، هیچ برنامه‌ای، مانند برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، در عملیاتی شدن سیاست‌های کلی نظام نقش نداشته باشند. این پژوهش تلاشی برای بررسی میزان تبلور اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم توسعه است.

### ب) برنامه‌های پنج‌ساله توسعه

تاریخچه برنامه‌های توسعه در ایران به قبل از انقلاب برمی‌گردد. اولین سند برنامه‌ای ایران در سال ۱۳۲۵ تصویب شد. تا قبل از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، پنج برنامه توسعه در یک بازه زمانی سی ساله پیاده شد. روند توسعه در ایران پس از انقلاب اسلامی، با تلاش برای عمران و آبادانی کشور ادامه پیدا کرد و تا امروز منجر به تدوین و تصویب هفت برنامه توسعه شده است.

اهم دلایل و ضرورت‌های تدوین برنامه‌های توسعه، عبارتند از: ایجاد هماهنگی در سطح سیاست‌گذاری، افزایش اطمینان نسبت به سیاست‌های میان‌مدت کشور برای فعالان اقتصادی، انتظام بخشی به کارکردهای دولت در چهارچوب اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پیشگیری از تفسیرهای مختلف درباره صلاحیت‌های دولت و پاسخگو کردن دولت، فراهم کردن ضمانت اجرای برنامه، به‌ویژه درباره اجزایی از بخش عمومی مانند قوه قضائیه، شهرداری‌ها و...، که در محدوده قوه مجریه جای نمی‌گیرند.



برنامه‌های پنج‌ساله توسعه یا برنامه‌های میان‌مدت، با توجه به شرایط محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام اسلامی تهیه می‌شوند. برنامه‌های توسعه در ایران، موضوعاتی مانند عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، ارتقای سرمایه اجتماعی، کاهش تصدی دولت و گسترش مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی، تمرکززدایی، تعامل با اقتصاد جهانی، امنیت ملی، تنش‌زدایی در مناسبات بین‌المللی، دسترسی عمومی به اطلاعات، حفظ محیط‌زیست، گسترش خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری اقتصادی، توسعه دانایی‌محور، توسعه صادرات، توجه به تحولات فرهنگی جامعه، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی رایگان، برابری فرصت‌های آموزشی، امنیت غذایی، تأمین حقوق انسانی و شهروندی، حفظ و شناسایی هویت تاریخی ایرانی، امور زنان، توسعه امور قضایی و نوسازی دولت را مورد توجه قرار می‌دهد.

جدول شماره ۲: برنامه‌های پنج‌ساله توسعه

ردیف	دوره	برنامه توسعه
۱	برنامه اول ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲	هدف‌های کلی این برنامه: بازسازی و تجهیز بنیه دفاعی، بازسازی و نوسازی ظرفیت‌های تولیدی و زیربنایی و مراکز جمعیتی خسارت‌دیده در جنگ تحمیلی، گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی، رشد اقتصادی، تأمین حداقل نیازهای اساسی مردم، تعیین و اصلاح الگوی مصرف، اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضایی کشور و مواردی از این دست بود.
۲	برنامه دوم ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸	برنامه دوم از نظر ساختار و ماهیت تفاوت چندانی با برنامه اول نداشت و مبتنی بر آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی بود. هدف‌های کلان این برنامه موضوعاتی مانند تحقق عدالت اجتماعی، رشد فضایل براساس اخلاق اسلامی، هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های مذهبی، فرهنگی و خلافت، افزایش بهره‌وری، تربیت نیروی انسانی مورد نیاز، تلاش برای کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی، توسعه صادرات غیرنفتی، ایجاد تعادل در بخش‌های اقتصادی، رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت کشور در سیاست خارجی، تقویت بنیه دفاعی کشور و مواردی از این قبیل بود.



ردیف	دوره	برنامه توسعه
۳	برنامه سوم ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳	جهت‌گیری کلی برنامه سوم شامل اصلاحات ساختاری و نهادی در بخش عمومی، خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولت، کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام، ایجاد جهش در صادرات غیرنفتی، افزایش اشتغال مولد، اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و چگونگی برقراری و وصول عوارض، تمرکززدایی از ساختار اداری و اقتصادی، تأمین حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی همه شهروندان و ایجاد و تقویت فضای مطمئن و قانونمند برای تمام فعالیت‌ها بود.
۴	برنامه چهارم ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸	مهم‌ترین ویژگی برنامه چهارم، تهیه و تصویب آن در چهارچوب سند چشم‌انداز بیست‌ساله و پس از ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه از سوی مقام معظم رهبری است. این برنامه در پانزده فصل و ۱۶۱ ماده در تاریخ یازدهم شهریور سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. مأموریت یا اهداف کلان این برنامه، شامل مواردی مانند رشد اقتصاد ملی در تعامل با اقتصاد جهانی، حفظ محیط‌زیست، آمایش و توازن منطقه‌ای، توسعه سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی، صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی، تأمین مطمئن امنیت ملی و نوسازی دولت و ارتقای اثربخشی حاکمیت بود.
۵	برنامه پنجم ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴	برنامه پنجم توسعه بعد از تغییرات و اختلافات متعدد بین مجلس و دولت در نهایت در ۲۳۵ ماده و در ۹ فصل در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۸۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. اصول تهیه و تدوین برنامه پنجم، عبارت بود از: دستیابی به جایگاه ترسیم شده برای کشور در سند چشم‌انداز بیست‌ساله در منطقه، تحقق کامل سیاست‌های ابلاغی مقام رهبری، توجه به خطوط راهنمای الگوی اسلامی - ایرانی توسعه در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، عدالت اجتماعی، جلب گسترده مشارکت مردم و ایجاد فضای مناسب برای تحقق جهش بلند اقتصادی و اجتماعی.

ردیف	دوره	برنامه توسعه
۶	برنامه ششم ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰	برنامه ششم توسعه، مشتمل بر ۱۲۴ ماده و ۱۲۸ تبصره در تاریخ چهاردهم اسفند ۱۳۹۵، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. سیاست‌های کلی برنامه ششم شامل امور اقتصادی، امور فرهنگی، امور اجتماعی، امور دفاعی و امنیتی، امور سیاست خارجی، امور علم و فناوری و نوآوری و امور حقوقی و قضایی می‌شود.
۷	برنامه هفتم ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۶	بررسی برنامه هفتم توسعه در ۱۰۷ ماده، از سوم مهرماه ۱۴۰۲ در مجلس شورای اسلامی آغاز شد و پس از تصویب کلیات برنامه هفتم، جلسات بررسی مواد این برنامه، در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت.

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به مطالب مطرح شده، یک رابطه ضروری بین سیاست کلی نظام و برنامه‌های توسعه وجود دارد که بر این اساس، رابطه بین اقتصاد مقاومتی با برنامه هفتم، مبحث اساسی است که این پژوهش به آن اختصاص دارد.

### ث) بیانیه گام دوم و ویژگی اقتصاد در تراز نظام انقلابی

اقتصاد، یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، توزیع عدالت‌محور، مصرف به‌اندازه و بدون اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده است، به دلیل همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی، راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش کرده است. چالش بیرونی



تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام، عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه اینها، مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است.

راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه جوان، دانا، مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است، پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است»، خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرازچندگاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القا می‌شود (بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

### ج) رابطه اقتصاد مقاومتی و برنامه هفتم توسعه

سیاست‌های کلی، یکی از نقاط قوت و الزام‌آور رشد و توسعه در هر کشوری است. در طول سال‌های گذشته، سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های مختلف توسط مجمع تشخیص مصلحت



نظام آماده و از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است. بدیهی است چنانچه برنامه‌های اجرایی کشور متناسب با سیاست‌های کلی نظام نباشد، انحراف منابع از اهداف کلی نظام اجتناب‌ناپذیر خواهد شد.

یکی از شئون مهم برنامه‌ریزی در کشور، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه است. برنامه پنج‌ساله هفتم درحالی تصویب شده است که بیش از ده سال از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌گذرد و انتظار می‌رود در این برنامه توجه به تدابیر این سیاست در بهترین سطح خود باشد و تدابیر اقتصاد مقاومتی در فصول مختلف برنامه هفتم توسعه مشاهده شود.

دستیابی به اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بدون تبلور در برنامه‌های توسعه امکان‌پذیر نیست. موضوع اقتصاد مقاومتی در بیانیه گام دوم مورد تأکید قرار گرفته و دستیابی به یک اقتصاد مستقل و قوی، تابع توجه به ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی قلمداد شده است. لذا، اقتصاد در تراز بیانیه گام دوم به‌عنوان پیش‌نیاز نظام انقلابی عبارت است از: اقتصادی که در تمامی شئون تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی آن به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی توجه شده و برای اجرایی شدن آن قانون‌گذاری می‌شود.

#### د) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

یکی از اهداف مهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ایجاد اقتصادی مستقل، درون‌زا، برون‌گرا و پویاست. بی‌شک برای دستیابی به اقتصادی در تراز نظام انقلابی، اجرایی کردن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، در زمره کارگشایترین روش‌ها خواهد بود.

سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲ ابلاغ شد و تا لحظه نگارش این سیاست‌ها از ابلاغ آن ده سال می‌گذرد که به شرح زیر است:

۱. تأمین شرایط و فعال‌سازی تمامی امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.



۲. پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور، ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات، خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.
۳. محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.
۴. استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی.
۵. سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.
۶. افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی، به‌ویژه در اقلام وارداتی، و اولویت دادن به تولید محصولات، خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
۷. تأمین امنیت غذا، درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).
۸. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.
۹. اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.
۱۰. حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم؛
- گسترش خدمات تجارت خارجی، ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز؛



- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات؛
  - برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها، به‌ویژه با کشورهای منطقه؛
  - استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز؛
  - ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
۱۱. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.
۱۲. افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:
- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان، به‌ویژه همسایگان؛
  - استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از اهداف اقتصادی؛
  - استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.
۱۳. مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:
- انتخاب مشتریان راهبردی؛
  - ایجاد تنوع در روش‌های فروش؛
  - مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش؛
  - افزایش صادرات گاز؛
  - افزایش صادرات برق؛
  - افزایش صادرات پتروشیمی؛
  - افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.
۱۴. افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میادین مشترک.



۱۵. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهایی با بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.
۱۶. صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زائد.
۱۷. اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.
۱۸. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.
۱۹. شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و... .
۲۰. تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری، اشتغال مولد، اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.
۲۱. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن، به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.
۲۲. دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:
- شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب؛
  - رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن؛
  - مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به‌هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.
۲۳. شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.
۲۴. افزایش پوشش استاندارد برای تمامی محصولات داخلی و ترویج آن.



## و) نظام حکمرانی انقلابی - اسلامی

در نظام ارزشی اسلامی، انقلاب اسلامی پس از پیروزی تمام نمی‌شود. بنابراین، گفتمان انقلاب اسلامی نیز تمام‌شدنی نیست و باید برنامه‌ریزی‌های لازم برای تحقق ارزش‌های انقلاب پس از انقلاب صورت بگیرد. در یک نظام حکمرانی انقلابی - اسلامی، اولین مرحله انقلاب است. سپس، نظام تشکیل می‌شود و بر همین اساس، گفتمان انقلاب اسلامی در ایران و در خارج از آن بازتولید می‌شود.

انقلاب اسلامی قرار است در جمهوری اسلامی ایران بازتولید شود. اینها متقابلاً یکدیگر را بازتولید می‌کنند و ارزش‌ها در جمهوری اسلامی بازتولید می‌شود. انقلاب بیشتر یک حالت جنبشی داشته و نظام بیشتر وضعیت‌تثبیتی دارد. این دو را چگونه می‌شود با هم تلفیق کرد؟ آیا انقلاب اسلامی را می‌توان با دولت جمع کرد؟ یعنی دوگانه دولت و آرمان را می‌توان جمع کرد؟ کار سختی است و ضرورت دارد، زیرا نظام جمهوری اسلامی بستری برای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی است. نظریه نظام حکمرانی انقلابی - اسلامی هدفش مدون کردن آن چیزی است که منجر به تحقق ارزش‌های انقلابی - اسلامی می‌شود.

اقتصاد نظام حکمرانی انقلابی - اسلامی، اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های انقلابی و اسلامی و در خدمت انقلاب و ارزش‌های آن است. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌خوبی ارزش‌های یک اقتصاد انقلابی و اسلامی را ذکر کرده و بدیهی است که دستیابی به آرمان‌های یک نظام حکمرانی اسلامی به تدابیر اقتصاد مقاومتی وابسته است و به‌عنوان یک پیش‌نیاز برای آن مطرح می‌شود. در یک نظام حکمرانی اسلامی، مبانی، ارزش‌ها، اصول، آرمان‌ها، منافع ملی و مصالح اسلامی، راهبردها و ابزار به‌صورت زیر قابل تعریف است:

۱. مبانی: گفتمان آن از انقلاب اسلامی، اسلام، اندیشه امام علیه السلام، رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام و... است.

۲. ارزش‌ها: اعم از حکمت، عقلانیت و مصلحت است و در آن، دولت بدون ایدئولوژی وجود ندارد.

۳. اصول: اصول نظام حکمرانی انقلابی - اسلامی در بیانیه گام دوم نیز آمده است که می‌توان به



استکبارستیزی، مرزبندی با دشمن اشاره کرد که با اصول سیاست خارجی در قانون اساسی هم‌پوشانی دارد.

۴. آرمان‌ها: مواردی مانند عزت ملی، استقلال ملی، عدالت جهانی، تمدن اسلامی و وحدت جهان اسلام را شامل می‌شود.

۵. منافع ملی و مصالح اسلامی: مهم‌ترین منافع امت اسلامی و بالاترین مصلحت در نظام حکمرانی انقلابی - اسلامی حفظ جمهوری اسلامی ایران است.

۶. راهبرد: اقتصاد مستقل و قوی، آرمان‌گرایانه و واقع‌بینانه است. اقتصاد باید توانایی تطبیق با اصول اساسی انقلاب را داشته باشد و مدام خود را در این جهت بازخوانی و تقویت کند.

۷. ابزار تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در یک نظام حکمرانی اسلامی کاملاً وابسته به برنامه‌های پنج‌ساله توسعه است که باید با دقت بیشتری به آنها توجه کرد.

### ه) برنامه هفتم توسعه

در اجرای سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه طی سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۶ با رویکرد تحقق رشد اقتصادی عدالت‌محور، اصلاح نظام بانکی و مهار تورم، اصلاح ساختار بودجه، اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح صندوق‌های بازنشستگی، امنیت غذایی و ارتقای تولید محصولات کشاورزی، بهبود نظام مدیریت یکپارچه منابع آب، رفع ناترازی‌های انرژی، تسریع در اجرای طرح‌های کلان پیمان و زنجیره ارزش، توسعه ساخت مسکن، افزایش سهم ترانزیت و اقتصاد دریامحور در اقتصاد ملی، ارتقای نظام سلامت، ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه، بهبود جایگاه و منزلت زن و خانواده و رشد جمعیت، افزایش نقش میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، بهبود وضعیت تأمین اجتماعی و سیاست‌های حمایتی، بهبود سیاست داخلی و ارتقای سلامت اجتماعی، افزایش سهم و نقش شبکه ملی اطلاعات و اقتصاد رقومی (دیجیتال)، ارتقای نظام علمی، فناوری و پژوهشی، ارتقای نظام آموزشی، افزایش اثربخشی سیاست خارجی، ارتقای توان دفاعی و امنیتی، اصلاح نظام اداری و تحول قضایی و حقوقی لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه کشور در ۲۴ فصل به شرح زیر تدوین شده است:



- فصل ۱: رشد اقتصادی؛
- فصل ۲: اصلاح نظام بانکی و مهار تورم؛
- فصل ۳: اصلاح ساختار بودجه؛
- فصل ۴: اصلاح نظام مالیاتی؛
- فصل ۵: اصلاح صندوق‌های بازنشستگی؛
- فصل ۶: تأمین اجتماعی، سیاست‌های حمایتی و توزیع عادلانه درآمد؛
- فصل ۷: امنیت غذایی و ارتقای تولید محصولات کشاورزی؛
- فصل ۸: نظام مدیریت یکپارچه منابع آب؛
- فصل ۹: انرژی؛
- فصل ۱۰: طرح‌های کلان پیشران و زنجیره ارزش؛
- فصل ۱۱: توسعه مسکن؛
- فصل ۱۲: ترانزیت و اقتصاد دریامحور؛
- فصل ۱۳: توسعه شبکه ملی اطلاعات و اقتصاد رقومی (دیجیتال)؛
- فصل ۱۴: ارتقای نظام سلامت؛
- فصل ۱۵: ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه؛
- فصل ۱۶: زن، خانواده و جمعیت؛
- فصل ۱۷: میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی؛
- فصل ۱۸: سیاست داخلی و ارتقای سلامت اجتماعی؛
- فصل ۱۹: ارتقای نظام آموزشی؛
- فصل ۲۰: ارتقای نظام علمی، فناوری و پژوهشی؛
- فصل ۲۱: سیاست خارجی؛
- فصل ۲۲: دفاعی و امنیتی؛
- فصل ۲۳: اصلاح نظام اداری؛
- فصل ۲۴: تحول قضایی و حقوقی.



برای اختصار در مقاله و اجتناب از حجیم شدن آن، کل متن لایحه برنامه پنجم توسعه در این قسمت ذکر نمی‌شود و تنها بخش‌هایی از برنامه که مرتبط با سیاست‌های اقتصادی است، مورد توجه قرار گرفته شده است.

### ی) تطبیق برنامه هفتم توسعه با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

در این بخش با واکاوی واژگان کلیدی موجود در بندهای بیست و چهارگانه اقتصاد مقاومتی در فصول بیست و چهارگانه برنامه هفتم توسعه، تلاش می‌کنیم ارتباطی بین این دو به دست بیاوریم. این واژگان کلیدی از طریق روش طوفان فکری در یک جلسه با جمعی از استادان دانشگاهی در دانشگاه پیام نور احصا شده است؛ به طوری که بتوانند همه زوایای مباحث کلیدی سیاست کلی اقتصاد مقاومتی را پوشش دهد.

واژگان کلیدی موجود در ۲۴ بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در جدول زیر ذکر شده است. براساس اطلاعات این جدول، هشتاد واژه کلیدی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی احصا شده است.

جدول شماره ۳: واژگان کلیدی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

زیر بخش‌های هر بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی				بند
۴. ارتقای درآمد طبقات ضعیف	۳. تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی	۲. مشارکت آحاد جامعه	۱. کارآفرینی	۱
۴. افزایش سهم تولید، صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان	۳. ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور	۲. اجرای نقشه جامع علمی کشور	۱. پیشتازی اقتصاد دانش بنیان	۲
			۵. دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه	



زیربخش‌های هر بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی				بند
۴. تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد	۳. توانمندسازی نیروی کار	۲. تقویت عوامل تولید	۱. رشد بهره‌وری	۳
		۶. به‌کارگیری مزیت‌های مناطق کشور	۵. رقابت بین مناطق و استان‌ها	
	۳. ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی	۲. کاهش شدت انرژی	۱. اجباری هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری	۴
		۲. افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت‌خلاقیت، کارآفرینی و تجربه	۱. سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف	۵
	۳. ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی	۲. اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی	۱. افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه وارداتی)	۶
	۳. ایجاد ذخایر راهبردی مواد اولیه و کالا	۲. تأمین امنیت درمان	۱. تأمین امنیت غذا	۷
	۳. ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید	۲. ترویج مصرف کالاهای داخلی	۱. اصلاح الگوی مصرف	۸



بند	زیربخش‌های هر بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی			
۹	۱. اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور	۲. ایجاد ثبات در اقتصاد ملی	۳. تقویت بخش واقعی	
۱۰	۱. صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت	۲. تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم	۳. گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز	۴. تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات
	۵. برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی	۶. شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی	۷. استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز	۸. ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات
۱۱	۱. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی			
۱۲	۱. توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان، به‌ویژه همسایگان	۲. استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی	۳. استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای	
۱۳	۱. انتخاب مشتریان راهبردی نفت و گاز	۲. ایجاد تنوع در روش‌های فروش نفت و گاز	۳. مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش نفت و گاز	۴. افزایش صادرات گاز

بند	زیربخش‌های هر بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی		
	۵. افزایش صادرات برق	۶. افزایش صادرات پتروشیمی	۷. افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی
۱۴	۱. افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز	۲. حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میادین مشترک	
۱۵	۱. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز	۲. توسعه تولید کالاهایی با بازدهی بهینه براساس شاخص شدت مصرف انرژی	۳. تأکید بر برداشت صیانتی از منابع پتروشیمی
۱۶	۱. صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور	۲. تحول اساسی در ساختارها	۳. منطقی‌سازی اندازه دولت
	۵. حذف هزینه‌های زائد		۴. حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور
۱۷	۱. اصلاح نظام درآمدی دولت	۲. افزایش سهم درآمدهای مالیاتی	
۱۸	۱. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز	۲. قطع وابستگی بودجه به نفت	
۱۹	۱. شفاف‌سازی اقتصاد	۲. سالم‌سازی اقتصاد	۳. جلوگیری از اقدامات فسادزا در حوزه‌های ارزی
			۴. جلوگیری از اقدامات فسادزا در حوزه‌های پولی



زیربخش‌های هر بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی			بند
		۵. جلوگیری از اقدامات فسادزا در حوزه‌های تجاری	
		۶. جلوگیری از اقدامات فسادزا در حوزه‌های ارزی	
		۱. تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد	۲۰
		۲. اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در زمینه فرهنگ جهادی	
		۱. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی	۲۱
		۲. گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی	
		۱. شناسایی و بهره‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب	۲۲
	۳. مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و بهنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی	۲. رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن	
		۱. شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری	۲۳
		۲. روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار	



زیر بخش های هر بند سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی			بند
		۱. افزایش پوشش استاندارد برای تمامی محصولات داخلی و ترویج آن	۲۴

(منبع: یافته‌های پژوهش)

در ادامه باید بررسی کنیم که کدام یکی از واژگان کلیدی فوق در برنامه هفتم مورد توجه دولت و قانون گذاران قرار گرفته است، چراکه عمده مشکل اجرایی نشدن سیاست های کلی نظام، عدم هماهنگی بین سیاست ها و برنامه های اجرایی است؛ یعنی یا برنامه های اجرایی تدوین نمی شوند یا برنامه ها ارتباطی با سیاست های کلی ندارند.

## ۲-۲. پیشینه پژوهش

مطالعات مختلفی در مورد بحث اجرایی کردن فرامین بیانیه گام دوم وجود دارد. جدول زیر به برخی از این مطالعات اشاره می کند. همان گونه که مشخص است، ارتباط بین بیانیه گام دوم و اقتصاد مقاومتی تنگاتنگ است و هر مقاله ای که به موضوع بیانیه گام دوم پرداخته است، ناگزیر به اقتصاد مقاومتی نیز توجه کرده است.

جدول شماره ۴: پیشینه پژوهش

نویسنده(گان)	موضوع	نتیجه
وحید ارشدی و همکاران، (۱۴۰۰)، روش کمی	فرا تحلیل مطالعات اقتصاد مقاومتی در ایران: شناسایی عوامل مؤثر بر استحکام ساخت درونی سازمان برابر تکانه ها	مدیریت های اجرایی و نظارتی سازمان ها در جهت تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، در هر سطحی باید تلاش کنند متغیرهای معرفی شده را رصد کنند. همچنین، تلاش کنند متغیرهای عامل را تقویت و متغیرهای مانع را تضعیف کنند.





نویسنده(گان)	موضوع	نتیجه
الله‌مراد سیف، (۱۳۹۲)، روش داده‌بنیاد	مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاپی‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران	نتایج نشان می‌دهد که سه سطح کلان در پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی، شامل سطح زیرین یا توانمندسازی درونی و سطح میانی یا پایدارسازی ذاتی و سطح زبرین یا الهام‌بخشی جهانی، به ترتیب در این ابلاغیه مورد تأکید بوده و در میان اهداف موضوعی، بیشترین تأکید بر فرآیند اقتصادی است.
یاسر سلیمانی و سعید سیدحسین‌زاده یزدی، (۱۳۹۵)، تحلیل کیفی	تبیین رویکردها و مؤلفه‌های سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (بررسی موردی: تبیین بند دوازدهم سیاست‌ها؛ مؤلفه دیپلماسی اقتصادی)	یافته‌های اصلی مقاله حاکی از این امر است که مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی باید با توجه به سه مؤلفه دسترسی به بازارهای جهانی؛ جذب سرمایه‌های خارجی (به‌طور مستقیم و غیرمستقیم دوجانبه و چندجانبه)؛ حفظ اقتصاد ملی در مقابل چالش‌های اقتصاد جهانی و نیز مؤلفه‌های رویکردهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی شامل جهادی بودن، انعطاف‌پذیری، فرصت‌ساز بودن، مولد بودن، درون‌زایی، پیشرو بودن و برون‌گرایی در قالب یک ضرب ماتریسی مفهومی تدوین و اجرا شوند تا الگوی دیپلماسی اقتصادی مقاومتی استخراج و پیاده‌سازی شود.
الله‌مراد سیف، (۱۳۹۱)، روش پیمایشی	الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)	در این مقاله الگویی برای اقتصاد مقاومتی جمهوری ایران شامل مؤلفه‌های رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پیشنهاد شده است. در پایان، راهبردهای چهارگانه مقابله، خشی‌سازی، جذب، ترمیم، پخش و تضعیف منطبق بر مسئله تحریم اقتصادی غرب تشریح و مصادیق آنها

نویسنده(گان)	موضوع	نتیجه
		معرفی شده است.
علی باقری، (۱۳۹۷)، روش کمی و کیفی	مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی و تبیین نقش و جایگاه آن در دوران پساتحریم	در این مقاله، نویسنده به تحلیل نقش و جایگاه این الگوی اقتصادی به‌عنوان نسخه همه‌جانبه در شرایط تحریم و پس از آن می‌پردازد و راهبرد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را در چشم‌انداز آینده کشور بررسی می‌کند.
امید رضایی و راحیـــــــــل امیری‌نیک، (۱۳۹۵)، روش داده‌بنیاد	عوامل راهکارهای مؤثر بر رشد اقتصاد در شرایط اقتصاد مقاومتی	اقتصاد مقاومتی، راه چاره‌ای است که برای برون‌رفت از این وضعیت در نظر گرفته شده است که خلاصه آن، مردمی کردن اقتصاد و سپردن آن به دست خود مردم است. به این صورت که مردم با اصلاح الگوی مصرف و تلاش جهادگونه، موجبات شکوفایی اقتصاد را فراهم کنند که البته این به معنی ریاضت اقتصادی نیست.

به‌رغم ارزشمند بودن همه مطالعات انجام‌شده در این زمینه، اما پژوهش پیش رو تلاش می‌کند با آکاوی برنامه هفتم توسعه و انطباق آن با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، میزان تبلور سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم را بررسی کند.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی استفاده شده است. تحلیل محتوا<sup>۱</sup> یک روش تحقیق کیفی برای شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنایی داده‌های کیفی است. تحلیل محتوا در کنار تحلیل مضمون در مطالعات مدیریت و علوم اجتماعی کاربرد فراوانی دارد. این روش، ساده‌ترین و نخستین روش تحقیق کیفی است که با رویکرد قیاسی یا استقرایی قابل استفاده است.



نخستین حرکت به سمت تحلیل محتوای کیفی را می‌توان در مقاله کراکوتر<sup>۱</sup> با عنوان «چالش تحلیل محتوای کیفی» (۱۹۵۲) جستجو کرد. این مقاله، مناقشه‌ای بر سر استراتژی‌های کاربردی در تحلیل محتوا در دهه ۵۰ میلادی به راه انداخت. کراکوتر در این مقاله، روش تحلیل محتوای کیفی را به رسمیت شناخت و با بیان کمردن ضعف‌های موجود در روش کمی، ضرورت ایجاد نسخه‌ای انسان‌گرایانه و کیفی از تحلیل محتوا را خاطر نشان کرد.

این روش، اغلب در روند پژوهی پژوهش‌های تلفیقی، بررسی تصویر واقعیت‌ها و نیز بررسی میزان انطباق برنامه‌ها با ویژگی‌ها و ویژگی‌های ساختاری و محتوایی به کار برده می‌شود. روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک و سازمان‌یافتگی جهان دست یافت.

در این مقاله ابتدا با استفاده از روش تحلیل کیفی ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی و برنامه هفتم مورد شناسایی قرار گرفت. نتیجه این شناسایی نشان داد که هشتاد واژه کلیدی از تدابیر اقتصاد مقاومتی قابل استخراج است. سپس این هشتاد واژه کلیدی به صورت کمی در برنامه هفتم مورد بررسی قرار گرفت، اما چون ممکن است معانی واژگان در مفهوم‌ها یا عبارت دیگر آمده باشد یا حتی به عنوان هدف در خود برنامه آمده باشد، یک بار نیز به صورت مفهومی واژگان کلیدی در برنامه هفتم مورد ارزیابی قرار گرفت.

## ۴. یافته‌های پژوهش

### ۴-۱. تحلیل محتوای برنامه هفتم توسعه

در این بخش از مقاله با تحلیل محتوای برنامه هفتم توسعه، به دنبال واژگان کلیدی اقتصاد مقاومتی خواهیم بود. جدول زیر تعداد اشاره‌های برنامه هفتم توسعه به واژگان کلیدی اقتصاد مقاومتی به عنوان راه‌حل دستیابی به اقتصاد مستقل و در تراز نظام انقلابی را نشان می‌دهد.

۱. kracauer



جدول شماره ۵: اشاره به واژگان کلیدی اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۶-۱۴۰۲)

بند	زیر بخش های هر بند سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی		
۱	۱. کارآفرینی	۲. مشارکت آحاد جامعه	۳. تسهیل و تشویق همکاری های جمعی
	ماده ۴ و ۸۰	مواد: ۲، ۵، ۶، ۷، ۱۵، ۱۹، ۲۲، ۳۸، ۴۴، ۴۸، ۵۲، ۵۹، ۶۵، ۶۶، ۸۳، ۸۸، ۹۲، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۲ و ۱۰۳.	ماده ۵، بند الحاقی ۳
۲	۱. پیشتازی اقتصاد دانش بنیان	۲. اجرای نقشه جامع علمی کشور	۳. ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور
	مواد: ۱۱، ۴۸، ۸۰، ۹۶، ۹۷، ۹۸ و ۹۹	مواد ۹۴ و ۹۸ و ماده الحاقی ۱-۴ و ۶-۷	فصل ۲۱، ماده ۱۰۰
	۵. دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه		
	تبصره ۲ و ماده ۹۷		
	۱. رشد بهره‌وری	۲. تقویت عوامل تولید	۳. توانمندسازی نیروی کار
مواد: ۲، ۵، ۱۸، ۱۹، ۳۳، ۳۸، ۳۹، ۴۲	-	ماده ۳۱، تبصره ۱۰۰ و ماده ۷۹	
۳	۴. تقویت رقابت پذیری اقتصاد	۴. تقویت رقابت پذیری اقتصاد	۴. افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان
	فصل ۱۰		ماده ۹۹ و ماده الحاقی ۱-۱، ۲-۱ و ۳-۱



زیربخش های هر بند سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی			بند
			۴۳، ۴۸، ۵۵، ۵۸، ۶۹، ۷۰، ۹۴، ۹۹، ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۱۱
		۶. بهره‌کارگیری مزیت‌های مناطق کشور	۵. رقابت بین مناطق و استان‌ها
		فصول ۷، ۱۰، ۱۲، ۲۰ و ۲۴	-
	۳. ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی	۲. کاهش شدت انرژی	۴ ۱. اجرای هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری
	ماده ۳۱ و ۵۱	فصول ۹، ۱۴ و ۲۰	فصول ۵، ۶، ۹، ۱۴، ۱۶، ۲۰ و ۲۴
		۲. افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت خلاقیت، کارآفرینی و تجربه	۵ ۱. سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف
		فصول ۱۴، ۱۹، ۲۱، و ۲۳	فصول ۷، ۹، ۱۰ و ۱۱



زیربخش‌های هر بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی			بند
۱. افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه وارداتی)	۲. اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی	۳. ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی	۶
بند الحاقی ۲، ردیف ب و بند ۳	ماده ۳۳ و ۶۴	بند الحاقی ۳، ماده ۵ و ۱۰۱	
۱. تأمین امنیت غذا	۲. تأمین امنیت درمان	۳. ایجاد ذخایر راهبردی مواد اولیه و کالا	۷
ماده ۳۲، فصل ۷	-	ماده ۷۱	
۱. اصلاح الگوی مصرف	۲. ترویج مصرف کالاهای داخلی	۳. ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید	۸
ماده ۳۲	ماده ۷۴	فصول ۵، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۲ و ۲۴	
۱. اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور	۲. ایجاد ثبات در اقتصاد ملی	۳. تقویت بخش واقعی	۹
فصول ۲، ۳، ۹ و ۱۰	ماده ۱۱	-	
۱. صادرات کالاها و خدمات به تناسب	۲. تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های	۳. گسترش خدمات تجارت خارجی،	۱۰
		۴. تشویق سرمایه‌گذاری	



زیر بخش های هر بند سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی			بند
ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت	لازم	ترازیمت و زیرساخت های مورد نیاز	خارجی برای صادرات
ماده ۴	فصول ۳، ۶، ۷، ۸ و ۱۰	فصول ۳، ۶، ۷، ۸ و ۱۰	فصول ۳، ۶، ۷، ۸ و ۱۰
۵. برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی	۶. شکل دهی بازارهای جدید و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی	۷. استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز	۸. ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات
فصول ۳، ۶، ۷، ۸ و ۱۰	فصول ۳، ۶، ۷، ۸ و ۱۰		
۱۱	۱. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی		
	فصول ۱، ۲، ۳، ۷، ۱۲، ۲۱ و ۲۴		
۱۲	۱. توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان (به ویژه همسایگان)	۲. استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از اهداف اقتصادی	۳. استفاده از ظرفیت های سازمان های بین المللی و منطقه ای
	فصول ۹ و ۲۱	فصول ۸، ۹، ۲۱	فصول ۹ و ۲۴



زیربخش‌های هر بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی				بند
		۲۲ و ۲۴		
۱. انتخاب مشتریان راهبردی نفت و گاز	۲. ایجاد تنوع در روش‌های فروش نفت و گاز	۳. مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش نفت و گاز	۴. افزایش صادرات گاز	۱۳
ماده ۴۷	فصل ۱	ماده ۴۴	ماده ۱۴	
۵. افزایش صادرات برق	۶. افزایش صادرات پتروشیمی	۷. افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی		
فصل ۱۰	ماده ۴۷	ماده الحاقی ۱-۸		
۱. افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز	۲. حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میادین مشترک			۱۴
۰	ماده ۱۵ و ماده الحاقی ۱-۸			
۱. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز	۲. توسعه تولید کالاهایی با بازدهی بهینه براساس شاخص شدت مصرف انرژی	۳. تأکید بر برداشت صیانتی از منابع	۴. بالا بردن صادرات محصولات پتروشیمی	۱۵
فصل ۱۰	ماده ۴۶	ماده ۳	فصل ۱۰	
۱. صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور	۲. تحول اساسی در ساختارها	۳. منطقی‌سازی اندازه دولت	۴. حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور	۱۶



زیربخش های هر بند سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی				بند
ماده ۱۰۷ و ۱۰۵	ماده ۱۰۵	ماده ۹۱	-	۵. حذف هزینه های زائد
		۲. افزایش سهم درآمدهای مالیاتی	۱۷	۱. اصلاح نظام درآمدی دولت
		فصل ۴	-	
		۲. قطع وابستگی بودجه به نفت	۱۸	۱. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز
		-	-	ماده ۳
۴. جلوگیری از اقدامات فسادزا در حوزه های پولی	۳. جلوگیری از اقدامات فسادزا در حوزه های ارزی	۲. سالم سازی اقتصاد	۱۹	۱. شفاف سازی اقتصاد
ماده الحاقی ۲۱-۱	ماده الحاقی ۲۱-۱	ماده ۶۶	فصول ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۹ و ۲۴	
		۶. جلوگیری از اقدامات فسادزا در حوزه های ارزی	۵. جلوگیری از اقدامات فسادزا در حوزه های تجاری	
		ماده الحاقی ۲۱-۱	ماده الحاقی ۲۱-۱	
		۲. اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای	۲۰	۱. تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید



زیربخش‌های هر بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی			بند
		خدمات برجسته در زمینه فرهنگ جهادی	ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد
		-	بند الحاقی ۲ و ۳ و ماده ۷۹ و ۹۱
		۲. گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی	۲۱ ۱. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی
		-	-
	۳. مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و بهنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی	۲. رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن	۲۲ ۱. شناسایی و بهره‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب
	فصول ۲ و ۳	فصول ۹، ۲۱ و ۲۴، ماده الحاقی ۱-۵	فصول ۳ و ۲۲
		۲. روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار	۲۳ ۱. شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری
		فصل ۷	-



زیربخش های هر بند سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی			بند
		۱. افزایش پوشش استاندارد برای تمامی محصولات داخلی و ترویج آن	۲۴
		فصل ۷	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول شماره ۶: فراوانی اشاره به واژگان کلیدی اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۶-۱۴۰۲)

			۱-۴	۱-۳	۱-۲	۱-۱
			۱	۱	۹۹	۲
		۲-۵	۲-۴	۲-۳	۲-۲	۲-۱
		۱	۹	۱	۴	۲۶
۳-۶	۳-۵	۳-۴	۳-۳	۳-۲	۳-۱	
۹	۰	۳	۱	۰	۴۱	
			۴-۳	۴-۲	۴-۱	
			۱	۵	۹	
				۵-۲	۵-۱	
				۵	۸	
			۶-۳	۶-۲	۶-۱	
			۱	۱	۱	
			۷-۳	۷-۲	۷-۱	
			۱	۰	۱	



						۸-۳	۸-۲	۸-۱
						۸	۱	۱
						۹-۳	۹-۲	۹-۱
						۱	۲	۴
۱۰-۸	۱۰-۷	۱۰-۶	۱۰-۵	۱۰-۴	۱۰-۳	۱۰-۲	۱۰-۱	
۰	۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱	
								۱۱-۱
								۱۰
						۱۲-۳	۱۲-۲	۱۲-۱
						۴	۱۷	۷
۱۳-۷	۱۳-۶	۱۳-۵	۱۳-۴	۱۳-۳	۱۳-۲	۱۳-۱		
۳	۱	۲	۴	۱	۱	۲۷		
							۱۴-۲	۱۴-۱
							۲	۰
					۱۵-۴	۱۵-۳	۱۵-۲	۱۵-۱
					۱	۱	۱	۱۷
					۱۶-۴	۱۶-۳	۱۶-۲	۱۶-۱
					۲	۱	۱	۰
								۱۷-۱
								۳۰
							۱۸-۲	۱۸-۱
							۰	۲۰
۱۹-۶	۱۹-۵	۱۹-۴	۱۹-۳	۱۹-۲	۱۹-۱			
۱	۱	۱	۱	۱	۲۰			

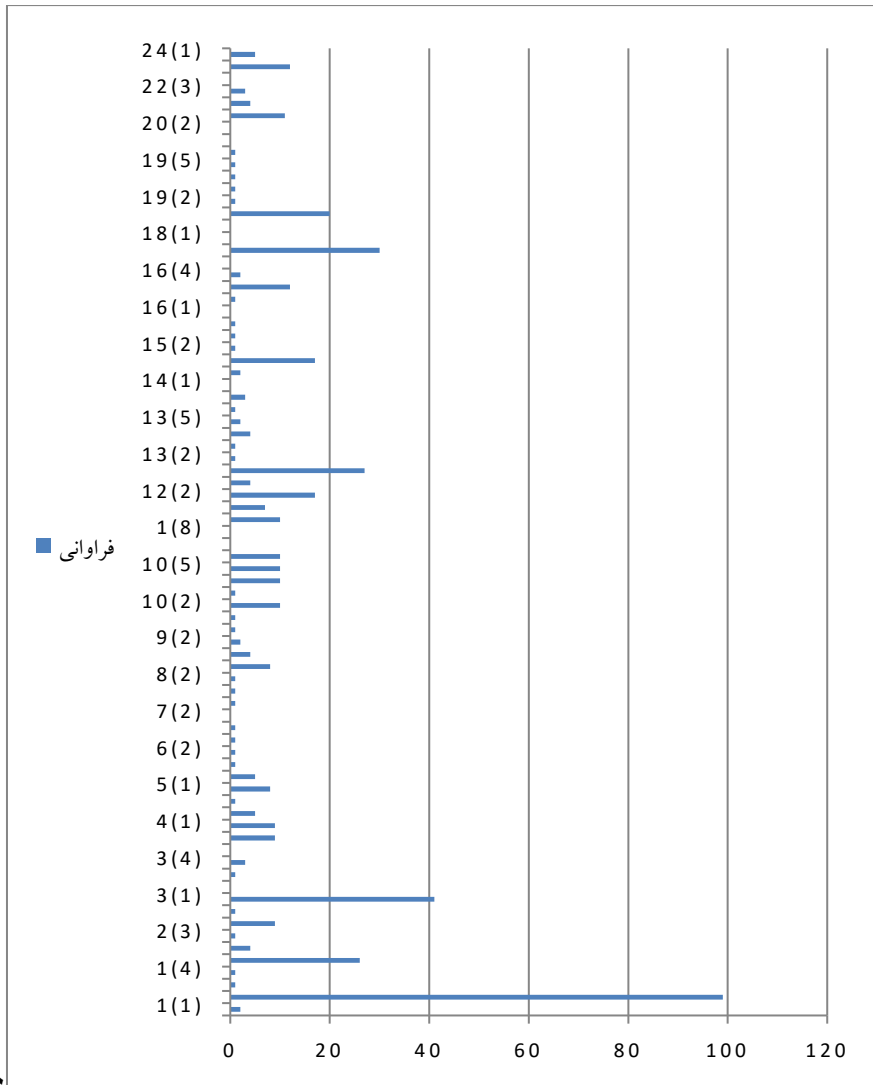


	۲۰-۲	۲۰-۱
	۰	۷
	۲۱-۲	۲۱-۱
	۰	۰
۲۲-۳	۲۲-۲	۲۲-۱
۳	۴	۱۱
	۲۳-۲	۲۳-۱
	۱۲	۰
		۲۴-۱
		۵

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نمودار زیر، فراوانی واژگان کلیدی احصاشده در برنامه هفتم توسعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که از نمودار پیداست، برخی از واژگان کلیدی اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم وجود ندارد و به برخی دیگر توجه بیشتری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ۸۶ درصد واژگان کلیدی احصاشده در قانون برنامه هفتم توسعه مورد توجه قرار گرفته است؛ هرچند به برخی واژه‌ها توجه بیشتر و به برخی توجه کمتری شده است.





نمودار شماره ۱: فراوانی واژگان کلیدی اقتصاد مقاومتی در قانون برنامه هفتم توسعه / (منبع: یافته‌های پژوهش)

توجه به واژه کلیدی ۱(۳) با عنوان «مشارکت آحاد جامعه»، بیشترین فراوانی و توجه را در قانون برنامه هفتم توسعه داشته است و برخی واژگان کلیدی احصاشده در قانون برنامه هفتم، نه در متن و نه در محتوا دیده نشده است. واژگان تقویت عوامل تولید، رقابت بین مناطق و استان‌ها، تأمین امنیت درمان، تقویت بخش واقعی، استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت



نیاز، ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات، افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز، صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور، حذف هزینه‌های زائد، اصلاح نظام درآمدی دولت، قطع وابستگی بودجه به نفت، اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در زمینه فرهنگ جهادی، تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی، گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی و شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری در متن و محتوای برنامه هفتم توسعه دیده نشد، اما سایر واژگان حداقل یک بار و برخی تا ۹۹ بار در قانون برنامه هفتم مورد توجه قرار گرفته‌اند.

## ۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

### ۵ - ۱. بحث

یکی از منابعی که به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پرداخته است، بیانیه گام دوم است. بیانیه گام دوم، رسیدن به اقتصاد قوی را مشروط به اجرایی شدن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌داند. اجرایی شدن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تابع برنامه‌ریزی دقیق است و در این زمینه، برنامه‌های توسعه مسیر بسیار مناسب هستند. در این پژوهش، تبلور سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم مورد بررسی قرار گرفت و این سؤال مطرح شد که برنامه هفتم توسعه چند درصد از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را مورد توجه قرار داده است؟

یافته‌های پژوهش نشان داد که برنامه هفتم توسعه به تقویت عوامل تولید، رقابت بین مناطق و استان‌ها، تأمین امنیت درمان، تقویت بخش واقعی، استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز، ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات، افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز، صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور، قطع وابستگی بودجه به نفت، اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در زمینه فرهنگ جهادی، تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی توجهی نداشته است.

در سوی دیگر، مشارکت آحاد جامعه، رشد بهره‌وری، پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی، انتخاب مشتریان راهبردی نفت و گاز، افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، افزایش سهم درآمدهای مالیاتی،



شفاف‌سازی اقتصاد و افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز در برنامه هفتم بیشتر مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته است.

توجه نداشتن به برخی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی یا کم‌توجهی به برخی مؤلفه‌ها، زمینه‌ساز مشکلات متعدد اقتصادی می‌شود. اگر با نگاه دقیق به این موضوع، حتی می‌توان به ریشه بسیاری از ناترازی‌ها پی برد.

## ۵ - ۲. نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم ضمن اشاره به مسیر طی شده در چهل سال اول نظام جمهوری اسلامی ایران، به الزامات اجرایی چهل سال دوم نیز پرداخته است. در بخش اقتصاد بیانیه، راه‌حل ایجاد اقتصاد مستقل، توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی معرفی شده است. لذا، این پژوهش تلاش کرد با واکاوی برنامه هفتم توسعه و انطباق آن با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، میزان تبلور سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم را مورد بررسی قرار دهد.

واضح است که برای تحقق اقتصاد مقاومتی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه نقش بسیار مهمی دارند، زیرا اهداف سیاست‌های کلی بدون طراحی برنامه‌های اجرایی قابل دستیابی نیست. لذا، در این پژوهش برنامه هفتم مورد توجه قرار گرفت و تلاش شد با بررسی آن، اطلاعات مفیدی در مورد مسیر طراحی شده برای دستیابی به اهداف بیانیه گام دوم حاصل شود.

بنابراین، واکاوی واژگان کلیدی موجود در بندهای ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی در فصول ۲۴ گانه برنامه هفتم توسعه احصا و ارتباطی بین این دو مشخص شد. بررسی اولیه نشان می‌دهد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، هشتاد واژه کلیدی دارد. جدول شماره (۱) این واژگان کلیدی را نشان می‌دهد. سپس، برنامه هفتم توسعه که ۲۴ فصل دارد، مورد توجه قرار گرفت و هشتاد واژه کلیدی که فرامین اقتصاد مقاومتی هستند، در این برنامه کنکاش شد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد برنامه هفتم توسعه تا ۸۶ درصد از انتظارات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را پوشش داده است و ۱۴ درصد از نکات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در برنامه هفتم جایی نداشته و به آن اشاره نشده است. به عبارت دیگر، از هشتاد واژه کلیدی سیاست‌های



کلی اقتصاد مقاومتی، به یازده مورد اصلاً در برنامه هفتم توسعه اشاره‌ای نشده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تقویت عوامل تولید، رقابت بین مناطق و استان‌ها، تأمین امنیت درمان، تقویت بخش واقعی، استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز، ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات، افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز، صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور، حذف هزینه‌های زائد، اصلاح نظام درآمدی دولت، قطع وابستگی بودجه به نفت، اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در زمینه فرهنگ جهادی، تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی، گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی و شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری.

### ۵-۳. پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

- گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی از طریق تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی مورد توجه مسئولان قرار بگیرد. این امر زمینه را برای جلوگیری از اشتباهات محاسباتی مسئولان و مطالبه‌گری اقتصاد مقاومتی در مسیر رفع مشکلات اقتصادی کشور فراهم می‌کند.
- تقویت عوامل تولید باید مورد توجه قرار بگیرد. سرمایه‌های انسانی و فیزیکی برای کشور از اهمیت فراوانی برخوردارند و باید تقویت شوند. رقابت بین مناطق و استان‌ها برای بارور شدن پتانسیل‌های بالقوه مناطق و استان‌ها بسیار مهم است.
- تأمین امنیت درمان نیز از مباحثی است که در برنامه هفتم به آن توجه نشده است، در حالی که امنیت درمان نقش بسیار مهمی در تداوم مسیر پیشرفت کشور دارد.
- تقویت بخش واقعی اقتصاد از طریق سیاست‌های مالی و ظرفیت مالیات‌ها بسیار مهم است. فعالیت‌های سوداگران به‌عنوان یک سم مهلک برای انحراف منابع اقتصادی از بخش واقعی به بخش‌های غیرواقعی باید محدود شود.
- با توجه به تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی، استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. لازم است این



مهم در دستور صادرکنندگان و وزارتخانه‌های مرتبط قرار بگیرد و مشوق‌هایی در این زمینه مصوب شود.

- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز نیز در برنامه هفتم مورد توجه قرار نگرفته است. توجه نداشتن به این امر، موجب ناترازی می‌شود که در اقتصاد ما به صورت قطع برق یا مازوت‌سوزی خود را نشان می‌دهد. این تجربه بیش از پیش ضرورت توجه به این بُعد را نشان می‌دهد.

- صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور از دیگر مواردی است که در برنامه هفتم توجهی به آن نشده است. تنها از این طریق می‌توان بهره‌وری اقتصاد را افزایش داد. این بسیار مهم است که بودجه محدود کشور در بهترین زمینه مورد نیاز مصرف شود.

- قطع وابستگی بودجه کشور به نفت نیز از مهم‌ترین ابعاد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که در برنامه هفتم به آن توجهی نشده است. این یک مطالبه مهم و در صورت موفقیت، دستاورد بسیار مهمی برای اقتصاد کشور است. در این صورت است که تحریم‌های نفتی دیگر در رفاه مردم کشور مؤثر نخواهد بود.



## ۶. منابع

### ۱-۶. منابع فارسی

- ارشدی، وحید؛ نوبخت، جواد؛ اسماعیل پور ثانی، رضا و سید حسین زاده یزدی، سعید (۱۴۰۰). فراتحلیل مطالعات اقتصاد مقاومتی در ایران: شناسایی عوامل مؤثر بر استحکام درونی سازمان برابر تکانه‌ها. فصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۴(۲۷)، ۱۶۹-۱۲۷.
- اسماعیلی گیوی، حمیدرضا؛ موسوی خطیر، سیدجلال، منصوری، علی نظر و فضائلی، احمد (۱۳۹۷). شناسایی راهبردهای ارتقای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. مدیریت اسلامی، ۲۶(۴)، ۵۱-۷۸.
- باقری، علی (۱۳۹۷). مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی و تبیین نقش و جایگاه آن در دوران پساتحریم. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۲۴(۲)، ۱۱۱-۱۴۷.
- خانی، محمدحسن (۱۳۹۵). الزامات سیاست خارجی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. دانش سیاسی، ۱۱(۱)، ۲۳-۷۲-۶۱.
- رضایی، امید و امیری‌نیک، راحیل (۱۳۹۵). عوامل راهکارهای مؤثر بر رشد اقتصاد در شرایط اقتصادی مقاومتی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، ۲(۴)، ۱۳۱-۱۴۲.
- سلیمانی، یاسر و سیدحسین زاده یزدی، سعید (۱۳۹۵). تبیین رویکردها و مؤلفه‌های سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بررسی موردی: تبیین بند دوازدهم سیاست‌ها: مؤلفه دیپلماسی اقتصادی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴(۴)، ۹۱-۱۱۴.
- سیف، الله‌مراد (۱۳۹۱). الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبنتی بر دیدگاه مقام معظم رهبری). فصلنامه آفاق امنیت، ۵(۱۶)، ۵-۲۲.
- سیف، الله‌مراد (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر نقشه‌ای راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۶(۶۱)، ۸۹-۱۱۵.
- شهبواری، سجاد (۱۴۰۰). تبیین رویکرد اقتصادی بسیج در سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (در چهارچوب شاخص‌های انقلابی‌گری مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری علیه السلام). مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۵(۱۷)، ۱۳۱-۱۶۶.



---

صادقانی شاهدانی، مهدی و محسنی، حسین (۱۳۹۲). بایسته‌های نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۵ (۲)، پیاپی ۱۰، ۳۸-۷.

مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۵). مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، ۴ (۸)، ۳۰-۹.





## نهضت جنگل و ایده شکل‌گیری حکمرانی اسلامی

علی باغداردلگشا<sup>۱</sup>

### چکیده

گفتمان سیاسی و اجتماعی مشروطه در ایران دوره قاجار با هدف حکمرانی بر مدار قانون شکل گرفت. دخالت نیروهای خارجی در امور داخلی ایران در سال‌های انتهایی دوران قاجار باعث شد تا اندیشه مشروطه و استقلال ملی ایران دچار تهدید گردند؛ بی‌کفایتی دولت مرکزی در راستای حفظ استقلال ملی نیز باعث ظهور مقاومت‌های محلی در ایران گردید، نهضت جنگل، نمونه‌ای از همین مقاومت‌ها می‌باشد. پژوهش حاضر که به روش کیفی و با استفاده از فن تحلیل محتوا گردآوری شده با تکیه بر مرامنامه‌ها، مطبوعات و روایات تاریخی مرتبط با نهضت جنگل به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه ایده یا ایده‌هایی در حوزه حکمرانی با چه خواستگاه اندیشه‌ای در دوران قیام جنگل (۱۲۹۳-۱۳۰۰) توسط کنشگران نهضت مذکور ارائه شده است؟ بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد کنشگران در نهضت جنگل به طرح سه ایده حکمرانی پرداخته‌اند: ۱- جمهوری شوروی، ۲-

۱. دکتری تخصصی گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) [ali.b.delgosha@gmail.com](mailto:ali.b.delgosha@gmail.com)





---

سلطنت مشروطه و ۳-جمهوری شورایی. در میان ایده‌های مذکور، ایده جمهوری شورایی تنها مدل از حکمرانی بود که سه گزاره استقلال ملی، هویت اسلامی و مشارکت مردم در امر حکمرانی را در کنار یکدیگر مورد توجه قرار داده است. ایده جمهوری شورایی را می‌توان مینیاتور اولیه‌ای از انگاره جمهوری اسلامی دانست.

### واژگان کلیدی:

نهضت جنگل، میرزا کوچک خان جنگلی، جمهوری شورایی، مردم‌سالاری دینی، هویت اسلامی - ایران.





## ۱. مقدمه و بیان مسئله

مسئله حکومت قانون به مثابه اصلی‌ترین موضوع برای شکل‌گیری حکمرانی مدرن و کارآمد در ایران دوره قاجار (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۵-۱۲؛ اکبری، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵)، ایده‌ای بود که دگراندیشان ایرانی در دوره ناصرالدین شاه قاجار به طرح بحث آن پرداختند؛ موضوعی که منجر به ظهور تجدد سیاسی شد؛ میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله نیز در شکل‌گیری و ترویج این تجدد سیاسی نقشی مهم ایفا کرده‌اند (فیرحی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۸). در همین دوران نیز مسأله حفظ استقلال ملی و عدم واگذاری سرمایه‌های داخلی به بیگانگان که خود را در قالب واقعه تنباکو نشان داد، دیگر خیزش اجتماعی بود که با راهبری عالمان دینی، منجر به لغو امتیاز تنباکو گردید. مطبوعات فارسی زبان منتشر شده در خارج از ایران مانند اختر در اسلامبول، عروه الوثقی در پاریس و قانون در لندن نیز در مقالات متعدد به تبیین نوع روابط قانون مدرن با احکام شریعت، وظایف حکومت در برابر مردم و ویژگی‌های متمایز «حکومت فاسده» و «سلطنت مستبده» از «حکومت مقبوله» پرداختند (باغدار دلگشا، ۱۴۰۰، ص ۴۷-۴۳)؛ آنان در تلاش بودند تا ضمن نقد ساختارهای سیاسی موجود به ارائه الگوهای مطلوب حکمرانی و نمونه‌های جایگزین سلطنت مطلقه متناسب با شرایط مدرن بپردازند.

با ظهور انگاره مشروطه و مشروطه‌خواهی تلاش شد تا تجدد سیاسی، عینیت یابد؛ در سال ۱۲۸۵ شمسی، نخستین مجلس شورای ملی شکل گرفت و تلاش شد تا اهداف نظام مشروطه در ساختار سیاسی ایران پیاده گردند. در همین زمان، فهم از مشروطه در دوگانه مشروطه غربی و مشروطه اسلامی باعث شکل‌گیری نخستین اختلافات داخلی گردید.

قانون و ساختار تعریف شده جدید در حکمرانی که اولین خروجی نظام مشروطه بود و هدف از شکل‌گیری و تحقق آن، مباحثی چون نفی قدرت مطلقه (خودکامگی در قدرت)، مشارکت مردم در امور اجتماعی، حفظ و تقویت استقلال ملی، نفی استبداد داخلی و استعمار خارجی و تقویت هویت ملی بود، اندک زمانی پس از فعالیت، در گرداب اختلاف و تفرقه افتاد و در انواع مختلف چون: مشروطه، مشروطه مشروعه و مشروعه مورد تعریف و بازتفسیر گروه‌های مختلف سیاسی و دینی قرار گرفت. چالش احزاب سیاسی مانند اختلافات اجتماعيون اعتداليون و اجتماعيون عاميون



در مجالس شورای ملی دوم و سوم نیز بر گسترش این اختلافات افزود، ناکارآمدی دولت وقت، عدم توانمندی و قدرت کامل مجلس شورای ملی، سردرگمی گروه‌های اجتماعی در تحقق انسجام ملی و توسعه‌گرایی منفعت طلبانه نیروهای بیگانه چون روسیه و انگلستان دست در دست یکدیگر داده و زمینه‌های تهدید استقلال ملی ایران را گسترش داد. پس از شکل‌گیری دوگانه مشروطه غربی و مشروطه اسلامی، گروه‌های مختلف سیاسی در ایران از طرق مختلفی چون فعالیت‌های تشکیلاتی و حزبی تا مبارزات میدانی و جنگ‌های چریکی در صدد برآمدند تا به ترویج نگرش‌های سیاسی خود بپردازند. در این زمان گروه‌هایی چون اعتدالیون به طرفداری از وضع موجود پرداخته، ضمن جانبداری از مفهوم سلطنت مشروطه، به باز تفسیر برخی احکام دینی در راستای ایده سیاسی مدنظر خویش نیز می‌پرداختند. گروه دیگر مانند دموکرات‌ها، عمدتاً، مشروطه را به مثابه نظامی با رویکردهای سوسیال دموکراسی قبول داشته و قالب غربی نظام مشروطه، بدون وابستگی اش به مفاهیم دینی و مذهبی را پذیرفته و به ترویج آن می‌پرداختند. در خلال این درگیری‌ها، با توجه به کنشگری نیروهای بیگانه و تلاش‌شان برای تصرف کشورهای اسلام در خلال جنگ جهانی اول، گروه سیاسی جدیدی با اهدافی نو با نام «هیئت اتحاد اسلام» در عثمانی شکل گرفت. «هیئت اتحاد اسلام» با هدف اتحاد جهان اسلام و امت محوری با تکیه بر هویت دینی در مقابل نیروهای بیگانه‌ای که استقلال کشورهای اسلامی را تهدید می‌کردند، به فعالیت می‌پرداخت. در ایران نیز به صورت غیر رسمی و غیر سازمانی، برخی از کنشگران سیاسی با حفظ هویت دینی، به تشکیل «هیئت اتحاد اسلام» پرداختند که البته دوام چندانی هم نیافت. در چنین فضایی، گروهی با نام «هیئت اتحاد اسلام» شکل گرفت، گروهی که با برخی عناوین دیگر مانند «کمیته اتحاد اسلام» و یا «جمعیت اتحاد اسلام» نیز در مکتوبات و اسناد از آن یاد شده است (در مورد نام رجوع شود به صدری، ۱۳۸۲)؛ این گروه سیاسی نوظهور با هدف حفظ استقلال ملی، تشکیل حکومت ملی مبتنی بر جمهوریت و اسلامیت در کنار یکدیگر ضمن مقابله با نیروی استبدادی داخل، عمده تلاش خود را بر مدار مبارزه با نیروهای بیگانه تعریف کرده بود. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد نقش آفرینی و کنشگری میرزا کوچک خان جنگلی در «کمیته هیئت اتحاد اسلام» باعث شد تا این گروه وارد مرحله‌ای جدید در فعالیت‌های سیاسی خویش



شود؛ میرزا کوچک خان جنگلی و بخشی از مبارزان نهضت جنگل نیز در روزنامه جنگل (ارگان رسمی قیام جنگل) با اشاره به همبستگی خود با «هیئت اتحاد اسلام» ذیل مباحثی چون «ما به نام اتحاد اسلام قیام کرده‌ایم و به این جمعیت منتسبیم» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵ق، شماره ۲۸، ص ۲) باعث شکل‌گیری شرایطی جدید در مبارزات سیاسی در ایران در سال‌های انتهایی دوره قاجار شدند. پرداختن به موضوع رابطه نهضت جنگل و «هیئت اتحاد اسلام»، چگونگی یکی شدن آن‌ها، اهدافی که آنان از طریق مبارزه و جنگ با نیروهای داخلی (دولت وقت) و نیروهای بیگانه خارجی به دنبال آن بودند، ایده سیاسی نوظهور مطرح شده توسط آنان و ترویج‌اش به مثابه یک نظام سیاسی و شکل‌گیری مدلی جدید از حکمرانی، نگاه آنان به شریعت و احکام اسلامی و عدم مجذوب شدن در تفکرات مارکسیستی از جمله محورهای مهمی هستند که در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد تا مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که نهضت جنگل به دلیل داشتن ایده منسجم در خصوص مدل حکمرانی، مرزبندی معین در مبانی نظری در قالب «حفظ قوانین اسلامی» و «طرفداری از استقلال مملکت ایران» در مقابل استبداد داخلی و استعمار خارجی، تفاوت ماهیتی و بنیادین با دیگر قیام‌ها و مبارزات هم‌زمان خود مانند قیام کلنل پسپان در خراسان و قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان دارد؛ از همین جهت لازم است تا ایده حکمرانی مطرح شده در قیام جنگل با تکیه بر وقایع تاریخی، مرام‌نامه‌های موجود و توجه به اسناد و ارگان مطبوعاتی آن یعنی روزنامه جنگل، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر با توجه به ایده‌پردازی‌ها و کنشگری‌های میرزا کوچک خان جنگلی و طرفداران او به عنوان شاخه‌ای اصلی در نهضت جنگل که دارای رویکردهای عمیق اسلامی بوده‌اند، در تلاش است تا به این پرسش پاسخ دهد که ایده حکمرانی مطرح شده توسط شاخه دین‌دار و اسلام‌گرای نهضت جنگل چه بوده است؟ به دیگر سخن، آنان میان سه گانه هویت دینی، استقلال ملی و حکمرانی، قائل به چه سطحی از تعامل یا تقابل بوده‌اند؟

پژوهش حاضر در گام نخست در بخش ادبیات نظری، فرآیند تجدید سیاسی با تکیه بر ایده «دولت مشروطه اسلامی» در دوران مشروطه تا سال‌های ۱۲۹۳ شمسی را مورد بحث قرار داده است. پس از ذکر پیشینه‌های پژوهش و توضیح روش تحقیق، یافته‌های پژوهش شامل: توضیحی اجمالی از





ماهیت نهضت جنگل، نوع رابطه نهضت جنگل با جنبش مارکسیستی روسیه، جناح‌های فکری فعال در نهضت جنگل و در نهایت ایده‌های فکری جناح اسلام‌گرایی قیام جنگل در حوزه سیاسی و حکمرانی را به بحث گذاشته است.

## ۲. ادبیات موضوع و پیشینه

تلاش برای بیان محدودیت‌های نظامی سیاسی موجود، ارائه راهکار برای حل بحران سیاسی، ترویج ایده مشروطه‌خواهی با هدف محدود کردن قدرت مطلق پادشاه در نظام سلطنتی و بیان نسبت احکام اسلامی و شریعت با نظام سیاسی جدید، اصلی‌ترین محورهایی هستند که در ادبیات موضوعی پژوهش حاضر قابل بررسی می‌باشند. با توجه به آن که پس از دوران مشروطه، بخشی از کنشگری جامعه ایران برای تحقق اهداف مشروطه یا تثبیت نظام سیاسی مشروطه خود را در قالب مبارزات سیاسی علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی نمایان ساخته، موضوع مذکور یعنی جایگاه شریعت و هویت دینی در ایده و اهداف خیزش‌های مبارزاتی نیز قابل بحث و نظر است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

### ۲-۱. مبانی نظری

نقد ساختار سیاسی (سلطنت مطلقه)، معرفی مدل‌ها و نمونه‌های مختلف از نوع حکمرانی (مدل حکومت) و همچنین تأکید بر تلاش برای حفظ استقلال ملی و تحقق حکومت ملی در مقابل سلطه بیگانگان و استعمار، از شاخص‌ترین موضوعاتی است که جامعه ایران در دوران معاصر یعنی از میانه دوره قاجار به بعد به آن توجه ویژه داشته است. گروه‌های مختلف نیز بر همین اساس به تدوین آثار و رساله‌های مختلف پرداخته و کنشگری‌های اجتماعی متفاوتی از دوران ناصرالدین شاه قاجار به بعد در قالب خیزش‌ها و حرکت‌های سیاسی - مبارزاتی نیز در ایران شکل گرفته است. در این فرآیند به آثاری چون: «دستور الاعقاب» با موضوع نقد سیاسی مربوط به دوره محمدشاه قاجار (نواب تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۲-۵)، رساله مجدییه با موضوع نقد شیوه حکمرانی دولت وقت (دولت ناصرالدین شاه قاجار) (سینکی، ۱۳۳۱، ص ۱۴-۲)،





رساله‌های «شیخ و وزیر» و همچنین «رفیق و وزیر» با محوریت دوگانه مقایسه‌ای مدل حکمرانی سنتی و مدل حکمرانی مدرن، رساله «یک کلمه» با موضوع قانون‌خواهی مدرن با بهره‌گیری از برخی رویه‌های دینی (مستشارالدوله، ۱۳۸۶، ص ۷۶-۲۳) می‌توان اشاره داشت. موضوع نقش مطلق و کامل «اراده ملت» در «منشاء و قدرت دولت» یکی از موضوعات مهمی بود که در برخی از این رساله‌ها مانند رساله «یک کلمه» مورد توجه قرار گرفت (آدمیت، ۱۳۴۰، ص ۱۸۶). در این رسا‌نل و مکتوبات، ساختارهای سیاسی وقت مورد نقد قرار گرفته و تلاش شده است تا مدل‌های مختلف حکمرانی مانند حکومت مشروطه، نظام سوسیال دموکراسی، سلطنت مشروطه، حکومت مشروطه مشروعه، حکمرانی اسلامی (مشروعه)، و سوسیالیستی شورایی معرفی گردند.

نقد ساختار سیاسی و طرح مسائل مرتبط با مدل‌های حکمرانی، زمینه‌ساز آن شد تا جامعه نسبت به نظام سیاسی موجود، یعنی سلطنت مطلقه دچار تردید گشته و فهم اجتماعی به سمت دیگر نظامات سیاسی مانند جمهوری، پادشاهی مشروطه، سوسیال دموکراسی، مشروطه، حکمرانی سوسیالیستی و همچنین مردم‌سالاری دینی (جمهوریت در کنار اسلامیت) که برخی از آن‌ها دارای نمونه‌هایی در جهان بود و برخی دیگر بدون شاهد نمونه بودند، برود. نتیجه این کنشگری‌ها، تحقق اولیة نظام مشروطه و مجلس دارالشورای ملی شد. برای نوع حکمرانی در ایران نیز برخی‌ها مانند فضل‌الله نوری ابتدا طرفدار نظام مشروطه بودند، پس از مدتی نظریه مشروطه مشروعه را مطرح کردند و بعد از مدت زمانی کوتاه نیز از آن عبور کرده و به نظریه مشروعه غیر مشروطه به عنوان نظام سیاسی رسیدند (نجفی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹)؛ گروه‌های غیر مذهبی مانند دموکرات و اجتماع‌یون عامیون نیز به طرفداری و ترویج ایده سوسیال دموکراسی، حکومت عرفی و قانون مدرن بدون دخالت شریعت پرداختند (آجوانی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۵-۴۳۴). در مطبوعات این دوران نیز مدل‌های مختلف حکمرانی مانند ایده «دولت [حکومت] مشروطه اسلامی ایران»، ایده «حکومت اسلامی» و لزوم نقش‌آفرینی سیاسی «مجتهدین» در قالب «نایب‌الائمه المعصومین» (روزنامه قانون، بی‌تا، شماره ۲۰، ص ۲-۴) و ایده «دولت مشروطه اسلامی ایران» (ندای وطن، ۱۳۲۵ق، ص ۳-۱) مورد بحث و نظر قرار می‌گرفت.



در این ظرف زمانی، نهضت جنگل و ارگان آن یعنی روزنامه جنگل نیز در عمل و تبلیغ به طرح ایده‌ای نوین در حکمرانی پرداخت. خوانش و بررسی انگیزه و ایده‌مرتبط با نهضت جنگل و کنشگری‌های میرزا کوچک‌خان جنگلی با تکیه بر تحلیل تاریخی و بررسی‌های انتقادی تاریخ‌نگارانه به ما کمک خواهد کرد تا بتوانیم شفاف‌تر به این پرسش پاسخ دهیم که میان ایده حکمرانی اسلامی و نگرش‌های میزا کوچک‌خان جنگلی در قیام جنگل چه نسبتی وجود دارد؟ قیام جنگل به عنوان یکی از مهم‌ترین تحركات سیاسی و مبارزاتی ایران در اواخر دوره قاجار و همچنین حضور برخی گروه‌های چپ مارکسیستی در آن قیام باعث شده است تا تاریخ‌نگاری چپ و همچنین تاریخ‌نگاری سکولار، ماهیت خیزش مذکور را بیشتر به سمت ایده‌های مدنظر خود برده و کمتر به دیگر زوایای هویتی و انگیزشی آن که دارای گرایش دینی و مذهبی بودند، بپردازند؛ بررسی‌های تاریخی شامل خطابه‌ها، مرامنامه‌ها و محتوای متنی مندرج در روزنامه جنگل (ارگان رسمی نهضت جنگل) به ما نشان می‌دهد، ماهیت دینی و اسلامی آن نهضت که بخشی از آن مبتنی بر هم‌آمیزی نقش مردم و اراده ملت در ساختار حکومت با حفظ ارزش‌های دینی و اسلامی بوده، یکی از موضوعات مهمی است که باید مورد توجه مجدد قرار گیرد؛ بر همین اساس پژوهش حاضر در تلاش است تا ایده‌های مطرح شده در قیام جنگل در رابطه با مدل‌های حکمرانی را معرفی کرده، مورد بحث و نظر قرار دهد. بررسی‌های انجام شده به ما نشان می‌دهد که آن بخش از نهضت جنگل که تحت راهبری میرزا کوچک‌خان جنگلی بوده، نگرش‌های مبارزاتی و ایده‌های حکمرانی‌اش را بر پایه هویت دینی استوار کرده بود؛ همچنین ضمن تأکید بر حفظ استقلال ملی و تشکیل «حکومت ملی»، باورمند به امکان هم‌آمیزی نظام جمهوریت بر پایه اسلامیت نیز بوده است؛ بر همین اساس همان‌گونه که رهبری معظم انقلاب نیز اشاره داشته‌اند، میرزا کوچک‌خان جنگلی در حرکت خویش «یک واحد مینیاتوری از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی» را در حوزه خود یعنی رشت و نواحی گیلان به وجود آورده بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۸/۲۹)؛ بررسی‌های انجام شده نیز به ما نشان می‌دهد که نهضت جنگل و قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی نمونه‌ای است عملی از خیزشی سیاسی که با آمیختگی جمهوریت در کنار اسلامیت در تلاش برای تأسیس مدلی جدید از حکمرانی در ایران معاصر بوده است.



## ۲-۲. پیشینه پژوهش

پیشینه‌های علمی مرتبط با پژوهش حاضر شامل تحقیقاتی می‌شوند که با تأکید بر دوره زمانی مورد بحث در پژوهش حاضر یعنی سال‌های انتهایی دوران قاجار و تحولات اجتماعی - سیاسی سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۰ به بررسی ابعاد مختلف انگیزشی، اهداف، ارزیابی و ایده‌های شکل گرفته در نهضت جنگل و کنشگری‌های سیاسی - اجتماعی میرزا کوچک خان جنگلی پرداخته‌اند؛ این آثار به شرح ذیل می‌باشند:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

یافته‌ها	اهداف یا سؤالات اصلی	نویسنده (گان) روش استفاده شده
چگونگی ظهور روحیه انقلابی‌گری در نهضت جنگل	فراز و فرودهای نهضت جنگل	صادق مهرنوش (۱۴۰۰) روش توصیفی - روایی
معرفی نهضت جنگل به عنوانیکی از نهضت‌های عمومی	تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی	یرواند آبراهامیان (۱۳۹۲) توصیفی - تحلیلی
شرح انحراف در اولین جمهوری تاریخ ایران	نهضت میرزا کوچک خان جنگلی به مثابه اولین جمهوری شورایی در ایران	شاپور رواسانی (۱۳۶۳) روش اسنادی
نقش علمای گیلان و مازندران در حمایت از نهضت جنگل	«بررسی نقش علمای گیلان و مازندران در نهضت جنگل»	مصطفی نظری (۱۳۹۶) روش توصیفی - تحلیلی
الگوگیری نهضت جنگل از قیام عاشورا	«رویکرد تطبیقی به مطالعه‌ی نهضت‌های عاشورا و جنگل»	فریدون شایسته (۱۳۹۸) روش توصیفی - تطبیقی
نقش بهائیان و مارکسیست‌ها در ایجاد انحراف در نهضت جنگل	«نفوذی‌ها در نهضت جنگل»	عبدالله شهبازی (۱۳۸۷) روش اسنادی
همراستایی ایدئولوژی نهضت جنگل با ایدئولوژی نهضت	«تحلیل جامعه‌شناختی نهضت جنگل با تأکید بر ایدئولوژی آن»	سعید زاهد زاهدانی و دیگران (۱۳۹۴)



یافته‌ها	اهداف یا سؤالات اصلی	نویسنده (گان) روش استفاده شده
مشروطه		روش تطبیقی - تحلیلی
اثر نهضت جنگل با مناطق اطراف	«نقش تالشان در جنبش جنگل»	آرمین حیدریان (۱۳۹۵) روش توصیفی - تحلیلی
ایدئولوژی‌های مندرج در روزنامه جنگل ترکیبی از دین‌داری، انقلابی‌گری و استقلال‌طلبی	«تحلیل موضوعی سرمقاله‌های مندرج در روزنامه جنگل»	علی باغدار دلگشا (۱۳۹۹) روش اسنادی
ایدئولوژی‌های مندرج در روزنامه جنگل مبتنی بر هویت دینی و استقلال‌طلبی	«رویکردها و نگرش‌های اساسی در روزنامه جنگل»	عبدالله متولی (۱۳۹۰) روش اسنادی
هویت ملی در روایات مندرج در روزنامه جنگل انعکاس داشته است	«استقلال و حفظ هویت ملی در بررسی تحلیل محتوای روزنامه جنگل ارگان جنبش میرزا کوچک‌خان»	علی کریم محدثی (۱۳۹۳) روش تحلیل محتوا

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین را می‌توان در مواردی چون: بررسی ایده و مفهوم "حکمرانی اسلامی" در عملکرد و اهداف جنبش جنگل، سنجش جایگاه هویت دینی و تلاش برای شکل‌دهی به نظام سیاسی ایران بر پایه "حکومت اسلامی" در نگرش و باور میرزا کوچک‌خان جنگلی و همچنین استفاده از اسناد شامل برشماری کامل و غیرگزینشی اوراق موجود از روزنامه جنگل به عنوان ارگان رسمی نهضت جنگل دانست.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق، روش، کیفی و فن مورد استفاده تحلیل محتوا است؛ چارچوب و مدل تحقیق نیز مفهومی بوده و برای بررسی مفاهیم، از رویکرد تحلیلی استفاده شده است. نوع تحقیق حاضر نیز



بنیادی می‌باشد، تحقیقات بنیادی، پژوهش‌هایی را شامل می‌شود که به کشف ماهیت اشیا و پدیده‌ها و روابط بین متغیرها، اصول، قوانین و ساخت یا آزمایش تئوری‌ها و نظریه‌ها می‌پردازد و به توسعه مرزهای دانش کمک می‌نماید. تحقیقات بنیادی دارای زیرشاخه‌ای هستند با عنوان تحقیق نظری. در حقیقت تحقیق نظری نیز نوعی پژوهش بنیادی است و از روش‌های استدلال و تحلیل عقلانی استفاده می‌کند و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌شود؛ بر همین اساس باید اشاره داشت که پژوهش حاضر از نوع تحقیق بنیادی بوده که با تکیه بر نوع تحقیق نظری، گستره‌متنی خود را تدوین کرده است. روش گردآوری تمامی داده‌ها در پژوهش حاضر نیز به صورت اسنادی (کتابخانه‌ای و آرشیوی) می‌باشد.

جامعه آماری مورد استفاده در پژوهش حاضر نیز عبارت‌اند از اسناد مربوط به نهضت جنگل. در فرآیند بررسی‌ها، ابتدا برای آگاهی از آغاز و فرجام نهضت جنگل، منابع توصیفی - تحقیقی مورد مطالعه قرار گرفته و نمونه‌های متعدد روایات متضاد آنان استخراج شده‌اند؛ در ادامه برای رفع تناقض‌های موجود، گزارش‌های مرتبط با نهضت جنگل شامل کتابچه جنگلیان که هم‌زمان با دوران کنشگری نهضت جنگل تدوین شده است و همچنین مرام‌نامه‌های مرتبط با نهضت جنگل مانند مرامنامه هیئت اتحاد اسلام ایران (مرامنامه جمعیت اتحاد اسلام ایران، ۱۳۳۶ق، ص ۳) مورد مطالعه قرار گرفته تا بر اساس آن بتوان به رفع برخی نکات متناقض پرداخته شود. در ادامه با بررسی و برشماری کامل و غیرگزینشی تمامی شمارگان موجود از روزنامه جنگل به عنوان ارگان رسمی نهضت جنگل که در ۳ دوره مختلف منتشر شده و در مجموع شامل ۳۹ شماره می‌باشند تلاش شد تا ضمن پاسخگویی به برخی دیگر از نکات دارای ابهام در خصوص نهضت جنگل، نگرش‌های مندرج در این جریده در خصوص ایده حکمرانی، استخراج گردد. با توجه به آن که جهت تکمیل داده‌های تاریخی لازم است تا مجموع خاطرات شاهدان عینی و کنشگران حاضر در متن واقعه در زمان رخداد نیز مورد بررسی قرار گیرند از همین جهت خاطرات و یادداشت‌هایی که به عنوان منابع اولیه (تدوین شده در زمان وقوع وقایع مرتبط با نهضت جنگل) قابلیت استفاده داشته‌اند، شامل مواردی چون: یادداشت‌های ژنرال دنسترویل (فرمانده قوای انگلیسی)، یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل، یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی، نامه‌ها و یادداشت‌های روتشتین سفیر شوروی نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.





مفاهیم کلیدی و مرجع در مقاله پیش‌رو نیز عبارت‌اند از «نهیضت جنگل»، «حکمرانی اسلامی»، «جمهوری شورایی ایران» و نگرش «اتحاد اسلام». منظور از «نهیضت جنگل» مجموع کنشگری‌هایی است که با نام «قیام جنگل» در فاصله سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۰ شمسی در قالب مبارزاتی سیاسی در دوره حکمرانی احمدشاه قاجار در نواحی شمالی ایران به ویژه گیلان صورت پذیرفته است. «جمهوری شورایی ایران» یا «جمهوری شورایی» و همچنین «جمهوری شوروی» نیز ایده‌هایی مندرج در مرامنامه‌ها و سخنرانی‌های برخی از سران «نهیضت جنگل» می‌باشند که البته بن‌مایه آن در دو طیف کنشگر و مبارز در «نهیضت جنگل» با یکدیگر کاملاً متفاوت بوده است؛ گروه اسلام‌گرا و مذهبی در «نهیضت جنگل»، اصطلاح «جمهوری شورایی ایران» را بر اساس باور به دو اصل «حفظ قوانین اسلامی» و «استقلال مملکت ایران» مورد تعریف قرار داده (جنگلی، ۱۳۵۷، ص ۷۷-۷۸) و گروه چپ‌گرا (مارکسیست) در قیام جنگل نیز مفهوم «جمهوری شوروی» را بر اساس باور به اندیشه‌های سوسیالیستی - مارکسیستی، عقاید بلشویک‌ها و اجتماع‌یون عامیون و تحت تأثیر انقلاب مارکسیستی در شوروی مورد استفاده قرار داده است (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ص ۴/۱۵۳).

«حکمرانی اسلامی» نیز نگرشی است که ایده نخست آن در دوره ناصرالدین‌شاه در روزنامه قانون انعکاس یافت، بعدها در دوران انقلاب مشروطه، نمونه‌های عینی آن در فرآیند کنشگری‌های عالمان دینی چون کاظم خراسانی، سید عبدالله مازندرانی، فضل‌الله نوری، سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی، آقاجنقی اصفهانی و بعدها در تقریرات میرزای نائینی، البته با سطح درک و عاملیت متفاوت مورد بحث قرار گرفت. این ایده در دوران «نهیضت جنگل» مورد پذیرش گروه اسلام‌گرا و مذهبی فعال در قیام جنگل قرار گرفت، آنان هدف مبارزاتی خود را حفظ قوانین دینی معرفی کرده و با تکیه بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، به ترویج ایده جمهوریت (مشارکت مردم در امر سیاسی) در کنار «اسلامیت» (حفظ و بهره‌گیری از شریعت اسلام در امر مبارزه، حکمرانی و کشورداری) پرداختند، این ایده به دلیل سرکوب نهیضت جنگل و قتل میرزا کوچک‌خان جنگلی در دوره زمانی مورد بحث، محقق نگردید. «اتحاد اسلام» نگرشی بود که برای نخستین بار توسط سیدجمال‌الدین اسدآبادی با هدف همبستگی عملی میان کشورهای اسلامی به ویژه عثمانی و ایران در مقابل استعمار بیگانگان مطرح شد. بعدها در عثمانی کمیته‌ای با عنوان «هیئت اتحاد اسلام»





شکل گرفت که البته به مرور اهدافی دیگر چون سلطه عثمانی بر کشورهای اسلامی را دنبال می‌کرد. در ایران نیز هرچند این کمیته به صورت رسمی شکل نگرفت اما برخی از فعالان سیاسی که عمدتاً دارای رویکردهای دینی نیز بودند، نمونه‌های مشابهی از این هیئت را از نظر اسمی شکل دادند، در برلین نیز برخی افراد تجددخواه با رویکرد دینی نمونه مشابهی از این هیئت را برپا کرده بودند. میرزا کوچک خان جنگلی نیز در زمان فراهم کردن شرایط برای شروع فعالیت‌های «نهضت جنگل» در ناحیه گیلان کمیته‌ای با عنوان «هیئت اتحاد اسلام» که بعد به «هیئت اتحاد اسلام ایران» تبدیل شد را شکل داد و در روزنامه جنگل به بیان اهداف و ایده‌های آن در راستای مبارزات قیام جنگل پرداخت؛ بررسی اقدامات «هیئت اتحاد اسلام ایران»، شکل گرفته در «نهضت جنگل»، به ما نشان می‌دهد که این هیئت، کمیته‌ای متفاوت در اهداف، ایده و برنامه با نمونه‌های مشابه در عثمانی و برلین بوده است.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

پیش از ورود به بحث یافته‌های پژوهش که در حقیقت از بخش «نهضت جنگل و طرح ایده‌های حکمرانی» آغاز می‌شود، جهت فهم و آگاهی بیشتر از موضوع مورد بحث لازم است تا در دو محور موضوعی شامل ۱- نقش آفرینی متجاوزانه نیروهای خارجی و تهدید استقلال ملی ایران توسط آنان در دوران قاجار و همچنین ۲- شرحی اجمالی از کنشگری نهضت جنگل به عنوان یکی از ایستادگی‌های ملی در برابر این تجاوزات، توضیحاتی مطرح گردد. این دو بخش در حقیقت پیش‌نیاز فهم تحقیق حاضر می‌باشند.

جنگ‌های ایران و روس در دوره فتحعلی‌شاه قاجار، نخستین نمونه از تهاجم نیروهای خارجی و بحران استقلال ملی در دوره قاجار برای ایرانیان می‌باشد؛ جنگ‌هایی که پس از دو نوبت، منجر به قراردادهای گلستان (۱۸۱۳ میلادی) و ترکمانچای (۱۸۲۸ میلادی) گردید که به موجب آن بخش‌هایی از شمال غربی ایران از خاک وطن جدا گردید. نیروهای استعمارگر روس و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی نیز همچنان چشم طمع به ایران داشته و با جداسازی بخش‌های مختلفی از خاک ایران در قراردادهایی چون: معاهده پاریس (جداسازی هرات از ایران در ۱۸۵۷ میلادی)،



تفاهم با گلداسمیت (جداسازی بلوچستان از ایران در ۱۸۷۱ و ۱۹۰۵ میلادی) و قرارداد آخال (جداسازی نواحی شمال شرقی ایران در ۱۸۸۱ میلادی)، به استقلال ملی در ایران ضربه وارد کرده و شرایط تهدید آن را به وجود می‌آوردند.

در نخستین سال‌های مشروطه در سال ۱۹۰۷ میلادی نیز کشورهای استعمارگر روس و انگلیس قراردادی با نام معاهده ۱۹۰۷ را میان یکدیگر بستند؛ به موجب این قرارداد ایران به سه منطقه تقسیم شد. قسمت شمال تحت نفوذ روسیه، قسمت جنوب تحت نفوذ بریتانیا و بخش مرکزی ایران هم به عنوان قسمت بی‌طرف معین گردید. حوزه نفوذ روسیه در ایران از قصر شیرین و اصفهان و یزد و خواف می‌گذشت و حوزه نفوذ انگلستان شامل جنوب شرقی ایران از بندر عباس به کرمان و بیرجند می‌رسید. منطقه بی‌طرفی نیز تحت نفوذ حکومت مرکزی ایران مورد تعریف قرار گرفت. پس از آغاز جنگ جهانی اول به سبب ترس از نفوذ آلمان در ایران، کشورهای انگلستان و روسیه منطقه بی‌طرف تعریف شده در قرار ۱۹۰۷ را هم با بستن قرارداد ۱۹۱۵ بین خود تقسیم کردند و به این طریق آن چه پیش از این در قالب جداسازی بخش‌هایی از خاک ایران اتفاق افتاده بود، اینک خود را در قالب حضور نیروهای بیگانه در داخل خاک ایران نشان می‌داد. دولت مرکزی نیز توان مقابله با خودکامگی‌های بیگانگان را نداشت، به همین دلیل هر از چندگاهی گروه‌های مقاومت مردمی و محلی در ایران شکل گرفته و در مقابل نیروهای بیگانه تهدیدکننده استقلال ملی ایستادگی می‌نمودند؛ قیام جنگل یکی از همین مقاومت‌های محلی - مردمی است که در ناحیه گیلان به رهبری میرزا کوچک‌خان جنگلی در سال ۱۲۹۳ به دلیل زوال قدرت دولت مرکزی و ناتوانی‌اش برای حفظ استقلال ملی ایران در مقابل نیروهای خارجی فعال در خاک ایران شکل گرفت و تا سال ۱۳۰۰ شمسی نیز به کنشگری سیاسی و مبارزاتی خود ادامه داد.

در این زمان، میرزا کوچک‌خان از مبارزان مشروطه‌خواهی بود که اولین تجربه کار تشکیلاتی خود را در «مجمع روحانیون» به دست آورد، مجمعی که با گرایش دینی و اسلامی در تلاش بود تا با کنشگری سیاسی و مبارزه علیه محمدعلی شاه قاجار به دفاع از نظام مشروطه و مجلس شورای ملی بپردازد؛ امری که به دلیل انحلال مجلس و به توپ بسته شدن آن توسط لیاخوف روس، کاراش ناتمام ماند و برخی اعضاء آن مانند میرزای جنگلی پس از آن مجبور به مهاجرت به ناحیه قفقاز شدند



(اصلاح عربانی، ۱۳۷۴، ۲، ص ۱۸۲؛ شاکری و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸۳؛ فخرایی، ۱۳۶۸، ص ۳۹).

میرزای جنگلی پس از این واقعه، کنشگری‌های غیر مستقیمی در «کمیتۀ ستار» داشت، تشکلی نیمه مخفی در دوران استبداد صغیر که هدف اصلی‌اش اعاده‌ی مشروطیت بود (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۸-۱۳۷). میرزا کوچک‌خان پس از گذار از برخی تبعیدها در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۴ شمسی در آستانه‌ی جنگ جهانی اول با حضور در تهران، فعالیت سیاسی خود را با حضور در «هیات اتحاد اسلام» از سر گرفت. تشکل «هیئت اتحاد اسلام» که پشتوانه‌ی فکری‌اش به آراء و دیدگاه‌های افرادی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی و عبدالرحمن کواکبی باز می‌گشت، تشکلی بود که برای تحقق سه هدف شکل گرفته بود: ۱- اتحاد مسلمانان با تکیه بر مفهوم هویت دینی ۲- مبارزه با استعمار با هدف استقلال امت اسلامی و ۳- تلاش برای تحقق ایده‌ی اداره‌ی کشورهای اسلامی بر پایه‌ی برنامه‌های اسلامی. میرزا کوچک‌خان که دارای رویکردهای مذهبی و ملی در کنار یکدیگر بود در سال ۱۲۹۳ شمسی، «هیئت اتحاد اسلام» در گیلان را تقویت کرده و پس از برگزاری جلسات هم‌اندیشی مخفیانه با دیگر اعضای «اتحاد اسلام» در رشت در شوال ۱۳۳۲ قمری برابر با شهریور ۱۲۹۳ شمسی برنامه‌ی نهایی خود برای مبارزه با استعمار و نیروهای خارجی را با هدف بازگرداندن استقلال ملی طرح‌ریزی کرد (رواسانی، ۱۳۶۳، ص ۴۳ و ۱۷۰). «کمیتۀ اتحاد اسلام» در سال ۱۳۳۶ قمری، متنی را با عنوان «مرامنامه و نظامنامه ایران» تدوین کرد، این مرامنامه که تکیه‌ی اصلی موضوعی آن «تحکیم مبانی حکومت ملی» و «محافظت اصول و قوانین مقدسه‌ی اسلام» بود (مرامنامه جمعیت اتحاد اسلام ایران، ۱۳۳۶ ق، ص ۳-۲) باعث شد تا گروه‌های اجتماعی مختلف به نهضت جنگل بپیوندند. نهضت جنگل در این زمان مورد حمایت نسبی برخی نیروهای آلمان و عثمانی بود و البته در مقابل نیز نیروهای قزاق به نمایندگی از دولت مرکزی، نیروهای نظامی انگلستان و همچنین نیروهای نظامی شوروی هم در جبهه‌ی مخالفان آن قرار داشتند.

نهضت جنگل در طول فعالیت‌های مبارزاتی خود به موضوع استقلال ملی و تکیه‌ی نظامی بر توان داخلی نگاهی ویژه داشت؛ حضور میرزا کوچک‌خان جنگلی و نگرش‌های سیاسی و ملی او در ترویج چنین ایده‌ای نقشی مهم و محوری داشته است. نهضت جنگل اندک زمانی پس از شروع





فعالیت، مجبور به مبارزه هم زمان با دو گروه شد، یکی نیروهای بیگانه خارجی و دیگر نیروهای دولت مرکزی در ایران. گزارش مستشاران خارجی نشان می‌دهد در بخش عمده‌ای از این مبارزات، نیروهای نهضت جنگل، متکی به توان نظامی و مبارزاتی خویش بودند و هیچ تمایلی به وابستگی یا تحت‌الحمایگی نیروهای بیگانه دیگر مانند نیروهای نظامی آلمان و عثمانی برای رسیدن به پیروزی در مقابل نیروهای دولت مرکزی نیز نداشتند (دنسترویل، ۱۳۰۹، ص ۲۲۳). نهضت جنگل پس از حدود شش سال مبارزه و مقاومت محلی در نهایت به دلالتی چون دسیسه‌های نیروهای نفوذی، انحلال کمیته اتحاد اسلام، تسلیم برخی نیروهای نهضت مانند دکتر حشمت، حملات متعدد نیروهای قزاق و برنامه‌های مشترک شوروی و نیروهای انگلیسی با شکست مواجه شد و با کشته شدن (شهادت) میرزا کوچک‌خان در آذرماه ۱۳۰۰ شمسی انحلال یافت.

#### ۱-۴. نهضت جنگل و طرح ایده‌های حکمرانی

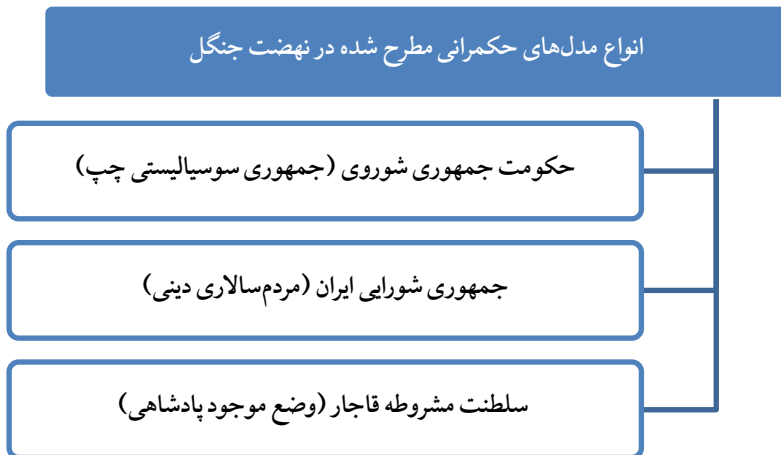
نهضت جنگل، با ایده و هدفی که داشت، دارای وجه تمایز شاخصی با دیگر قیام‌ها و نهضت‌های شکل گرفته هم زمان خود بود که آن، ایده شکل گرفته در حوزه مدل و روش حکمرانی سیاسی است. عملکرد مبارزاتی نهضت جنگل را از نظر کیفی در حوزه مبارزاتی به دو مرحله می‌توان دسته‌بندی کرد: الف) دوره اول از رجب ۱۳۳۳ قمری (خرداد ۱۲۹۴ شمسی) تا انحلال کمیته اتحاد اسلام در حدود سال‌های ۱۳۳۸ قمری (۱۲۹۸ شمسی) و ب) دوره دوم از ۱۲۹۹ شمسی تا ۱۳۰۰ شمسی که شامل تحولاتی چون ورود نیروهای ارتش سرخ به انزلی، مبارزات نیروهای قزاق با پشتیبانی انگلیس و راهبری شوروی، کشته شدن میرزا کوچک خان و در نهایت اتمام کار نهضت جنگل. در این بین، در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ قمری تا ۱۳۳۶ قمری، نهضت جنگل، رویه‌ای دیگر از مبارزات سیاسی را در قالب ارائه مدل حکمرانی جدید و جایگزین به جای نظام سلطنت مشروطه ارائه کرد، موضوعی که در همین دوره زمانی در شمارگان روزنامه جنگل، «مرامنامه جمعیت اتحاد اسلام ایران» و همچنین برخی اسناد و مکتوبات انعکاس یافته است.

دوره انتقال ایدئولوژیک در نهضت، مهم‌ترین رخداد درون تشکیلاتی است که پس از گذشت مدت کوتاهی از مبارزات قیام جنگل، در نگرش و بینش اعضاء نهضت جنگل شکل گرفت؛



موضوعی که منجر به ظهور دو جریان فکری با ارائه دو تعریف متفاوت از ایده‌ای به نام «جمهوری شورایی ایران» به عنوان یک نظام حکمرانی نوین گردید. جریان نخست موسوم به جناح راست بودند که از نظر بینش به تفکرات «هیئت اتحاد اسلام» نزدیکی داشتند و گروه دیگر نیز جریان موسوم به چپ بودند که به نگرش‌های بلشویکی و مارکسیستی متمایل می‌شدند.

ایده «جمهوری» که به عنوان نظام حکومتی مطلوب در گفتمان حکمرانی و همچنین در مبانی سیاسی نهضت جنگل شکل گرفته بود توسط دو جناح راست و چپ مورد تعریف و بازتفسیر متقابل نسبت به یکدیگر قرار گرفت. در همین زمان دو ایده اصلی در عرصه حکمرانی در نهضت جنگل شکل گرفت: ایده حکومت جمهوری شوروی و ایده جمهوری شورایی ایران؛ پس از مدتی در اواخر حیات نهضت جنگل ایده سومی نیز با عنوان ایده سلطنت مشروطه قاجار نیز مورد توجه برخی کنشگران نهضت جنگل قرار گرفت.



شکل ۱. ایده‌های حکمرانی در نهضت جنگل ۱۳۰۰-۱۲۹۳ شمسی (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

### ۱-۱-۴. ایده «حکومت جمهوری شوروی» (سوسیالیستی - مارکسیستی)

«حکومت جمهوری شوروی» ایده‌ال نوع حکمرانی بود که جریان چپ نهضت جنگل به طرح بحث آن پرداخته و تمام تلاش خود برای تحقق آن را به انجام رساند (رواسانی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۱-۲۲۲). جریان چپ حاضر در نهضت جنگل به مرور به این سمت رفت تا میان گیلان، تفریس و باکو

ارتباط برقرار کرده و نخستین زمینه‌های شکل‌گیری و سازمان‌دهی حزب کمونیست ایران را فراهم آورد. آنان، کمیته سوسیالیست جنگل را شکل داده و با اتخاذ رویکردهای اتر ناسیونالیسم و طرح مباحثی چون جدایی نهاد دین از نهاد سیاست و در نهایت نکوهش نهاد دینی به معرفی مدل حکمرانی با نام «جمهوری شورایی گیلان» پرداختند؛ ایده حکمرانی مطرح شده توسط جناح چپ در نهضت جنگل که افرادی چون خالو قربان و احسان الله خان دوستدار از پیشگامان و رهبران فکری آن بودند، نظام مد نظر خود را در قالب یک جمهوری سوسیالیستی مورد تعریف قرار داده بودند. آنان با الگوگیری از مبانی فکری اجتماع‌یون عامیون و اندیشه‌های بلشویکی در نهایت هدف مبارزه خود را تحقق «حکومت جمهوری شوروی ایران» معرفی کرده و با نزدیکی به حزب عدالت در انزلی برای رسیدن به ایده حکمرانی مطلوب‌شان به تبلیغ علیه نظام، رفع حجاب زنان، مصادره اموال مردم و عمومی اعلام کردن زمین‌های وقفی پرداختند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ۴/ص ۱۵۳).

#### ۲-۱-۴. ایده «جمهوری شورایی ایران» (مردم‌سالاری دینی)

«جمهوری شورایی ایران» دیگر نمونه ایده‌آل حکمرانی بود که جناح راست نهضت جنگل متولی طرح و ترویج آن بود. هم‌زمان با اوج‌گیری اقدامات جریان چپ نهضت جنگل، جناح راست که دارای رویکردهای ضد بلشویکی و همچنین نگرش‌های اسلامی بودند تلاش کرد تا نگرش‌های انقلابی و جمهوری خواهانه شکل گرفته در نهضت جنگل را از آنتی امپریالیسم و آنتی ناسیونالیسم به «جمهوری شورایی» با حفظ هویت ملی تغییر دهد (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۲۳۸-۲۴۱؛ فخرایی، ۱۳۶۶، ۱/ص ۲۲۰-۲۰۹). میرزا کوچک‌خان جنگلی نیز با هدف امکان مقابله با نیروهای انگلیس، در مقطعی کوتاه مجبور به همکاری با ارتش سرخ شد (منشور گرگانی، ۱۳۲۶، ص ۳۸) اما پس از آن او که رهبری جناح راست را عهده‌دار بود ضمن مخالفت با بلشویک‌های باکو و عدم پیوستن به کمیته بلشویک تلاش کرد تا با شکل دهی یک «جمهوری شورایی» در مقابل نگرش‌های کسانی چون تقی‌زاده در برلین و عموغلی در پتروگراد ایستادگی نماید. جناح راست در تلاش بود تا با «حفظ شاعران اسلامی» و «استعانت اصول حقه سوسیالیستی برای نجات ایران» به ارائه و تعریف یک مدل حکمرانی بپردازد (میرزا صالح، ۱۳۶۹، ص ۷-۳؛ یقیکیان، ۱۳۶۳، ص ۸۶-۷۷). جناح راست نهضت جنگل در طول دوران مبارزات خود، با



وجود شگفتی‌هایی که جریان نوظهور چپ و نظام بلشویکی داشت، هیچ‌گاه به سمت آن متمایل نشد، این جناح، در نگرش خود معتقد به حفظ هویت و «استقلال ملی» در کنار «حفاظت از شرایع اسلامی» بود. آنان با اتصال خود به نگرش «اتحاد اسلام» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵ق، شماره ۲۸، ص ۲) در تلاش بودند تا برای «نجات ایران از تسلط بیگانگان» به مبارزه با بیگانگان خارجی بپردازند (روزنامه ستاره ایران، ۱۳۳۵ق، شماره ۴۶، ص ۳-۲). مطالب مندرج در سرمقالات روزنامه جنگل که تماماً مروج دیدگاه‌های جناح راست نهضت جنگل بوده است نشان می‌دهد که طرفداران ایده «جمهوری شورایی ایران» در حوزه مخالفت با دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران به ترتیب تکثر به نقد مداخلات نیروهای روس (با یازده فراوانی)، نیروهای انگلیس (با پنج فراوانی) و نیروهای آلمان (با یک فراوانی) پرداخته‌اند (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵ق، شماره ۱۸، ص ۱؛ همان، ۱۳۳۵ق، شماره ۱۳، ص ۱؛ همان، ۱۳۳۶ق، شماره ۲۳، ص ۱) موضوعی که تأییدی است بر تلاش آنان بر حفظ تمامیت ارضی ایران. آنان با ذکر این نکته که «از سر سلسله مجاهدین اسلام یعنی حضرت سیدالشهدا سرمشق» می‌گیرند و معرفی شباهت «اقتدار یزید و دولت اموی» به «دولت تزاری» (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۳۱-۳۰) در پی آن بودند که با قرار دادن ملیت (هویت ملی) در کنار دیانت (هویت دینی) به پاسداری از «حقوق ملی و استقلال شش هزار ساله» ایران پرداخته (روزنامه ستاره ایران، ۱۳۳۵، شماره ۴۶، ص ۳-۲)، با ایمان و اعتقاد به «حفظ قوانین اسلامی» و «طرفداری از استقلال مملکت ایران» (جنگلی، ۱۳۵۷، ص ۷۷-۷۸) شرایط برای طرح مدلی جدید از حکمرانی که مبتنی بر احکام دین، نقش آفرینی مردم و حفظ استقلال ملی باشد را فراهم آوردند. میرزا کوچک‌خان و طرفداران‌اش در ابتدای کار نهضت جنگل، طرفدار سلطنت مشروطه بودند و در ادامه جنبش با اعتقاد به لزوم لغو سلطنت، به ارائه تعریف از مسئولیت قوه مجریه و حاکمیت نمایندگان مردم روی آورده (افشار، ۱۳۸۰، ص ۵) و به دلیل داشتن رویکردهای دینی و باور به لزوم نقش مردم و مشارکت آنان در امور سیاسی به طرح ایده حکمرانی «جمهوری شورایی ایران» با تکیه بر هویت ملی، هویت دینی و نگرش‌های ضد بلشویکی پرداختند.

«جمهوری شورایی ایران» مدل حکمرانی بود که جناح راست نهضت جنگل به ترویج آن می‌پرداخت؛ این نظام حکمرانی از یک سو مروج ایده جمهور بود و از دیگر جهت به دلیل اعتقاد به هویت اسلامی و استقلال ملی در کنار آن، مدلی از جمهوری را مورد تأیید می‌دانست که بر پایه حفظ



هویت دینی و ملی باشد. دیدگاه‌های جناح راست و مروجان ایده «جمهوری شورایی ایران» نشان می‌دهد که آنان در منابع مختلف‌شان مانند روزنامه جنگل و «مرام‌نامه جمعیت اتحاد اسلام ایران» به صورت قاطع بر مواردی چون: «حفظ استقلال و تمامیت ملکی ایران و رفع تجاوزات اجانب»، «تحکیم مبانی حکومت ملی»، «محافظت اصول و قوانین مقدسه اسلام با رعایت احترام سایر ادیان» (مرام‌نامه جمعیت اتحاد اسلام ایران، ۱۳۳۶ قمری، ص ۳)، «حفظ استقلال اسلام و ایران»، «استقرار مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵ قمری، شماره ۲۷، ص ۲-۱) تأکید داشته‌اند؛ بر اساس مطالب مطرح شده و ارگان‌های رسمی آنان شامل جراید و مرام‌نامه، می‌توان به این نتیجه رسید که این شاخه از نهضت جنگل با هدف «حفظ وطن و حفظ ایرانیت و محافظه حقوق اجتماعی» (جنگلی، ۱۳۵۷، ص ۵۵) و «یک ردیف» دانستن «کمونیست‌ها، انگلیس‌ها و دولت مستبد ایران» (همان، ص ۱۷۱-۱۶۱) در پی «ایجاد یک انقلاب ملی» (کسمایی، ۱۳۸۳، ص ۶۱-۶۰) بوده‌اند.

با وجود موارد مذکور باید توجه داشت که اسنادی از روایت همکاری و عقد تفاهم‌نامه‌هایی از میرزا کوچک‌خان و نهضت جنگل با سران شوروی نیز موجود است. پرسش مهم در این خصوص آن است که آیا بر اساس این اسناد می‌توان به این مدعی رسید که میرزا کوچک‌خان در مرحله‌ای از قیام جنگل، به سمت شوروی و گرایش‌های سیاسی آن سوق پیدا کرده است؟ بررسی اسناد نشان می‌دهد که میرزا کوچک‌خان در یک سال انتهایی نهضت جنگل، چندین معاهده، مرام‌نامه و تفاهم‌نامه را با گروه‌های مختلف داخلی و خارجی تنظیم کرده است، محتوای تفاهم‌نامه‌های مذکور نشان می‌دهد که ویژگی شاخص و کلان روایت موضوعی مشترک در تمامی این مرام‌نامه‌ها و تفاهم‌نامه‌ها تأکید بر هویت دینی و اسلامی است. برای نمونه میرزا کوچک‌خان در ابتدای سال ۱۲۹۹ مذاکره‌ای با روس‌ها داشت، موضوع آن مذاکره، کنشگری برای اخراج نیروهای انگلیس از ایران، محدود کردن قرارداد ۱۹۱۹ و تلاش برای سرنگونی و ثوق‌الدوله بود. در نهایت میرزا کوچک‌خان تفاهم‌نامه‌ای ۹ ماده‌ای را با روس‌ها تنظیم کرد؛ البته در آن تفاهم‌نامه مقرر شد که روس‌ها وارد تلاش و برنامه میرزا و نهضت جنگل نشوند. در ماده نخست تفاهم‌نامه مذکور از «عدم اجرای اصول کمونیسم از جهت مصادره اموال و الغای مالکیت و ممنوع بودن تبلیغات» (فخرایی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۴) سخن به میان آمد،



موضوعی که برآمده از افکار اسلامی میرزا کوچک خان و نهضت جنگل است و با تکیه بر آن می‌توان این نتیجه را گرفت که میرزا کوچک خان و جناح راست نهضت جنگل هم‌چنان در طول دوران مبارزه، بر استقلال ملی با تعریف ممنوعیت هرگونه دخالت نیروهای خارجی اعم از روس و انگلیس در امور داخلی و خارجه ایران باور داشته و به آن نیز عامل بوده‌اند. علاوه بر تفاهم‌نامه ۹ ماده‌ای مذکور، می‌توان به نظام‌نامه ۴ ماده‌ای با موضوع «حکومت موقت جمهوری» نیز اشاره داشت؛ نظام‌نامه‌ای که نشان دهنده باور میرزا کوچک خان به جمهوریت و اسلامیت در کنار یکدیگر و برنامه او برای تحقق مردم‌سالاری دینی است.

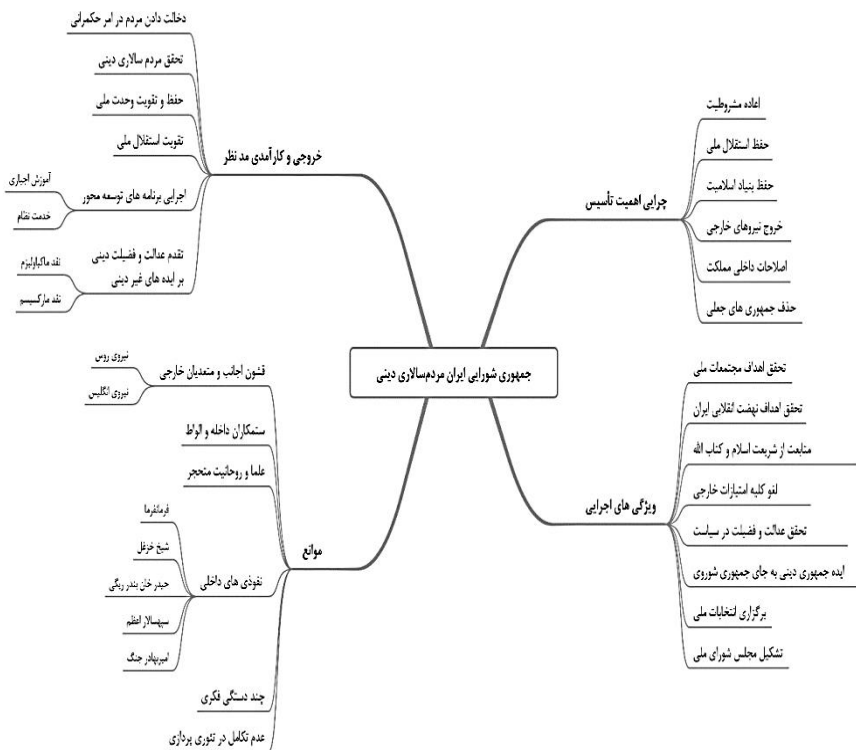
### ۳-۱-۴. شکل‌گیری «حکومت موقت جمهوری» (جمهوریت در کنار اسلامیت)

میرزا کوچک خان در خرداد ۱۲۹۹ با ورود به رشت، نظام‌نامه‌ای چهارماده‌ای تنظیم کرد که موضوع اصلی آن «حکومت موقت جمهوری» بود. او در ماده چهارم و نهایه آن نظام‌نامه تأکید کرد که در «حکومت موقت جمهوری همه اقوام بشر را یکی دانسته، تساوی حقوق درباره آنان قائل و حفظ شعایر اسلامی را از فرایض می‌داند» (رواسانی، ۱۳۸۱، ص ۷۱). عملکرد و مقابله میرزا کوچک خان با «حزب عدالت» دولت شوروی و همچنین «کمیته انقلاب» در رشت و عدم همراهی با ایده‌های مارکسیستی موجود در این دو تشکل باری دیگر نشان می‌دهد که میرزا در ایده و هدف با این دو تشکل که دارای رویکردهای کمونیستی بودند، اختلاف نظر داشته، هرچند که در برخی موارد مجبور به همراهی‌های مقطعی با برخی از افراد حاضر در این گروه‌ها شده است.

گزارش‌ها و اخبار روایت شده از مستشاران خارجی در خصوص باورهای دینی و ملی در نهضت جنگل نشان می‌دهد که پایه‌های ایده «جمهوری شورایی ایران» بر اصولی چون «آزادی مساوات اخوت» و باور «ایران مال ایرانیان است دور باد خارجی» استوار بوده است. (دنسترویل ۱۳۰۹، ص ۴۱؛ روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره ۱۳، ص ۲). ثابت قدمی و عمق نگرش‌های میرزا کوچک خان با هویت دینی و شعائر اسلامی باعث شد تا تلاش‌های برخی کنشگران نفوذ کرده در نهضت جنگل برای آن که نهضت جنگل به سمت ایدئولوژی‌های مارکسیستی برود، منتفی گردد، قیام مذکور بر همین اساس و با حفظ هویت دینی توانست چند سال به مبارزات خود ادامه دهد (فخرایی، ۱۳۶۶،



ص ۹۶). همچنین نفوذی‌های داخلی نیز تلاش داشتند تا ایدئولوژی‌های نهضت جنگل را به سمت گرایش‌های بابی و بهائی سوق دهند، موضوعی که همچون نمونه قبل ناکام ماند. مجموعه اسناد به دست آمده از آرشیوهای اتحاد شوروی سابق در باکو نشان می‌دهد برخی از کمونیست‌های شوروی نیز با وعده‌های کاذب میان افراد دارای گرایش بابی در نهضت جنگل به آنان این وعده را می‌دادند که در صورت ترویج اندیشه‌های چپ در نهضت جنگل و برپایی کمونیسم در ایران، بهائیت، از نفوذ مسلمان‌ها خارج شده و حتی تلاش خواهد شد تا بهائیت بدل به دین رسمی ایران گردد (ر.ک: شهبازی، ۱۳۸۷، ص ۶۹)، این امر نیز همانند نمونه‌های بلشویکی قبلی در نهضت جنگل به ویژه در جناح راست آن که دارای رویکردهای دینی عمیق نیز بود، ناکام ماند.



شکل ۲. نمودار موضوعی اهداف، ویژگی‌ها، خروجی و موانع مرتبط با ایده «جمهوری شورایی ایران»  
 (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)



بررسی اوراق مطبوعاتی مرتبط با نهضت جنگل به ویژه شمارگان موجود از روزنامه جنگل به ما نشان می‌دهد که جمهوری شورایی ایران مروج ایده حکومتی مبتنی بر نگرش مردم‌سالاری دینی بوده است. جمهوری شورایی ایران با هدف اعاده مشروطیت و با تأکید بر دو باور استقلال ایران و حفظ اسلام در تلاش بود تا ضمن مقابله با نیروهای بیگانه و همچنین نفوذی‌های داخلی به ترسیم مدلی جدید از نوع حکمرانی بپردازد، مدلی که در آن مردم با مشارکت در امور سیاسی به کنشگری در سرنوشت خویش پرداخته و عدالت و فضیلت و احکام دینی در امر سیاست و حکومت‌داری نقش محوری را داشته باشند. تصویر شماره ۲، بیان‌گر محورهای اصلی در خصوص چرایی اهمیت تأسیس، ویژگی‌های اجرایی، خروجی و کارآمدی مد نظر و همچنین موانع مربوط به ایده «جمهوری شورایی ایران» می‌باشد.

## ۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

### ۵-۱. بحث

از اوایل دوران حکمرانی قاجارها، نیروهای استعماری هر از چندگاهی با تجاوز به ایران یا انعقاد قراردادهایی، به تجزیه ایران می‌پرداختند که نمونه‌های آن را در مواردی چون جنگ‌های ایران و روس، قرارداد آخال و هرات و نمونه‌های متعدد دیگر می‌توان مشاهده کرد. در دوران نهضت مشروطه نیز این رویه‌های استعماری ادامه یافت. روسیه تزاری به دست‌اندازی به نواحی شمالی ایران برای تجزیه برخی از این نواحی برنامه داشت. در مقابل این تجاوزات، نیروهای محلی - مردمی، مقاومت‌های متعددی از خود نشان داده‌اند که در سال‌های انتهایی دوران قاجار نمونه‌های مختلف آن را در قیام شیخ محمد خیابانی، نهضت جنگل و مقاومت تنگستان می‌توان مشاهده کرد. نهضت جنگل، خیزشی بود که برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران به کنشگری می‌پرداخت. این نهضت در فرآیند کنشگری‌ها با انشعاب‌هایی رویه رو شد که دو نمونه اصلی آن را در دو نگرش جمهوری شورایی ایران و جمهوری شوروی (ایران) می‌توان مشاهده کرد. بدنه اصلی نهضت که تحت رهبری میرزا کوچک خان بود با الهام از مفاهیم دینی و پایبندی به نگرش اسلامی به تولید گفتمان سیاسی پرداخت و برای نخستین بار تلاش کرد دو مفهوم جمهوریت و اسلامیت را در کنار یکدیگر قرار دهد،





عملی که فراز و فرودهای مختلف داشت و البته تجربه‌ای مهم در فعالیت‌های سیاسی ایران معاصر نیز به حساب می‌آید.

## ۲-۵. نتیجه‌گیری

بررسی تحولات سیاسی در تاریخ معاصر ایران نشان دهنده آن است که دخالت نیروهای خارجی در امور داخلی ایران که نمونه‌های متعدد آن در دوران قاجار قابل مشاهده‌اند، در دوره مشروطه به بعد نیز تداوم داشته است. در این بین دو نیروی استعمارگر روس و انگلیس بیشترین نقش را در تضعیف استقلال ملی ایران داشته‌اند. با توجه به ناتوانی دولت مرکزی در حفظ و تثبیت استقلال ملی، در دهه انتهایی دوره قاجار، مقاومت‌های محلی متعددی در ایران شکل گرفت که برخی از آنان با هدف حفظ استقلال ملی به کنشگری می‌پرداختند. نهضت جنگل از جمله همین مقاومت‌های محلی است که در فاصله سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۰ شمسی در ناحیه گیلان و برخی نواحی اطراف آن به مقابله با نیروهای خودباخته در دولت مرکزی و همچنین نیروهای بیگانه خارجی پرداخت. در خصوص مقاومت‌های محلی به خصوص نهضت جنگل با وجود آن که تاکنون تحقیقات متعددی تدوین گردیده‌اند اما همچنان پاسخ به این پرسش که در مقاومت‌های محلی ایرانیان از مشروطه (۱۲۸۵ شمسی) تا انقراض قاجار (۱۳۰۴ شمسی) چه ایده‌ها و با کدام خواستگاه‌های فکری به ارائه مدل‌های حکمرانی پرداخته‌اند؟ فضا را برای انجام تحقیقاتی مانند پژوهش حاضر باز گذاشته است. بررسی اسناد و منابع اولیه مرتبط با نهضت جنگل به ما نشان می‌دهد که قیام جنگل از شاخص‌ترین مقاومت‌های محلی ایرانیان است که ایده‌های مختلفی در حوزه حکمرانی در آن مورد طرح و ترویج قرار گرفته است؛ موضوعی که باعث چند دستگی و اختلاف میان کنشگران در آن قیام نیز گردید.

«حکومت جمهوری شوروی» با رویکردهای سوسیالیستی - مارکسیستی و تأثیرپذیری از نظام حکمرانی تازه تأسیس چپ در شوروی، «جمهوری شورایی ایران» با رویکرد آمیختگی جمهوریت و اسلامیت کنار یکدیگر و ایده حکمرانی ملی و دینی و همچنین تلاش برای تحقق ایده مردم‌سالاری دینی و همچنین «سلطنت مشروطه قاجار» با ایده حفظ وضع موجود و تداوم پادشاهی قاجار در ایران از جمله ایده‌های حکمرانی ارائه شده در نهضت جنگل می‌باشند.





ایده حکمرانی «جمهوری شورایی ایران» که توسط جریان اسلام‌گرای فعال در نهضت جنگل معروف به «جمعیت اتحاد اسلام ایران» و به رهبری میرزا کوچک‌خان جنگلی، راهبری می‌شد در تلاش بود تا با هدف حفظ استقلال ملی به ارائه مدل حکمرانی نیز برای فردای پس از پیروزی احتمالی خود نیز بپردازد. طرفداران این ایده در تمامی مراحل قیام حتی در همان زمان انجام مراودات با نیروهای چپ و مارکسیست در شوروی بر موضوعاتی چون: خروج نیروهای بیگانه از ایران (روس - انگلیس و آلمان)، حفظ استقلال ملی، لزوم یکپارچگی و وحدت ملی در ایران تأکید داشته‌اند. ایده حکمرانی «جمهوری شورایی ایران» بر این باور بود که با شکل‌گیری حکمرانی ملی و دینی، بهره‌گیری از ظرفیت هویت دینی و فراهم کردن شرایط برای مشارکت عمومی در امور حکمرانی و سیاسی می‌توان جامعه تحقق بر مفهوم مردم‌سالاری دینی پوشاند و از این طریق ضمن نقد و نفی جمهوری‌های جعلی که دارای رویکردهای بلشویکی بودند به ترسیم نظامی مبتنی بر جمهوریت و اسلامیت در عرصه حکمرانی ایران پرداخت؛ ایده‌ای که هرچند به دلیل نفوذ نیروهای بیگانه به ویژه روس و انگلیس و همچنین توطئه گروه‌های داخلی مانند نیروهای نظامی قزاق، سرکوب گردید اما نگرش‌ها و اهداف ارائه شده در آن را می‌توان یک واحد مینیاتوری از نظام اسلامی و ایده جمهوری اسلامی در سال‌های انتهایی دوران قاجار در سپهر تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران معاصر دانست.

### ۵-۳. پیشنهادها

- استخراج و معرفی روایات جعلی و نامعتبر مندرج در تاریخ‌نگاری مارکسیستی و همچنین تاریخ‌نگاری دولتی (دولت وقت) در خصوص نهضت جنگل که با هدف تضعیف جایگاه هویت ملی و دینی در قیام جنگل تدوین شده‌اند.
- استخراج وجوه تمایز اهداف و برنامه‌های «هیئت اتحاد اسلام» (نگرش ترویج شده در عثمانی) با «هیئت اتحاد اسلام ایران» در نهضت جنگل در ایران.
- انجام پژوهشی مستقل با موضوع بررسی ایده‌های حکمرانی در مقاومت‌های ملی - محلی ایرانیان در فاصله سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۴ شمسی مانند قیام شیخ محمد خیابانی در





---

آذربایجان، قیام تنگستان، تحرکات کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان و نمونه‌های دیگر.

- شناخت عناصر ساختار پیشین در خصوص ایده حکمرانی اسلامی و مردم‌سالاری دینی در تاریخ معاصر ایران، پیش از ظهور نظام جمهوری اسلامی.





## ۶. منابع

### ۶-۱. منابع فارسی

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲). ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی. ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیرشانه‌چی، تهران: نشر مرکز.
- آجودانی، ماشاء الله (۱۳۸۷). مشروطه ایرانی، تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت. تهران: سخن.
- افشار، ایرج (۱۳۸۰). برگهای جنگل: نامه‌های رشت و اسناد نهضت جنگل. تهران: فرزانه روز.
- اکبری، میرحامد (۱۳۹۹). دموکراتیزاسیون و تعدیل قدرت سیاسی در ایران دوران قاجاریه. شیراز: نوید شیراز.
- باغدار دلگشا، علی (۱۴۰۰). مکالمات خیالی: تحلیل گونه‌ای انتقادی از دوره قاجار. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- (۱۳۹۹). تحلیل موضوعی سرمقاله‌های مندرج در روزنامه جنگل در مجموعه مقالات نهضت جنگل: با رویکرد به زندگی‌نامه میرزا حسین خان کسمایی، به اهتمام فریدون شایسته، رشت: سپید رود.
- جنگلی، میرزا اسماعیل (۱۳۵۷). قیام جنگل: یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی. به اهتمام اسماعیل رایین، تهران: جاویدان.
- حیدریان، آرمین (۱۳۹۵). نقش تالشان در جنبش جنگل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، پژوهشکده گیلان‌شناسی.
- خسرو شاکری، میلاد زخم (۱۳۸۶). جنبش جنگل و جمهوری سوسیالیستی شوروی. ترجمه: شهریار خواجهیان، تهران: اختران.
- دنسترویل، ماژور (۱۳۵۷). امپریالیسم انگلیس در ایران و قفقاز ۱۹۱۸-۱۹۱۷. ترجمه حسین انصاری، تهران: انتشارات منوچهری و کوشش.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲). حیات یحیی. تهران: انتشارات فردوس.
- رواسانی، شاپور (۱۳۶۳). کتاب نهضت میرزا کوچک خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران. تهران: شرکت چاپخش سهامی خاص.



- زاهد زاهدانی، سعید و مسعودی، اسماعیل (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی نهضت جنگل با تأکید بر ایدئولوژی آن. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶ (۴)، ۱۶۵-۱۸۴.
- سینکی، محمد الملک محمد خان (۱۳۳۱). رسالهٔ مجدیه، به اهتمام سعید نفیسی، تهران: چاپخانهٔ بانک ملی.
- شایسته، فریدون (۱۳۸۵). نهضت جنگل از آغاز تا فرجام، رشت: فرهنگ ایلیا.
- شایسته، فریدون (۱۳۹۸). رویکرد تطبیقی به مطالعه‌ی نهضت‌های عاشورا و جنگل. رشت: انتشارات کادوسان.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۸۷). نفوذی‌ها در نهضت جنگل. مجلهٔ یاد ایام، ۱۱ (۴۳)، ۱۵۷-۱۳۹.
- صدری، منیژه (۱۳۸۲). اسنادی منتشر نشده از هیئت اتحاد اسلام. نشریهٔ زمانه، ۱۰ (۱۵)، ۱۴۷-۱۲۸.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۶). نظریهٔ حکومت قانون در ایران. تبریز: انتشارات ستوده.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۶۸). سردار جنگل. تهران: جاویدان.
- فیرحی، داوود (۱۴۰۰). مفهوم قانون در ایران معاصر (تحولات پیشامشروطه). تهران: نشر نی.
- اصلاح عربانی، ابراهیم (سرپرست گردآوردندگان)، (۱۳۷۴)، کتاب گیلان. تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- کریم حدیثی، علی (۱۳۹۳). استقلال و حفظ هویت ملی در بررسی تحلیل محتوای روزنامهٔ جنگل ارگان جنبش میرزا کوچک‌خان. فصلنامهٔ مطالعات ملی، ۳ (۱۵)، ۱۷۹-۲۰۵.
- کسمایی، احمد (۱۳۸۲). یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل. گردآوری، تصحیح و تحشیه منوچهر هدایتی، رشت: کتیبه گیل.
- گیلک، محمد علی (۱۳۷۱). تاریخ انقلاب جنگل به روایت شاهدان عینی، رشت: نشر گیلکان.
- مرامنامهٔ جمعیت اتحاد اسلام ایران، (۱۳۳۶) ق. گیلان، مطبوعهٔ کسما. نسخهٔ چاپ سنگی موجود در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.
- متولی، عبدالله (۱۳۹۰). رویکردها و نگرش‌های اساسی در روزنامهٔ جنگل. نشریهٔ جستارهای تاریخی، ۲ (۲)، ۹۵-۱۱۵.
- مستشارالدوله، یوسف‌خان (۱۳۸۶). یک کلمه، به اهتمام علیرضا دولت‌شاهی، تهران: انتشارات بال.
- منشور گرگانی، محمد علی (۱۳۲۶). سیاست دولت شوروی در ایران از ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۶، تهران: چاپخانهٔ مظاهری.
- مهنوش، صادق (۱۴۰۰). تاریخ جنگل. به اهتمام محمد کلهر، تهران: شیرازه.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۶۹). جنبش میرزا کوچک‌خان بنابر گزارش سفارت انگلیس، تهران: نشر تاریخ ایران.



نجفی، موسی (۱۳۸۷). حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

نظری، مصطفی (۱۳۹۶). بررسی نقش علمای گیلان و مازندران در نهضت جنگل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی البرز.

نواب تهرانی، مهدی (۱۳۷۷). دستور الاعقاب: رساله سیاسی و انتقادی از اوایل عصر قاجار. به اهتمام علی آل داوود، تهران: نشر تاریخ ایران.

یقیکیان، گریگوری (۱۳۶۳). شوروی و جنبش جنگل: یادداشت‌های یک شاهد عینی. به اهتمام برزویه دهگان، تهران: اختران.

## مطبوعات

روزنامه جنگل

روزنامه ستاره ایران

روزنامه ندای وطن





## مؤلفه‌های حکمرانی در اندیشه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی

محمدرضا قائمی نیک\*<sup>۱</sup>

یحیی بوذری نژاد<sup>۲</sup>

محمد عبیسی<sup>۳</sup>

### چکیده

حکمرانی، اگرچه مفهومی جدید در ادبیات علوم انسانی است، اما ظهور آن در دهه‌های اخیر، محصول تأمل مجدد متفکران این حوزه در ادبیات گذشته فلسفه سیاسی جهان غرب است. به تناسب این روش، برای دستیابی به معنای اسلامی - ایرانی حکمرانی، باید ایده‌های سیاسی مطرح در سنت اسلامی - ایرانی به‌ویژه در نهضت مشروطه به بعد را بازخوانی کرد. یکی از این ایده‌های سیاسی، ایده سیاسی حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی<sup>علیه‌السلام</sup> در دوره مشروطه است که در رساله مکالمات مقیم و مسافر

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ghaeminik@razavi.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.





مطرح کرده است. در این مقاله، ابتدا پنج مؤلفه حاکمیت قانون، پاسخگویی، مشارکت، شفافیت و کارآمدی را در مفهوم معاصر حکمرانی احصا کرده‌ایم. پس از آن با بهره‌گیری از روش‌شناسی بنیادین، مبانی معرفتی و همچنین شرایط تاریخی - اجتماعی ایشان را در دوره منتهی به مشروطه، در تهران، قم و اصفهان بررسی کرده‌ایم. وی پیش از دوره مشروطه، مبارزات خود را آغاز کرده و با ایفای نقش فعال در نهضت تنباکو، در صدر علمای مشروطه اصفهان قرار داشته است. مؤلفه‌های حکمرانی در رساله مذکور، شامل حاکمیت قانون (نقد سلطنت و تبیین قانون در مشروطه)، پاسخگویی (تأکید بر مفاد آیه وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ)، مشارکت (تأکید بر دارالشوری)، شفافیت (تأکید بر نظارت و مبارزه با فساد) و کارآمدی (تقویت اسلام و رفع موانع عملکرد ضعیف مسلمین) است.

#### کلیدواژه‌ها:

حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی، مشروطه، حکمرانی، رساله مکالمات مقیم و مسافر، اصفهان.



## ۱. مقدمه و بیان مسئله

«حکمرانی»<sup>۱</sup> اگرچه مفهومی است که در نیم قرن اخیر در علوم اجتماعی و سیاسی رایج شده، اما از خلال بازخوانی اندیشه‌های سیاسی گذشته سر برآورده است. برای مثال، میشل فوکو در تمایز مفهوم قدرت که در تمام امور اجتماعی و حتی طبیعی منتشر است، از مفهوم سلطه، به معنای حکمرانی اشاره می‌کند و اعمال سلطه را کارکرد اصلی دولت نسبت به روابط قدرت منتشر در امور می‌داند (کیت‌نش، ۱۳۹۳: ۵۶). فوکو از خلال نقد و بررسی مفهوم قدرت در ماکیاولی، نشان می‌دهد که روابط قدرت در همه امور به صورت منتشر وجود دارد و آن امری که در ماکیاولی به عنوان قدرت سیاسی شناخته می‌شده، در حقیقت سلطه است. بنابراین، از خلال اعمال سلطه بر روابط قدرت است که حکمرانی شکل می‌گیرد.

با نظر به این مقدمه، ما برای تعریف حکمرانی در شرایط فعلی در جامعه ایران، ناگزیریم که تعاریف گذشته از حکومت، قدرت، دولت و نظایر آنها را که در ارتباط با حکمرانی معنا می‌یابند، بازخوانی کنیم تا از خلال آن بتوانیم به معنای متناسب با سنت اسلامی - ایرانی از حکمرانی دست یابیم. در این بازخوانی، یکی از مقاطع زمانی که مسئله شیوه اعمال قدرت به یکی از مسائل اصلی جامعه ایرانی تبدیل شد، دوره شکل‌گیری نهضت مشروطه بود. در این دوره با نظر به طرح مسئله مشروطه‌خواهی، شاهد انتشار انبوهی از رساله‌های سیاسی بودیم که به مسئله مشروطه به مثابه شکلی از حکومت اندیشیده‌اند. اهمیت این دوره به آن دلیل بود که از یک سو، سابقه هزار ساله حکومت شاهنشاهی یا سلطنتی در ایران به چالش کشیده می‌شد و از سوی دیگر، شکل جدیدی از حکومت با عنوان مشروطه مطرح شد که الگوی آن عمدتاً از کشورهای اروپایی به ایران رسیده بود. این وضعیت مسبب طرح ابهام‌های بسیار زیادی درباره چیستی مشروطه از سوی جریان‌های فکری مختلف شد و به همین دلیل، علمای دینی، منورالفکران و حتی حامیان سلطنت در تعریف و تأیید یا نقد مشروطه‌خواهی، به تألیف رساله‌هایی دست زدند که برخی از آن با عنوان «رسائل مشروطیت» یاد کرده‌اند (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴).



با نظر به این دو مقدمه، در این مقاله سعی خواهیم کرد با بازخوانی یکی از رساله‌های این دوره از حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی به نام مکالمات مقیم و مسافر که در اوج نهضت مشروطه‌خواهی و هم‌زمان با انتشار اثر مشهور میرزا محمدحسین نائینی به نام تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله (۱۳۲۷ قمری) منتشر شده است، ایده حکمرانی او را استخراج کنیم. همان‌طور که اشاره شد، مفهوم حکمرانی در این رساله مورد اشاره مستقیم قرار ندارد، اما اساساً زایش و تولد مفاهیم در علوم انسانی در دوره معاصر از میان طرح پرسش‌های اکنون از متون تاریخی انجام می‌شود. به همین دلیل، ما در مواجهه با این رساله مهم، می‌کوشیم تا از میان طرح پرسش از حکمرانی، پاسخ حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی را به این پرسش استنتاج کنیم. در ادامه ابتدا به مؤلفه‌های مهم پرسش از حکمرانی اشاره خواهیم کرد. پس از آن، به تبع روش‌شناسی متخذه در این مقاله، مروری مختصر به شرایط دوره مشروطه و تکوین این رساله خواهیم داشت و درنهایت، به صورت‌بندی مفهوم حکمرانی در اندیشه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی خواهیم پرداخت. بنابراین، در این مقاله به دو پرسش پاسخ خواهیم داد:

۱. حکمرانی شامل چه مؤلفه‌هایی است؟

۲. تعریف حکمرانی در اندیشه آقا نجفی اصفهانی براساس مؤلفه‌های فوق چگونه صورت‌بندی

می‌شود؟

## ۲. ادبیات موضوع و پیشینه

### ۲-۱. مبانی نظری

#### ۲-۱-۱. تاریخچه بحث از حکمرانی در دوره معاصر

حکمرانی، اگرچه مفهومی جدید است، اما نمی‌توان بدون سابقه تاریخی، تعریفی برای آن اتخاذ کرد. بعضی، ریشه واژه حکمرانی را یونانی و به معنای هدایت کردن و راهنمایی کردن می‌دانند (شریفیانی ثانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹) و استفاده از این اصطلاح را به افلاطون نسبت داده‌اند که در قرون وسطی نیز برای حکومت کردن و اداره حکومت به کار برده می‌شده است (هریس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸، ۶۲).

۱. Harris



در میان تعاریف مختلف از زوایای گوناگون، تقریباً نوعی اجماع بر این نکته وجود دارد که در حکمرانی، در تمایز از حکومت که بیشتر بر نقش دولت تأکید دارد، بر رابطه دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی (یا حکومت‌شوندگان) تأکید می‌شود (امامی و شاکری، ۱۳۹۴: ۲۸؛ سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۲۸)، (ویس، ۲۰۰۰ و تیسدل، ۱۹۹۴، به نقل از قلی‌پور، ۱۳۸۷) و (کافمن و کرای<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷؛ گراهام<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱، ۳۷۴)، هرچند بعضی از آنها بیشتر بر مشارکت بخش مدنی و خصوصی تأکید دارند و بعضی دیگر بر نقش‌آفرینی بیشتر دولت اصرار می‌ورزند.

در کنار این تأکید بر رابطه سه‌وجهی، مفهوم حکمرانی خوب<sup>۳</sup> عمدتاً در ذیل ادبیات توسعه پایدار و با تأکید بیشتر بر اقتصاد شکل گرفته است. براین اساس در مقام تحلیل و بررسی، دو دیدگاه دولت بزرگ یا تقویت و گسترش اقتصادی دولت و دولت کوچک یا کاهش نقش دولت در عرصه اقتصاد مطرح شد و مؤلفه اساسی در آن، توانمندسازی دولت از طریق شایسته‌سالاری، تمرکززدایی، همکاری و نظارت نهادهای مدنی و استانداردهای نظام‌های آماری، پولی و بودجه‌ای است (میدری، ۱۳۸۳: ۲۹-۲۶). بانک توسعه آفریقا، حکمرانی خوب را همان حکمرانی شفاف می‌داند که بر چهار پایه به‌هم‌وابسته یعنی پاسخگویی، شفافیت، قابل‌پیش‌بینی بودن و مشارکت استوار است (موبیس<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲، ۱۲). براساس جدیدترین تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی‌شده و صریح حکومت، تصمیمات اداری و سیاسی شفاف، مسئولیت‌پذیری کارگزاران، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال عملکردهای خود، مشارکت فعال شهروندان و همچنین، برابری همه شهروندان در برابر قانون تبلور می‌یابد (کافمن و کرای، ۲۰۰۷، ۵).

از میان تعاریف پراکنده و متعدد فوق، به نظر می‌رسد باید به دنبال اتخاذ مؤلفه‌های مشترکی بود که براساس آنها بتوان رابطه میان دولت، جامعه مدنی و مردم به‌عنوان بخش خصوصی را تعریف کرد. در ادامه به پنج مؤلفه اصلی حکمرانی خوب که در اغلب منابع مربوط ذکر شده‌اند، اشاره خواهد شد.

۱. Kaufman & Kraay
۲. Kaufman & Kraay
۳. Good governance
۴. mobius



## ۲-۱-۲. مؤلفه‌های پنج‌گانه حکمرانی

### الف) حاکمیت قانون

نویسندگان و آثاری نظیر (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۵؛ مرکز مالمیری، ۱۳۸۵: ۶؛ هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۴۳) بر نقش حاکمیت قانون در مقابل حاکمیت فرد در تعریف حکمرانی تأکید دارند، زیرا تنها با تبعیت از قانون است که رابطه حکمرانی میان شهروندان و زمامداران به شکل مناسب تعریف می‌شود. حاکمیت قانون به این مضمون اشاره دارد که قانون به‌عنوان مهم‌ترین اصل در مدیریت سیاست عمومی به‌شمار می‌رود و تمامی مقامات حاکمیتی و شهروندان ملزم به رعایت آن هستند و باید در مقابل آن برابر باشند. به این ترتیب، حاکمیت قانون از مفهومی متمایز و مخالف با حاکمیت فرد برخوردار است و ضمن تنظیم رفتار شهروندان، رفتار حکومت را نیز محدود می‌کند. با وجود این، حاکمیت قانون به‌عنوان یکی از اصول حکمرانی مطلوب، بدون یک نظام حقوقی عادلانه، احترام به قوانین یا نظم اجتماعی مبتنی بر قانون امکان‌پذیر نیست (کمپجانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۱۹).

### ب) پاسخگویی

در تنظیم رابطه دولت، جامعه مدنی و مردم، پاسخگویی نهاد قدرت یکی از اصول حکمرانی محسوب می‌شود که عمدتاً در جوامع غربی با اصل دموکراسی گره خورده است (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۷). باین حال، اگر قدرت را در معنای عام آن در نظر بگیریم، این ویژگی نه تنها به مؤسسات و نهادهای دولتی معطوف است، بلکه شامل بخش‌های خصوصی و نهادهای جامعه مدنی نیز می‌شود که باید در مقابل شهروندان و ذی‌نفعان پاسخگو باشند. در حکمرانی مطلوب، مسئولان و نهادها در صورت ضرورت باید پیش‌دستانه به دریافت توصیه‌های شهروندان، تبیین سیاست‌ها و پاسخگویی منظم به مطالبات شهروندان مبادرت ورزند (کمپجانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۱۸). ولش و نورو، این پاسخگویی را در چهار ساحت مالی، مدیریتی، اجتماعی و سیاسی تعریف کرده‌اند (ولش و نورا، ۲۰۰۶، ۱۷۴).

### ج) مشارکت

با توجه به نقش حکمرانی در تنظیم رابطه دولت، جامعه مدنی و مردم، اتخاذ سازوکارهایی که در آن بیشترین مشارکت عمومی رقم بخورد، از اصول اصلی یک حکمرانی به‌شمار می‌رود (انهبیتات، ۲۰۰۲، ۸). بنابراین، حکمرانی مطلوب مستلزم سطح بالایی از مشارکت از سوی جامعه مدنی، اقلیت‌ها، زنان و دیگران است. این مشارکت باید فعال، آزاد و معنی‌دار صورت گیرد و ارتباطات جهت‌دار یا گزینشی کافی نیست (ولچ و نورا، ۲۰۰۶، ۱۸۰).

### د) شفافیت

با توجه به نقش قدرت در رابطه دولت، جامعه مدنی و مردم، تحقق اصول مذکور نیازمند برقراری روابطی شفاف و به دور از ابهام میان این سه بخش است. پنهان‌کاری امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد، حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار بر گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۵۴). اصل شفافیت به تمامی ابزارهای تسهیل دسترسی شهروندان به اطلاعات و آگاهی آنها از مکانیسم‌های تصمیم‌گیری اشاره و دلالت دارد. شفافیت عمومی با به کار گرفتن استانداردها و دسترسی به اطلاعات آغاز می‌شود (ولچ و نورا، ۲۰۰۶، ۱۸۲). درواقع، شفافیت اگرچه در قلمروهای مالی، اجتماعی و غیره مطرح است، اما با توجه به نقش قدرت در روابط مربوط به حکمرانی، شفافیت و حق دسترسی به اطلاعات درباره چگونگی شکل‌گیری روابط قدرت مدنظر است. به همین دلیل، شفافیت مستلزم آن است که اطلاعات سیاسی مذکور در زمان مناسب و از طریق رسانه‌های متنوع در اختیار شهروندان قرار گیرد تا بتوانند به شکلی اثربخش در سیاست‌گذاری عمومی مشارکت کرده و بر فرایند مدیریت عمومی نظارت کنند (کمیحانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۱۸).

### و) کارآمدی

حکمرانی به دنبال دستیابی به بهترین شیوه برقراری رابطه میان دولت، جامعه مدنی و مردم است



تا براساس آن، بتواند زندگی بهتری را رقم بزند. به همین دلیل، مؤلفه کارآمدی یک الگوی حکمرانی، به‌عنوان جمع‌بندی مؤلفه‌های قبل مطرح می‌شود. کارآمدی به موفقیت فرایندها و نهادهای موجود در تولید نتایج معطوف به تأمین نیازها با توسل به کاربرد بهینه منابع اشاره دارد (ولج و نورا، ۲۰۰۶، ۱۸۶). کارآمدی را می‌توان ناظر به دو قلمرو تعریف کرد: الف) ساختارها، رویه‌ها و فعالیت‌های مشروع و مقبول؛ ب) هزینه‌های مدیریتی و عملکردی معقول و جلوگیری از فعالیت‌های غیر اثربخش یا ناکارآمد که با حکمرانی مطلوب هماهنگی ندارند (کميجانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۲۰).

مؤلفه‌های مذکور از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در میان آثار و منابع ذکرشده مشترک بوده‌اند. بااین‌حال، این مؤلفه‌ها قابل بسط هستند، اما به اقتضای اختصار مقاله، به آنها اکتفا می‌کنیم. در ادامه سعی خواهد شد تا براساس این مؤلفه‌ها، دیدگاه حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی درباره حکمرانی مطلوب را براساس روش‌شناسی ذیل احصا کنیم.

## ۲-۲. پیشینه پژوهش

رساله مکالمات مقیم و مسافر با وجود اهمیت آن، برخلاف رساله تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. به‌علاوه چنانکه اشاره خواهد شد، در همین پژوهش‌های مختصر نیز موضوع حکمرانی و مؤلفه‌های آن مدنظر پژوهشگران نبوده است. بنابراین، موضوع این مقاله، واجد نوآوری کافی خواهد بود.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

نویسنده(گان) روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
رجایی، (۱۳۸۳)، روش توصیفی	بررسی تصویر ارائه‌شده از آیت‌الله نورالله اصفهانی در روزنامه‌های عصر مشروطیت	اطلاعات مفیدی درباره شخصیت و جایگاه آیت‌الله نورالله اصفهانی در دوره مشروطیت ارائه داده است.
امینی، (۱۳۸۵)، روش تحلیلی	بررسی نقش حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی در انقلاب مشروطیت و	جزئیات خوبی درباره جایگاه رهبری و هدایت جنبش مشروطه توسط حاج‌آقا



نویسنده(گان) روش استفاده شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
	رهبری مشروطه‌خواهان اصفهانی	نورالله اصفهانی ارائه کرده است.
جوانی، (۱۳۸۹)، روش تحلیلی	بررسی اندیشه سیاسی حاج آقا نورالله در مشروطه اصفهان	تحلیل خوبی نسبت به فعالیت‌ها و اندیشه‌های سیاسی آقا نورالله در مشروطه اصفهان داشته است.
نجفی، (۱۳۶۹)، روش توصیفی - تحلیلی	بررسی اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی	اطلاعات جامعی از فعالیت‌های حاج آقا نورالله در ادوار مختلف حیاتش ارائه داده است.
صوفی نیارکی، (۱۳۸۴)، روش تحلیلی	توضیح ایده اصلی حاج آقا نورالله در اندیشه سیاسی (قدر مقدور) با تأکید بر رساله مکالمات مقیم و مسافر	کندوکاوهای اولیه درباره اندیشه سیاسی او با تأکید بر رساله مکالمات مقیم و مسافر و توضیح مختصات اندیشه سیاسی او
نعیمیان، (۱۳۸۳)، روش تحلیلی	نظریه‌های دولت بر بنیاد گفتمان ثابت سیاسی شیعه در اندیشه سیاسی «مرحوم محلاتی» نائینی و حاج آقا نورالله اصفهانی	بررسی مقایسه‌ای اندیشه سیاسی حاج آقا نورالله اصفهانی و مرحوم محلاتی نائینی در حوزه مؤلفه‌های دولت
نعیمیان، (۱۳۸۲)، روش توصیفی - تحلیلی	تحلیلی بر رساله مکالمات مقیم و مسافر	ارائه تحلیلی از اندیشه سیاسی حاج آقا نورالله در رساله مکالمات مقیم و مسافر با تأکید بر نوع حکومت مدنظر او در بستر توجه به زمینه‌های تاریخی

## ۲-۱. وجه نوآوری پژوهش حاضر نسبت به مطالعات پیشین

نوآوری پژوهش حاضر از دو جهت قابل بیان و بررسی است: نخست اینکه در این مقاله سعی



شده است تا بسترهای تاریخی آقانورالله اصفهانی در ارتباط مستقیم با اندیشه‌هایش مورد توجه قرار گیرد و صرفاً یکی از این دو وجه، یعنی بسترهای تاریخی یا اندیشه‌های وی، به‌طور مجزا بررسی و تحلیل نشده‌اند. دوم اینکه موضوع این مقاله، یعنی مؤلفه‌های حکمرانی، متفاوت از موضوع اصلی مقالات قبلی است.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به موضوع مقاله، در این مقاله نیازمند بهره‌گیری از روش‌های تحقیقی هستیم که فرایند تکوین یک اندیشه را در طول تاریخ توضیح داده‌اند. این روش‌ها عمدتاً در ذیل مباحث فلسفه علم یا جامعه‌شناسی علم و معرفت مطرح می‌شوند. توماس کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی (۱۹۷۹) با بهره‌گیری از مفهوم پارادایم یا میشل فوکو در کتاب دیرینه‌شناسی دانش، با بهره‌گیری از دیرینه‌شناسی، یا در دیگر آثارش نظیر تاریخ جنسیت با استفاده از تبارشناسی، فرایند تکوین یک اندیشه را توضیح داده‌اند. توماس کوهن با قیاس‌ناپذیر دانستن پارادایم‌ها، تحول در نظریات علمی و تکوین یک نظریه را تابع توانایی یک پارادایم علمی در پاسخگویی به مسائل می‌داند (کوهن، ۱۳۸۴). فوکو با طرح رابطه قدرت و دانش، می‌کوشد تا این تحولات را براساس روابط قدرت گفتمانی توضیح دهد (فوکو، ۱۴۰۰).

این‌گونه روش‌ها اگرچه تغییرات علمی را به‌خوبی توضیح می‌دهند و بر نقش عوامل اجتماعی و تاریخی بر شکل‌گیری نظریات علمی تأکید دارند، اما ارتباط یک نظریه علمی را با حقایق مابعدالطبیعی در نظر نگرفته و علم را یک فرایند کاملاً منقطع از مبادی مابعدالطبیعی در نظر می‌گیرند. برای رفع این نقصان و با توجه به اینکه اندیشه حکمرانی آقانورالله نجفی اصفهانی مبتنی بر مبانی مابعدالطبیعی و الهیاتی است، در این مقاله از روش‌شناسی بنیادین بهره‌برده‌ایم. پیش از توضیح این روش، لازم به ذکر است که بهره‌گیری از آن در پژوهش‌های متعددی انجام شده است،<sup>۱</sup>

۱. از این روش در حوزه‌های مختلفی بهره‌گرفته شده، اما بعضی از آثاری که به لحاظ موضوعی با پژوهش حاضر مرتبط هستند، به شرح زیر است:



اما متن اصلی آن، متعلق به منبعی است که در ضمن توضیح روش، به آن ارجاع داده می‌شود. مجموعه مبانی و اصول موضوعه‌ای که نظریه علمی براساس آن شکل می‌گیرد، چهارچوب و مسیری را برای تکوین علم پدید می‌آورد که از آن با عنوان «روش‌شناسی بنیادین» یاد می‌شود (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۷۵). براساس این روش‌شناسی، «هر نظریه برای شکل‌گیری و تکوین تاریخی خود از برخی مبانی معرفتی و نیز زمینه‌های غیر معرفتی بهره می‌برد. مبانی معرفتی با آنکه با شیوه‌های منطقی در تکوین تاریخی نظریات دخیل هستند، ارتباطات منطقی نفس‌الامری نیز با نظریه دارند. اما مبادی وجودی معرفتی و غیر معرفتی، عواملی هستند که در حوزه فرهنگ حضور به هم رسانده‌اند و به همین دلیل، شناخت ارتباط این عوامل با نظریات علمی به‌منزله شناخت رابطه نظریه با فرهنگ است» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۷).

ارتباطات منطقی و معرفتی در این روش‌شناسی، از میان ارتباط جهان اول که موطن حقایق نفس‌الامری است، محقق می‌شود. براساس این روش‌شناسی، در تکوین و شکل‌گیری یک اندیشه یا نظریه، باید به سه حوزه یا جهان توجه شود: جهان نخست، ابعاد منطقی و معرفتی اندیشه است. هر اندیشه‌ای، «نخست به لحاظ نفس‌الامر خود با برخی تصورات و تصدیقات آغازین همراه است. این تصورات و تصدیقات اگر بدیهی یا به ضرورت راست نباشند، به‌عنوان اصل موضوعی یا مصادره که در دانشی دیگر برای متعلم اثبات شده است، لحاظ می‌شود» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۰). این حقایق

- عیسی اسکندری و حمید پارسانیا، «روش‌شناسی بنیادین و بررسی انتقادی اندیشه‌های بودریار»، حکمت اسراء، ش ۳۱، ص ۱۵۰-۱۲۳، (۱۳۹۷).
- حمید پارسانیا و ایمان عرفان‌منش، «روش‌شناسی بنیادین معرفت اجتماعی سید قطب»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ش ۲، ص ۹۲-۶۳، (۱۳۹۱).
- محمدرضا قائمی‌نیک و حمید پارسانیا، «تکوین علم مدنی فارابی از منظر روش‌شناسی بنیادین»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ش ۱۴، ص ۳۶-۹، (۱۳۹۷).
- محمدرضا قائمی‌نیک و حمید پارسانیا، «روش‌شناسی بنیادین اندیشه اجتماعی شیخ مفید»، معرفت فرهنگی - اجتماعی، ش ۵۵، ص ۴۶-۲۵، (۱۴۰۲).
- حسن نورمحمدی، «روش‌شناسی مبانی انسان‌شناختی علامه طباطبایی و دلالت‌های اجتماعی آن»، عیار پژوهش در علوم انسانی، ش ۲۵، ص ۴۰-۲۵، (۱۴۰۱).



نفس الامری در فرایند کسب علم و معرفت به جهان دوم که همان جهان ذهن یا عقل انسانی است، منتقل می‌شود. در حکمت اسلامی، این فرایند از طریق اتحاد عقل مستفاد فیلسوف با عقل فعال محقق می‌شود. با این حال، عالم پیش از رسیدن به مقام عقل مستفاد، تحت تأثیر تعلقات نفسانی معرفتی و غیر معرفتی متعددی است. بنابراین، ابعاد وجودی اجتماعی هر متفکری به دو بخش تقسیم می‌شود: زمینه‌های وجودی معرفتی و زمینه‌های وجودی غیر معرفتی.

از این رو، در توضیح جهان دوم باید به تأثیر خود عالم از زمینه‌های اجتماعی نیز توجه شود، زیرا «عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی و اجتماعی، لایه‌هایی است که عهده‌دار تفسیر انسان و جهان است» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۵). در مقابل، زمینه‌های وجودی غیر معرفتی، زمینه‌هایی هستند که می‌توانند فعالیت علمی عالم را در جهتی خاص رونق بخشند یا افول دهند. برای مثال، «در فرهنگ‌هایی که حقایق علمی با صرف نظر از معرفت و آگاهی فردی و اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شوند و تأملات عقلی و دریافت‌های شهودی و وحیانی نسبت به آن حقایق در بین عالمان و نخبگان علمی آنان حضور زنده دارند، تأثیر زمینه‌های معرفتی در آنها فعال‌تر است. به بیان دیگر، عوامل غیر معرفتی تحت تأثیر زمینه‌های معرفتی در جهت تکوین نظریه‌های علمی فعال می‌شوند» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۲۰).

پس از تکوین نظریه در ذهن عالم، این نظریه می‌تواند به گفتگو با دیگران بپردازد که در اینجا، جهان سوم رقم می‌خورد. بنابراین جهان سوم، جهان مربوط به پس از شکل‌گیری نظریه یا اندیشه و مقام تحقق آن در قلمرو جامعه و فرهنگ است.

یک نظریه، پس از شکل‌گیری در تعامل با محیط معرفتی و اجتماعی خود قرار می‌گیرد و خود به همراه آثاری که به دنبال می‌آورد، به زمینه‌های وجودی معرفتی و غیر معرفتی تاریخی ملحق می‌شود و به این ترتیب، می‌تواند مسائل علمی جدیدی را ایجاد کند یا آنکه امکان نظریات علمی نوینی را پدید آورد (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۲۱).

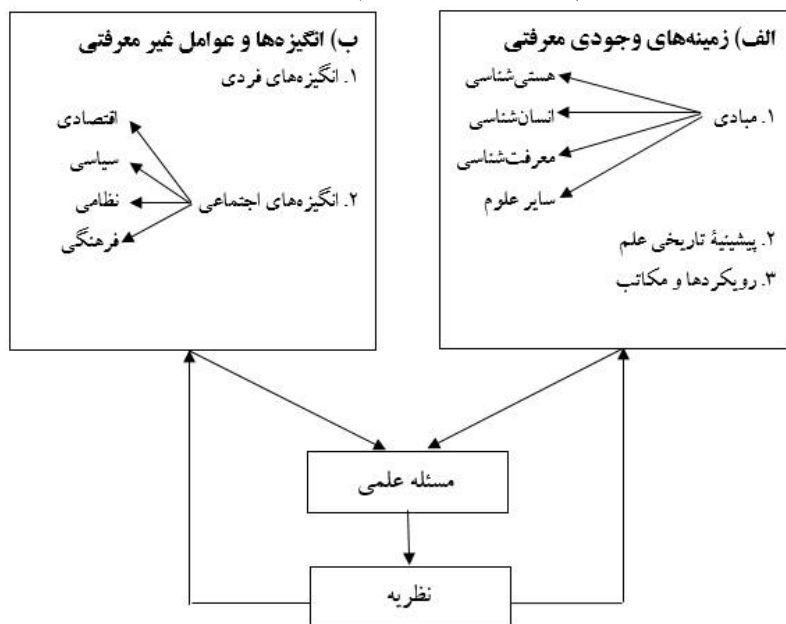
ورود نظریه علمی از فرهنگ مولد به فرهنگ مصرف‌کننده، می‌تواند دو صورت داشته باشد: مصرف و مواجهه فعال و مصرف منفعل (همان: ۲۳). از نظر پارسانیا، در الگوی مواجهه فعال که نمونه آن مواجهه فرهنگ اسلامی سده‌های نخستین با تمدن یونانی است، «فرهنگ



مصرف‌کننده در انتخاب نظریه، قدرت‌گزینش دارد و نظریه‌ها را برای حل مسائل داخلی خود یا حتی مسائلی که بر اثر ارتباط با فرهنگ دیگر برای آن پیش آمده است، با لحاظ زمینه‌های معرفتی و انگیزه‌ها و عوامل غیر معرفتی خود انتخاب می‌کند. در این حال، نظریه هنگام انتقال به‌وسیله مصرف‌کننده بازخوانی و در صورت لزوم بازسازی می‌شود» (همان).

آخرین مرحله از شکل‌گیری یک نظریه براساس روش‌شناسی بنیادین، مرحله حل مسئله براساس جهان‌های سه‌گانه قبلی است. «مسئله علمی، پدیده‌ای است که در شرایط مختلف تاریخی، تحت تأثیر عوامل معرفتی و غیر معرفتی پدید می‌آید و مسئله، پدیده‌ای است که بر اثر ناسازگاری در درون یک مجموعه فرهنگی به وجود می‌آید و به همین دلیل، امری نسبی و تاریخی است» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۲۰).

در این مقاله، مسئله حکمرانی و مؤلفه‌های آن در دوره مشروطه، مسئله‌ای است که آقانورالله نجفی اصفهانی با دیدگاهی که از ارتباط جهان اول و دوم اخذ کرده است، به طرح و حل آن می‌پردازد و با نوشتن کتاب مکالمات مقیم و مسافر، در جهان سوم پا می‌گذارد.



شکل شماره ۱: نمودار روش‌شناسی بنیادین



## ۴. یافته‌های پژوهش

### ۴-۱. حکمرانی در رساله مکالمات مقیم و مسافر حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی

#### ۴-۱-۱. زمینه‌های فکری و معرفتی حاج آقا نورالله

مطابق روش‌شناسی این مقاله، دیدگاه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی درباره حکمرانی، از یک سو متأثر از شرایط تاریخی و اجتماعی است که ایشان در دوره مشروطه تجربه آن را از سر گذرانده و از سوی دیگر، تحت تأثیر مبانی معرفتی و فکری است که آنها را کسب کرده است. در این بخش، ابتدا به بررسی زمینه‌های فکری و معرفتی حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی و پس از آن، از خلال بررسی شرایط شکل‌گیری نهضت مشروطه در ایران، شرایط تاریخی - اجتماعی حاکم بر ایشان را بررسی خواهیم کرد. ماحصل این دو بخش، در اقدامات ایشان از جمله اقدامات سیاسی از نهضت تنباکو تا مشروطه و انتشار رساله مکالمات مقیم و مسافر خواهد بود.

حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی (متولد ۱۲۷۸ ق/ ۱۲۴۹ ش در اصفهان)، فرزند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر نجفی اصفهانی و نوه حضرت آیت‌الله شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی یا ایوان‌کیفی، صاحب کتاب مشهور هدایه المسترشدين، از علمای درجه اول اصفهان بود (بامداد، ۱۳۷۱: ۳۹۴-۳۹۳). مادرش علویه زمزم بیگم، دختر آیت‌الله سیدصدرالدین عاملی از مراجع مشهور بود (نجفی، ۱۳۶۹: ۶). در تصویر زیر، شجره‌نامه ایشان به تصویر کشیده شده است.







طرب، از قول مرحوم طرب متذکر می‌شود که مرحوم طرب، مرحوم حاج آقا نورالله مسجدشاهی (بامداد، ۱۳۷۱: ۳۹۴) را به صفت شهامت، شجاعت اخلاقی، عدم حرص بر تکثیر مال، قیام بر ضد دستگاه حکومت ظالم جبار، روح وطن‌دوستی و طرفداری جدی او از مشروطیت و آزادی‌خواهی و امثال این مزایا که در وجود وی مجتمع بود، بسیار می‌ستود و با او معاشرت و همکاری صمیمانه‌ای داشت (امینی، ۱۳۸۵: ۲۸).

مبارزات ایشان در مجموع در چهار مقطع حساس از زندگی‌اش شکل گرفت: ۱. در فرونشاندن شورش و تهاجم‌های بابیه در روستای سده اصفهان در سال ۱۳۰۷ق که با انگیزه دینی و مبارزه با آن فرقه ضاله در کنار برادرش آقاجنقی صورت گرفت؛ ۲. تجربه مبارزاتی ایشان در رخدادهای نهضت تنباکو در راستای اجرای حکم قاطع و شرعی آیت‌الله میرزای شیرازی و مبارزه با استیلای استعمار انگلیس رقم خورد؛ ۳. پانزده سال پس از حادثه تنباکو، فعالیت حاج آقا نورالله در جریان نهضت مشروطه در اصفهان و بخش جنوبی ایران نمایان شد که موفق به تشکیل انجمن مقدس ملی اصفهان و مطرح کردن مشروطه از منظر دین شد؛ ۴. تلاش و تعامل دینی - سیاسی حاج آقا نورالله که سرانجام به شهادت ختم شد، در اوایل دوره پادشاهی رضاشاه علیه اجرای سیاست‌های دین‌ستیزانه غرب و غرب‌گراها، با بهانه مبارزه با قانون نظام وظیفه اجباری طلاب علوم دینی و مهاجرت وی و یاران روحانی‌اش از سراسر کشور به قم صورت گرفت (امینی، ۱۳۸۵: ۲۷).

تمرکز اصلی ما با توجه به رساله مکالمات مقیم و مسافر، بر دوره سوم است؛ هرچند پیش از ورود به آن، ناگزیر برای فهم بهتر شرایط مبارزاتی او، باید مروری بر زمینه‌های شکل‌گیری نهضت مشروطه در ایران با تمرکز بر حوادث تهران و اصفهان داشته باشیم.

#### ۴-۱-۲. مروری بر شرایط تاریخی - اجتماعی منتهی به نهضت مشروطه در تهران

با حمله مغول، اهمیت عنصر ایلات در تعیین سرنوشت سیاسی ایران، اهمیتی بسزا یافت (شمیم، ۱۳۹۳: ۱۹) و تشکیل حکومت صفویه و قاجار نیز از آن مستثنا نبود. قاجارها یکی از هفت شاخه اصلی قزلباش‌ها بودند که در تأسیس سلسله صفوی نقش اساسی داشتند. با تأسیس سلسله صفوی، ایل قاجار مأمور حفظ سرحدات ایران در گرگان و سردشت شد و در دشت‌های کنار رود گرگان و



اترک اقامت گزید. پس از دوره صفویه، به‌رغم برخی شورش‌ها، اما ایل قاجار تا دوره آقامحمدخان نتوانست قدرت مرکزی را در دست بگیرد (نجفی و حقانی، ۱۳۹۲: ۴۴-۴۳). با قدرت‌گیری قاجارها در ایران، در سطح جهان انقلاب کبیر فرانسه و ظهور ناپلئون اول نیز رقم خورد (شمیم، ۱۳۹۳: ۳۸).

در دوره فتحعلی‌شاه، در سال ۱۲۱۸ قمری و به دنبال الحاق گرجستان به ایران، جنگ‌های دهساله‌ای بین ایران و روس شکل گرفت که در پایان آنها و در ضمن دو عهدنامه گلستان (۱۲۲۸ ق/ ۱۸۱۳ م) و عهدنامه ترکمانچای (۱۲۴۳ ق/ ۱۸۲۸ م)، ایران دچار شکستی سنگین شد (نجفی و حقانی، ۱۳۹۲: ۶۲-۶۰). این شکست که عمدتاً ناشی از همت و انگیزه عموم مردم یا علما یا حتی دربار قاجار برای مقابله با روس‌ها، بلکه به دلیل نابسامان بودن بخش‌های مختلف حکومت و خیانت‌های بخش‌های مشتت و پراکنده دربار، به‌ویژه سفرای خارجی نظیر میرزا ابوالحسن خان ایلچی (سفیر ایران در انگلستان) یا میرزا عسگرخان افشار ارومی (فرستاده ایران به دربار ناپلئون) و به‌طورکلی، درک نادرست از منافع ملی و دینی رقم خورد، باعث شد تا شکست ایران از دیگر قدرت‌های اروپایی یا حتی منطقه‌ای نیز تکرار شود. این شکست‌های پیاپی و نابسامانی‌ها باعث شد تا افراد آگاهی، نظیر عباس میرزا، به طرح پرسش‌هایی بنیادین درباره شیوه حکمرانی در ایران پردازند.

عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی‌شاه، در پرسش مشهور خود از ژوبر، نماینده فرانسه در جریان عهدنامه‌های مذکور، این دغدغه را این‌طور بازنمایی می‌کند: «نمی‌دانم این قدرتی که شما (اروپایی‌ها) را بر ما مسلط کرده و موجب ضعف ما و ترقی شما شده، چیست؟ شما در قشون جنگیدن، فتح کردن و به کار بردن قوای عقلیه متبحرید و حال آنکه ما در جهل و شغب غوطه‌وریم] و به‌ندرت آتیه را در نظر می‌گیریم. مگر جمعیت، حاصلخیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است؟ یا آفتاب که قبل از رسیدن به شما به ما می‌تابد، تأثیرات مفیدش بر سر ما کمتر از شماست؟ یا خدایی که مراحمش بر جمیع ذرات عالم یکسان است، خواسته [که] شما را بر ما برتری دهد؟ گمان نمی‌کنم. اجنبی حرف بزن! بگو من چه باید بکنم که ایرانیان را هشیار نمایم» (ژوبر، ۱۳۹۵: ۹۵).

پاسخ به این پرسش و نظایر آن، در دوره‌های بعد باعث اقداماتی می‌شود که در رأس آنها می‌توان به بهره‌گیری از مستشاران نظامی برای نظم بخشیدن به ارتش ایران و تأسیس دارالفنون توسط میرزا تقی‌خان امیرکبیر در دوره ناصرالدین‌شاه اشاره کرد. اعزام بخشی از تحصیل‌کردگان یا وابستگان به



دربار قاجار به اروپا برای اخذ فنون جدید، باعث ایجاد تحولاتی عظیم در جامعه فکری ایران و شکل‌گیری طبقه‌ای جدید به نام «منورالفکران» در ایران شد. این اعزام‌ها و سفرهای اروپایی و نیز به‌کارگیری مستشاران اروپایی، نیازمند هزینه‌هایی بود که دربار قاجار عمدتاً آنها را از خلال عقد قراردادهای استعماری تأمین می‌کرد. در واکنش به این قراردادها بود که نهضت‌هایی نظیر تحریم تنباکو با فتوای میرزای شیرازی در پاسخ به استفتای شیخ‌فضل‌الله نوری (۱۳۰۹-۱۳۰۸ ق) شکل گرفت.

الگویی که در جریان نهضت تنباکو شکل گرفت، در ادامه منجر به خواست عمومی مردم برای تشکیل عدالت‌خانه شد. حوادثی مانند اهانت موسیو نوز بلژیکی به مردم و روحانیت در ۱۳۲۲ق، تأسیس بانک استقراضی روس در قبرستان کنار بازار تهران (نجفی و حقانی، ۱۳۹۲: ۱۵۸-۱۶۳)، ظلم‌ها و ستم‌های عبدالمجید میرزا عین‌الدوله در مقام صدارت شاه و درنهایت، حادثه کرمان، زمینه‌های شورش عمومی را فراهم کرد (شمیم، ۱۳۹۳: ۳۲۱-۳۲۰).

اعتراض علمایی همچون سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی، مشروطه اول را در تهران رقم زد. در استمرار این اعتراض‌ها، بخشی از معترضان در واکنش به نقش روسیه در اقدامات استبدادی عین‌الدوله، به سفارت انگلستان پناه بردند و خواست‌های خود را در چند مرحله بیان کردند: «عزل عین‌الدوله از صدارت، کیفر دادن قاتلان شهدای وطن، بازگشت دادن علما از قم و عودت دادن تبعیدشدگانی همچون حاجی میرزا حسن رشیدی و دیگران به تهران و افتتاح دارالشورای ملی.» با گسترده‌تر شدن مخالفان در سفارت انگلیس و برکناری عین‌الدوله، ناگزیر در روز چهاردهم جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۴ق، مطابق با سیزدهم یا چهاردهم مردادماه سال ۱۲۸۵ش، فرمان مشروطیت صادر شد (شمیم، ۱۳۹۳: ۳۲۸-۳۲۷).

#### ۴-۱-۳. زمینه‌های شکل‌گیری نهضت مشروطه اصفهان و نقش حاج‌آقا نورالله در آن

الف) حاج‌آقا نورالله و نهضت تحریم تنباکو

پیش‌تر به نقش نهضت تحریم تنباکو در نهضت مشروطه اشاره شد. در این نهضت، دیگر شهرها از جمله اصفهان نیز همراهی کردند. در اصفهان از اواخر سال ۱۳۰۸ق که تحریمات ضد قرارداد



رژمی آغاز شد و رنگ مذهبی به خود گرفت، حاج آقا نورالله نجفی با نقد حکومت مرکزی و ودخالت انگلیسی‌ها، به اتفاق ملا محمدباقر فشارکی، شیخ محمدعلی ثقه‌الاسلام و آقانجفی (برادر حاج آقانورالله) علیه قرارداد قیام کردند و در اجتماع بزرگ تخت فولاد، حکم به تحریم تنباکو دادند (صفایی، بی تا: ۱۴۰-۱۶۷). ناصرالدین شاه نیز برای مقابله با قیام علما در اصفهان، پسرش مسعود میرزا ظل السلطان را مأمور سرکوبی این جنبش کرد، اما با مقاومت مردم و تجار اصفهانی، ناکام ماند (امینی، ۱۳۸۵: ۲۹).

#### ب) تأسیس شرکت اسلامی و شرافت

در راستای مبارزات حاج آقا نورالله با استعمار اقتصادی استعمارگران خارجی، ایشان با همراهی برادرش، در سال ۱۳۱۵ ق با امضا و نصب اعلامیه‌ای به دیوار مساجد اصفهان، اقشار مختلف مردم را به استفاده از کالاهای داخلی دعوت کرد (امینی، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۹). وی پس از مدتی به همراه ملک‌المتکلمین و برخی از تجار اصفهان، با هدف استقلال اقتصادی، بی‌نیازی از ممالک خارجی و احیا و تشویق صنایع داخلی در سال ۱۳۱۸ ق، اقدام به تأسیس شرکت اسلامی، ابتدا در اصفهان و پس از آن در دیگر شهرهای ایران کرد و هسته اولیه تأسیس کارخانجات بزرگ به سبک نوین در اصفهان و سایر شهرهای ایران را پایه‌گذاری کرد (ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۳۸).

تحریم کالاهای خارجی به دست حاج آقا نورالله، آقانجفی و شرکت اسلامی اصفهان، به حدی برای خارجی‌ها گران تمام شد که دولت روس به وزیر امور خارجه ایران در مورد تحریم معاملات تجاری با کمپانی‌های خارجی از سوی روحانیون اصفهان اعتراض و تقاضا کرد در صورتی که حاج آقا نورالله در تحریم کالاهای خارجی مداومت کند، او را از اصفهان تبعید کنند (بشیری، ۱۳۶۲: ۱۲۷-۱۲۶؛ معاصر، ۱۳۵۳: ۵۵۷). هشت تن از علمای بزرگ و مراجع تقلید آن زمان، یعنی سید اسماعیل صدرالدین عاملی، حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل، سید محمد کاظم یزدی، محمد غروی شریانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، محمد حسن ممقانی، حاج میرزا حسین نوری و میرزا فتح‌الله اصفهانی (شریعت اصفهانی) بر رساله شرکت اسلامی تقریظ نوشتند و کمک به این شرکت را مساوی مبارزه با نیروی کفر دانستند (امینی، ۱۳۸۵: ۳۰).



حاج آقا نورالله چند سال پس از تأسیس شرکت اسلامی، شرکت شرافت را به منظور ترویج کالاهای وطنی، رفع احتیاج به خارج، توسعه شغل، کسب و کار و مصالح مردم ایجاد کرد (امینی، ۱۳۸۵: ۳۰). یکی دیگر از مهم‌ترین ابعاد مبارزاتی حاج آقا نورالله، به مخاطره انداختن منافع و مطامع سیاسی دول بیگانه و سلب اعتبار از قدرتهای غرب و شرق بود.

#### پ) تأسیس انجمن صفاخانه

در کنار توجه به قلمرو اقتصاد، حاج آقا نورالله نسبت به قلمرو امور فرهنگی نیز عنایت خاصی داشت. او در واکنش به اعزام مبلغان مسیحی - که در هندوستان آموزش زبان فارسی می‌دیدند - به اصفهان و توزیع کتب و جزوات متعدد در رد اسلام در سال ۱۳۲۰ق، به‌ویژه در دوره مظفرالدین‌شاه، با همراهی برادرش و با مشورت رکن‌الملک شیرازی، سید محمدعلی داعی‌الاسلام را برای مبارزه با آنان تعیین کردند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۴۰). ایشان همچنین با تأسیس انجمن صفاخانه در سال ۱۳۲۰ق، در محله جلفای اصفهان با آنان مقابله کرد و در همین زمینه، روزنامه‌ای به نام «الاسلام» به سرپرستی داعی‌الاسلام منتشر کرد (ابطحی، ۱۳۷۰: ۷). در استمرار این اقدامات بود که رساله مکالمات مقیم و مسافر در سال ۱۳۲۷ق از سوی او در توضیح مشروطه منتشر شد (امینی، ۱۳۸۵: ۳۱).

#### ث) حاج آقا نورالله و نهضت مشروطه

فعالیت‌های حاج آقا نورالله و برادرش به تبعید کوتاهی به تهران و دوری از اصفهان منجر شد. حاج آقا نورالله و برادرش آقاجنقی در سال ۱۳۲۱ق با استقبال بی‌نظیر مردم به تهران وارد شدند و به مدت یک سال در تهران ماندند و سپس در سال ۱۳۲۲ق به اصفهان مراجعت کردند (مهدوی، ۱۳۶۷: ۴۷۵). در اصفهان وی به همراه آیت‌الله سیدحسن مدرس، سیدالعراقین و میرزا احمد بیدآبادی در حل امور مسلمین همیاری نزدیکی داشتند (مدرسی، ۱۳۶۶: ۳۱۱). حاج آقا نورالله که هنوز مدت چندانی از بازگشتش از تبعید سپری نمی‌شد، در همان سال ۱۳۲۲ق به نهضت عدالت‌خانه و گروه مهاجرت کبرای قم و به صف متحصنان قم پیوست و در صدر رهبران مخالف



استبداد قرار گرفت. پس از آنکه مهاجران در کار خود موفق شدند و مشروطیت برپا شد، به اصفهان بازگشت. در این زمان آقانجفی به‌عنوان رهبر معنوی جنبش مشروطه اصفهان و حاج آقا نورالله با تکیه بر موقعیت برادر، رهبری سیاسی آن را بر عهده گرفت.

از نظر فکری - سیاسی، وی حدفصل دو تفکر مشروطه‌خواه افراطی و غربی با مشروطه‌خواه مشروعه قرار داشت و به مشروطه به‌عنوان حکومتی براساس قانون اسلام می‌نگریست و از آن حمایت می‌کرد. حوادث جنبش مشروطیت اصفهان به رهبری حاج آقا نورالله به دو دوره تقسیم می‌شود: الف) حوادثی که برای تحقق مشروطیت و ایجاد مجلس تا قبل از به توپ بسته شدن مجلس اول توسط محمدعلی شاه در اصفهان به وقوع پیوست؛ ب) حوادثی که از به توپ بستن مجلس شورای ملی شروع شد و تا فتح تهران و خلع محمدعلی شاه ادامه یافت (امینی، ۱۳۸۵: ۳۱).

با آغاز انقلاب مشروطه و پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی در تهران، مردم و علمای اصفهان تصمیم به ایجاد مجلس محلی و انتخاب وکلا گرفتند. در ذی القعدة ۱۳۲۴ق، انجمن ولایتی با نام انجمن مقدس ملی اصفهان در این شهر ایجاد شد و نماینده اصناف مختلف تعیین شدند. این انجمن برآمده از ماهیت مستقل مردمی و قاطع رهبران روحانی مشروطه اصفهان بود که با اقتدار، شفافیت و کارآمدی در عرصه سیاسی - فرهنگی کشور ظاهر شد و با بهره‌گیری از حمایت بی‌دریغ روحانیون فعال اصفهان، به‌ویژه حاج آقا نورالله و آقانجفی و استفاده از ابزار کارآمدی مانند روزنامه «انجمن مقدس ملی اصفهان»، آرمان‌ها و اهداف مردمی خود را پیگیری کرد. سرانجام، به‌رغم تقابل با جریان‌های غرب‌گرا، حاج آقا نورالله ریاست مشروطه‌خواهان و انجمن اصفهان را بر عهده گرفت و دست فرصت‌طلبان، از جمله شاهزاده مسعود میرزا ظل السلطان، پسر ناصرالدین شاه را از این مجلس ملی کوتاه کرد و کنترل یکی از مهم‌ترین ارکان سیاسی را به کمک همفکرانش از جمله صدرالعلماء، امین‌التجار، افتخارالحکما و دکتر مسیح‌خان و برجسته‌ترین آنها، آیت‌الله سیدحسن مدرس، به دست گرفت.

این انجمن ملی بین سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۴ق، پس از مهاجرت قم و قبل از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی و شروع استبداد صغیر دایر بود. مشروح مذاکرات انجمن ملی اصفهان از اهمیت فراوانی در دوران مشروطیت برخوردار است که بررسی این مذاکرات، نکات تاریکی از تاریخ



مشروطیت و ناگفته‌های بسیاری درباره افکار و اندیشه‌های علما و رجال عصر مشروطه در اصفهان را روشن می‌کند (امینی، ۱۳۸۵: ۳۲).

حکومت رسمی حاج‌آقا نورالله در این زمان بر اصفهان، بختیاری و نواحی مرکزی، یکی از مهم‌ترین الگوهای حکومتی شیعه در این مناطق به‌شمار می‌رفت، زیرا در این زمان فرصتی دست داد تا آرمان‌های سیاسی اسلام را با توجه به دستورات و نظرات آخوند خراسانی، در سطحی وسیع اجرا کند. در حقیقت، حکومت دینی - سیاسی به دست وی در آن ناحیه مستقر شد؛ به‌گونه‌ای که غرب‌زدگانی مانند کسروی و برخی مورخان غرب‌گرای مشروطه، روند حاکمیت مشروطه در اصفهان را مشروطیت آخوندها دانسته و آن را مورد حمله قرار داده‌اند. همچنین، در گزارش نماینده لندن در تهران آمده است که اصفهان زیر سلطه آخوندهاست. در مدت حاکمیت مجتهد مطلق حاج‌آقا نورالله، گام‌های اساسی بسیاری برای رفاه مردم منطقه اصفهان برداشته شد (صفایی، ۱۳۷۰: ۱۴۴).

ظل‌السلطان، حاکم مستبد قاجاری در طول دوره سی‌ساله حاکمیت خود بر اصفهان، هرگونه قیام مشروطه‌خواهانه در اصفهان را سرکوب می‌کرد. در جریان یکی از این سرکوب‌ها، مردم به دستور آقاجنقی و حاج‌آقا نورالله در تلگراف‌خانه دولتی متحصن شدند و از رهبران مشروطه و مجلس کمک طلبیدند و خواستار رفع مظالم حاکم شدند. جمعی از اصفهانی‌های مقیم تهران هم که از ظلم ظل‌السلطان در تهران به سر می‌بردند، با قیام‌کنندگان هم‌صدا شدند و در مجلس شورای ملی تحصن کردند و با پایداری و مقاومت، ظل‌السلطان را سرنگون کردند و انجمنی در اصفهان پدید آوردند (ملک‌زاده، ۱۳۶۲: ۲۵۳-۲۵۲).

در سال ۱۳۳۵ق، با توصیه حاج‌آقا نورالله، قشون ملی از نیروهای مردمی تشکیل شد و در ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ق پس از پایان مذاکرات انجمن ملی، با نام فدائیان در اطراف چهل‌ستون اصفهان مشق کردند و با آراستن صف نظامی در پیش‌روی حاج‌آقا نورالله تا میدان شاه اصفهان رژه رفتند (امینی، ۱۳۸۵: ۳۳). این بسیج عمومی مردم، حکایت از نفوذ حاج‌آقا نورالله و قدرت و درایت وی در بسیج توده‌های مردم داشت؛ چنانکه در هفتم صفر ۱۳۲۶ق، مقرر شد صاحب‌منصبان فوج جلالی، چهارمحال و سوارهای فتحیه در دفتر انجمن حاضر شوند و قسم یاد کنند که به ملت و دولت





خیانت نکنند. انجمن ملی اصفهان با مدیریت صحیح حاج آقا نورالله، توانست با همه نقاظ ایران ارتباط برقرار کند.

حکومت اسلامی که به ریاست سیاسی حاج آقا نورالله در اصفهان پیاده و اجرا شده بود، از نظر عقیدتی و شرعی بر مبنای مشروعیت، ولایت فقیه و مجتهد سیاسی و آگاه به زمان استوار بوده است. از این رو، بزرگان فقها و سرآمدان علمای زاهد حوزه علمیه اصفهان اطاعت وی را واجب می دانستند و او را تأیید می کردند و در مبارزات سیاسی اش با استعمار و استبداد، با او همراه بودند (امینی، ۱۳۸۵: ۳۳). مبارزات حاج آقا نورالله با استبداد و استعمار تا آخرین روز حیاتش تا دوره رضاخانی همچنان ادامه داشت که با توجه به موضوع این مقاله، از ذکر آنها صرف نظر می کنیم.

ج) تدوین رساله مکالمات مقیم و مسافر

اکنون با توجه به مبانی معرفتی و شرایط تاریخی و اجتماعی مؤثر بر اندیشه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی، می توان دریافت که رساله مکالمات مقیم و مسافر، در چه فضای فکری و اجتماعی منتشر شده است. مکالمات مقیم و مسافر، رساله ای سیاسی از حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی است که تاریخ اتمام کتابت رساله، رجب سال ۱۳۲۷ هجری قمری است. این رساله همانند رساله فلسفی - فقهی تنبیه الامه و تنزیه المله که در تبیین مشروطه اسلامی و حکومت از دیدگاه اسلام نوشته شده بود، در سال های فترت بین مشروطیت اول و مشروطیت دوم نگاشته شده است و نویسنده در این رساله، روایتی اسلامی از نظام سیاسی مشروطیت ارائه می دهد (صوفی نیارکی، ۱۳۸۴: ۷۱).

مکالمات مقیم و مسافر را که پس از سال ها ناشناخته بودن، اکنون نام و نشان در منابع اندیشه سیاسی اسلام مطرح می شود، می توان هم سنگ سایر رسائل عصر مشروطه از قبیل تنبیه الامه و تنزیه المله مرحوم نائینی دانست و در کنار مبارزات و مجاهدات سیاسی - اجتماعی مرحوم حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی رحمته الله علیه از بینش عمیق و اندیشه پویای او در فلسفه سیاسی اسلام بسیار آموخت. در اولین چاپ این رساله و اولین صفحه کتاب در چهار گوشه صفحه، کلمات عدالت، حریت، مساوات و آزادی نقش بسته شده است. مضمون این کتاب بر دفاع فکری از نوعی قرائت شرعی از مشروطیت بوده و حاج آقا نورالله درصدد پاسخگویی به سؤال های نظام پارلمانی و مشروطه برآمده است. این





کتاب طرحی نظریه‌پردازانه در قالب مباحثه و گفتگو است که طی آن، عالم مشروطه‌خواه با عالم مشروطه‌خواه به گفتگو می‌پردازد و سرانجام، عالم مشروطه‌خواه به اشکالات عالم مشروطه‌خواه، جواب داده و ایشان نیز به وجوب مشروطه حکم می‌کند. حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی در این رساله درصدد پاسخگویی به پرسش‌های مخالفان مشروطه است که از موضع استبدادی یا از موضع مذهبی به مخالفت با مشروطیت می‌پرداختند و با حرکات مشروطه‌خواهان مخالفت می‌کردند.

سبک رساله، مبتنی بر گفتگو است و در قالب پرسش و پاسخ تهیه شده و از این لحاظ در نوع خود بدیع است. این ویژگی حکایت از ذوق لطیف نویسنده دارد که مجتهدی اصولی و عالمی آشنا با زمانه است. در این رساله، حاج‌آقا نورالله به‌عنوان «مسافر» که نماد یک مشروطه‌خواه دینی است با «حاجی مقیم» که نماینده چهره‌های دینداری است که بر اثر اقدامات ضددینی برخی مشروطه‌خواهان نسبت به مشروطیت بدبین شده بودند، با حضور ناظری به نام «میرزا هدایت‌الله» به گفتگویی خیالی درباره حکومت و نظام مشروطیت می‌نشیند. این رساله، مستندترین متنی است که می‌تواند اندیشه سیاسی حوزه علمیه اصفهان را در عصر مشروطه به‌صورت مکتوب به تصویر بکشد. نویسنده رساله همانند مرحوم نائینی در تنبیه الامه و تنزیه المله اما به زبانی ساده، روایتی اسلامی از نظام سیاسی مشروطیت ارائه می‌کند. در ادامه با بررسی این رساله، سعی بر این است تا نگاه حاج‌آقا نورالله درباره مؤلفه‌های حکمرانی خوب را تبیین کنیم.

#### د) حاکمیت قانون

پیش‌تر در بخش اول این مقاله به اهمیت مسئله حاکمیت قانون در حکمرانی مطلوب اشاره کردیم و این مهم را از منظر مؤسسه‌های جهانی تبیین کردیم. در این بخش قصد داریم نگاهی به اهمیت قانون و حاکمیت آن در سیستم حکمرانی از منظر حاج‌آقا نورالله داشته باشیم. همان‌طور که اشاره شد، یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های علمای حامی نهضت مشروطه، حاکمیت قانون بر سیستم اداره کشور بود؛ قانونی که برآمده از شریعت و در کنار آن خواست و صلاح مردم باشد. پس قانون‌خواهی از مهم‌ترین اهداف مشروطه‌خواهان بوده است. در رساله مکالمات مقیم و مسافر نیز بارها به مسئله حاکمیت قانون اشاره شده است. نویسنده در این رساله سعی دارد که مشروطه و قوانین



آن را مطابق با شریعت معرفی کند. در بخشی از رساله، شخص مقیم با انتساب خرابی‌های حادث شده به جریان مشروطیت، به نوعی جریان مشروطیت را بدعتی جدید عنوان می‌کند که مطابق با سنت رسول خدا ﷺ نیست. در بحث‌هایی درباره حاکمیت قانون در رساله، عمده تلاش حاج آقا نورالله بر این است که مشروطیت را احیاگر قوانین و سنت رسول خدا ﷺ و شریعت جلوه دهد. در پاسخ به همین اشکال مقیم، حاج آقا نورالله از لسان مسافر این گونه پاسخ می‌دهد:

برای خیلی از شما این مطلب غریب است که می‌فرمایید مشروطه، مطلب تازه و جدید است. اشتباه نشود، بدانید اینکه مشروطین می‌گویند همان قانون و دستورالعمل حضرت خاتم‌الانبیاء ﷺ را می‌طلبند؛ امر حادث و تازه نیست. نهایت چون هزار و سیصد و چند سال است، رفته‌رفته از بین رفته، حال که طلب تجدید اثر می‌کنند، خیال می‌کنند حادث و جدید است (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۱۰).

پس از انتساب قانون مشروطه به قانون رسول خدا ﷺ، شخص مشروعه‌خواه یا همان مقیم درباره تفاوت بین سلطنت مطلقه و سلطنت مشروطه از مسافر سؤال می‌پرسد. مسافر با شرح این مسئله که در سلطنت مطلقه، قانون، قول و فعل سلطان است؛ حتی اگر مطابق با قانون مملکت، صلاح و شرع نباشد، از آن انتقاد می‌کند و این نوع قانون را سبب تباهی می‌داند. اما در تبیین سلطنت مشروطه این گونه عنوان می‌دارد:

در صورتی اطاعت، امر و حکم آن پادشاه یا حاکم یا آقا لازم می‌شود که قول، امر و فرمان او مطابق با قانون مملکت باشد. یقین باشد که اگر حکمی برخلاف قانون از او صادر باشد، مطاع نخواهد بود. پس در حقیقت در سلطنت مشروطه، حاکم قانون است و شاه، امیر، حاکم، قاضی و آقا، بیان آن قانون را می‌نمایند و چون در مملکت اسلامی قانون کتاب الله و سنت پیغمبر است، در سلطنت مشروطه، اگر حکم هر حاکمی مطابق با قانون اسلام باشد، مطاع است و اگر از روی هوای نفس باشد و وجود غرضی برخلاف قانون اسلام حکمی بنماید، به هیچ وجه مطاع نخواهد بود (همان: ۳۱۱).

حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی در ادامه در پاسخ به مقیم درباره چگونگی انتساب مشروطیت و قانون خواهی به رسول خدا ﷺ می گوید که پس از مبعوث شدن رسول خدا، عده‌ای او را پادشاه و سلطان خطاب کردند، اما آن حضرت خود را پیغمبر معرفی کرد:

اینکه رسول خدا فرمودند من پیغمبرم، یعنی از خود امر و نهی ندارم و از جانب خدا پیغام آورده‌ام. به مصداق «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»<sup>۱</sup>، احکام من از خودم نیست و از جانب خالق عالم است که بالملازمه، دلالت دارد بر اینکه چیزی اگر بگویم که مطابق با حکم و قانون خدا نباشد و از روی هوا باشد، اطاعت آن لازم نیست. چه من پادشاه نیستم، بلکه پیغمبرم و حکم دیگری را بر شما ابلاغ می‌کنم. چنانچه پس از وفات آن حضرت، تاسی و اندی سال هر وقت که می‌خواستند مسلمانان با خلیفه بیعت کنند، بیعت مشروطه می‌کردند و می‌گفتند: «عَلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ»؛ یعنی با تو بیعت می‌کنم که اطاعت امر و حکم تو را بنمایم، مشروط به اینکه او امر تو مطابق با کتاب الله و سنت باشد. یعنی اگر تو از جانب خودت حکمی و امری بنمایی، اطاعت نداریم. این است حقیقت سلطنت مشروطه و این قانون مشروطه از اول اسلام بود تا زمان معاویه که در اخبار مسلم است که معاویه، عنوان خلافت را به سلطنت مبدل نمود (همان: ۳۱۲).

در جای دیگری از رساله، بنا به درخواست مقیم، مسافر تفاوت‌های بین حکومت مستبده و مشروطه را بیان می‌کند که در ذکر پنجمین تفاوت می‌گوید:

مشروطه می‌گوید مطابق حکم الهی در تمام حدود و مجازات ما بین تمام افراد خلق حکم تساوی باید باشد و حکم الهی بر وضع و شریف، کوچک و بزرگ یکسان باشد. کسی که شرب خمر یا قتل نفس یا زنا یا لواط یا سرقت نمود. خواه حاکم یا محکوم، امیر یا مأمور باشد، در حکم شریک باشند (همان: ۳۲۵).

نویسنده در اهمیت حاکمیت قانون عادلانه بر کشور تصریح دارد: «در مملکت باید قانون عدل

مجری باشد و هیچ‌کس بر دیگری ظلم و ستم نکند و کسی را به ناحق حبس نکرده و صدمه و اذیت نکنند و زنجیر نمایند و هتک عرض و فحاشی نکرده، بد نگویند» (همان: ۳۲۷).

#### ن) پاسخگویی

حاج آقا نورالله در قالب مثال، پاسخگویی در مشروطه را این‌گونه توصیف می‌کند: «اگر حاکمی به جایی رفت و ظلم کرد، دیگر او را به حکومت نفرستند یا اینکه وزرا به پادشاه اگر خلاف کنند، باید عزل او را از پادشاه بخواهند» (همان: ۳۱۴).

از نظر او، یکی از وظایف اصلی مشروطه، مشورت و تلاش برای عمران و آبادانی کشور است، اما مجلس و حکمرانی را پاسخگو به مردم معرفی می‌کند. «به مقتضای «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» در ترقی ملت و راه ترویج تجارت، صناعت و فلاح در این مجلس که او را دارالشوری می‌نامند، مشورت کرده و نتیجه را به ملت اعلام نمایند» (همان: ۳۱۹).

این پاسخگویی شامل شفافیت مالی نیز می‌شود: «تمام وجوهی را که از آنها می‌گیرند، به اطلاع وکلای مجلس دارالشوری، بلکه به اطلاع تمام افراد ملت به مصارف خود آنها رسانیده، دیناری از آن را در غیر مصالح ملت و مملکت صرف نمایند» (همان: ۳۲۱).

ضمانت اجرای این شفافیت نیز با مجازات قضایی همراه است. ایشان در شمارش ویژگی‌های مشروطه، در دهمین ویژگی متذکر می‌شود: «حاکمی را که به محلی تعیین می‌کنند، مواجبی از برای او قرار بدهند که تعرض و طمع به مال و جان مسلمانان نکند و اگر کسی زیاده از دستورالعمل مقرر گرفته، مجازات شود که دیناری نتواند زیاده بر حق طمع کند، یا تعدی نمایند» (همان: ۳۲۸).

#### و) مشارکت

علاوه بر اینکه مفهوم مشارکت، همبستگی بالایی با مفهوم مشروطه داشته و دارد، در رساله مکالمات مقیم و مسافر نیز به صورت ضمنی به اهمیت مشارکت در حکمرانی مطلوب و مورد نظر حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی اشاراتی شده است. باین حال واژه مشارکت، واژه‌ای جدید به حساب می‌آید. با کمی فحوص در ادبیات دوره قاجار و مشروطه می‌توان پی برد که دخالت مردم در



تصمیم‌گیری‌ها به‌نوعی معادل مفهوم مشارکت در ادبیات حکمرانی معاصر است. حاج آقا نورالله این ایده را محصول تمدن غرب نمی‌داند و عمر آن را هم‌تراز با خلقت انسان عنوان می‌کند:

مشورت کردن و دارالشوری داشتن، از اول خلق عالم و آدم بوده است. تمام عقلای عالم از انبیا، سلاطین و علما در اموری که باید مشورت کنند، مشورت می‌کردند. اگر بخواهم شرح و بسط بدهم، خیلی طول می‌کشد. قبل از حضرت رسول ﷺ یک قصه عرض می‌کنم که حال از قرآن مجید به نظر آمد و آن، قصه حضرت سلیمان علیه السلام و بلقیس است که چون نامه حضرت سلیمان علیه السلام به او رسید، وزرا و عقلای مملکت خود را جمع کرد: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ»<sup>۱</sup>؛ یعنی ای جماعت رأی بدهید که من جواب حضرت سلیمان علیه السلام را چه بدهم. من ابداً کاری را بی مشورت شما نمی‌کردم و حکم نمی‌نمودم تا شما حاضر نمی‌شدید رأی نمی‌دادید. پس معلوم می‌شود دارالشوری و مشورت کردن از فرنگان نیست، همه وقت بوده است. آمدیم به زمان صاحب شریعت مطهره علیه السلام، حضرت رسول همه‌وقت در اموری که قابل مشورت بود با اصحاب مشورت می‌فرمود. با اینکه عقل کل بود و حاجت به مشورت نداشت، محض ارشاد بوده است. مخصوصاً در جنگ‌ها و غزوات و طریق حمله یا مدافعه دشمن، مشورت می‌فرمود و در قصد حفر خندق رأی سلمان را اختیار فرمود که عرض کرد: در عجم خندق حفر می‌نمایند. در قرآن مجید است تعریف مؤسسين؛ می‌فرماید که «وَأَمْزُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»<sup>۲</sup>؛ یعنی آنها کارشان از روی مشورت است. تو هم با اصحاب مشورت بکن و آنها را طرف مشورت قرار بده که این مطلب نهایت مرحمت در حق آنها بوده است. و اما اخبار در باب مشورت بسیار است. برای شما دو خبر دارم: قال علیه السلام: «مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَلْبَابِ ذُلَّ عَلَى الرَّشَادِ»<sup>۳</sup>؛ یعنی

۱. سوره مبارکه نمل، آیه ۳۲

۲. سوره مبارکه شوری، آیه ۳۸.

۳. بحارالانوار، جلد ۷۵، صفحه ۱۰۵.



هرکس که مشورت کند با صاحبان عقل، دلالت می‌شود بر رشاد. و قال عليه السلام:  
 «الْإِسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهَدَايَةِ»؛ یعنی مشورت کردن چشمه هدایت است (همان:  
 ۳۱۶-۳۱۵).

در جای دیگری از رساله، مقیم با بیان اینکه اگر شخصی که سلطنت را می‌پذیرد فردی فرهیخته، عالم، عادل، ملت‌دوست و دیندار باشد که به دنبال اجرای احکام الهی است، به دنبال اثبات عدم لزوم مشروطه و به‌ویژه دارالشوری برمی‌آید که مسافر به دوروش درصدد پاسخ به مقیم برمی‌آید:

آن پادشاه هر قدر عادل، عاقل و کافی باشد، یک عقل که زیاد ندارد و در امور مملکت که صلاح و فساد هزاران نفوس باید رعایت شود و عقول کثیره در کار باشد، بهتر است یا یک عقل پادشاه که معصوم نیست، لابد خطا می‌کند؟ البته اگر دارالشوری منعقد کند و امور مملکت را مشورت نمایند و عقول عقلا، علما و دانایان مدد عقل او شوند، بهتر است (همان: ۳۳۹).

#### ه) شفافیت

در نظر حاج آقا نورالله، شفافیت با نظارت به هم گره خورده‌اند و از همین روی، در چندین نوبت اشاراتی به شفافیت تصمیم‌گیری دولت و ارائه این تصمیمات به مجلس و مردم داشته است. حاج آقا نورالله راهکار مقابله با پنهان‌کاری و فساد را نظارت می‌داند که زمینه‌ساز شفافیت خواهد بود. وی در توصیف عملکرد دارالشوری در نظارت بر دولت و ایجاد شفافیت برای جلوگیری از فساد می‌گوید:

در مجلس قانون می‌گذارند که چه قسم محکمه‌های عدلیه را برقرار نمایند و چند نفر اشخاص متدین بی‌غرض در مجلس عدلیه بنشینند که حکم خدا جاری بشود و حاکم نتواند رشوه بگیرد یا حق را باطل کند. یا اینکه اگر شخص ضعیفی عارض شود از شخص قوی، حاکم نتواند ملاحظه از آن قوی بکند. لهذا قانون عدلیه



می‌نوشتند، کارها را تجزیه می‌کردند که کار به دست یک نفر نباشد و رشوه بگیرد یا ملاحظه بکند (زرگری نژاد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۱۴).

در سطور بعد برای بار دیگر نبود عدالت را در سیستم غیرشفاف بازگو می‌کند:

این وجوهی که به‌عنوان مالیات از رعیت گرفته می‌شود، به‌طور عدل، انصاف و صحت باید باشد. نه اینکه یک مالک که دارای هزار تومان عایدی است، ده تومان مالیات بدهد یا معاف باشد، یا یک چیزی هم دستی بگیرد و یک مالک که صد تومان عایدی داشته باشد، نود تومان مالیات از او بگیرند. و باید ضعیف و قوی یکسان باشند (همان).

مسئله ظلم‌های مالیاتی و فساد مالی از مسائلی است که در جای‌جای رساله به آن اشاره شده است و حاج آقا نورالله از جمله راهکارهای جلوگیری از این دست مظالم را شفافیت می‌داند:

در تمام دنیا هر دولت حسابی که از رعایای خود پولی می‌گیرد، فرض ذمه خود دانسته که آن پول را در طرق خیر و فائده ملت خود صرف کند و به‌عبارت آخری، داخله مملکت را از بی‌نظمی و بی‌قانونی محفوظ و حقوق ملت را در خارجه محروس دارد و یکی از شروط درست و حسابی آن دول، همین است که هر ساله، بلکه هر شش ماه صورت دخل و خرج خود را به‌ترتیب صحیحی به ملت اعلام کنند تا بفهمند که هرچه داده‌اند به جهت حفظ مصالح خودشان مصروف گردیده و از طرف دولت متبوع‌شان اجحافی در این باب نگشته. یا مثلاً پول مالیاتی که کدیمین و عرق جبین کارکنان و مزدوران و سایر اصناف خلق حاصل گشته، در وجه تکفیات مشتی جاهل بی‌دین که متاع‌شان در بازار دربار رواج است، خرج نشده است. اما در ایران نه‌تنها باید رعیت بی‌خبر بماند از اینکه مالیات مملکت به کجا می‌رود، بلکه بزرگان مملکت هم بایست از صورت دخل و خرج ابداً اطلاعی نداشته باشند. و جرئت اینکه بتوانند، گاهی بگویند که این همه پول نقد و آن مقادیرهای گزاف جنس که از دست رعیت به در رفته و داخل در تصرف دیوانیان می‌شود، آخر کارش به کجا خواهد رسید؟ (زرگری نژاد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۴۷-۳۴۶).



به نظر می‌رسد مشروطیت را بتوان از این منظر مورد توجه قرار داد که این نهضت، پاسخ تاریخی نخبگان جامعه ایران به نیاز و سؤال بزرگ عصر قاجار، یعنی کارآمدی، بوده است. از مجموعه آثار نخبگان اجتماعی و حتی گفتگوهای مسئولان عالی حکومتی و شاید پیش از آنها در پرسش عباس میرزای ولیعهد، چنین برمی‌آید که آنها دریافته بودند که در برابر دنیای جدید، سیستم حکمرانی ایشان دیگر کارآمد نیست. این کارآمد نبودن را در بخش‌های مختلف جامعه آن روز ایران، از اقتصاد و صنعت و تجارت گرفته تا نظامی و علمی و کشورداری می‌توان مشاهده کرد. حاج‌آقا نورالله نیز در جای‌جای رساله خود، به صورت غیرمستقیم بر کارآمدی تأکید دارد و مشروطه را بازگشت به دوره کارآمدی حکمرانی اسلامی معرفی می‌کند. وی مشروطه را به حکومت نبوی منتسب می‌کند و اضمحلال مشروطیت را به دوران بنی‌امیه نسبت می‌دهد، اما در پاسخ به مقیم که چطور به‌رغم برچیده شدن مشروطه نبوی از دوره بنی‌امیه، تا سالیان سال هنوز حکمرانی کارآمدی داشته، اما اکنون کارآمدی خود را از دست داده است، این‌گونه توضیح می‌دهد:

علت آن بود که هرچند ظلم از سلاطین اعصار و رجال دربار بسیار بود، لکن اصل اساس اسلام، محفوظ و به‌واسطه قدرتی که سلاطین اسلام داشتند، هجوم اجانب و تسلط خارجه و اضمحلال محکمه اسلام بالکلیه نمی‌شد. اما این اوقات که سلاطین، بیت‌المال مسلمین را خرج شهرت‌رانی و مصارف مضره به اسلام و تضعیف مسلمین نمودند و معاهده دول همجوار هم تمام شده و ما را مال‌المصالحه قرار داده و از برای دولت ما مقاومت با هیچ‌یک از آنها به‌قدر یک ساعت نبود، ناچار به جهت حفظ اسلام در مقام احیای قانون مشروطه و اتحاد و اتفاق و احیای عدل و مساوات که از اول امر هم مایه ترقی اسلام بود، برآمده که به این وسیله، اسلام را محفوظ و مسلمین را قوی و به فواید دینی و دنیوی محفوظ دارند (همان: ۳۱۳).

حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی آنچنان به کارآمدی مشروطیت باور دارد که در برابر سؤال مقیم که آیا مشروطه راه‌حل حفظ اسلام، نجات ملت و ترقی مملکت است یا خیر؟ می‌گوید:



بلی به این اساس، رفع تمام نواقص و استحکام اسلام و قوام ملت و ترقی مملکت اسلامی می‌شود؛ چنانچه اول اسلام که ضعف مسلمین به درجاتی از حیثیت عده و عده زیاده بر این بود، چهار نفر عربِ سروپا برهنه، به این قانون مشروطه، حاکم دو ثلث روی زمین و صاحب آن همه عزت و قدرت و تمکین شدند (همان: ۳۱۳).

وی معتقد است که از جمله کارهای مشروطه، کارآمد کردن درآمدهای مالیاتی کشور است و از این رو به تعریف هزینه کردن کارآمد از درآمدهای مالیاتی می‌پردازد:

این اموالی که به اسم مالیات و وجوهات از ملت فقیر بیچاره و نتیجه یک ساله زحمت فقرا و ضعفا است، می‌گیرند، باید صرف امور و اصلاح خود رعیت بشود که رواج تجارت و صناعت آنها را بدهند و طرق و شوارع آنها را مأمن و اسباب آلودگی آنها را فراهم و ارزاق آنها را ارزان نمایند و حفظ حدود و ثغور مملکت اسلامی کرده و از هر جهت ملت نجیب و فقیر را از قید اسارت و مذلت برهانند (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۲۱-۳۲۰).

و در جای دیگر این‌گونه می‌افزاید: «باید کاری کرد که در مملکت زراعت، تجارت و فلاح ترقی کند و مردم صاحب ثروت و مکنت باشند که هم موجب مزید ثروت پادشاه شود و هم اسباب سرافرازی او گردد» (همان: ۳۳۱).

حاج آقا نورالله درباره صادرات و واردات کالاها نیز می‌گوید: «باید اسباب کسب و تجارت داخله را فراهم آورد که از اول صادرات مملکت به قدر واردات باشد که این قدر پول از ایران خارج نشود. نقره هم مثل طلا در ایران حکم عنقا را پیدا نکند و بالمره سرمایه تجارت از دست نرود» (همان).

البته این کارآمدی صرفاً در عرصه اقتصادی منحصر نمی‌شود و شرایط سخت و برهم‌ریخته اقتصادی باعث نمی‌شود که حاج آقا نورالله از مسئله کارآمدی در حوزه علم و فرهنگ غافل شود.

باید در مملکت ترویج علم و معارف کرد. باید در تمام شهرها مدارس علمیه دایر کرد و مدارس ابتدایی، متوسطه و عالی که تمام اطفال مردم را به تعلیم و تعلم گذارد که همه صاحب علم و ثروت شوند؛ اولاً، خواندن و نوشتن را همه کس بدانند و بتواند آداب دین و اسلام را به قاعده به آنها یاد بدهند و اطفال را در مدارس، دو سه صنعت یاد بدهند که راه معاش داشته باشند و برای اطفال فقرا، مدارس



مجانی باز کنند که بروند آنجا تحصیل علوم نمایند و مثل حالا نباشد که از میان صد نفر، یک نفر خواندن و نوشتن را نمی‌داند و قرآن که کتاب مذهبی اسلام است، نمی‌تواند بخواند (زرگری نژاد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۳۲).

وی کارآمدی مشروطه در حوزه صنعت، معدن و تجارت را نیز این‌گونه تشریح می‌کند:

مشروطه می‌گوید باید تشکیل کمپانی‌های بزرگ تجارتي در مملکت کرد و از دولت مشروطه کمک به رعایا نمود و معادن را بیرون آورد، کارخانجات دایر کرد، ثروت مملکت را باید زیاد کرد، به اهل زراعت کمک کرد، زراعت را توسعه داد، تجارت را ترویج کرد تا هم برای بیکارهای رعایا کار پیدا شود که از گرسنگی نمیرند و به گدایی نیفتند و هم به دولت فایده برسد و خزانه معمور شود (همان: ۳۳۳).

ایشان در بخش‌های پایانی رساله نیز دلیل شکست‌های پی‌درپی و ضعف مملکت در برابر دول بیگانه را همین ناکارآمدی می‌داند که نتیجه سلطنت مطلقه و حکومت مستبدانه است و معتقد است مشروطه به دنبال عوض کردن شرایط پیش‌آمده در ایران است. وی در ادامه این‌گونه مقصود و هدف مشروطه‌طلبان را برای مقیم عنوان می‌دارد:

مقصود اصلی ما از بذل این همه جد و جهد در استقرار مشروطیت که اولیای دولت و عقلای ملت، شب و روز درصدد می‌باشند، رواج تجارت، صناعت، فلاح و زراعت است که به هر وسیله که باشد فقر و فاقه را از ملت اسلام دور کنند و اسباب تحصیل و شغل از برای بیکارها و بیچارگان پیدا نمایند و خلق را از آتش فقر و فاقه نجات دهند و معادن آنها را که گنج‌های خداداده است، استخراج نمایند و ابواب ثروت و مکننت را به روی آنها بکشایند. وقتی عامه ملت دارای ثروت و مکننت شدند، دارای عزت و شرف می‌شوند. وقتی دارای عزت و شرف شوند، درصدد تحصیل اسباب و آلات دفاعیه برمی‌آیند و وقتی دارای اسباب دفاعیه شدند، مملکت، مسلمین و اسلام از تعدیات خارجه مانع می‌شوند و این است معنای خیر دنیا و آخرت و سعادت دارین که در دعا می‌خوانی (همان: ۳۶۰-۳۶۱).

## ۴-۲. تحلیل و بررسی

دیدگاه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی درباره حکمرانی می‌تواند واجد مؤلفه‌های متعددی باشد، اما به‌حسب اقتضای مقاله، در این پژوهش سعی شد تا با تکیه بر پنج مؤلفه، این دیدگاه صورت‌بندی شود. دیدگاه ایشان، واجد انسجامی نسبی است که براساس یک مبنای روشن فقهی - اصولی، سعی کرده است در مواجهه با مسئله روز در آن دوره، صورت‌بندی کند. همان‌طور که از صورت‌بندی ایشان درباره این پنج مؤلفه آشکار شد، وی براساس مبنایی ثابت که آن را از الگوی حکمرانی سده‌های گذشته اسلامی، به‌ویژه صدر اسلام، اخذ کرده و براساس مبنای فقهی - اصولی بازخوانی می‌کند (به‌عنوان جهان اول و دوم)، می‌کوشد نشان دهد که الگوی حکمرانی اسلامی، اگرچه در وضعیت فعلی این دوره دچار مشکلات و آسیب‌هایی شده است (جهان دوم و سوم)، اما در اصل، تضادهایی با اصول مذکور که در دوره مشروطه به‌عنوان مسئله اصلی ایشان (جایگاه مسئله در تکوین نظریه در روش‌شناسی بنیادین) مطرح شده است، ندارد.

با این حال در هر پنج مؤلفه، وی متذکر می‌شود که آنچه در الگوی مشروطه غربی مطرح می‌شود، به‌مراتب در الگوی حکمرانی اسلامی صدر اسلام بهتر یافت می‌شود. بنابراین در هر پنج مؤلفه، می‌توان حداقل این سه اصل ثابت را در نظریه ایشان دنبال کرد: ۱. الگوی حکمرانی اسلامی در گذشته، به‌ویژه صدر اسلام، الگوی مترقی و مخالف با الگوی استبدادی جاری در ایران است؛ ۲. آنچه غربی‌ها یا فرنگی‌ها به‌عنوان الگوی مشروطه مطرح می‌کنند، تنها الگوی مطلوب رایج نیست و معانی آنها در الگوی اسلامی مطلوب گذشته وجود داشته است؛ ۳. امکان احیای این الگو در دوره مشروطه وجود دارد و می‌توان آن را اجرا کرد.

## ۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

### ۵-۱. بحث

نهیض مشروطه‌خواهی، اولین نهضت فکری و سیاسی است که شیوه حکومت و اندیشه حکمرانی را که قرن‌ها در ایران به‌عنوان اصلی حکومتی پذیرفته شده بود، به چالش کشید. این چالش دو پاسخ متضاد با یکدیگر یافت: در یک سو مشروطه‌خواهی، امری غربی محسوب می‌شد و در

سوی دیگر، علمای دینی سعی داشتند نشان دهند که مشروطه‌خواهی از اساس در اسلام و تعالیم اسلامی آن، وجود داشته است. اگرچه در دوره مشروطه، مفهوم و لفظ حکمرانی رایج نیست، اما با تورق در آثار متفکران همان عصر متوجه می‌شویم آنچه امروز به‌عنوان مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب از آن نام برده می‌شود، جزء مسائل مورد توجه اندیشمندان آن عصر نیز بوده است، زیرا هر مدل از حکمرانی باید برای مسائلی همچون جایگاه قانون، مشارکت مردم و حکومت با یکدیگر، پاسخگو بودن دولت به نهادهای نظارتی و مردم، شفافیت در عملکردها، برنامه و تصمیمات و کارآمدی شیوه حکمرانی، ایده و پاسخی قابل دفاع داشته باشد و آثار و افکار اندیشمندان مشروطیت از این قاعده مستثنا نبوده‌اند.

در این میان و در بین اندیشمندان پرآوازه دوران مشروطه و آثار پربار ایشان، در این پژوهش به بررسی اندیشه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی رحمته‌الله علیه و رساله گرانمایه او، یعنی رساله مکالمات مقیم و مسافر پرداخته شد تا با بازنگری در این رساله، تصویر جدیدی از پاسخ به مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب به دست بیاید. این رساله به دلیل کمتر پرداخته شدن و مهجور ماندن از یک سو و زبان ساده محاوره و داستانی همه‌فهم، از سوی دیگر مورد توجه است. در کنار اهمیت این رساله، شخصیت و جایگاه دینی، سیاسی و اجتماعی شخص حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی رحمته‌الله علیه که از بازیگران اصلی جنبش مشروطه به‌شمار می‌آمد، خود دلیلی محکم برای پرداختن به این رساله و این شخصیت است. از آنجایی که در شکل‌گیری هر نظریه به‌خصوص در حوزه علوم انسانی، باید به زمینه‌های معرفتی و غیر معرفتی فردی و اجتماعی توجه ویژه داشت، بهترین روش برای مطالعه و توجه به این زمینه‌ها، روش‌شناسی بنیادین معرفی شده از سوی دکتر پارسائیان بود. به همین دلیل، روش مطالعه در این پژوهش نیز روش بنیادین انتخاب شد تا بتوان در کنار فهم نظریه حکمرانی مدنظر حاج آقا نورالله و نگاه ایشان به مؤلفه‌های مطرح‌شده، زمینه‌های معرفتی و غیر معرفتی فردی و اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری آنها را نیز به‌خوبی درک کرد. در روش بنیادین برای شناخت هر نظریه باید به مقام نفس الامر آن نظریه توجه داشت.

در بررسی شخصیت علمی و فکری حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی و آنچه در مطالعه رساله ایشان در باب مشروطیت، یعنی مکالمات مقیم و مسافر به دست می‌آید، حقایق نفس‌الامری که



می‌توان درک کرد، آیات و روایاتی است که حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی با توجه به آنها و قرائتی که ایشان از این آیات و روایات و مجموعه گزاره‌های اسلام به امر سیاسی، براساس روش اصولیون دارد، به دفاع از دیدگاه مشروطه می‌پردازد و در ادامه با توصیف حکومت مورد نظر خود، مؤلفه‌هایی را برای حکومت و حکمرانی مطلوب ارائه می‌دهد. در این میان، خود حاج‌آقا نورالله اصفهانی به مثابه جهان دومی است که سعی در تشکیل نظریه خود با استفاده از فهم و اخذ حقیقت از حقایق نفس‌الامری را دارد و به تشریح آنچه اخذ کرده در قالب رساله مکالمات بین مقیم و مسافر می‌پردازد. همچنین، مشی اصولی و عقلانی ایشان در متن رساله امری مشهود است.

حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی از عصر معاصر خود منقطع نیست و به وقایع در حال رخداد در جهان غرب واقف است و این مسئله هم در تحلیل‌ها و پاسخ‌های ایشان در متن رساله و هم در مشی سیاسی‌شان در مبارزات علیه استبداد، امری روشن است. این در حالی است که کوچک‌ترین اتفاق در کشور نیز از چشم وی پنهان نمی‌ماند و این را در داستان‌هایی که در میان بحث‌های مقیم و مسافر ذکر می‌کند، می‌توان مشاهده کرد. در واقع، باید حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی را از مصادیق بارز عالم آگاه به زمانه معرفی کرد. همین امر نیز باعث تسلط وی در ارائه نظریه حکومت مشروطه از باب دینی و تبیین آن شده بود. در این پژوهش به دلیل اهمیت بحث، فصلی به صورت مجزا به بررسی وقایع مشروطه و بسترهای تاریخی شکل‌گیری آن، چه در تهران و چه در اصفهان، اختصاص داده شد تا تأثیر حوادث تاریخی و رویه شکل‌گیری نظریه حکمرانی در اندیشه وی در بستر تاریخی ایشان به خوبی نمایش داده شود.

## ۲-۵. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح‌شده و براساس یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که حاج‌آقا نورالله به خوبی می‌دانست که برای تغییر شاکله حکومت و ارائه روشی جدید در شیوه حکمرانی، باید ارتباط آن را با سنت اسلامی برای مردمی که قاطبه ایشان خود را تابع سنت اسلامی و شریعت نبوی می‌دانستند، تبیین کند. به همین دلیل آنچه مخاطب در رساله مکالمات مقیم و مسافر با آن مواجه است، تطبیق و تبیین امر مشروطه با شریعت اسلام و پاسخگویی به شبهات در این زمینه است. با



وجود این، در خلال این پاسخگویی‌ها و رفع شبهات در متن رساله، حاج آقا نورالله توانست با ظرافت و دقتی عالمانه، مؤلفه‌های حکومت و حکمرانی مطلوب را توصیف کند و آنها را به نمایش بگذارد. از قضا با مطالعه تطبیقی بین آنچه امروز به‌عنوان مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب از سوی بانک جهانی و سایر مؤسسات پژوهشی در این حوزه معرفی شده است و رساله مکالمات مقیم و مسافر حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی، به این مهم می‌توان دست یافت که حاج آقا نورالله در رساله خویش به بسیاری از مؤلفه‌هایی که بعدها به‌عنوان مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب برشمرده شده، اشاراتی داشته و با بیان مستقیم و غیرمستقیم در رساله، آنها را از ملزومات حکمرانی مطلوب معرفی کرده است. بنابراین، با وجود بسیاری از انتقادات مبنی بر اینکه مفهوم حکمرانی مطلوب و مؤلفه‌های آن مفهومی جدید است و شخصیت و رساله مورد مطالعه با این گزاره فاصله زمانی زیادی دارد و همچنین مؤلفه‌های مورد نظر از این رساله قابل احصا نیست، این رساله ثابت کرد که به‌رغم این اختلاف زمانی، مؤلفه‌های مطرح‌شده در باب حکمرانی مطلوب در رساله مکالمات مقیم و مسافر حاج آقا نورالله، مورد توجه ایشان بوده است.

### ۳-۵. پیشنهادها

با توجه به گستردگی و اهمیت مسائل مربوط به حکمرانی در دوره معاصر و ضرورت بهره‌گیری از آرای متفکران مسلمان ایرانی در این موضوع، براساس یافته‌ها و نتایج پیشنهاد می‌شود:

- این موضوع در آثار و آرای سایر متفکران تاریخ ایران معاصر مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد، زیرا مطالعه در این زمینه و فهم بستر تاریخی و معرفتی متفکران هر عصر می‌تواند حتی سبب حصول رهیافت‌های جدید در مدل و شیوه حکمرانی در عصر حاضر نیز باشد.
- مطالعات تطبیقی در این حوزه بین متفکران اسلامی و غیراسلامی و حتی در میان متفکران اسلامی می‌تواند در ایجاد رشد و پویایی در زمینه مطالعات و ترسیم چشم‌انداز در شیوه حکمرانی مطلوب در آینده مفید و کمک‌کار اندیشکده‌ها در این حوزه واقع شود.



## ۶. منابع

### ۱-۶. منابع فارسی

- ابطحی، محمدتقی (۱۳۷۰). جنبش مشروطیت. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۵۵، سوم اسفند. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). المآثر والآثار، تهران، اساطیر.
- امامی، محمد و شاکری، حمید، (۱۳۹۵). حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی، (۲)، ۵۷-۲۵.
- امینی، داوود (۱۳۸۵). بررسی نقش حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی در انقلاب مشروطیت و رهبری مشروطه‌خواهان اصفهان. گنجینه اسناد، ش ۶۲، ۵۴-۲۵.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). شرح حال رجال ایران در قرن‌های دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم، تهران، انتشارات زوار.
- بشیری، احمد (۱۳۶۲). کتاب آبی. ج ۱، تهران، نشر نو.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲). نظریه و فرهنگ، روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی. راهبرد فرهنگ، ۲۳، ۷-۲۸.
- تقوایی، علی‌اکبر و تاجدار، رسول (۱۳۸۸). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی. فصلنامه مدیریت شهری، ۲۳، ۵۸-۴۵.
- جوانی، احمد (۱۳۸۹). اندیشه سیاسی حاج آقا نورالله در مشروطه اصفهان. معرفت، ۱۵۳، ۹۶-۸۷.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۳). آیت‌الله نورالله اصفهانی در آیین روزنامه‌های عصر مشروطیت. تاریخ معاصر ایران، ۳۰، ۱۲۰-۱۰۵.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴). رسائل مشروطیت، ۲ جلد، چ اول، تهران، نشر کویر.
- ژوبر، پیرآمده ایمیلین (۱۳۹۵). مسافرت به ارمنستان و ایران، ترجمه محمود مصاحب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- سردارنیا، خلیل‌الله و شاکری، حمید (۱۳۹۳). تبیین حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا. مجله مطالعات حقوقی، ۶ (۴)، ۵۳-۲۷.

- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۱). شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در چهارچوب نظریه سیستمی. مجموعه مقالات همای علمی حکمروایی خوب شهری، ج اول، تهران، تیسرا.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی؛ مفاهیم اصلی و چهارچوب نظری. فصلنامه علمی - پژوهشی مددکاری اجتماعی، ۸، ۵-۱۸.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۹۳). ایران در دوره سلطنت قاجار. چ دوازدهم، تهران، مدبر.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۷۰). مشروطیت در ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- صفایی، ابراهیم (بی‌تا). ده نفر پیشتان، بی‌جا.
- صوفی نیارکی، تقی (۱۳۸۴). حیات و اندیشه سیاسی حاج آقا نورالله اصفهانی قدس سره» (حکومت «قدرمقدور» در رساله مکالمات مقیم و مسافر). زمانه، ۳۵، ۳۲۰-۲۷۵.
- فوکو، میشل (۱۴۰۰). دیرینه‌شناسی دانش، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشر نی.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران، با همکاری مرکز تحقیقات استراتژیک و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- کمیحانی، علی؛ عیوضی، محمدرحیم؛ بزرگمهری، مجید و نظامی‌پور، قدیر (۱۳۹۸). سیمای حکمرانی مطلوب در آینده پژوهی از تصویرپردازی تا شکل‌دهی آینده. آینده‌پژوهی ایران، ۴(۱)، ۲۳۵-۲۰۷.
- کوهن، توماس (۱۳۸۴). ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران، انتشارات سمت.
- مدرسی، علی (۱۳۶۶). مدرس، ج ۱، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
- مرکز مالمیری، احمد (۱۳۸۵). حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- معاصر، حسن (۱۳۵۳). تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ج ۱، چ دوم، تهران، انتشارات ابن‌سینا.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۱). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات علمی.
- مهدوی، سیدمصلح‌الدین (۱۳۶۷). تاریخ علمی و اجتماعی ایران در دو قرن اخیر، ج ۱، قم، خیام.
- میدری، احمد (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۹۳). تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، تصحیح سیدجواد ورعی، قم، بوستان کتاب.
- نجفی، موسی و حقانی، موسی (۱۳۹۲). تاریخ معاصر ایران، چ سوم، اصفهان، آرما.
- نجفی، موسی (۱۳۶۹). اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی. حوزه، ۴۲، ۱۲۳-۱۲۸.
- نش، کیت (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر.



نعمیان، ذبیح‌الله (۱۳۸۳). گفتگوی مقیم و مسافر»، زمانه، ۲۴، ۶۴-۵۲.

نعمیان، ذبیح‌الله (۱۳۸۳). نظریه‌های دولت بر بنیاد گفت‌وگو ثابت سیاسی شیعه در اندیشه سیاسی «مرحوم محلاتی»، نائینی و حاج‌آقا نورالله اصفهانی»، ۵، ۱۳۸-۵۹.

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان.

## ۶-۲. منابع لاتین

Graham, John Amos (۲۰۱۱). *Bruce and Time Plumtree Principles for Good Governance in the 21st Century*. Policy Brief No. ۱۵ August ۲۰۰۳.

Harris, J. David (۲۰۰۸). *A Discourse Analysis of Institutionalized in The Field of New Zealand Rugby 1885 and 2005*”. at Massey University, Palmerstone North and New Zealand, Book, online in English.

Kaufman, D, Kraay, A (۲۰۰۷). *Governance Indicators: Where Are We, where should we be going?* Global Governance Group.

Mobius M. (۲۰۱۲). *good governance is a global challenge*. corporate board, ۲۲(۳۱).

UN-HABITAT (۲۰۰۲). *The global campaign on Urban Governance*. www.unhabitat.org.

Welch, Gita; Nuru, Zahra (۲۰۰۶). *Governance for the future*. New York: UN-OHRLLS: UNDP (pp. ۱۸۶-۲۱۸).





# تأثیر عوامل استرس‌زای کاری بر دل‌بستگی شغلی (با تأکید بر نقش تعدیلگر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی)

مصطفی حیدری‌هراتمه<sup>۱</sup>

## چکیده

مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی مدرن به‌عنوان مداخلات مبتنی بر فناوری اطلاعات برای دل‌بستگی شغلی کارکنان از اهمیت فراوانی برخوردار است. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل‌کننده مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی در رابطه عوامل استرس‌زا با دل‌بستگی شغلی در نظر گرفته شد. پژوهش براساس هدف از نوع کاربردی و از نظر روش از نوع توصیفی - پیمایشی و همبستگی است. اطلاعات مورد نیاز پژوهش با استفاده از دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده و برای بررسی فرضیه‌ها و پاسخ به پرسش‌های پژوهش، از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. این پرسش‌نامه شامل ۲۶ گویه است و براساس طیف هفت‌گزینه‌ای

۱. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، نراق، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: heidarimu @ yahoo.com





لیکرت طراحی شده است. جامعه آماری، هلدینگ صدف دلچیان است که شامل مدیران و کارشناسان تمامی واحدهای زیرمجموعه این شرکت بوده و تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۲۶ تعیین شده است. پس از توزیع پرسش نامه‌ها به شیوه تصادفی ساده و جمع‌آوری آنها، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ابتدا از آزمون‌های همبستگی برای بررسی رابطه بین متغیرها و سپس از آزمون رگرسیون برای بررسی تأثیر متغیرها بر یکدیگر استفاده شد. نتایج نشان داد که عوامل استرس‌زای چالشی با دلبستگی شغلی ارتباط مثبت دارند، درحالی‌که موانع استرس‌زای بازدارنده با دلبستگی شغلی ارتباط منفی دارند. همچنین، رابطه بین عوامل استرس‌زای چالشی و دلبستگی شغلی یک اثر U شکل را تحت تأثیر تعدیلگر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری نشان می‌دهد، اما یک اثر U شکل معکوس را تحت تأثیر تعدیلگر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری نشان می‌دهد و سرانجام، رابطه بین موانع استرس‌زای بازدارنده و دلبستگی شغلی نیز تحت تأثیر تعدیلگر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری، یک اثر U شکل را نشان می‌دهد. مدیران ممکن است قوانینی را برای محدود کردن استفاده غیرکاری رسانه‌های اجتماعی سازمانی به یک سطح منطقی طراحی کنند که هم کارکنان دارای استرس چالشی و هم کارکنان دارای استرس بازدارنده، سود ببرند. از طرفی، سطح ایده‌آل مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری برای کارکنان با استرس چالشی و بازدارنده متفاوت است. کارکنان تحت استرس بازدارنده ممکن است به سطح نسبتاً بالاتری از مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری نسبت به کارکنان تحت استرس چالشی برای رسیدن به سطح بهینه دلبستگی شغلی نیاز داشته باشند.

#### کلیدواژه‌ها:

دلبستگی شغلی، رسانه اجتماعی، استرس‌زایی، موانع استرس‌زای بازدارنده



## ۱. مقدمه و بیان مسئله

دلبستگی شغلی که مستلزم سطوح بالایی از انرژی ذهنی و فیزیکی، پشتکار، تمایل به تلاش زیاد برای وظایف شغلی و همچنین مشارکت در کار است، یک احساس اهمیت، غرور و اشتیاق است (سیرک، کانل، وال هینز و دی بلوم<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷: ۲). و یک موضوع مهم در سازمان‌ها است، زیرا یک نشانه کلیدی از رفاه مثبت کارکنان و پیش‌بینی‌کننده عملکرد است (کانل و همکاران، ۲۰۱۷). با توجه به اهمیت دلبسته نگه داشتن کارکنان، مطالعات پیشین به طور تجربی، مقدمات دلبستگی شغلی را بررسی کرده‌اند. متداول‌ترین دیدگاه نظری مورد استفاده در این مطالعات، مدل تقاضا-منابع شغلی (JD-R) است. این مدل، شرایط کار را به منابع شغلی و تقاضاهای شغلی تقسیم می‌کند و نشان می‌دهد که منابع شغلی تأثیری مثبت بر دلبستگی شغلی کارکنان دارد (اسچافلی و باکر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). درحالی‌که تقاضاهای شغلی که به‌عنوان چالش ارزیابی می‌شوند (عوامل چالش‌زای استرس‌زا) با دلبستگی شغلی ارتباط مثبت دارند، تقاضاهای شغلی که به‌عنوان موانع ارزیابی می‌شوند (عوامل بازدارنده استرس‌زا)، با آن ارتباط منفی دارند (کرافورد<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۰).

یافته‌ها در مورد پیش‌بینی‌کننده‌های دلبستگی شغلی باعث می‌شود «محققان، این حوزه را به اندازه کافی توسعه یافته مدنظر قرار دهند تا توسعه و آزمون مداخلات دلبستگی شغلی را تضمین کنند» (کانل و همکاران، ۲۰۱۷: ۷۹۲) و دلبستگی شغلی را در میان کارکنان افزایش دهند. به‌رغم این یافته‌ها، مداخلات برای دلبستگی شغلی کارمند به علت ظهور فناوری‌های اطلاعات اجتماعی در محیط کاری مدرن، به‌ویژه رسانه اجتماعی سازمانی (ESM)، مستلزم توجه بیشتر است. رسانه اجتماعی سازمانی، مجموعه‌ای از نرم‌افزارهای کاربردی مبتنی بر اینترنت است که کارمندان را قادر به خلق و ویرایش محتوا (ترم و لوناردی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳)، ارسال پیام‌های کاری و غیرکاری

۱. Syrek, Kühnel, Vahle-Hinz & De Bloom

۲. Schaufeli & Bakker

۳. Crawford

۴. Treem & Leonardi



اکسا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰)، تسهیل به اشتراک‌گذاری اطلاعات و دانش در میان کارکنان و ذی‌نفعان (سان<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰)، فراهم کردن امکان لذت بردن از سرگرمی و تعامل اجتماعی شخصی در میان همکاران، دوستان و خانواده در طول ساعات کاری به کارمندان (علی حسن و همکاران، ۲۰۱۵) می‌کند.

مثال‌ها از رسانه اجتماعی سازمانی خاص سازمان شامل دینگ تاک، تور و یامر و رسانه اجتماعی خارجی مورد استفاده در کار شامل وی‌چت، میکرو بلاگز و فیس‌بوک می‌شود. با پشتیبانی فعالیت‌های کاری و غیرکاری، رسانه اجتماعی سازمانی به‌عنوان یک راه‌حل برای دلبستگی شغلی کارمند در نظر گرفته می‌شود (شرما و باتنگار<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). با این حال، یک بررسی تجربی از این وضعیت صورت نگرفته است. برای رفع این شکاف پژوهشی، این مطالعه نقش‌های تعدیلگر استفاده از رسانه اجتماعی سازمانی در تأثیر عوامل استرس‌زای چالشی و موانع استرس‌زای بازدارنده بر دلبستگی شغلی را بررسی می‌کند. همچنین به‌صورت ویژه، این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه استفاده از رسانه اجتماعی سازمانی، رابطه بین عوامل استرس‌زای کاری و دلبستگی شغلی کارمند را تعدیل می‌کند؟

اگرچه مطالعات زیادی در زمینه مدیریت استرس و خلاقیت به دلیل کارکرد آن در کسب منابع شغلی (یعنی کنترل شغلی و حمایت اجتماعی) انجام شده است، اما کامل و جامع نیست و برای تقاضاهای شغلی در نظر گرفته نمی‌شود. مطالعات پیشین، منابع شغلی توانمندشده با فناوری اطلاعات (دینگ<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ اکسا و همکاران، ۲۰۲۰؛ ترهون<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۶؛ وان‌زونن<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۷) و تقاضاهای شغلی توانمندشده با فناوری اطلاعات اجتماعی (وی و چن<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹؛ ترهون و همکاران، ۲۰۱۶؛ وان‌زونن و همکاران، ۲۰۱۷؛ یو<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۸) را شناسایی کرده‌اند

۱. Oksa

۲. Sun

۳. Sharma & Bhatnagar

۴. Ding

۵. TerHoeven

۶. van Zoonen

۷. Wei & Chen

۸. Yu



که در آن منابع شغلی به صورت مثبتی با دلبستگی شغلی و تقاضاهای شغلی به صورت مثبتی با فرسودگی شغلی در ارتباط هستند (اسچافلی، ۲۰۱۷). بنابراین یافته‌های مطالعات، نه تنها فرصت‌هایی را به همراه دارند، بلکه چالش‌هایی را برای مدیریت استرس و دلبستگی شغلی کارکنان نیز به همراه خواهد داشت. به علاوه، چون استفاده از رسانه اجتماعی سازمانی مرتبط با کار و غیر مرتبط با کار، دو فرایند رفتاری به صورت پویا و پیچیده هستند (چن و وی، ۲۰۱۹؛ سیرک و همکاران، ۲۰۱۷)، فرض می‌شود این دو نوع رسانه اجتماعی سازمانی، نقش تعدیلگر درجه دو در تأثیر عوامل استرس‌زای کاری بر دلبستگی شغلی ایفا می‌کنند. تأثیرات تعدیلگر منحنی شکل نیز به توضیح پارادوکس منابع شغلی و تقاضاهای شغلی کمک می‌کند و دقت نظری بیشتری به این استدلال‌ها می‌بخشد.

در ادامه ادبیات مدل تقاضاهای شغلی و منابع شغلی، دلبستگی شغلی در بخش بعدی مرور می‌شود. پس از ایجاد مدل نظری براساس مبانی نظری، فرضیه‌ها تبیین می‌شوند. سپس، روش‌شناسی تحقیق توصیف شده و نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها ارائه می‌شود و در نهایت، مطالعه با بخش بحث و نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

## ۲. ادبیات موضوع و پیشینه

### ۲-۱. مبانی نظری

#### ۲-۱-۱. مدل تقاضاهای شغلی - منابع شغلی

مدل «تقاضاهای شغلی - منابع شغلی» به صورت گسترده برای بررسی نحوه تأثیرگذاری ویژگی‌های شغلی بر رفاه کارکنان اتخاذ شده است (چو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰؛ لسنر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ اسچافلی و باکر، ۲۰۰۴؛ وان‌زونن و همکاران، ۲۰۱۷). دِمروتی، باکر، ناچرینر و شائوفلی (۲۰۰۱) برای اولین بار این مدل را به منظور بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های فرسودگی شغلی معرفی کردند

۱. Cho

۲. Lesener





و سپس شائوفلی و باکر (۲۰۰۴) برای دل‌بستگی شغلی به‌عنوان یک بُعد مثبت رفاه کارکنان، آن را گسترش دادند. این مدل شامل دو فرضیه مهم و معنی‌دار است:

**فرضیه اول** این است که تمامی شرایط کاری را می‌توان به دو دسته از تقاضاهای شغل و منابع شغلی تقسیم کرد (اسچافلی و باکر، ۲۰۰۴). تقاضاهای شغلی عبارتند از: جنبه‌های فیزیکی، اجتماعی یا سازمانی شغل که مستلزم تلاش روانی و جسمانی پایدارند و بنابراین، با هزینه روانی و جسمانی در ارتباط هستند (دمرتی و همکاران، ۲۰۰۱: ۵۰۱). مانند بار کاری بیش از حد و تقاضاهای احساسی و جسمانی (دمرتی و باکر، ۲۰۰۷) منابع شغلی عبارتند از: جنبه‌های فیزیکی، روانی، اجتماعی یا سازمانی شغل که ممکن است هریک از موارد: الف) در دستیابی به اهداف کاری، کارکردی باشد؛ ب) تقاضاهای شغلی با هزینه‌های روانی و جسمانی مربوط؛ ج) تحریک رشد و پیشرفت شخصی (دمرتی و همکاران، ۲۰۰۱: ۵۰۱)، مانند بازخورد عملکرد، حمایت اجتماعی و استقلال شغلی را انجام دهد (دمرتی و باکر، ۲۰۰۷).

**فرضیه دوم** این است که تقاضاهای شغلی و منابع شغلی، محرک‌های دو فرایند مستقل هستند: فرایند اختلال در سلامتی و فرایند انگیزشی (باکر و همکاران، ۲۰۱۴؛ لسنر و همکاران، ۲۰۱۹). فرایند اختلال در سلامتی نشان می‌دهد که تقاضاهای شغلی، پیش‌بینی‌کننده‌های فرسودگی شغلی هستند، درحالی‌که فرایند انگیزشی نشان می‌دهد منابع شغلی، دل‌بستگی شغلی کارکنان را پیش‌بینی می‌کند و فرسودگی شغلی شان را کاهش می‌دهد (اسچافلی، ۲۰۱۹؛ لسنر و همکاران، ۲۰۱۹).

## ۲-۱-۲. دل‌بستگی شغلی

در این مطالعه، بر دل‌بستگی شغلی کارکنان به‌عنوان یک جنبه مثبت سلامت در روان‌شناسی سلامت حرفه‌ای تمرکز می‌شود که کاهن (۱۹۹۰) برای اولین بار مطرح کرد و به‌طور گسترده‌ای به‌صورت «یک حالت ذهنی مثبت و رضایت کاری است که با قدرت، فداکاری و جذب مشخص می‌شود» (اسچافلی و همکاران، ۲۰۰۲: ۷۴). اگرچه مدل «تقاضاهای شغلی و منابع شغلی» به‌وضوح تأثیر مثبت منابع شغلی بر دل‌بستگی شغلی را نشان می‌دهد، اما نتایج برای رابطه بین تقاضاهای شغلی و دل‌بستگی شغلی متناقض هستند (باکر و همکاران، ۲۰۰۶؛ کرافورد و همکاران، ۲۰۱۰).



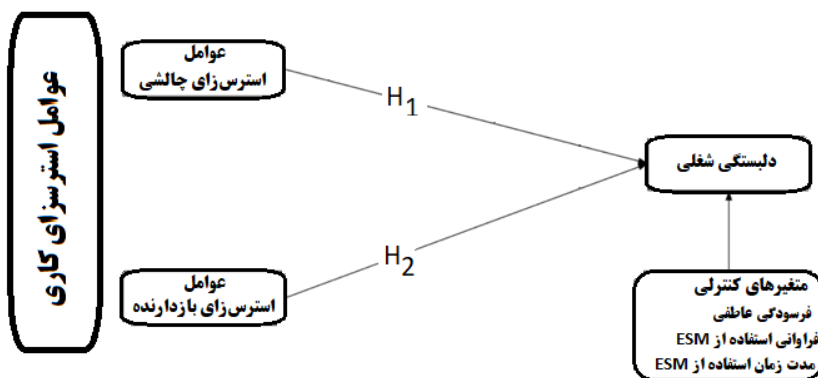
براساس مدل دو بُعدی عوامل استرس‌زای شغلی که کاواناگ و همکاران (۲۰۰۰) مطرح کردند، کرافورد و همکاران (۲۰۱۰) تعریف تقاضاهای شغلی را با تمایز قائل شدن بین عوامل استرس‌زای چالشی و موانع استرس‌زای بازدارنده گسترش دادند و مشخص کردند که عوامل استرس‌زای چالشی تأثیرات مثبتی دارند، در حالی که موانع استرس‌زای بازدارنده تأثیرات منفی بر دلبستگی شغلی کارکنان دارند. وقتی تلاش فراوانی برای برآورده کردن تقاضاهای شغلی لازم است، آنها به عوامل استرس‌زای کاری تبدیل خواهند شد (اسچافلی و باکر، ۲۰۰۴) عوامل استرس‌زای چالشی، تقاضاهای شغلی هستند که قابل مدیریت می‌باشند و رشد و دستیابی به هدف کارکنان را تسهیل می‌کنند؛ مانند بار کاری بیش‌ازحد و فشار زمانی.

بنابراین، در مواجهه با عوامل استرس‌زای چالشی، کارکنان ممکن است احساس اعتمادبه‌نفس بیشتری کنند که با تلاش‌های فعالانه‌شان برای حل مسئله، به‌صورت موفقیت‌آمیزی از عهده این تقاضاها برمی‌آیند و برای رشد و موفقیت شخصی فرصت دارند (دینگ و همکاران، ۲۰۱۹). این درک، آنها را به اتخاذ رفتارهای مقابله‌ای متمرکز نسبت به مشکل برمی‌انگیزاند (لپین و همکاران، ۲۰۰۵)؛ مانند سرمایه‌گذاری زمان و انرژی بیشتر برای برآورده کردن این تقاضاهای شغلی. چنین سرمایه‌گذاری‌هایی معمولاً در دلبستگی شغلی بیشتر منعکس می‌شوند (کرافورد و همکاران، ۲۰۱۰).

فرض می‌شود که یک رابطه پایه مبنی بر اینکه عوامل استرس‌زای چالشی تأثیر مثبتی بر دلبستگی شغلی کارکنان دارند، در نظر گرفته شود. بالعکس، موانع استرس‌زای بازدارنده به تقاضاهای شغلی اطلاق می‌شود که قابل مدیریت نیستند و در عملکرد کارکنان یا اهداف شخصی مداخله می‌کنند یا بازدارنده آنها می‌شوند؛ مانند ابهام نقش و سیاست‌های سازمانی (کاوانوگ و همکاران، ۲۰۰۰). در مواجهه با موانع استرس‌زای بازدارنده، کارکنان تمایل دارند تا باور کنند تلاش‌هایشان برای غلبه بر تقاضاهای شغلی بیهوده خواهد بود و آنها احتمالاً در صورتی از دستیابی به خروجی‌های معنی‌دار باز می‌مانند که منابع‌شان در مدیریت تقاضاها طاقت‌فرسا و خسته‌کننده باشند (کرافورد و همکاران، ۲۰۱۰؛ دینگ و همکاران، ۲۰۱۹). درک این مهم، باعث خواهد شد آنها تمایل کمتری به صرف وقت و انرژی برای مدیریت این عوامل استرس‌زا داشته باشند (لین و همکاران، ۲۰۱۵) و چنین رفتار

مقابله‌گر منفعلانه و مجزا به صورت دلبستگی شغلی کم منعکس می‌شود (کرافورد و همکاران، ۲۰۱۰).

به این ترتیب، رابطه پایه دیگری فرض می‌شود مبنی بر اینکه موانع استرس‌زای بازدارنده، آثاری منفی بر دلبستگی شغلی کارکنان دارند. با شناخت اهمیت دلبستگی شغلی کارکنان در روان‌شناسی سلامت حرفه‌ای، ادبیات گسترده موجود در مورد مداخلات مختلف برای بهبود دلبستگی شغلی بحث کرده است. برای مثال، مایرز و وان ورکوم (۲۰۱۷) نقاط قوت را به‌عنوان یک مداخله مطرح کردند که هدفش شناسایی، توسعه و استفاده از نقاط قوت کارکنان است. کوفنگ و همکارانش (۲۰۱۴)، مداخلاتی را بررسی کردند که محیط‌های فیزیکی و اجتماعی، مانند ایجاد حوزه‌های «نشاط در عمل» در محل کار، شامل فعالیت‌های فیزیکی و رفتارهای آرامش‌بخش می‌شود. با مرور سیستماتیک این مطالعات، کینایت و همکاران (۲۰۱۷)، چهار نوع مداخلات دلبستگی شغلی شامل ایجاد منابع شخصی، ایجاد منابع شغلی، آموزش رهبری و ترویج سلامتی را تعیین می‌کنند. باین‌حال، در محیط‌های کاری مدرن ناشی از به‌کارگیری گسترده فناوری اطلاعات در مشارکت کارکنان تغییرات زیادی ایجاد کرد (شرما و باتنگار، ۲۰۱۶) که تاکنون به آن پرداخته نشده است. برای از بین بردن این شکاف پژوهشی، در این مطالعه بررسی می‌شود که رابطه بین عوامل استرس‌زای کاری و دلبستگی شغلی چگونه خواهد بود.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی محقق ساخته

## ۳-۱-۲. مدل تحقیق و تبیین فرضیه‌ها

برای کشف اینکه تأثیر عوامل استرس‌زای کاری بر دلبستگی شغلی چگونه خواهد بود، یک مدل تحقیق ایجاد می‌شود (شکل شماره ۱) که در آن، اثرات عوامل استرس‌زای کاری بر دلبستگی شغلی به‌منظور تبیین و توسعه فرضیه استفاده می‌شود.

## ۴-۱-۲. اثر تعدیل‌کننده مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری

با توجه به مدل JD - R، حتی اگر کار بسیار دشوار باشد، کارکنان تا زمانی که منابع کافی در اختیار آنها قرار گیرد (برای مثال، استقلال شغلی، حمایت اجتماعی و بازخورد عملکرد) بسیار درگیر خواهند بود. در غیر این صورت، انگیزه آنها پایین خواهد بود (دمرتی و باکر، ۲۰۰۷). از این رو، فرضیه‌ها به قرار زیر تبیین و تصریح می‌شوند:

H<sub>۱</sub>: عوامل استرس‌زای چالشی بر دلبستگی شغلی کارکنان تأثیر مثبت و معناداری دارند:

- H<sub>۱a</sub>: رابطه مثبت بین عوامل استرس‌زای چالشی و دلبستگی شغلی تحت تأثیر تعدیلگر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری است.

- H<sub>۱b</sub>: رابطه مثبت بین عوامل استرس‌زای چالشی و دلبستگی شغلی تحت تأثیر تعدیلگر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری است.

H<sub>۲</sub>: موانع استرس‌زای بازدارنده بر دلبستگی شغلی کارکنان تأثیر منفی و معناداری دارند:

- H<sub>۲a</sub>: رابطه منفی بین موانع استرس‌زای بازدارنده و دلبستگی شغلی تحت تأثیر تعدیلگر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری است.

- H<sub>۲b</sub>: رابطه منفی بین موانع استرس‌زای بازدارنده و دلبستگی شغلی تحت تأثیر تعدیلگر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری است.

با پیروی از فریرا و همکاران (۲۰۱۹)، فرسودگی عاطفی به‌عنوان یک متغیر کنترلی در نظر گرفته می‌شود. همچنین، فراوانی/ فرکانس استفاده رسانه‌های اجتماعی سازمانی و مدت زمان استفاده از آن به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته می‌شوند، زیرا این دو عامل می‌توانند



دلبستگی شغلی را با ایجاد خستگی رسانه‌های اجتماعی سازمانی تحت تأثیر قرار دهند (ایکسا و مو، ۲۰۱۹).

## ۲-۲. پیشینه پژوهش

مطالعاتی در مورد مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی انجام شده است که به شرح جدول زیر است.

جدول شماره ۱. مطالعات نمونه در مورد مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی

مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سؤال‌های اصلی	نویسنده(گان)
- مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای کار با دلبستگی شغلی، ارتباط مثبتی دارد و به‌طور منفی با خستگی از طریق دسترسی بهتر و ارتباطات کارآمد مرتبط است.	- مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای کار	وان زونین و همکاران، (۲۰۱۷)، روش کمی (همبستگی - علی)
- استفاده از شبکه‌های اجتماعی سازمانی وظیفه‌محور به‌طور مثبت تأثیر عوامل استرس‌زای چالش‌برانگیز و موانع استرس‌زای بازدارنده را بر خلاقیت کارکنان تعدیل می‌کند. - استفاده از شبکه اجتماعی سازمانی رابطه‌گرا فقط رابطه بین موانع استرس‌زای بازدارنده و خلاقیت کارکنان را تعدیل منفی می‌کند.	- استفاده از شبکه اجتماعی سازمانی وظیفه‌گرا - استفاده از شبکه‌های اجتماعی سازمانی رابطه‌گرا	دینگ و همکاران، (۲۰۱۷)، روش کمی (همبستگی - علی)
- ارتباطات حرفه‌ای در رسانه‌های اجتماعی مرتبط با کار، تأثیر مثبت مستقیمی بر دلبستگی شغلی دارد.	- ارتباطات حرفه‌ای مرتبط با کار در رسانه‌های اجتماعی - ارتباطات حرفه‌ای	ساولا و همکاران، (۲۰۲۰)، روش کمی (همبستگی -)





نویسنده(گان)	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
علی)	رسانه‌های اجتماعی غیر مرتبط با کار	- ارتباطات حرفه‌ای رسانه‌های اجتماعی غیر مرتبط با کار، از طریق شناسایی سازمانی و حمایت اجتماعی، اثرات غیرمستقیم مثبتی بر دل‌بستگی شغلی دارند.
تر هوون، (۲۰۱۶)، روش کمی (همبستگی - علی)	- استفاده از فناوری ارتباطات مرتبط با کار	- استفاده از فناوری ارتباطات مرتبط با کار، ارتباط مثبتی با دل‌بستگی شغلی دارد و از طریق افزایش دسترسی و ارتباطات کارآمد با فرسودگی شغلی مرتبط است.
یو و همکاران، (۲۰۱۸)، روش کمی (همبستگی - علی)	- استفاده بیش از حد از رسانه‌های اجتماعی در محل کار	- استفاده بیش از حد از رسانه‌های اجتماعی در محل کار منجر به بارگذاری بیش از حد رسانه‌های اجتماعی می‌شود (برای مثال، اضافه بار اطلاعات، بار بیش از حد ارتباطات و اضافه بار اجتماعی). - اضافه بار اطلاعات و ارتباطات بیش از حد، عملکرد شغلی کارکنان را با القای فرسودگی رسانه‌های اجتماعی کاهش می‌دهد.
چن و وی، (۲۰۱۹)، روش کمی (همبستگی - علی)	- مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی مرتبط با کار - مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی مرتبط با اجتماعی	- مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی مرتبط با کار، اثرات U شکل معکوس بر اضافه بار اطلاعات و اضافه بار اجتماعی دارد. - مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی مرتبط با اجتماعی تأثیرات U شکل بر اضافه بار اطلاعات و اضافه بار اجتماعی دارد. - اضافه بار اجتماعی تأثیر مثبتی بر فشارهای مرتبط با رسانه‌های اجتماعی شرکت دارد.





نویسنده(گان)	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
تر هون، (۲۰۱۶)، روش کمی (همبستگی - علی)	- استفاده از فناوری ارتباطات مرتبط با کار	- استفاده از فناوری ارتباطات مرتبط با کار به‌طور منفی با دل‌بستگی شغلی از طریق وقفه همراه است و به‌طور مثبت با فرسودگی شغلی از طریق غیرقابل پیش‌بینی بودن و وقفه مرتبط است.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر براساس هدف از نوع کاربردی و از نظر روش از نوع توصیفی - پیمایشی و همبستگی است. اطلاعات مورد نیاز پژوهش با استفاده از دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده و برای بررسی فرضیه‌ها و پاسخ به پرسش‌های پژوهش از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. این پرسش‌نامه شامل ۲۶ گویه است و براساس طیف هفت‌گزینه‌ای لیکرت طراحی شده است. جامعه آماری، هلدینگ صدف دل‌یجان است که شامل مدیران و کارشناسان تمامی واحدهای زیرمجموعه این شرکت بوده و تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۲۶ تعیین شده است. پس از توزیع پرسش‌نامه‌ها به شیوه تصادفی ساده و جمع‌آوری آنها، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ابتدا از آزمون‌های همبستگی برای بررسی رابطه بین متغیرها و سپس، از آزمون رگرسیون برای بررسی تأثیر متغیرها بر یکدیگر استفاده شد. تمام معیارها برای سازه‌های مدل تحقیق از ادبیات پیشین اقتباس شده است. برای عوامل استرس‌زای چالشی و بازدارنده، گویه‌ها از مطالعه کاواناگ و همکاران (۲۰۰۰) با تغییرات جزئی اقتباس شده‌اند. دل‌بستگی شغلی در سه بُعد فرعی قدرت، فداکاری و جذب براساس مطالعه شائوفلی و همکاران (۲۰۰۶) اندازه‌گیری شدند. فرسودگی عاطفی با استفاده از گویه‌های مطالعه وارتون (۱۹۹۳) برای ثبت حالت فرسودگی / خستگی کارکنان در محل کار اندازه‌گیری شد. تمامی گویه‌ها روی یک مقیاس لیکرت هفت‌گزینه‌ای اندازه‌گیری شدند که از ۱ = «کاملاً مخالف» تا ۷ = «کاملاً موافق» تعیین شده بود. برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق، پرسش‌نامه‌ها به‌صورت آنلاین برای اعضای گروه صنعتی صدف دل‌یجان ارسال شد. یک کد پاسخ سریع (QR) و ابرلینکی که با استفاده از رایانه‌ها و تلفن‌های همراه قابل دسترسی بود، برای



پاسخ‌دهندگان بالقوه فراهم شد. به هر آی‌پی آدرس تنها اجازه داده شد که یک پرسش‌نامه را تکمیل کند تا از پر کردن مکرر همان پاسخ‌دهندگان در پرسش‌نامه‌ها جلوگیری شود. برای هر پاسخ‌دهنده پس از تکمیل نظرسنجی، پیام تشکر بابت همکاری ارسال شد. چند استراتژی برای بهبود نرخ پاسخ و کیفیت جمع‌آوری داده‌ها اتخاذ شد. نخست، مفاهیم متغیرها توضیح داده شد و مثال‌هایی ارائه شد. دوم، به پاسخ‌دهندگان تضمین داده شد که پاسخ‌های آنها محرمانه نگه داشته خواهد شد و تنها برای اهداف تحقیق مورد استفاده قرار خواهد گرفت. سوم، از ناشناس بودن پاسخ‌دهندگان اطمینان حاصل شد تا آنها تشویق شوند که صادقانه پاسخ دهند (پودساکوف و مکنزی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). پرسش‌نامه نظرسنجی شامل دو بخش بود: بخش اول شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی برای هر پاسخگو بود: از جمله جنسیت، سن، سطح تحصیلات، دفعات استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی و مدت زمان استفاده از آن که کمک می‌کند روایی و پایایی بالقوه نمونه آزمون شود. بخش دوم، شامل گویه‌هایی برای اندازه‌گیری ساختارهای تحقیق بود. ۲۴۰ پاسخ دریافت شد. پس از حذف پاسخ‌های نامعتبر مانند پاسخ‌های مشابه به همه پرسش‌ها، ۲۲۶ پاسخ معتبر برای تحلیل نهایی و تعیین شدند. ۶۲/۳ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۳۷/۷ درصد زن بودند. اکثر پاسخ‌دهندگان بین ۲۲ تا ۳۵ سال سن داشتند (۷۴/۸ درصد) و اکثریت آنها دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر بودند (۷۸/۶ درصد). از بین تمام پاسخ‌دهندگان، ۶۶/۲ درصد دارای فراوانی استفاده بالا از رسانه‌های اجتماعی سازمانی را بودند و ۷۸/۸ درصد برای بیش از دو ساعت در طول زمان کار از رسانه‌های اجتماعی سازمانی استفاده می‌کردند. سایر اطلاعات در مورد متغیرها در جدول زیر تلخیص شده‌اند.

جدول شماره ۲: آمار توصیفی متغیرها و گویه‌ها

متغیرها	میانگین	SD	گویه	AVE	کرونباخ	قابلیت اطمینان ترکیبی
عوامل استرس‌زای چالشی	۵/۴۶۷	۰/۸۹۶	۶	۰/۶۵۴	۰/۹۱۲	۰/۸۹۸





متغیرها	میانگین	SD	گویه	AVE	کرونباخ	قابلیت اطمینان ترکیبی
موانع استرس زای بازدارنده	۴/۶۷۲	۱/۲۳۸	۵	۰/۶۳۷	۰/۸۷۲	۰/۸۹۲
دلبستگی شغلی	۵/۴۳۲	۰/۸۹۴	۹	۰/۶۴۸	۰/۹۲۳	۰/۹۴۹
فرسودگی عاطفی	۴/۰۳۷	۱/۱۸۹	۶	۰/۷۶۳	۰/۹۵۲	۰/۹۴۸
ESM فراوانی استفاده از	۴/۵۴۹	۱/۳۰۴	---	---	---	---
ESM مدت زمان استفاده از	۳/۸۹۲	۱/۲۶۱	---	---	---	---

(منبع: محاسبات محقق)

جدول شماره ۳: ضرایب همبستگی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶
عوامل استرس زای چالشی	۰/۷۴۵					
موانع استرس زای بازدارنده	۰/۳۴۵	۰/۷۳۲				
دلبستگی شغلی	۰/۳۱۲	-۰/۱۶۵	۰/۷۲۳			
فرسودگی عاطفی	۰/۳۰۲	۰/۷۵۶	-۰/۴۰۱	-۰/۰۹۴	۰/۴۱۲	۰/۸۵۶
ESM فراوانی استفاده از	۰/۳۱۱	۰/۰۸۵	۰/۱۵۴	۰/۳۸۵	۰/۰۹۷	۰/۰۸۹
ESM مدت زمان استفاده از	۰/۱۷۶	۰/۱۴۹	۰/۰۹۸	۰/۱۴۵	۰/۱۱۷	۰/۱۱۲

(منبع: محاسبات محقق)



## ۴. یافته‌های پژوهش

برای بررسی تناسب مدل، ابتدا تحلیل عاملی تأییدی (CFA) در نرم‌افزار Mplus اجرا شد. نتایج نشان داد که مدل شش عاملی به‌خوبی با داده‌ها تناسب دارد. به‌طور خاص، مربع کای/درجه آزادی ( $\chi^2/df$ ) ۸۴۱/۴، شاخص تناسب مدل (CFI) برابر ۰/۹۰۴، ریشه میانگین مربعات خطای استاندارد (SRMR) ۰/۰۶۵ و ریشه میانگین مربعات خطا تخمین (RMSEA) برابر ۰/۰۵۹ است. برای بررسی بیشتر قابلیت اطمینان و اعتبار معیارهای ارزیابی مدل، توصیه‌های فورنل و لارکر (۱۹۸۱) منظور شد. همان‌طور که در جدول شماره (۲) نشان داده شده است، آلفای کرونباخ و قابلیت اطمینان ترکیبی همه ساختارها بزرگ‌تر از ۰/۷ است که نشان می‌دهد مدل اندازه‌گیری قابلیت اطمینان قابل قبولی دارد. بار عاملی تمام آیتم‌ها بزرگ‌تر از ۰/۵ است و به‌طور قابل توجهی روی عوامل متناظر آنها بارگذاری می‌شود و میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) از هر سازه از آستانه ۰/۵ فراتر می‌رود که نشان‌دهنده روایی همگرایی قابل قبول است. علاوه بر این، مربع ریشه AVE هر متغیر بزرگ‌تر از همبستگی بین متغیر و متغیرهای دیگر است (جدول شماره ۴) که از روایی افتراقی قابل قبول حمایت می‌کند. همچنین، ظرفیت سوگیری روش مشترک (CMB, common method bias) با استفاده از آزمون تک عاملی هارمون (Harmon's single factor test) اجرا شد و نتیجه نشان داد که شش عامل وجود دارد که ۶۵/۹ درصد واریانس را توجیه می‌کنند که عامل اول، ۲۴/۴ درصد از واریانس کل را تشکیل می‌دهد و نشان می‌دهد که مدل تحقیق احتمالاً نگرانی‌های جدی با سوگیری روش مشترک ندارد (Podsakoff et al, ۲۰۰۳). علاوه بر این، جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که تمام همبستگی‌ها بین متغیرها، کمتر از ۰/۹ است (Bagozzi et al, ۱۹۹۱). بنابراین، سوگیری روش مشترک تهدید قابل توجهی برای مطالعه ایجاد نمی‌کند.

برای آزمون فرضیه‌ها، اثرات اصلی خطی و اثرات تعدیلی غیرخطی با استفاده از نرم‌افزار Mplus و تکنیک رگرسیون حداقل مربعات معمولی سلسله‌مراتبی با توجه به روشی که جاکارد (۲۰۰۳) توصیه کرده بود، تجزیه و تحلیل شد. برای انجام این روش، میانگین آیتم‌ها برای هر سازه و میانگین تمام ابعاد سازه برای ساختار چندبعدی دلبستگی شغلی محاسبه شد. متغیرهای تعاملی (یعنی عوامل استرس‌زای چالشی و موانع استرس‌زای بازدارنده) میانگین محور بودند. عبارات مربع تعاملی



تعدیلگر، وجود تعدیل‌های غیرخطی را بیان می‌کند که نشان می‌دهد رابطه بین عوامل استرس‌زای کار و دلبستگی شغلی به‌عنوان یک تابع درجه دوم تغییر می‌کند.

جدول شماره ۴: نتایج رگرسیون چهار مدل آشیانه‌ای (سلسله‌مراتبی)

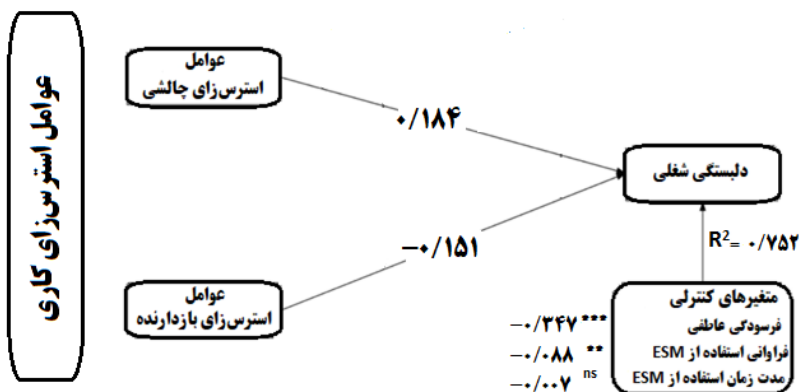
مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	سازه‌ها
۶/۷۲۳	۵/۵۴۸	۷/۹۳۲	۶/۳۴۵	عرض از مبدأ (جمله ثابت)
متغیرهای کنترلی				
-۰/۳۴۷	-۰/۳۶۴	-۰/۳۲۵	-۰/۲۵۳	فروشدگی عاطفی
-۰/۰۸۸	-۰/۰۸۳	-۰/۰۹۶	۰/۱۰۹	فراوانی استفاده از ESM
-۰/۰۰۷	۰/۰۰۹	۰/۰۲۱	۰/۰۰۹	مدت زمان استفاده از ESM
متغیرهای پیش‌بینی				
۰/۱۸۴	۰/۲۰۱	۰/۲۶۵		عوامل استرس‌زای چالشی
-۰/۱۵۱	-۰/۰۹۸	-۰/۰۷۴		موانع استرس‌زای بازدارنده
۰/۱۶۳	۰/۱۹۲	۰/۱۷۳		عوامل استرس‌زای چالشی x فراوانی استفاده از ESM کاری
۰/۱۴۸	۰/۱۸۳	۰/۱۹۱		موانع استرس‌زای بازدارنده x فراوانی استفاده از ESM کاری
۰/۰۶۴	-۰/۰۳۶	-۰/۱۳۲		عوامل استرس‌زای چالشی x مدت زمان استفاده از ESM غیرکاری
۰/۰۸۱	۰/۰۶۷	۰/۱۱۸		موانع استرس‌زای بازدارنده x مدت زمان استفاده از ESM غیرکاری
۰/۰۹۶	-۰/۱۶۴			مجذور(عوامل استرس‌زای چالشی x فراوانی استفاده از ESM کاری)
-۰/۰۶۲	۰/۰۶۸			مجذور(موانع استرس‌زای بازدارنده x فراوانی استفاده از ESM کاری)
-۰/۰۷۳	-۰/۰۹۴			مجذور(عوامل استرس‌زای چالشی x مدت زمان استفاده از ESM غیرکاری)
۰/۰۸۵	۰/۱۵۳			مجذور(موانع استرس‌زای بازدارنده x مدت زمان استفاده از ESM غیرکاری)



مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	سازه‌ها
۰/۷۵۲	۰/۵۹۱	۰/۵۱۲	۰/۱۶۷	R <sup>۲</sup>

(منبع: محاسبات محقق) P < ۰,۰۰۱:\*\*\* P < ۰,۰۱:\*\* P < ۰,۰۵:\*

جدول شماره (۴) و شکل شماره (۲) نتایج رگرسیون را برای چهار مدل آشیانه‌ای (سلسله‌مراتبی) خلاصه می‌کنند. متغیرهای کنترلی در مدل ۱ و همچنین، اثرات مستقیم عوامل استرس‌زای چالشی و موانع استرس‌زای بازدارنده، به مدل ۲ اضافه شد. عبارات تعامل خطی در مدل ۳ گنجانده شدند و مجذور عبارات تعامل در مدل ۴ وارد شدند. برای متغیرهای کنترلی، نتایج نشان می‌دهد که فرسودگی عاطفی کارکنان با ضریب  $-۰/۳۴۷$  و سطح احتمال کوچک‌تر از  $۰/۰۰۱$  و فراوانی مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی با ضریب  $-۰/۰۸۸$  و سطح احتمال کوچک‌تر از  $۰/۰۰۱$  به‌طور قابل توجه و معناداری، توسط دلبستگی شغلی، تحت تأثیر قرار می‌گیرند. درحالی‌که مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کارکنان با ضریب  $۰/۰۰۷$  و سطح احتمال بزرگ‌تر از  $۰/۰۵$  معنادار نیست. قدرت پیش‌بینی مدل با ارزیابی مربع مقادیر همبستگی چندگانه (R<sup>۲</sup>) ارزیابی شد و همان‌طور که در جدول شماره (۴) و شکل شماره (۲) نشان داده شده است، مقدار R<sup>۲</sup> تعهد کاری برابر  $۰/۷۵۲$  است.



شکل شماره ۲: نتایج تخمین مدل نهایی

\*\*\*P < ۰,۰۰۱, \*\*P < ۰,۰۵, ns در سطح ۰/۰۵ غیر معنادار

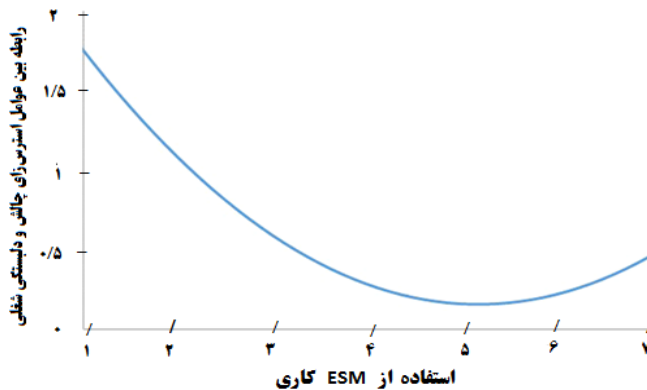


برای اثرات اصلی خطی در مدل ۴، عوامل استرس‌زای چالشی به‌طور مثبت با دلبستگی شغلی با ضریب ۰/۱۸۴ و سطح احتمال کوچک‌تر از ۰/۰۰۱ مرتبط هستند. درحالی‌که موانع استرس‌زای بازدارنده به‌طور منفی با دلبستگی شغلی با ضریب ۰/۱۵۱- و سطح احتمال کوچک‌تر از ۰/۰۰۱ مرتبط هستند. برای اثرات تعدیل‌کننده غیرخطی، مجذور عبارت تعاملی عوامل استرس‌زای چالشی و مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری با ضریب ۰/۰۹۶ و سطح احتمال کوچک‌تر از ۰/۰۰۱ تأثیر مثبت و معناداری بر دلبستگی شغلی دارد، اما اثر مجذور عبارت تعاملی موانع استرس‌زای بازدارنده و مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری با ضریب ۰/۰۶۲- و سطح احتمال بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بر دلبستگی شغلی، غیرمعنادار است. علاوه بر این، تأثیر مجذور عبارت تعاملی عوامل استرس‌زای چالشی و مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری با ضریب ۰/۰۷۳- و سطح احتمال کوچک‌تر از ۰/۰۰۱ بر دلبستگی شغلی منفی و معنادار است و تأثیر مجذور عبارت تعاملی موانع استرس‌زای بازدارنده و مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری با ضریب ۰/۰۸۵ و سطح احتمال کوچک‌تر از ۰/۰۰۱ بر دلبستگی شغلی مثبت و معنادار است.

#### ۴-۱. ماهیت اثرات تعدیل‌کننده از نگاه هندسی

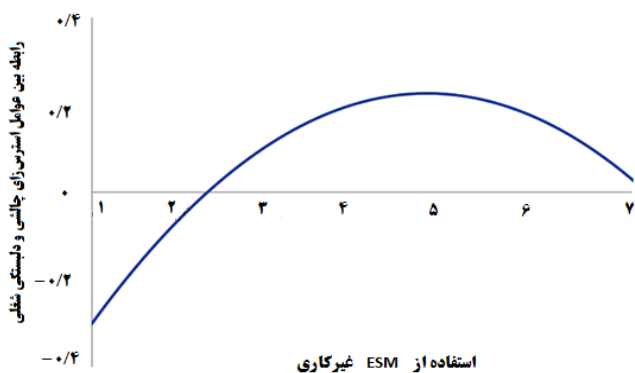
ماهیت اثرات تعدیل‌کننده در نمودارهای شماره (۱) تا (۳) نشان داده شده است. در این نمودارها، محورهای عمودی نشان‌دهنده مقادیر ضرایب رگرسیون عوامل استرس‌زای کار بر دلبستگی شغلی است و محورهای افقی مقادیر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی را بین حداقل و حداکثر مقدار نشان می‌دهند (یعنی بین ۱ و ۷).





نمودار شماره ۱: رابطه بین عوامل استرس‌زای چالشی و دل‌بستگی شغلی به‌عنوان تابعی از مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری

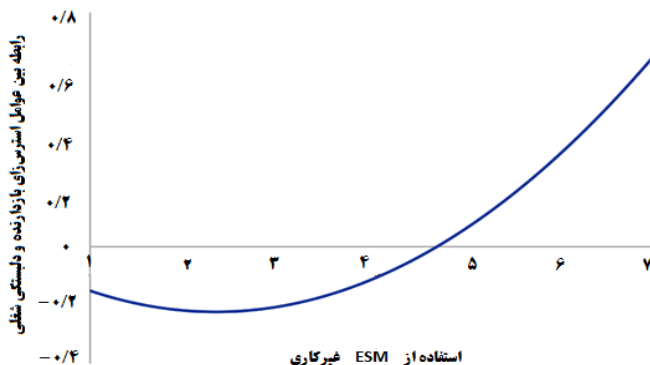
نمودار شماره (۱)، یک رابطه U شکل بین عوامل استرس‌زای چالشی و دل‌بستگی شغلی متغیر در سطوح مختلف مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری را نشان می‌دهد. هنگامی که مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری کارکنان در سطوح میانی است، ضریب مثبت عوامل استرس‌زای چالشی در دل‌بستگی شغلی پایین و معنادار است. با این حال، در سطوح پایین و بالای مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری، ضرایب مثبت نسبتاً بالا و معنادار هستند.



نمودار شماره ۲: رابطه بین عوامل استرس‌زای چالشی و دل‌بستگی شغلی به‌عنوان تابعی از مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری



نمودار شماره (۲)، یک رابطه U شکل معکوس را بین عوامل استرس‌زای چالشی و دلبستگی شغلی تحت تعدیلگری مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری نشان می‌دهد. هنگامی که مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری کارکنان در سطوح پایین یا بالا است، ضریب عوامل استرس‌زای چالشی در دلبستگی شغلی پایین است. به‌طور خاص، ضریب عوامل استرس‌زای چالشی در دلبستگی شغلی در سطوح بسیار پایین مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری، مثبت و غیرمعنادار است، اما در سطوح بسیار بالای مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری، منفی و معنادار است. باین‌حال، در سطوح میانی مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری، این رابطه به‌شدت مثبت و معنادار است.



نمودار شماره ۳: رابطه بین موانع استرس‌زای بازدارنده و دلبستگی شغلی به‌عنوان تابعی از مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری

نمودار شماره (۳)، یک رابطه U شکل را بین موانع استرس‌زای بازدارنده و دلبستگی شغلی متغیر در سطوح مختلف مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری نشان می‌دهد. هنگامی که کارکنان از رسانه‌های اجتماعی سازمانی برای هدف غیرکاری در سطوح میانی استفاده می‌کنند، ضریب موانع استرس‌زای بازدارنده در دلبستگی شغلی به‌شدت منفی و معنادار است. باین‌حال، ضریب در سطوح پایین مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری کمی منفی و غیرمعنادار است و در سطوح بالای مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری بسیار مثبت و معنادار است.

## ۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

### ۵ - ۱. بحث

براساس ادبیات مدل JD - R، یک مدل نظری برای بررسی نقش تعدیل‌کننده مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری و غیرکاری در رابطه بین عوامل استرس‌زای کار و دلبستگی شغلی توسعه داده شد. مطالعه حاضر سه نقش در شکل‌گیری مفاهیم نظری دارد: اول، کمک به مدل JD - R است که با گسترش این نظریه، زمینه‌های استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی در محل کار، توسعه و بهبود می‌یابد که چندان در مطالعات پیشین به آن توجه نشده است. مطالعات قبلی که مدل JD - R را در زمینه اجتماعی IT مورد بررسی قرار داده‌اند، با هدف شناسایی منابع شغلی فعال‌شده با فناوری خاص و تقاضاهای شغلی، صورت گرفته است (تروون و همکاران، ۲۰۱۶؛ وان‌زونن، ۲۰۱۷). باین‌حال، مطالعه حاضر درک عمیق‌تری از مدل JD - R با بررسی تحول منابع شغلی فعال‌شده با رسانه‌های اجتماعی سازمانی و تقاضاهای شغلی فعال‌شده با رسانه‌های اجتماعی سازمانی براساس مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی ارائه می‌دهد.

دوم اینکه مطالعه حاضر به ادبیات مداخلات دلبستگی شغلی کمک می‌کند. اگرچه مطالعات قبلی مداخلات زیادی را برای ایجاد دلبستگی شغلی بررسی کرده‌اند، اما آنها مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی را مورد بررسی قرار نداده‌اند. با دنبال کردن شواهد اولیه رسانه‌های اجتماعی سازمانی به‌عنوان یک راه‌حل برای دلبستگی شغلی کارکنان ارائه‌شده توسط شارما و بهاتتاگار (۲۰۱۶)، مطالعه حاضر کاربرد کاری و غیرکاری رسانه‌های اجتماعی سازمانی را به‌عنوان مداخلات مبتنی بر رسانه‌های اجتماعی سازمانی تئوریزه کرده و نقش تعدیل‌کننده آنها را در رابطه بین عوامل استرس‌زای کار و دلبستگی شغلی بررسی کرده است.

سوم اینکه مطالعه حاضر به مطالعات و تحقیقات در مورد مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کمک می‌کند. تحقیقات قبلی روی تأثیر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی بر عملکرد کارکنان در یک دوره طولانی از زمان تمرکز کرده‌اند (دینگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ لوگو و لوچن، ۲۰۱۶؛ سان و همکاران، ۲۰۲۰؛ یو، ۲۰۱۸) اخیراً، محققان به تأثیرات رسانه‌های اجتماعی سازمانی بر رفاه کارکنان، مانند تعامل و خستگی کاری، توجه کرده‌اند (اکسا و



همکاران، ۲۰۲۰؛ ترهون و همکاران، ۲۰۱۶؛ ونزون و بنگه‌هات، ۲۰۱۸). مطالعه حاضر چنین جریان تحقیقاتی را با نظریه‌پردازی منابع شغلی و تقاضاهای شغلی به‌دست‌آمده مبتنی بر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غنی می‌کند و شواهد تجربی از نقش تعدیلگری درجه دوم برای مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی در رابطه بین عوامل استرس‌زای کار و دلبستگی شغلی ارائه می‌دهد. این یافته‌ها فراتر از تأثیر خطی مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی بر رفاه کارکنان خواهد بود. علاوه بر یافته‌های مذکور، مطالعه حاضر پیشرفت قابل توجهی را در ادبیات مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی با ارائه دیدگاهی جدید از مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی نشان می‌دهد. تحقیقات قبلی در مورد استفاده درون‌سازمانی رسانه‌های اجتماعی سازمانی عمدتاً بر استفاده کاری و استفاده اجتماعی برای اهداف کاری متمرکز شده است (دینگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ سان و شانگ، ۲۰۱۴؛ چن و وی، ۲۰۱۹). اگرچه اوکسا و همکاران (۲۰۲۰)، ارتباطات رسانه‌ای اجتماعی حرفه‌ای کاری و غیرکاری را در محیط‌های سازمانی مورد بررسی قرار داده‌اند، اما درک جامعی از کاربرد مرتبط با کار و کاربرد غیرمرتبط با کار در زمینه‌های رسانه‌های اجتماعی سازمانی وجود ندارد. لذا، این مطالعه روش جدیدی را برای تقسیم مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی به کاری و غیرکاری پیشنهاد می‌کند که در آن مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری را می‌توان با استفاده از دو بُعد فرعی مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی مرتبط با جامعه شخصی و مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی مرتبط با لذت اندازه‌گیری کرد.

## ۵ - ۲. نتیجه‌گیری

یافته‌های کلیدی را می‌توان چنین تبیین کرد: اول، عوامل استرس‌زای چالشی به‌طور مثبت با دلبستگی شغلی در ارتباط بودند، درحالی‌که موانع استرس‌زای بازدارنده با دلبستگی شغلی رابطه منفی دارد. این نتایج با یافته‌های قبلی مدل JD - R (کرافورد و همکاران، ۲۰۱۰). دوم، رابطه مثبت بین عوامل استرس‌زای چالشی و دلبستگی شغلی، یک اثر U شکل را تحت تأثیر تعدیلگری مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری نشان می‌دهد، که برخلاف



فرضیه  $H_{1a}$  است. بنابراین،  $H_{1a}$  تأیید و پشتیبانی نمی‌شود. این ممکن است مربوط به بهبود توانایی کارکنان در پردازش اطلاعات باشد، زیرا آنها بیشتر با رسانه‌های اجتماعی سازمانی برای رسیدگی به تقاضاهای شغلی خود آشنا می‌شوند (چن و وی، ۲۰۱۹). مطالعات قبلی نیز نشان دادند که کاربران باتجربه IT قادر به مدیریت مؤثر و کارآمد اطلاعات هستند و احتمال کمتری وجود دارد که سربار اطلاعات نسبت به کاربران تازه‌کار احساس شود (هسا و لیو، ۲۰۱۴). بنابراین، اگرچه کارکنان درگیر ممکن است با پیام‌هایی که از رسانه‌های اجتماعی سازمانی دریافت کرده‌اند گمراه شوند، اما به دلیل تجربه غنی حاصل از پردازش اطلاعات خود می‌توانند به سرعت در کار مشغول شوند. سوم، اثر مجذور عبارت عامل تعدیلی مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری بر رابطه بین موانع استرس‌زای بازدارنده و دلبستگی شغلی، معنادار نیست. بنابراین، فرضیه  $H_{2a}$  تأیید و پشتیبانی نمی‌شود. البته، می‌توان تا حدی این نتیجه را به نگرش منفی کارکنان نسبت به موانع استرس‌زای بازدارنده نسبت داد. اگرچه مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری می‌تواند منابع شغلی، مانند اطلاعات کاری را برای کارکنان تحت استرس به ارمغان آورد، ممکن است آنها برای پردازش و جذب چنین اطلاعاتی، تبدیل آن به منابع شخصی خود و استفاده از آنها برای محدود کردن تأثیر موانع استرس‌زای بازدارنده در دلبستگی شغلی (اکستوپولا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷) به دلیل اثرات منفی این عوامل استرس‌زا بر عملکرد و رشد شخصی خود، انگیزه نداشته باشند (دینگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ کاوانوگ و همکاران، ۲۰۰۰). چهارم، رابطه مثبت بین عوامل استرس‌زای چالشی و دلبستگی شغلی یک اثر U شکل معکوس را تحت تأثیر تعدیلگر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری نشان می‌دهد که فرضیه  $H_{1b}$  را تأیید و پشتیبانی می‌کند. به عبارت دیگر، تنها با سطوح میانی مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری، کارکنان با استرس بالا می‌توانند در کار خود در بالاترین سطح درگیر شوند. در نهایت، رابطه بین موانع استرس‌زای بازدارنده و دلبستگی شغلی، یک اثر U شکل تحت تأثیر تعدیلگر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری را نشان می‌دهد. لذا فرضیه  $H_{2b}$  تأیید و حمایت می‌شود. به عبارت دیگر،



هنگامی که مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری در سطح متوسط است، دلبستگی شغلی کارکنان تحت فشار بازدارنده در پایین‌ترین سطح خواهد بود.

### ۵-۳. پیشنهادها

از حیث مفاهیم عملی، این مطالعه چندین مفهوم عملی را برای مدیران اجرایی رسانه‌های اجتماعی سازمانی به منظور دلبستگی شغلی در میان کارکنان ارائه می‌دهد. به‌طور خاص، از آنجایی که یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد تأثیر عوامل استرس‌زای چالشی و بازدارنده بر دلبستگی شغلی به هر دو نوع مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی و شدت مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی بستگی دارد، مدیران باید انواع عوامل استرس‌زای کاری را در هنگام اجرای رسانه‌های اجتماعی سازمانی در نظر بگیرند. اول، نظر به اینکه یک تعدیل U شکل در مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی کاری در رابطه بین عوامل استرس‌زای چالشی و دلبستگی شغلی یافت شد، به مدیران پیشنهاد می‌شود رسانه‌های اجتماعی سازمانی را برای اهداف کاری به کار بگیرند. اما آنها نباید تنها کارکنان دارای استرس چالشی را تشویق کنند تا از رسانه‌های اجتماعی سازمانی برای موفقیت استفاده کنند، بلکه باید منابع شغلی و همچنین آموزش رسانه‌های اجتماعی سازمانی ترتیب دهند که به آنها کمک می‌کند تجربه و توانایی‌های خود را در پردازش پیام‌های مرتبط و زیادی که دریافت کرده‌اند، بهبود بخشند؛ به‌طوری‌که از تجربه اثرات منفی رسانه‌های اجتماعی سازمانی (برای مثال، اضافه بار اطلاعات و خستگی مرتبط با رسانه‌های اجتماعی سازمانی) جلوگیری کنند. دوم، یافته‌های مطالعه از ضرورت استفاده غیرکاری رسانه‌های اجتماعی سازمانی در سازمان‌ها حمایت می‌کند، چراکه می‌تواند به همه کارکنان قدرت دهد تا دلبستگی شغلی را افزایش دهند. با این حال، مدیران ممکن است قوانینی را برای محدود کردن استفاده غیرکاری رسانه‌های اجتماعی سازمانی به یک سطح منطقی طراحی کنند که هم کارکنان دارای استرس چالشی و هم کارکنان دارای استرس بازدارنده، سود ببرند. از طرفی، سطح ایده‌آل مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی غیرکاری برای کارکنان با استرس چالشی و بازدارنده متفاوت است. کارکنان تحت استرس بازدارنده ممکن است به سطح نسبتاً بالاتری از مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی



سازمانی غیرکاری نسبت به کارکنان تحت استرس چالشی برای رسیدن به دلبستگی شغلی بهینه نیاز داشته باشند. بنابراین، به یک استراتژی پیچیده در مورد استفاده غیرکاری رسانه‌های اجتماعی سازمانی نیاز است.

در نهایت، به‌رغم کمک‌ها و بینش‌هایی که در مدل JD - R و ادبیات مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی و همچنین مداخلات دلبستگی شغلی وجود دارد، مطالعه قطعاً محدودیت‌هایی دارد. از جمله اینکه ادبیات پیشین، مداخلاتی را که روی هر دو دلبستگی شغلی یک بُعدی (میرز و وان ورکن، ۲۰۱۷؛ وینگردن و همکاران، ۲۰۱۷) و هر یک از سه زیر مؤلفه قدرت، فداکاری و جذب آن (کافنگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ وایت و همکاران، ۲۰۱۷) عمل می‌کنند، شناسایی می‌کند. در حالی که در این مطالعه، تعدیلگر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی بر اثر عوامل استرس‌زای کار بر دلبستگی شغلی یک بُعدی بررسی می‌شود. بنابراین، تحقیقات آینده می‌تواند تأثیر مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی سازمانی را بر سه بُعد فرعی دلبستگی شغلی بررسی کند. همچنین، اگرچه از دو روش آماری برای ارزیابی CMB به دلیل اینکه داده‌ها، نتایج و یافته‌های مغرضانه تولید نکنند، استفاده شده است، نمی‌توان با قاطعیت یافته‌های کاملاً بی‌طرفانه مطالعه را تضمین کرد (پادساکوف و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین، تحقیقات آینده می‌توانند با استفاده از داده‌های عینی، مانند داده‌های استفاده واقعی رسانه‌های اجتماعی سازمانی، ساختارها را اندازه‌گیری کنند. همچنین، محققان ممکن است قادر به همکاری با سازمان‌هایی باشند که رسانه‌های اجتماعی سازمانی را در کار پذیرفته‌اند؛ به طوری که آنها می‌توانند از چنین داده‌های آرشیوی در مورد گزارش‌های سیستم استفاده کنند و تکنیک‌های داده‌کاوی را برای جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار گیرند.



## ۶. منابع

- Ali-Hassan, H., Nevo, D., & Wade, M (۲۰۱۵). Linking dimensions of social media use to job performance: The role of social capital. *Journal of Strategic Information Systems*, ۲۴(۲), ۶۵-۸۹. <https://doi.org/10.1016/j.jsis.2015.03.001>.
- Bagozzi, R. P., Yi, Y., & Phillips, L. W (۱۹۹۱). Assessing construct validity in organizational research. *Administrative Science Quarterly*, ۳۶(۳), ۴۲۱-۴۵۸. <https://doi.org/10.2307/2393203>.
- Bakker, A. B., & Demerouti, E (۲۰۰۷). The job demands-resources model: State of the art. *Journal of Managerial Psychology*, ۲۲(۳), ۳۰۹-۳۲۸. <https://doi.org/10.1108/02683940710733110>.
- Bakker, A. B., Demerouti, E., & Sanz-Vergel, A. I (۲۰۱۴). Burnout and work engagement: The JD-R approach. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, ۱(۱), ۳۸۹-۴۱۱. <https://doi.org/10.1146/annurev-orgpsych-031413-091230>.
- Bakker, A. B., Emmerik, H.v., & Euwema, M. C (۲۰۰۶). Crossover of burnout and engagement in work teams. *Work and Occupations*, ۳۳(۴), ۴۶۴-۴۸۹. <https://doi.org/10.1177/07308884062991310>.
- Cavanaugh, M. A., Boswell, W. R., Roehling, M. V., & Boudreau, J. W (۲۰۰۰). An empirical examination of self-reported work stress among U.S. managers. *Journal of Applied Psychology*, ۸۵(۱), ۶۵-۷۴. <https://doi.org/10.1037//0021-9010.85.1.65>.
- Chen, X., & Wei, S (۲۰۱۹). Enterprise social media use and overload: A curvilinear relationship. *Journal of Information Technology*, ۳۴(۱), ۲۲-۳۸. <https://doi.org/10.1177/0268396218802728>.
- Cho, S., Noh, H., Yang, E., Lee, J., Lee, N., Schaufeli, W. B., et al (۲۰۲۰). Examining the job demands-resources model in a sample of Korean correctional officers. *Current Psychology*, ۳۹(۵), ۱۵۲۱-۱۵۳۴. <https://doi.org/10.1007/s12144-020-00620-8>.
- Chu, T. H (۲۰۲۰). A meta-analytic review of the relationship between social media use and employee outcomes. *Telematics and Informatics*, ۵۰, Article ۱۰۱۳۷۹. <https://doi.org/10.1016/j.tele.2020.101379>.





Coffeng, J. K., Hendriksen, I. J. M., Duijts, S. F. A., Twisk, J. W. R., van Mechelen, W., & Boot, C. R. L (۲۰۱۴). Effectiveness of a combined social and physical environmental intervention on presenteeism, absenteeism, work performance, and work engagement in office employees. *Journal of Occupational and Environmental Medicine*, ۵۶(۳), ۲۵۸-۲۶۵. <https://doi.org/10.1097/jom.000000000000116>.

Crawford, E. R., LePine, J. A., & Rich, B. L (۲۰۱۰). Linking job demands and resources to employee engagement and burnout: A theoretical extension and meta-analytic test. *Journal of Applied Psychology*, ۹۵(۵), ۸۳۴-۸۴۸. <https://doi.org/10.1037/a0019374>.

Demerouti, E., Bakker, A. B., Nachreiner, F., & Schaufeli, W. B (۲۰۰۱). The job demands-resources model of burnout. *Journal of Applied Psychology*, ۸۶(۳), ۴۹۹-۵۱۲. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.86.3.499>.

Ding, G., Liu, H., Huang, Q., & Gu, J (۲۰۱۹). Enterprise social networking usage as a moderator of the relationship between work stressors and employee creativity: A multilevel study. *Information & Management*, ۵۶(۸), Article ۱۰۳۱۶۵. <https://doi.org/10.1016/j.im.2019.04.008>.

Ferreira, A. I., da Costa Ferreira, P., Cooper, C. L., & Oliveira, D (۲۰۱۹). How daily negative affect and emotional exhaustion correlates with work engagement and presenteeism-constrained productivity. *International Journal of Stress Management*, ۲۶(۳), ۲۶۱-۲۷۱. <https://doi.org/10.1037/str0000114>.

Fornell, C., & Larcker, D (۱۹۸۱). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, ۱۸(۱)۳۹-۵۰. <https://doi.org/10.1177/002243781101800104>.

Fu, S., Li, H., Liu, Y., Pirkkalainen, H., & Salo, M (۲۰۲۰). Social media overload, exhaustion, and use discontinuance: Examining the effects of information overload, system feature overload, and social overload. *Information Processing & Management*, ۵۷(۶), Article ۱۰۲۳۰۷. <https://doi.org/10.1016/j.ipm.2020.102307>.

Gonzalez, E. S. (۲۰۱۲). *Internal social media's impact on socialization and commitment*. Baylor University.

Henle, C. A., & Blanchard, A. L (۲۰۰۸). The interaction of work stressors and organizational sanctions on cyberloafing. *Journal of Managerial Issues*, ۲۰(۳), ۳۸۳-۴۰۰. <https://www.jstor.org/stable/40604617>.

Hsu, C.-L., & Liao, Y.-C (۲۰۱۴). Exploring the linkages between perceived information accessibility and microblog stickiness: The moderating role of a sense of community. *Information & Management*, ۵۱(۷), ۸۳۳-۸۴۴. <https://doi.org/10.1016/j.im.2014.08.005>.





Jaccard, J. (۲۰۰۳). Interaction effects in multiple regression. Thousand Oaks, CA: Sage .  
Jones, F., & Fletcher, B. C (۱۹۹۶). Job control and health. In M. J. Schabracq, J. A. M. Winnubst, & C. L. Cooper (Eds.), *Handbook of work and health psychology* (pp .۳۳-۵۰). Chichester: Wiley.

Kahn, W. A. (۱۹۹۰). Psychological conditions of personal engagement and disengagement at work. *Academy of Management Journal*, ۳۳(۴), ۶۹۲-۷۲۴.  
<https://doi.org/۱۰.۵۴۶۵/۲۵۶۲۸۷>.

Kim, S. J., & Byrne, S (۲۰۱۱). Conceptualizing personal web usage in work contexts: A preliminary framework. *Computers in Human Behavior*, ۲۷(۶), ۲۲۷۱-۲۲۸۳.  
<https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.chb.۲۰۱۱.۰۷.۰۰۶>.

Knight, C., Patterson, M., & Dawson, J (۲۰۱۷). Building work engagement: A systematic review and meta-analysis investigating the effectiveness of work engagement interventions. *Journal of Organizational Behavior*, ۳۸(۶), ۷۹۲-۸۱۲.  
<https://doi.org/۱۰.۱۰۰۲/job.۲۱۶۷>.

Lepine, J. A., Podsakoff, N. P., & Lepine, M. A (۲۰۰۵). A meta-analytic test of the challenge stressor-hindrance stressor framework: An explanation for inconsistent relationships among stressors and performance. *Academy of Management Journal*, ۴۸(۵), ۷۶۴-۷۷۵. <https://doi.org/۱۰.۵۴۶۵/AMJ.۲۰۰۵.۱۸۸.۳۹۲۱>.

Lesener, T., Gusy, B., & Wolter, C (۲۰۱۹). The job demands-resources model: A meta-analytic review of longitudinal studies. *Work and stress*, ۳۳(۱), ۷۶-۱۰۳.  
<https://doi.org/۱۰.۱۰۸۰/۰۲۶۷۸۳۷۳,۲۰۱۸,۱۵۲۹۰۶۵>.

Lim, V. K. G., & Chen, D. J. Q (۲۰۰۹). Cyberloafing at the workplace: Gain or drain on work? *Behaviour & Information Technology*, ۳۱(۴), ۳۴۳-۳۵۳.  
<https://doi.org/۱۰.۱۰۸۰/۰۱۴۴۹۲۹۰۹۰۳۳۵۳۰۵۴>.

Lin, W., Ma, J., Wang, L., & Wang, M (۲۰۱۵). A double-edged sword: The moderating role of conscientiousness in the relationships between work stressors, psychological strain, and job performance. *Journal of Organizational Behavior*, ۳۶(۱), ۹۴-۱۱۱.  
<https://doi.org/۱۰.۱۰۰۲/job.۱۹۴۹>.

Lu, B., Guo, X., Luo, N., & Chen, G (۲۰۱۶). Corporate blogging and job performance: Effects of work-related and nonwork-related participation. *Journal of Management Information Systems*, ۳۲(۴), ۲۸۵-۳۱۴.  
<https://doi.org/۱۰.۱۰۸۰/۰۷۴۲۱۲۲۲,۲۰۱۵,۱۱۳۸۵۷۳>.

Meyers, M. C., & van Woerkom, M (۲۰۱۷). Effects of a strength's intervention on general and work-related well-being: The mediating role of positive affect. *Journal of Happiness Studies*, ۱۸(۳), ۶۷۱-۶۸۹. <https://doi.org/۱۰.۱۰۰۷/s۱۰۹۰۲-۰۱۶-۹۷۴۵-x>.

Ng, J. C. Y., Shao, I. Y. T., & Liu, Y (۲۰۱۶). This is not what I wanted: The effect of





avoidance coping strategy on non-work-related social media use at the workplace. *Employee Relations*, ۳۸(۴), ۴۶۶-۴۸۶. <https://doi.org/10.1108/ER-12-2010-0216>.

Oksa, R., Kaakinen, M., Savela, N., Ellonen, N., & Oksanen, A (۲۰۲۰). Professional social media usage: Work engagement perspective. *New Media & Society*, ۲۳(۸), ۲۳۰۳-۲۳۲۶. <https://doi.org/10.1177/1461444820921938>.

Podsakoff, P. M., MacKenzie, S. B., & Podsakoff, N. P (۲۰۱۲). Sources of method bias in social science research and recommendations on how to control it. *Annual Review of Psychology*, ۶۳(۱), ۵۳۹-۵۶۹. <https://doi.org/10.1146/annurev-psych-12-07-11-0502>.

Podsakoff, P. M., MacKenzie, S. B., Lee, J.-Y., & Podsakoff, N. P (۲۰۰۳). Common method biases in behavioral research: A critical review of the literature and recommended remedies. *Journal of Applied Psychology*, ۸۸(۵), ۸۷۹-۹۰۳. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.88.5.879>.

Putnam, L. L., Myers, K. K., & Gailliard, B. M (۲۰۱۴). Examining the tensions in workplace flexibility and exploring options for new directions. *Human Relations*, ۶۷(۴), ۴۱۳-۴۴۰. <https://doi.org/10.1177/0018726713490704>.

Schaufeli, W. B (۲۰۱۷). Applying the job demands-resources model: A 'how to' guide to measuring and tackling work engagement and burnout. *Organizational Dynamics*, ۴۶(۲), ۱۲۰-۱۳۲. <https://doi.org/10.1016/j.orgdyn.2017.04.008>.

Schaufeli, W. B., & Bakker, A. B (۲۰۰۴). Job demands, job resources, and their relationship with burnout and engagement: A multi-sample study. *Journal of Organizational Behavior*, ۲۵(۳), ۲۹۳-۳۱۵. <https://doi.org/10.1002/job.248>.

Schaufeli, W. B., Bakker, A. B., & Salanova, M (۲۰۰۶). The measurement of work engagement with a short questionnaire: A cross-national study. *Educational and Psychological Measurement*, ۶۶(۴), ۷۰۱-۷۱۶. <https://doi.org/10.1177/0013164405282471>.

Schaufeli, W. B., Salanova, M., Gonz'alez-rom'a, V., & Bakker, A. B (۲۰۰۲). The measurement of engagement and burnout: A two-sample confirmatory factor analytic approach. *Journal of Happiness Studies*, ۳(۱), ۷۱-۹۲. <https://doi.org/10.1023/A:1010630930326>.

Sharma, A., & Bhatnagar, J (۲۰۱۶). Enterprise social media at work: Web-based solutions for employee engagement. *Human Resource Management International Digest*, ۲۴(۷), ۱۶-۱۹. <https://doi.org/10.1108/HRMID-04-2016-0000>.

Singleton, R. A., & Straits, B. C. (۲۰۰۵). *Approaches to social research (4th Edition)*. New York, US: Oxford University Press.

Sun, Y., & Shang, R. A (۲۰۱۴). The interplay between users' intraorganizational social





- media use and social capital. *Computers in Human Behavior*, ۳۷, ۳۳۴-۳۴۱. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2014.03.048>. Sun et al.
- Sun, Y., Wang, C., & Jeyaraj, A (۲۰۲۰). Enterprise social media affordances as enablers of knowledge transfer and creative performance: An empirical study. *Telematics and Informatics*, ۵۱, Article 101402. <https://doi.org/10.1016/j.tele.2020.101402>.
- Sun, Y., Wu, L., Chen, R., Lin, K., & Shang, R.-A (۲۰۲۰). Enterprise social software platforms and team improvisation. *International Journal of Electronic Commerce*, ۲۴(۵), ۳۶۶-۳۹۰. <https://doi.org/10.1080/10864410.2020.1767430>.
- Syrek, C. J., Kühnel, J., Vahle-Hinz, T., & De Bloom, J (۲۰۱۷). Share, like, twitter, and connect: Ecological momentary assessment to examine the relationship between non-work social media use at work and work engagement. *Work and Stress*, ۳۲(۳), ۲۰۹-۲۲۷. <https://doi.org/10.1080/02787433.2017.1367736>.
- Ter Hoeven, C. L., van Zoonen, W., & Fonner, K. L (۲۰۱۶). The practical paradox of technology: The influence of communication technology use on employee burnout and engagement. *Communication Monographs*, ۸۳(۲), ۲۳۹-۲۶۳. <https://doi.org/10.1080/03637701.2015.1133920>.
- Treem, J. W., & Leonardi, P. M (۲۰۱۳). Social media use in organizations: Exploring the affordances of visibility, editability, persistence, and association. *Annals of the International Communication Association*, ۳۶(۱), ۱۴۳-۱۸۹. <https://doi.org/10.1080/23808980.2013.11679130>.
- Van Wingerden, J., Derks-Theunissen, D., & Bakker, A (۲۰۱۷). The impact of personal resources and job crafting interventions on work engagement and performance. *Human Resource Management*, ۵۶(۱), ۵۱-۶۷. <https://doi.org/10.1002/hrm.21158>.
- van Zoonen, W., & Banghart, S (۲۰۱۸). Talking engagement into being: A three-wave panel study linking boundary management preferences, work communication on social media, and employee engagement. *Journal of Computer-Mediated Communication*, ۲۳(۵), ۲۷۸-۲۹۳. <https://doi.org/10.1093/jcmc/zmy014>.
- van Zoonen, W., Verhoeven, J. W. M., & Vliegenthart, R (۲۰۱۷). Understanding the consequences of public social media use for work. *European Management Journal*, ۳۵(۵), ۵۹۵-۶۰۵. <https://doi.org/10.1016/j.emj.2017.07.006>.
- Wharton, A. S (۱۹۹۳). The affective consequences of service work: Managing emotions on the Job. *Work and Occupations*, ۲۰(۲), ۲۰۵-۲۳۲. <https://doi.org/10.1177/0730888493020002004>.
- White, M., Butterworth, T., & Wells, J. S (۲۰۱۷). Healthcare quality improvement and 'work engagement'; concluding results from a national, longitudinal, cross-sectional



---

study of the 'Productive Ward-Releasing Time to Care' programme. *BMC Health Services Research*, ۱۷(۱), ۵۰۹-۵۱۰. <https://doi.org/10.1186/s12913-017-2447-2>.

Xanthopoulou, D., Bakker, A. B., Demerouti, E., & Schaufeli, W. B (۲۰۰۷). The role of personal resources in the job demands-resources model. *International Journal of Stress Management*, ۱۴(۲), ۱۲۱-۱۴۱. <https://doi.org/10.1037/1072-0245.14.2.121>.

Xiao, L., & Mou, J (۲۰۱۹). Social media fatigue -technological antecedents and the moderating roles of personality traits: The case of WeChat. *Computers in Human Behavior*, ۱۰۱, ۲۹۷-۳۱۰. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2019.08.001>.

Yu, L., Cao, X., Liu, Z., & Wang, J (۲۰۱۸). Excessive social media use at work: Exploring the effects of social media overload on job performance. *Information Technology & People*, ۳۱(۶), ۱۰۹۱-۱۱۱۲. <https://doi.org/10.1108/ITP-10-2016-0237>.



## تبیین بازتاب مؤلفه‌های فرهنگی حکمرانی اسلامی در کتب درسی دوره ابتدایی

زهرا برادران کاشی\*<sup>۱</sup>

علی باغدار دلگشا<sup>۲</sup>

### چکیده

حکمرانی اسلامی به مثابه یک ایده تلاش دارد با پیوند میان حکومت‌داری با هویت دینی که تمدن‌ساز است، مدلی کارآمد و اثرگذار در شیوه حکمرانی ارائه کند. نخستین نمونه‌های ایده حکمرانی دینی را در سیره نبوی و پس از آن در دوران حکمرانی امام علی علیه السلام می‌توان مشاهده کرد. طرح بحث حکمرانی مرتبط با هویت دینی در تاریخ معاصر ایران در دوران مشروطه مورد توجه قرار گرفت و بعدها با استقرار نظام جمهوری اسلامی، عینیت اولیه خود را نمایان کرد. ایده حکمرانی اسلامی همانند هر ایده سیاسی - اجتماعی مؤلفه‌های فرهنگی نیز دارد. پژوهش حاضر با روش کیفی

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: zahra.baradarankashani@mail.um.ac.ir

۲. دکتری گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.





و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا با تکیه بر برشماری غیرگزینشی منابع درسی دوره دبستان (کتب درسی هدیه‌های آسمانی و مطالعات اجتماعی) در تلاش است تا به این پرسش پاسخ دهد که کدام مؤلفه‌های فرهنگی حکمرانی اسلامی در کتب درسی مقطع دبستان بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند؟ همچنین، برای اثرگذاری روایات این کتب در فرایند جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان، کدام محورها نیازمند بازنگری هستند؟ هدف از انجام پژوهش حاضر، ارزیابی سطح بازتعریف مؤلفه‌های فرهنگی در کتب آموزشی مقطع دبستان هستند. نتیجه پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد مباحثی مانند هویت اسلامی - ایرانی، علل داخلی افول تمدن اسلامی، معرفی الگوی عناصر ساختار پیشین از تاریخ صدر اسلام و معرفی مفهوم جهاد تبیین، از جمله مواردی هستند که نیازمند بازنگری و توجه بیشتر در منابع درسی مقطع دبستان می‌باشند.

#### کلیدواژه‌ها:

حکمرانی اسلامی، بازتولید فرهنگی، هویت دینی، کتب آموزشی.





## ۱. مقدمه و بیان مسئله

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در حوزه حکومت و مملکت‌داری، پس از گذار از دوران نظامات قبیله‌ای، امپراتوری‌ها نخستین نمونه‌هایی بوده‌اند که در قالب مفهوم و نگرش دولت - کشور یا دولت - کشورها با تعریف ساختارهای سیاسی معین و همچنین با اهداف معلوم به کارآمدی سیاسی - اجتماعی پرداخته‌اند. در حقیقت، مفهوم دولت متمرکز و همچنین مفهوم کشور برای نخستین بار پس از تشکیل امپراتوری‌ها شکل گرفت. یک امپراتوری به‌عنوان دولت ممکن بود بر کشور یا حتی کشورهای مسلط باشد و بر آنها حکمرانی کند؛ امپراتوری ایران در دوران هخامنشی و ساسانی و همچنین امپراتوری روم، نمونه‌هایی از این قبیل بودند. پس از سقوط یا تضعیف ساختار امپراتوری‌ها، مفهوم دولت در قالب ظهور حکومت‌های مختلف به حیات خود ادامه داد، اما موضوع افراد درون کشور (هنوز مفهومی به نام ملت شکل نگرفته است) دچار بحران و تهدید بود. برای نمونه، ما در دوره‌های تاریخی مانند سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، آل بویه و ادوار مختلف سیر تطور حکومت‌های نیمه‌مستقل، دارای دولت هستیم، اما ملت نه. دولت غزنوی یا سلجوقی به‌عنوان دولت و حکمران بر نواحی به‌عنوان دولت حکومت می‌کنند، اما افراد و اجتماع تحت نظر این دولت، در قالب ملت به حیات خود ادامه نمی‌دهند، بلکه اجتماعاتی هستند که ذیل حضور و نقش دولت به زندگی خود می‌پردازند.

در ایران برای نخستین بار مفهوم دولت - ملت در دوران معاصر از میانه دوره ناصری به بعد در گفتمان سیاسی و مباحث مرتبط با حکمرانی در فهم دگراندیشان ایرانی شکل گرفت. در این نگرش، دولت، نظامی سیاسی بود که وظایفی معین داشت و با برنامه و اهداف خاص به ایفای نقش می‌پرداخت. در کنار دولت، ملت نیز مورد تعریف قرار می‌گرفت. ملت متشکل از افراد جامعه بود که دیگر رعیت به حساب نمی‌آمدند، بلکه اینک به‌عنوان مردم در ساخت سیاسی - اجتماعی مورد تعریف قرار می‌گرفتند؛ مردمی که حق دخالت در سیاست داشتند و دولت در برابر آنان برای خود باید مسئولیت و وظیفه تعریف می‌کرد. شکل‌گیری نظام مشروطه، نخستین تجربه جامعه ایران از نظام دولت - ملت بود که البته مفهوم ملت در آن، بیشتر مردان را شامل شده و ملت در معنی مرد و زن، کمتر در ساختار آن مورد توجه قرار می‌گرفت. با این حال همین نمونه ناقص، اولین تجربه شکل‌گیری





دولت - ملت برای ایرانیان بود. در دوران پهلوی اول نیز مفهوم دولت در قالب دولت خودکامه ظهور یافت و مفهوم ملت نیز تحت تأثیر نگرش ناسیونالیسم جنسیتی و تحت سیاست‌گذاری‌های دولتی در قالب تجددآمرانه قرار داشت.

در میان ظهور و شکل‌گیری مدل‌های مختلف حکمرانی، در ایران دوره معاصر مدلی جدید از حکمرانی با عنوان «حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی» (از ایده تا تحقق) ظهور یافت. نخستین نمونه‌های ایده حکمرانی انقلابی را در گفتمان سیاسی دوران مشروطه می‌توان مشاهده کرد؛ بعدها ایده حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی با استقرار نظام جمهوری اسلامی، عینیت اولیه خود را نمایان کرد. حکمرانی اسلامی به مثابه یک ایده در تلاش است تا با تکیه بر ساختارهای هویت دینی و تعریف سازوکار حکمرانی، بر پایه اخلاق دینی و روحیات الهی و معنوی ضمن عینیت، به تثبیت و گسترش مبانی و محورهایی در عرصه حکمرانی بپردازد که بتواند میان مفاهیمی، مانند حکومت - دولت با الهیات دینی، رابطه برقرار کند. حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی (اسلام انقلابی در نسبت با اسلام سنتی) نگرشی است که بر پایه هویت دینی و با تأکید بر شعار حکمرانی اخلاقی بر پایه مبانی شریعت قصد دارد مدلی متفاوت از حکومت‌داری در دوران معاصر را تعریف کند؛ مدلی که نمونه‌های مرتبط با زیست اسلامی در آثار متفکران انقلابی همچون شهید مطهری و همچنین دکتر علی شریعتی در دوران پهلوی دوم در قالب مفاهیمی مانند «انقلاب نبوی»، «انقلاب فاطمی»، «انقلاب علوی» و «حماسه حسینی» مورد تعریف قرار گرفته است (شریعتی، ۱۳۴۲: ۲۳-۵؛ برام، بی تا: ۱۰؛ شریعتی، بی تا: ۹۴-۳۵؛ مطهری، ۱۳۸۹: ۳۸۹-۳۴۲؛ همان، ۱۳۷۹: ۱۰۹-۴۵). به باور این متفکران، هدف اصلی در حکمرانی انقلابی، آمادگی جامعه اسلامی برای انقلاب مهدوی است.

حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی برای آنکه بتواند جامعه تحقق بر اهداف خود ببوشاند، باید از تمامی ظرفیت‌ها بهره بگیرد. معرفی و ترویج نگرش‌ها و اهداف موجود در نگرش حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی در کتب درسی، یکی از راه‌های اثرگذاری است که می‌توان به صورت ساختارمند از آن بهره برد. از منظر جامعه‌شناختی، کتب درسی و مدرسه، از مهم‌ترین محورهای اثرگذار در فرایند اجتماعی شدن افراد هستند. پژوهش حاضر با برشماری کامل و غیرگزینشی منابع درسی دوره دبستان در حوزه‌های علوم انسانی شامل کتب درسی مطالعات اجتماعی و هدیه‌های آسمانی، در تلاش است





تا مؤلفه‌های فرهنگی مرتبط با حکمرانی اسلامی را در این منابع آموزشی مورد بحث و بررسی قرار دهد.

ضرورت انجام پژوهش حاضر از این جهت است که با توجه به اثرگذاری شاخصی که منابع درسی در فرایند جامعه‌پذیر شدن افراد دارد، مهم است که این منابع چه الگوها و ساختارهای تعلیمی - تربیتی ای را ترویج می‌کنند. با توجه به آنکه یکی از اهداف اصلی در نظام جمهوری اسلامی تعلیم و تربیت بر پایه فرهنگ اصیل اسلامی است، لازم است تا روایات مندرج در کتب درسی در ساختار آموزشی آن با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گرفته و همچنین، متناسب با شرایط زمانی و البته ضمن حفظ اهداف و آرمان‌های اولیه، مطالب با هدف تقویت و اثرگذاری بیشتر مورد بازنگری قرار گیرند. هدف نهایی از انجام پژوهش حاضر، آن است تا ضمن بازبینی روایات مندرج در این کتب درسی، کاستی‌های احتمالی استخراج شود تا براساس آن روایتی جامع‌تر و اثرگذارتر در چاپ‌های بعدی برای این منابع درسی صورت پذیرد.

## ۲. ادبیات نظری و پیشینه

حکمرانی اسلامی به مثابه یک ایده در ساختار حکومت - سیاست و دولت، در صورت پیوند با معنویت و الهیات دینی راستین، می‌تواند باعث ظهور جامعه اسلامی آرمانی شود؛ جامعه‌ای که بسیاری از متفکران اسلامی در قالب مدینه فاضله یا مدینه عادلانه به ترسیم برنامه و هدف برای آن پرداخته‌اند؛ اجتماعی که هدفش تحقق سعادت و تکامل انسان بوده است (آزادارمکی، ۱۳۸۹: ۲۲۲-۲۱۷؛ همان، ۱۳۸۷: ۲۳۶-۲۳۱). بررسی دیدگاه‌های متفکران مسلمان و مقایسه آن با نگرش‌های انقلابی با رویکرد هویت دینی نشان می‌دهد که می‌توان مؤلفه‌هایی مانند دشمن‌شناسی؛ پایداری، استقامت و مبارزه؛ زیست اسلامی؛ تمدن نوین اسلامی؛ امامت و ولایت؛ هویت دینی - اسلامی را به‌عنوان نمونه‌هایی از مؤلفه‌های فرهنگی در ایده حکمرانی انقلابی معرفی کرد.

معرفی کلان‌روایت‌های موضوعی و مؤلفه‌های فرهنگی در حوزه حکمرانی انقلابی، رابطه مفهومی میان ایده حکمرانی انقلابی با نمونه‌های دارای ارتباط در روایت‌های مندرج در کتب آموزشی، استخراج محورهای مرتبط با حکمرانی انقلابی در فحوای متنی دروس آموزشی (مقطع



دبستان)، معرفی ویژگی‌ها و مصادیق حکمرانی انقلابی در منابع درسی مطالعات اجتماعی و هدیه‌های آسمانی و همچنین، معرفی دوگانه حکمرانی انقلابی (الهی و دارای معنویت) و حکمرانی طاغوتی (باطل و غیرالهی)، اصلی‌ترین محورهایی هستند که در ادبیات موضوعی پژوهش حاضر قابل بررسی اند. با توجه به نقش مهمی که کتب درسی و مدرسه در فرایند اجتماعی شدن افراد دارند، تحلیل مطالب فرهنگی مندرج در این کتب درسی و سنجش و ارزیابی موارد استخراج‌شده با مؤلفه‌های فرهنگی مرتبط با موضوع «حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی» به‌عنوان هدف و سیاست متداوم در نظام جمهوری اسلامی می‌تواند ظرفیت‌ها و البته، کاستی‌های موجود را به ما نشان دهد.

## ۲-۱. مبانی نظری

«برنامه درسی ملی» سندی است که نقشه کلان برنامه درسی و چهارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به‌منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌کند. این سند که مصوب جلسات ۸۷۲ تا ۸۵۷ شورای عالی آموزش و پرورش از تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۹ تا ۱۳۹۱/۰۶/۲۸ است، سیاست‌گذاری آموزشی مرتبط با دروس مختلف در نظام تعلیم و تربیت را نشان می‌دهد (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۱). هدف این سند به‌عنوان «نقشه جامع یادگیری»، آن است که با «تدوین برنامه راهبردی و جامع یادگیری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و معارف و حیانی»، نیازهای حال و آینده جامعه را رفع کند و برای تحقق اهداف فرهنگی - اجتماعی نظام جمهوری اسلامی گام بردارد (همان: ۵). با توجه به سیاست‌گذاری‌های تعریف‌شده در «برنامه درسی ملی» و همچنین، تأثیر مطالب مندرج در کتب آموزشی در فرایند جامعه‌پذیر شدن دانش‌آموزان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه و لزوم هم‌خوانی مؤلفه‌های فرهنگی در این کتب درسی با سیاست‌های کلان و متداوم نظام، مانند مقوله حکمرانی انقلابی، لازم است در تحقیقاتی متداوم، این مؤلفه‌های واکاوی و ارزیابی شوند تا بتوان ضمن تکرار نمونه‌های مثبت و تداوم تشریح آنها، با اصلاح، بازنگری، بازتولید و کارآمدسازی، میزان اثرگذاری این مؤلفه‌های فرهنگی را افزایش داد.

متناسب با ادبیات نظری مذکور، باید اشاره کرد که هدف اصلی پژوهش حاضر، نشان دادن نمونه‌های مطرح‌شده مرتبط با مؤلفه‌های فرهنگی در حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی در کتب



درسی آموزشی مقطع دبستان شامل دو نمونه مورد مطالعه است: الف) کتاب‌های هدیه‌های آسمانی؛ ب) کتاب‌های مطالعات اجتماعی. درباره چرایی انتخاب این دو نمونه مورد مطالعه باید اشاره کرد که کتب درسی مقطع دبستان را از نظر موضوع می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: الف) کتب مرتبط با موضوع زبان فارسی در دو قالب گفتار و نوشتار، مانند کتاب‌های فارسی و نگارش فارسی؛ ب) کتب حوزه علوم غیرانسانی، مانند ریاضی، علوم تجربی و کار و فناوری؛ ج) کتب تعلیمی با رویکرد اجتماعی و موضوع فرهنگ‌سازی الگوهای هویت دینی، شامل کتاب‌های آموزش قرآن، هدیه‌های آسمانی و مطالعات اجتماعی. در میان کتاب‌های دسته سوم، کتاب آموزش قرآن هرچند روایت‌های مختلفی از هویت دینی دارد و برخی مؤلفه‌های فرهنگی حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی، مانند دشمن‌شناسی، در قالب معرفی شخصیت و ویژگی‌های رفتاری فرعون به‌عنوان نمونه‌ای از نظام غیرالهی و طاغوتی و همچنین، الگوهای مقاومت دینی و پندهای مرتبط با زیست و سبک زندگی اسلامی است (آموزش قرآن اول دبستان، ۱۴۰۲: ۸۵-۷۰)، اما با توجه به آنکه در رسته موضوعی علوم قرآنی قرار دارد، در دایره منبع‌شناسی پژوهش حاضر قرار نگرفته است. این منبع به دلیل گستردگی موضوع و اهمیت ویژه‌ای که دارد، پژوهشی مستقل را طلب می‌کند.

با توجه به مطالب مطرح‌شده، دو عنوان کتاب درسی با نام‌های هدیه‌های آسمانی (تعلیمات دینی) و مطالعات اجتماعی که در مجموع شامل نه کتاب درسی می‌شوند، به‌عنوان منبع مورد بررسی در پژوهش حاضر انتخاب شده‌اند. تمامی کتب مربوط به این دو درس که در مقطع ابتدایی تدریس می‌شوند، به‌صورت غیرگزینشی ارزیابی شده‌اند. همچنین، تمامی مطالب و فحوای متنی مندرج در دروس این کتاب‌ها نیز در پژوهش پیش‌رو مورد بررسی قرار گرفته‌اند. استخراج نمونه‌های مرتبط و مروج مؤلفه‌های فرهنگی در ایده حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی که در این کتب آموزشی مورد توجه قرار گرفته‌اند، ارزیابی سطح کیفی روایت یا تحلیل ارائه‌شده در آنها و همچنین بیان نمونه‌های مغفول‌مانده، ازجمله اهداف اصلی در پژوهش حاضر هستند.

بررسی‌های انجام‌شده شامل خوانش و بررسی مفاد مندرج در تمامی کتاب آموزشی دو درس هدیه‌های آسمانی و تعلیمات اجتماعی به ما نشان می‌دهد که روایات مرتبط با مؤلفه‌های فرهنگی مرتبط با حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی، مانند دشمن‌شناسی؛ مبارزه، پایداری و استقامت؛





معرفی الگوهای مقاومت؛ عملگرایی جمعی بر پایه رهبری دینی؛ معنویت‌گرایی و همچنین معرفی فرهنگ دینی - ملی در مقابل فرهنگ وارداتی در روایات کتب آموزشی دو درس هدیه‌های آسمانی و تعلیمات اجتماعی با سطح کیفی متفاوت مورد توجه قرار گرفته‌اند. با این حال، برای تقویت مؤلفه‌های فرهنگی مرتبط با حکمرانی انقلابی در کتب درسی، باید موارد زیر مورد توجه سیاست‌گذاران حوزه آموزشی قرار گیرند:

الف) تکرار: تداوم روایت و تحلیل نمونه‌های مرتبط و کارآمد با مؤلفه‌های فرهنگی در حکمرانی انقلابی که در این کتب درسی مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ مانند مفهوم دشمن‌شناسی و الگوهای دوگانه حق و باطل.

ب) تقویت و اصلاح: الگوهای مقاومت و همچنین عناصر ساختار پیشین با رویکرد هویت دینی، لازم است علاوه بر آنکه مورد توجه بیشتر قرار بگیرند، از حالت توصیفی محض نیز خارج شوند و با زبانی عمومی در سطحی قابل فهم ضمن تحلیل، به دنبال آن باشند که به برخی شبهات نیز پاسخ دهند.

ج) تغییر: مؤلفه‌هایی مانند تمدن‌سازی (تمدن نوین اسلامی)، تمدن‌مندی (دوران طلایی تمدن اسلامی)، توانمندی اجتماعی (مهارت‌یابی)، فعالیت‌های گروهی برون‌خانوادگی (اقدامات تیمی) و مسئله‌شناسی - مسئله‌یابی (شناخت مسائل و تلاش برای نوع مواجهه با آن و درنهایت حل) یا مورد توجه قرار نگرفته‌اند یا در پایین‌ترین سطح به آنها پرداخته شده است.

با توجه به آنکه در جهان حال و آینده، جامعه‌ای می‌تواند حرف برای گفتن داشته باشد که ۱. شناختی درست از پیشینه تمدنی خود و دیگر تمدن‌ها داشته باشد؛ ۲. به این پیشینه تمدنی نگاهی انتقادی - کارآمدی داشته باشد و بتواند ضمن استخراج مؤلفه‌های کارآمد، نمونه‌های غیراثرگذار را حذف کند؛ ۳. سطحی از توانمندی برای مواجهه با پدیده‌های نوظهور داشته باشد، لازم است مؤلفه‌های ذکر شده در متن و روایت کتب درسی اضافه شود. راپیان و تدوین‌گران این بخش لازم است افرادی با مطالعات بین‌رشته‌ای باشند.

## ۲-۲. پیشینه پژوهش

پیشینه‌های علمی با پژوهش حاضر، عمدتاً شامل تحقیقاتی می‌شوند که موضوعات و مفاهیم





اجتماعی در کتب درسی را بررسی کرده‌اند. برای نمونه، در مقاله «بررسی جایگاه جامعه مدنی در کتب درسی، با تأکید بر کتب مطالعات اجتماعی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول» به روش کیفی، مفهوم «جامعه مدنی» را در کتاب‌های دو دهه اخیر مطالعات اجتماعی بررسی کرده است (میرزائی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲-۳۲). مقاله «همبستگی ملی در کتب درسی دوره ابتدایی: مورد مطالعه کتب فارسی» موضوع همبستگی ملی را در نمونه موردی کتاب فارسی تحلیل کرده است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۳۲). در کتاب آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، ضمن معرفی کارکرد اجتماعی مدرسه و نهاد آموزش و پرورش به بررسی اسناد بالادستی و سندهای تحول آموزش و پرورش متناسب با سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی نیز پرداخته است (صافی، ۱۳۹۳: ۱۳-۷ و ۳۲-۵۰).

در مقاله «بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از حیث توجه به آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر نظرات شهید مطهری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی» نیز نشان داده شده است که مؤلفه‌های مرتبط با انقلاب اسلامی از نظر شهید مطهری که عبارت از چهار مؤلفه عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی و معنویت اسلامی هستند، «صرفاً در کتب فارسی پایه اول، هدیه‌های آسمانی پایه پنجم و مطالعات اجتماعی پایه چهارم» مورد توجه بوده‌اند. همچنین، در میان مفاهیم چهارگانه مذکور، مفاهیمی مانند آزادی و عدالت اجتماعی در پایین‌ترین سطح توجه و تکرار قرار داشته‌اند (پاک‌مهر، ۱۳۹۵: ۱۷۶-۱۷۵). در صورت صحت خروجی مطرح‌شده و با توجه به اهمیت موضوع عدالت اجتماعی در تمدن‌مندی (دیدگاه متفکران مسلمان مانند فارابی و ابن‌خلدون)، تمدن اسلامی (دوران طلایی تمدن اسلامی) و بازآفرینی تمدنی (ساخت تمدن نوین اسلامی و نمونه‌هایی مانند بیانیه گام دوم انقلاب)، لازم است یک بازبینی اساسی در این زمینه در محورهای کتب درسی لحاظ شود.

در تحقیقاتی دیگر مانند «تحلیل محتوای کتب درس دینی دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد تربیتی محبت اهل بیت (علیهم‌السلام)» (متمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۴-۱۰۳) و همچنین، «تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از منظر توجه به ابعاد و مؤلفه‌های بیداری اسلامی» (میرزائی، ۱۴۰۰: ۱۶۵-۱۴۹) نیز مباحث تعلیمی - تربیتی و توانمندسازی‌های اجتماعی مرتبط با هویت دینی و کنشگری‌های سیاسی در جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته‌اند.



جدول شماره ۱: مروری بر پیشینه پژوهش

نویسنده (گان) روش استفاده شده	اهداف یا پرسش‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
میرزایی و خزایی، (۱۳۹۹)، به روش توصیفی - تحلیل کیفی	بررسی جایگاه جامعه مدنی در کتب درسی، با تأکید بر کتب مطالعات اجتماعی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول	براساس یافته‌های این مطالعه، در محتوای کتب مورد بررسی هر دو مقطع ابتدایی و متوسطه اول به مقدار کمی به جامعه مدنی و مصداق آن و فعالیت‌های داوطلبانه رسمی پرداخته شده است و بیشترین توجه به فعالیت‌های داوطلبانه مربوط به معرفی جمعیت هلال احمر و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) بوده است.
قاسمی، (۱۳۸۷)، به روش تحلیل محتوا	همبستگی ملی در کتب درسی دوره ابتدایی: مورد مطالعه کتب فارسی	در کتب درسی دوره ابتدایی حدود ۵۲ درصد از مطالب مستقیم و غیرمستقیم همبستگی ملی - میهنی را مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند. هدف این مطالب آن است که اعمال، احساسات، غرور، دلبستگی‌ها و اعتقادات دانش‌آموزان، همگی به موازات هم و توأمان در مسیری هدایت شوند که نتیجه آن، تقویت روح جمعی ملی و به تبع آن، تحقق و تحکیم همبستگی ملی باشد.
پاک‌مهر، (۱۳۹۵)، به روش تحلیل محتوا	بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از حیث توجه به آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر نظرات شهید مطهری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی	نتایج نشان داد که بیشترین مفاهیم در کتب درسی فارسی، هدیه‌های آسمانی و مطالعات اجتماعی پایه اول تا ششم، ناظر بر مبحث معنویت اسلامی و استقلال بوده و کمتر به مفهوم آزادی و عدالت اجتماعی توجه شده است.



نویسنده(گان) روش استفاده شده	اهداف یا پرسش های اصلی	مهم ترین یافته ها
متقی و همکاران، (۱۳۹۴)، به روش تحلیل محتوا	تحلیل محتوای کتب درس دینی دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد تربیتی محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	کتب درسی دینی به موضوعاتی نظیر محبت نسبت به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ، شیوه های برقراری ارتباط عاطفی و عقلانی با آنان همراه با تأکید بر نقش تکوینی و تشریحی آنان در سلسله مراتب عالم هستی و بیان دلایل عقلی این موضوع پرداخته اند.
میرزایی، (۱۴۰۰)، به روش تحلیل محتوا	تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از منظر توجه به ابعاد و مؤلفه های بیداری اسلامی	براساس یافته های تحقیق در کتب درسی هدیه های آسمانی، فارسی و تعلیمات اجتماعی، بیشترین فراوانی مفاهیم مربوط به ابعاد و مؤلفه های بیداری اسلامی است.

با وجود انجام تحقیقات مذکور و برخی نمونه های دیگر، همچنان انجام پژوهشی با موضوع مقاله حاضر حائز اهمیت است، زیرا در تحقیقات پیشین، موضوع و ایده «مؤلفه های فرهنگی مرتبط با ایده حکمرانی انقلابی» به عنوان اصلی ترین محورهای قابل بررسی در کتب درسی مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است.

### ۳. روش شناسی پژوهش

در این پژوهش، از روش کیفی و فن تحلیل محتوا استفاده شده است. چهارچوب و مدل تحقیق نیز مفهومی بوده و برای بررسی مفاهیم، از رویکرد تحلیلی استفاده شده است. روش گردآوری تمامی داده ها در پژوهش حاضر نیز به صورت اسنادی (کتابخانه ای و آرشیوی) در قالب برشماری کامل و غیرگزینشی نمونه های مورد مطالعه شامل کتاب های هدیه های آسمانی و تعلیمات اجتماعی مقطع دبستان است. جامعه آماری مورد استفاده در پژوهش حاضر نیز عبارتند از: کتاب های هدیه های آسمانی سال دوم دبستان با کد ۲۰۲، هدیه های آسمانی سال سوم دبستان با کد ۳۰۲، هدیه های



آسمانی سال چهارم دبستان با کد ۴۰۲، هدیه‌های آسمانی سال پنجم دبستان با کد ۵۰۲، هدیه‌های آسمانی سال ششم دبستان با کد ۶۰۲ و همچنین کتاب‌های مطالعات اجتماعی سال سوم دبستان با کد ۳۰۷، مطالعات اجتماعی سال چهارم دبستان با کد ۴۰۷، مطالعات اجتماعی سال پنجم دبستان با کد ۵۰۷ و مطالعات اجتماعی سال ششم دبستان با کد ۶۰۷.

لازم به ذکر است که در مقطع دبستان، درس هدیه‌های آسمانی از سال دوم دبستان و درس مطالعات اجتماعی از سال سوم دبستان در واحدهای مورد تعریف قرار گرفته‌اند. از همین رو در سال اول دبستان، درسی با نام «هدیه‌های آسمانی» و در سال‌های اول و دوم دبستان درسی با عنوان «مطالعات اجتماعی» در چارت آموزشی وجود ندارد.

مفاهیم و موضوعات کلیدی و مرجع در مقاله پیش‌رو نیز عبارتند از: «حکمرانی انقلابی»، «مؤلفه‌های حکمرانی انقلابی»، «نقش مدرسه و کتب درسی در جامعه‌پذیر شدن»، «مؤلفه‌های فرهنگی مرتبط با اهداف حکمرانی انقلابی در کتب درسی» و «ظرفیت‌ها و الزامات مرتبط با حکمرانی انقلابی در کتب درسی». منظور از حکمرانی انقلابی، شیوه متداوم انقلابی بودن و انقلابی ماندن در عرصه سیاست با بهره‌گیری از آمیختگی سیاست‌ورزی انقلابی با الهیات دینی است.

مؤلفه‌های فرهنگی حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی در منابع دینی - تعلیمی مانند نهج البلاغه، نامه حضرت امیر علیه السلام به مالک اشتر، صحیفه سجادیه، خطبه فدکیه و همچنین، برخی آیات و روایت‌های قرآنی و همچنین منابع اسنادی و کتابخانه‌ای شامل کتاب قانون اساسی و همچنین، کتاب‌هایی مانند اسلام ناب و اسلام آمریکایی؛ دشمن‌شناسی؛ ایمان، آزادی و استقلال؛ غرب‌شناسی؛ انقلاب اسلامی؛ آرمان‌گرایی و بسیج؛ عاشورا؛ اخلاق و تربیت؛ شهروند تراز انقلاب اسلامی؛ تمدن نوین اسلامی؛ بیداری اسلامی؛ ولایت و تشیع؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ قرآن و همچنین هویت ملی از مجموعه کتاب‌های ره‌نامه به ما نشان می‌دهد که در این منابع، مؤلفه‌های مذکور در محورهایی مانند ۱. دشمن‌شناسی؛ ۲. پایداری، استقامت و مبارزه؛ ۳. زیست اسلامی؛ ۴. تمدن نوین اسلامی؛ ۵. امامت و ولایت؛ ۶. هویت دینی - اسلامی معرفی شده‌اند.



جامعه‌پذیر شدن یا اجتماعی شدن، یک فرایند است که طی آن افراد یک اجتماع می‌آموزند چه اموری هنجار یا ناهنجار است، چگونه باید مراودات اجتماعی خویش را تعریف کنند و در زیست اجتماعی‌شان چه پایدها و نبایدهایی را رعایت کنند. خانواده و تربیت خانوادگی، مدرسه و کتاب درسی، ساخت جامعه، همه و همه در این فرایند تأثیرگذار هستند و اجتماعی شدن افراد در یک جامعه در مواجهه با تمامی موارد مذکور است که شکل می‌گیرد. در این میان، «نقش مدرسه و کتب درسی در جامعه‌پذیر شدن» افراد بسیار مهم است، چراکه در فهم عمومی جامعه ما، «خانه، مدرسه اول» و «مدرسه، خانه دوم» افراد شناخته می‌شود. با توجه به نقش مدرسه به‌عنوان خانه دوم، مدت زمانی که افراد در طول روز در مدرسه می‌گذرانند و سن حضور در مقطع دبستان که لایه اصلی شخصیت افراد در آن شکل می‌گیرد، می‌توان بر این امر تأکید داشت که فحوا و روایات مندرج در کتب درسی که در مدارس به‌عنوان منبع اصلی آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرند، نقشی مهم در نوع و سطح کمی و کیفی جامعه‌پذیر شدن دانش‌آموزان داشته و دارند.

منظور از «مؤلفه‌های فرهنگی مرتبط با اهداف حکمرانی اسلامی در کتب درسی» نیز عبارت است از: مفاهیم و موضوعاتی که در محورهای شش‌گانه (۱. دشمن‌شناسی؛ ۲. پایداری، استقامت و مبارزه؛ ۳. زیست اسلامی؛ ۴. تمدن نوین اسلامی؛ ۵. امامت و ولایت؛ ۶. هویت دینی - اسلامی) به‌عنوان مؤلفه‌های حائز اهمیت در حکمرانی اسلامی در دروس مندرج در کتب آموزشی و درسی هدیه‌های آسمانی و مطالعات اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این مطالعه، فرایند تحلیل در دو مرحله انجام شده است. در مرحله نخست، به استخراج محورهای شش‌گانه مذکور با تکیه بر برخی از منابع دینی - تعلیمی و منابع اسنادی - کتابخانه‌ای که پیش‌تر ذکر آن رفت، پرداخته شده است و در مرحله بعد، محورهای مذکور با مطالب مندرج در هر واحد درسی تطبیق داده شده و میزان توجه به هرکدام از این محورها در واحدهای درسی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در جدول شماره (۱) نیز به مضامین پایه، مقوله‌های محوری و مقوله‌های بازسازی‌شده ناظر بر شش محور مذکور، اشاره شده است. برای نمونه، در برخی از منابع درسی مواردی از این محورهای شش‌گانه مورد توجه قرار نگرفته‌اند یا در یک عنوان کتاب به برخی محورها توجه زیاد شده است و برخی موارد دیگر در سطحی بسیار پایین یا حتی بسیار کوتاه مورد توجه بوده‌اند.



جدول شماره ۲: مضامین پایه، مقوله‌های محوری و مقوله‌های بازسازی شده مؤلفه‌های شش‌گانه

مقوله‌های بازسازی شده	مقوله‌های محوری	مضامین پایه
دشمن شناسی	حکمرانی طاغوت در تاریخ اسلام	حکمرانی الهی، حکمرانی طاغوت، بندگی، بردگی، اطاعت از خدا، اطاعت از شیطان، تجاوز، توطئه، حمله نظامی، برنامه استعماری، غلبه، استکبار، استکبارستیزی، نفوذ، سلطه، متجاوز، جنایتکار، عوامل دشمن، طرح دشمن، شیطان بزرگ، طاغوت.
	حکمرانی غیرایرانی‌ها (رومی‌ها) بر ایران	
	نفی استقلال ملی ایران توسط آمریکا	
	حمله عراق به ایران	
	نفوذ دشمن و لزوم مقابله با آن	
پایداری، استقامت و مبارزه	در مقابل دشمن باید ایستادگی کرد.	مبارزه، ایستادگی، پایداری، دفاع، تقابل، تبیین سیره، هویت دینی، ارزش‌های اسلامی، فرهنگ اصیل، فرهنگ‌سازی، جبهه حق، حق‌طلبی، زورناپذیری، جهاد تبیین، آزادگی، آزادگان، اصلاح امت، فرهنگ شهادت، شهید، مظلومیت، نهضت، پاسداری.
	انجام جهاد تبیین با هدف شناخت فرهنگ اصیل	
	دادرسی از مظلومان در برابر دشمن	
	پاسداری از ارزش‌ها در مقابل نارزش‌ها	
	استقامت، رمز ادامه‌دار شدن نهضت است.	
زیست اسلامی	زندگی و رفتار ائمه اطهار، بارزترین الگو برای مؤمنان است.	اهلیت <small>علیهم‌السلام</small> ، امامان شیعه، حدیث کساء، اسلام راستین، اهل ایمان، تعلیمات دینی، هویت زن مسلمان، زن پاکدامن، بهشت، زنان بهشتی و مؤمنان، شخصیت‌های قرآنی: آسیه، فعالیت‌های اجتماعی، مؤمنان در قرآن.
	زن مسلمان - زن مؤمن، هویت خود را از تعلیمات دینی الگوگیری می‌کند.	
	اعمال زنان و مردان مؤمن که در قرآن معرفی شده‌اند، ملاک خوبی به‌عنوان الگوهای دینی هستند.	



مقوله‌های بازسازی شده	مقوله‌های محوری	مضامین پایه
تمدن نوین اسلامی	با ظهور اسلام، دوران تمدن‌سازی توسط پیامبر ﷺ آغاز شد.	تمدن، شکل‌گیری تمدن، تمدن‌سازی اسلامی، تمدن‌مندی اسلامی، تمدن نوین اسلامی، ایرانیان مسلمان، نقش‌ی مهم در تمدن‌مندی اسلامی داشته‌اند.
	ایرانیان مسلمان، نقش‌ی مهم در تمدن‌مندی اسلامی داشته‌اند.	ایرانیان مسلمان، دوران طلایی علم، بحران داخلی، مدارس نظامیه، رصدخانه، توسعه علم، نهضت ترجمه، جامعه آرمانی، حکومت اسلامی، مسجد، علوم نوین، تاریخ اسلام، شیخ طوسی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی.
	مدارس نظامیه و نهضت ترجمه، نمونه‌هایی از رشد علم در تمدن اسلامی هستند.	
	تمدن نوین اسلامی، ایده‌ای است که می‌خواهد مسلمانان را به عزت بازگرداند.	
امامت و ولایت	در گفتمان سیاسی - اجتماعی در اسلام، اطاعت‌پذیری از رهبر دینی واجب است.	هدایت جامعه، امت، امامت، ولایت فقیه، ولی فقیه، پیروزی، انقلاب اسلامی، تدبیر رهبری، گفتمان سیاسی - اجتماعی اسلام، وحدت، اطاعت‌پذیری، رهبر دینی، مسجد، تداوم حکمرانی، پیاده‌روی اربعین، راهیان‌نور، پایگاه، تشکیلات، کار گروهی.
	رهبر دینی، نقش‌ی مهم در تداوم حکمرانی اسلامی دارد.	
	ولایت فقیه، یک اصل دینی در فرایند حکمرانی اسلامی است.	
	پشتیبانی از ولی فقیه و ولایت فقیه برای حفظ حکمرانی دینی لازم است.	
هویت دینی - اسلامی	فرهنگ نبوی، خاستگاه اصلی زیست‌مبتنی بر هویت دینی است.	هویت، هویت دینی، هویت ملی، هویت قومی، فرهنگ نبوی، فرهنگ اسلامی، سیره ائمه، جامعه اسلامی، جهان‌بینی توحیدی، حج، عید فطر،
	هویت دینی - ملی، ضامن استقلال و مانع نفوذ فرهنگی است.	





مضامین پایه	مقوله‌های محوری	مقوله‌های بازسازی شده
مردم‌سالاری دینی، جمهوری اسلامی، فرهنگ بیگانه، فرهنگ غربی، هویت غیرایرانی.	جمهوری اسلامی مبتنی بر ایده مردم‌سالاری دینی شکل گرفته است.	
	در هویت دینی به موضوع وحدت اسلامی توجهی ویژه شده است.	

#### ۴. یافته‌های پژوهش

حکمرانی انقلابی به مثابه یک ایده در قالب هم‌آمیزی حکومت‌داری با الهیات دینی، مروج نگرش پایداری و استقامت و همچنین هدف برای حال و آینده به منظور تحقق ایده تمدن‌مندی و تمدن‌سازی بر پایه باورهای دینی است که عقاید شیعی در کنار موضوع وحدت اسلامی، تشکیل‌دهنده ساختار آن هستند. مفهوم طاغوت در حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی مورد توجه قرار می‌گیرد. دوگانه الهی - شیطانی و نظام حکمرانی طاغوت که ناباور به ساختارهای حکمرانی الهی هستند، دیگر محور مورد توجه در مدل مذکور می‌تواند باشد. در حکمرانی اسلامی برای رسیدن به هدف از مفاهیمی مانند پایداری، استقامت و مبارزه استفاده می‌شود.

در این نوع از حکمرانی، معرفی الگوها و عناصر ساختار پیشین اهمیت فراوانی دارند. این الگوها و عناصر ساختار پیشین، نشان‌دهنده پیشینه و ریشه‌دار بودن این گفتمان است. برای ساخت تمدن نوین اسلامی، لازم است تا دوران تمدن‌سازی (دوران حیات پیامبر اسلام ﷺ و تلاش ایشان برای ساخت هویت اسلامی) و تمدن‌مندی (دوران طلایی تمدن در اسلام از قرن سوم تا هفتم هجری قمری) به درستی شناخته شود تا براساس تجربیات آن دوران و همچنین شناخت نیازهای زمانه، بتوان برای تحقق ایده ساخت تمدن نوین اسلامی گام‌های عملی بهتری برداشت. در این بخش با تکیه بر محورهای ذکر شده، تلاش می‌شود نمونه‌های مرتبط با هر محور که در منابع مورد تحقیق در پژوهش حاضر شامل کتب دو درس هدیه‌های آسمانی و مطالعات اجتماعی در مقطع دبستان روایت شده‌اند، استخراج شوند و مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند.





## ۴-۱. دشمن‌شناسی

در منابع مورد تحلیل در پژوهش حاضر، بیشترین سطح توجه به موضوع انسان در جهان‌بینی توحیدی در درس‌های مندرج در کتاب هدیه‌های آسمانی وجود دارد. در این کتاب به تعریف توحید، بندگی و جامعه توحیدی (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۹) و همچنین رابطه و علاقه خدا به انسان (هدیه‌های آسمانی دوم دبستان، ۱۴۰۲: ۲۲) پرداخته شده است. محور دیگر، دشمن‌شناسی است که به صورت گسترده مورد توجه قرار گرفته است. در این بخش با معرفی دوگانه‌های حکمرانی الهی و حکمرانی طاغوتی مندرج در قرآن، مانند مناظره حضرت ابراهیم علیه السلام و نمرود (هدیه‌های آسمانی سوم دبستان، ۱۴۰۲: ۲۶-۲۸) و فرعون و حضرت موسی علیه السلام (هدیه‌های آسمانی چهارم دبستان، ۱۴۰۲: ۱۵) تلاش شده است تا نشان داده شود که هرچند حکومت‌های طاغوتی در طول تاریخ وجود داشته‌اند، اما ناپایدار و متزلزل بوده‌اند و نمایندگان حکمرانی الهی و دینی همیشه در مقابل آنان ایستادگی کرده و به پیروزی نهایی رسیده‌اند.

علاوه بر این، با شرح روایت‌های تاریخی و ذکر ویژگی‌های حکمرانی یزید و حکومت طاغوتی او (هدیه‌های آسمانی سوم دبستان، ۱۴۰۲: ۳۷-۴۰)، روابط مأمون (نماینده حکمرانی طاغوتی) و امام رضا علیه السلام به عنوان نماینده حکمرانی الهی - اخلاقی (هدیه‌های آسمانی چهارم دبستان، ۱۴۰۲: ۵۷) و همچنین، معرفی دوگانه‌های امام هادی علیه السلام - متوکل عباسی و دیگر امامان شیعه (نماد حکمرانی الهی) با خلافت عباسی (حکمرانی طاغوتی) (هدیه‌های آسمانی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۲۸، ۹۹ و ۷۳) تلاش شده است تا تداوم کنشگری نمایندگان حکمرانی الهی روایت شود. در این میان، دوگانه علوی - اموی یا حسینی - یزیدی بیش از دیگر نمونه‌ها مورد توجه و ترویج قرار گرفته است (مطالعات اجتماعی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۱۰۶).

در محور دشمن‌شناسی علاوه بر بهره‌گیری از نمونه‌های قرآنی و تاریخ اسلامی، به تحولات دوران معاصر نیز توجه شده است. در این محور با معرفی مفهوم استکبار، استعمار، تجاوز و شرح نمونه‌های تاریخ ایرانی مانند دفاع از استقلال ملی در دوران اشکانیان و ساسانیان و ایستادگی در مقابل تهاجم رومی‌ها (مطالعات اجتماعی چهارم دبستان، ۱۴۰۲: ۷۲-۷۶)، به تشریح مقاومت‌های ملی ایرانیان در دوران معاصر در مقابل دشمنانی مانند روس و انگلیس در قالب اقدامات اشخاص و





جریان‌هایی مانند امیرکبیر، نهضت جنگل، قیام تنگستان، نهضت ملی نفت، محمد خیابانی، مدرس و همچنین قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ اشاره شده است. نقطه اوج این دشمن‌شناسی و مقابله با آن نیز در ظهور انقلاب اسلامی مورد تعریف قرار گرفته است (مطالعات اجتماعی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۱۳۸-۱۳۷). در پیوند با مفهوم استکبار و استکبارستیزی، اسرائیل (هدیه‌های آسمانی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۱۰۲) و آمریکا (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۳۳) نیز به‌عنوان سرآمد دشمنان جهان اسلام معرفی شده‌اند.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که به مفهوم انسان‌شناسی به‌خوبی توجه نشده است و این امر به بازنگری و تقویت بیشتر نیاز دارد. نقطه قوت محور دشمن‌شناسی نیز آن است که علاوه بر بهره‌گیری از نمونه‌های قرآنی، از نمونه‌های تاریخ اسلام، زندگی امامان شیعه و همچنین، نمونه‌های دوران معاصر نیز استفاده شده است، اما در کنار مفهوم دشمن‌شناسی، لازم است که به موضوع تبری (دشمن یا دشمنان خدا) و همچنین مفهوم تولی (دوستی با دوستان خدا) نیز که تا حدودی مورد غفلت قرار گرفته است، در قالب جهان‌بینی اسلامی آن، یعنی دوستی و همبستگی اسلامی، بیشتر توجه شود.

جدول شماره ۳: محورهای مرتبط با مؤلفه دشمن‌شناسی

تکرار مضامین (مطالعات اجتماعی)	تکرار مضامین (هدیه‌های آسمانی)	مضامین پایه	مقوله‌های محوری	مقوله بازسازی شده
۱۹ مورد	۶۸ مورد	حکمرانی الهی، حکمرانی طاغوت، بندگی، بردگی، اطاعت از خدا، اطاعت از شیطان، فرعون، تجاوز، توطئه، حمله نظامی، برنامه استعماری، غلبه، استکبار،	حکمرانی طاغوت در تاریخ اسلام حکمرانی غیرایرانی‌ها (رومی‌ها) بر ایران نفی استقلال ملی ایران توسط آمریکا	دشمن‌شناسی





تکرار مضامین (مطالعات اجتماعی)	تکرار مضامین (هدیه‌های آسمانی)	مضامین پایه	مقوله‌های محوری	مقوله بازسازی شده
		استکبارستیزی، نفوذ، سلطه، متجاوز، جنایتکار، عوامل دشمن، طرح دشمن، شیطان بزرگ، طاغوت.	حمله عراق به ایران نفوذ دشمن و لزوم مقابله با آن	

#### ۲-۴. پایداری، استقامت و مبارزه

در کتب درسی مورد مطالعه در پژوهش حاضر، نمونه‌های متعددی از ایستادگی نمایندگان حکمرانی الهی در مقابل مروجان حکمرانی طاغوتی را مشاهده می‌کنیم. مهم‌ترین نمونه قرآنی این امر، ایستادگی حضرت ابراهیم علیه السلام در مقابل نمرود است که منجر به در آتش انداختن حضرت ابراهیم علیه السلام می‌شود و سرانجام، کمک الهی و گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم علیه السلام به دستور خدا رخ می‌دهد (هدیه‌های آسمانی سوم دبستان، ۱۴۰۲: ۲۹). در منابع درسی دوره دبستان با استفاده از تحولات تاریخ صدر اسلام، به معرفی شخصیت ابوذر (هدیه‌های آسمانی چهارم دبستان، ۱۴۰۲: ۷۶) نیز پرداخته شده است، اما توضیحی جامع و کامل درباره او روایت نشده است.

حال آنکه شخصیت ابوذر چه در گفتمان اسلامی و چه در گفتمان شیعی که برآمده از گفتمان اسلامی و نبوی است، نقشی محوری دارد و می‌تواند به‌عنوان الگوی اجتماعی مطرح شود. ابوذر شخصیتی است که در زمان خود در مقابل کفار و مخالفان اسلام ایستادگی کرد و همچنین در مقابل جریان‌های به‌ظاهر اسلامی که مسیری غیر از سیره نبوی را دنبال کرده بودند، با پایداری و مبارزه به تبیین سیره علوی و فرهنگ فاطمی پرداخته است. در این میان، معرفی شخصیت‌هایی همچون عمار یاسر و سلمان فارسی به‌عنوان نمونه‌های مشابه ابوذر و شرح کنشگری آنان در حوزه جهاد تبیین می‌تواند موجب تکامل و جامع شدن نمونه‌های مبارز در محور معرفی اسوه‌های پایداری و مبارزه باشد.



شاخص‌ترین نمونه تاریخ اسلامی در این محور عبارت است از: واقعه عاشورا و صف حسینیان و یزیدیان (هدیه‌های آسمانی سوم دبستان، ۱۴۰۲: ۳۷) که شرح حضور آزادگان در صحنه عاشورا در مقابل دشمنان خداست (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۲۳-۲۰). توضیح هدف امام حسین علیه السلام و تلاش ایشان برای اصلاح امت اسلامی (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۲۲)، زمینه‌ساز ظهور شعار «هَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ» (هدیه‌های آسمانی سوم دبستان، ۱۴۰۲، ص ۳۸) شده که در طول تاریخ برای تمامی پیروان حکمرانی الهی، نشان‌دهنده یک خط‌مشی و مسیر است.

معرفی دوران دفاع مقدس (جنگ تحمیلی) و الگوگیری از امام حسین علیه السلام در مقاومت و مبارزه (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۹۲-۹۰) نیز به‌عنوان عینی‌ترین و موفق‌ترین نمونه تاریخ معاصر در محور ایستادگی و مبارزه در مقابل دشمنان معرفی می‌شود. از طرفی، تلاش شده است تا در برخی دروس به‌ویژه در کتاب هدیه‌های آسمانی، با پرداختن به موضوعاتی مانند مادر شهید و روایت زندگی «خاله نرگس» و فرزند شهیدش (هدیه‌های آسمانی چهارم دبستان، ۱۴۰۲: ۸۸-۸۹) و همچنین تعریف مفهوم تولی و تبری (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۳۳)، اهمیت موضوع پایداری و مبارزه پررنگ شود. مظلومیت ملت فلسطین در مقابل ظلم اسرائیل و پایداری و استقامت فلسطینیان در مقابل دشمن و گفتگو درباره آن در کلاس (هدیه‌های آسمانی چهارم دبستان، ۱۴۰۲: ۸۲)، دیگر نمونه‌ای است که در این زمینه در کتب درسی مورد توجه قرار گرفته است.

در محور موضوعی پایداری، استقامت و مبارزه نیز همانند محور دشمن‌شناسی از نمونه‌های قرآنی (حضرت ابراهیم علیه السلام)، تاریخ اسلامی (حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام) و دوران معاصر (دفاع مقدس و مبارزات فلسطینیان) نیز استفاده شده که امری مثبت است. البته، باید دقت داشت که در این محور، تبیین نمونه‌هایی مانند رفتار امام علی علیه السلام در فاصله زمانی رحلت نبی مکرم اسلام تا آغاز فرمانروایی سیاسی ایشان (دوران خلافت خلفای سه‌گانه) و همچنین مبارزات و جنگ‌های امام در دوران خلافت‌شان در قالب نبردهای سه‌گانه جمل، صفین و نهروان، صلح امام حسن علیه السلام به‌عنوان نمونه‌ای مهم از پایداری و استقامت، کنشگری و رفتار امام سجاد علیه السلام پس از قیام عاشورا و نهضت علمی امام باقر و امام صادق علیه السلام باید مورد توجه و تحلیل قرار گیرد.



پس از این امر است که می‌توان تمامی ابعاد، انواع و نحوه پایداری‌ها و استقامت‌ها را در ساختار هویت دینی نشان داد و چگونگی و چرایی بهره‌گیری از ظرفیت هر کدام را متناسب با شرایط و زمانه ترویج کرد. روایات مندرج در کتب درسی هدیه‌های آسمانی و مطالعات اجتماعی، بیش از آنکه به مفهوم پایداری و استقامت توجه داشته باشند، به مفهوم مبارزه (برخورد) توجه کرده‌اند. حال آنکه در کنار مفهوم مبارزه، نمونه‌های متعددی مانند صلح امام حسن و نهضت علمی امامان شیعه علیهم‌السلام نیز خود نمونه‌هایی موفق از پایداری و استقامت هستند که ضمن توجه و تحلیل صحیح، باید فرهنگ‌سازی آشنایی، عمل و انجام به آنها نیز مورد توجه قرار گیرند.

جدول شماره ۳: محورهای مرتبط با مؤلفه پایداری، استقامت و مبارزه

تکرار مضمین (مطالعات اجتماعی)	تکرار مضمین (هدیه‌های آسمانی)	مضمین پایه	مقوله‌های محوری	مقوله بازسازی شده
۱۱ مورد	۶۳ مورد	مبارزه، ایستادگی، پایداری، دفاع، تقابل، تبیین سیره، هویت دینی، ارزش‌های اسلامی، فرهنگ اصیل، فرهنگ‌سازی، جبهه حق، حق طلبی، نپذیرفتن زور، جهاد تبیین، آزادگی، آزادگان، اصلاح امت، فرهنگ شهادت، شهید، مظلومیت، نهضت، پاسداری.	در مقابل دشمن باید ایستادگی کرد. انجام جهاد تبیین با هدف شناخت فرهنگ اصیل دادرسی از مظلومان در برابر دشمن پاسداری از ارزش‌ها در مقابل نارزش‌ها استقامت، رمز ادامه‌دار شدن نهضت است.	پایداری، استقامت و مبارزه



## ۳-۴. زیست اسلامی

زیست اسلامی شامل فرهنگ، رفتارهای اجتماعی، ساختارهای هویتی و همچنین ارزش‌ها و نازش‌هایی است که یک مسلمان باید متناسب با احکام اسلامی و قوانین شرعی به آن عمل کند. یکی از محورهای مهم در زیست اسلامی، مبحث هویت و همچنین عناصر ساختار پیشین است. هویت و عناصر ساختار پیشین، نشان‌دهنده قدرتمند بودن هستند. با تکیه بر عناصر ساختار پیشین است که می‌توان ریشه‌دار بودن را نشان داد.

این عناصر ساختار پیشین علاوه بر آنکه نشان‌دهنده سابقه و قدمت هستند، می‌توانند به مثابه الگوها و روش‌هایی باشند که هرچند در گذشته تاریخی رخ داده‌اند، اما متناسب با شرایط زمان قابلیت بهره‌برداری دارند. در حوزه حکمرانی انقلابی نیز عناصر ساختار پیشین که هویت دینی دارند و مروج نگرش‌های حکمرانی الهی و ضدطاغوتی هستند، علاوه بر آنکه نشان‌دهنده پیشینه‌دار بودن مبارزه حکمرانی الهی با حکمرانی طاغوتیان هستند، روش‌ها را نیز به ما نشان می‌دهند؛ روش‌هایی مانند نحوه پایداری، تمسک جستن به نیروی معنوی و الهی و همچنین چگونگی و چرایی انجام عمل‌های آشکار (مبارزه) و پنهان (تقیه). شناخت عناصر ساختار پیشین و الگوهای مقاومت اسلام راستین از یک سو قوت‌دهنده برای اهل ایمان و عمل است و از دیگر سو کوششی به منظور معرفی و حفظ ارزش‌های آنان برای نسل حاضر و آینده است.

در میان دو نمونه مورد مطالعه در پژوهش حاضر، به عناصر ساختار پیشین در کتاب هدیه‌های آسمانی بیشتر توجه شده است. در این منبع آموزشی و تعلیمی با معرفی اهل بیت، پیامبر اسلام و روایتگری غیرمستقیم از حدیث کسا در ساختار داستانی، تلاش شده است به نگاه خاص نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام، امام علی علیه السلام و دو فرزند ایشان، یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السلام، در قالب مفهوم اهل بیت پیامبر اسلام توجه شود (هدیه‌های آسمانی دوم دبستان، ۱۴۰۲: ۴۴).

توجه به هویت و کنشگری زن دین‌دار، پاکدامن و اطاعت‌کننده از خدا در قالب توضیح درباره فعالیت‌های برخی زنان قرآنی مانند شخصیت آسیه (هدیه‌های آسمانی چهارم دبستان، ۱۴۰۲: ۱۵-۱۶)، از دیگر محورهایی است که در حوزه عناصر ساختار پیشین به آن اشاره شده است. همچنین، هویت زن مسلمان در قالب معرفی نمونه‌هایی همچون حضرت زینب علیها السلام در درس «بانوی



قهرمان» با موضوع خطبه‌خوانی آن حضرت در مقابل یزید و روشنگری ایشان از اهداف و اقدامات غیراسلامی دولت اموی (هدیه‌های آسمانی سوم دبستان، ۱۴۰۲: ۴۰)، نقش‌آفرینی حضرت خدیجه علیها السلام در مسیر گسترش اسلام و حمایت از پیامبر در درس «اولین بانوی مسلمان» (هدیه‌های آسمانی چهارم دبستان، ۱۴۰۲: ۹۵-۹۳) و سخن از بهترین زنان بهشت که عبارتند از: حضرت مریم علیها السلام، حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و آسیه (هدیه‌های آسمانی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۲۲-۲۱)، دیگر نمونه‌های الگوی کارآمدی هستند که با هدف معرفی عناصر ساختار پیشین با رویکرد هویت دینی به‌عنوان موضوع بحث به آن پرداخته شده است.

در این میان، باید اشاره داشت که شیوه انتقال بحث به مخاطب بسیار مهم است. نمونه موفق این انتقال ویژگی‌های شخصیتی و الگوساز به دانش‌آموزان را در مکالمه دختر مسلمان با دختر مسیحی درباره حضرت مریم علیها السلام می‌توان مشاهده کرد که در آن، دختر مسلمان با اشاره به سوره مریم در قرآن و شرح ویژگی‌های رفتاری که قرآن برای آن حضرت روایت کرده است، تلاش دارد تا به دختر مسیحی نشان دهد که چه پیوندی میان ادیان الهی وجود دارد و دین اسلام نیز نگاه جامع و کل‌گرایی به زنان پاکدامن دارد. در دروس دیگر نیز با اشاره به نقش‌آفرینی حکیمه‌خاتون عمه و نرجس‌خاتون همسر امام حسن عسکری در حفاظت از امام زمان علیه السلام (هدیه‌های آسمانی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۲۲-۲۱) تلاش شده است تا اهمیت نقش زنان و مادران ائمه اطهار علیهم السلام در تداوم مسیر امامت با وجود حکمرانی طاغوتی نشان داده شود.

یکی از نقاط قوت در محور معرفی عناصر ساختار پیشین، معرفی هویت و نقش‌آفرینی زن پاکدامن و همچنین هویت زن مسلمان در قالب روایات داستانی است. البته، به این نکته نیز باید توجه داشت که برای معرفی صحیح و جامع عناصر ساختار پیشین که رویکردهای هویت دینی نیز داشته‌اند، باید به نمونه‌هایی از عناصر ساختار پیشین در تاریخ صدر اسلام مانند سمیه (همسر یاسر و مادر عمار) که تا زمان به شهادت رسیدن، زیر شکنجه‌های مشرکان مکه دست از حمایت اسلام و پیامبر نکشید و نمادی از استقامت و پایداری هستند نیز اشاره شود.

در کنار توجه به هویت زن مسلمان، لازم است به هویت زن مسلمان ایرانی نیز توجه شود؛ موضوعی که در دو کتاب هدیه‌های آسمانی و مطالعات اجتماعی در کمترین سطح از توجه و ترویج



قرار دارد. برای آنکه معرفی عناصر ساختار پیشین، اثرگذاری اجتماعی بیشتری داشته باشد، لازم است تا ترتیب زمانی و تکیه بر تداوم شبکه‌ای در روایتگری‌ها مورد توجه قرار گیرند. در این منابع درسی بدون توجه به ترتیب زمانی، ابتدا به معرفی شخصیت حضرت زینب علیها السلام در کتاب سوم دبستان پرداخته شده (هدیه‌های آسمانی سوم دبستان، ۱۴۰۲: ۴۰) و پس از آن در کتاب سال بعد، یعنی سال چهارم دبستان، شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام روایتگری شده است (هدیه‌های آسمانی چهارم دبستان، ۱۴۰۲: ۹۵-۹۳). توجه به موضوع تداوم شبکه‌ای و کنشگری متداوم عناصر ساختار پیشین نیز تا حدودی مورد غفلت قرار گرفته است. برای مثال، رعایت ترتیب زمانی و روایت کنشگری اجتماعی حضرت خدیجه علیها السلام و پس از آن، روایت نقش آفرینی حضرت فاطمه علیها السلام و درنهایت، روایتگری اقدامات حضرت زینب علیها السلام می‌تواند ضمن آنکه نشان‌دهنده نظم و رعایت زمان در وقوع رخدادها باشد، زمینه‌های اثرگذاری و فهم بیشتر را برای مخاطب نیز فراهم کند. علاوه بر این، توجه به این موضوع مهم که کنشگری زنانی همچون حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام در تداوم یکدیگر بوده و این سه زن رابطه خویشاوندی مادر بزرگ - مادر و دختر با یکدیگر داشته‌اند، می‌تواند جذابیت بیشتری برای مخاطب ایجاد کند و تداوم و پیوستگی نقش آفرینی عناصر ساختار پیشین را نشان دهد. درنهایت، لازم است توجه به موضوع عناصر ساختار پیشین در کتب مطالعات اجتماعی بیش‌ازپیش در دستور کار قرار گیرد.

جدول شماره ۴: محورهای مرتبط با مؤلفه زیست اسلامی

مقوله بازسازی شده	مقوله‌های محوری	مضامین پایه	تکرار مضامین (هدیه‌های آسمانی)	تکرار مضامین (مطالعات اجتماعی)
زیست اسلامی	زندگی و رفتار ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> ، بارزترین الگو برای مؤمنان است.	اهل بیت، امامان شیعه، حدیث کساء، اسلام راستین، اهل ایمان، تعلیمات دینی، هویت زن	۴۸ مورد	۵ مورد
	زن مسلمان - زن مؤمن، هویت			



تکرار مضامین (مطالعات اجتماعی)	تکرار مضامین (هدیه‌های آسمانی)	مضامین پایه	مقوله‌های محوری	مقوله بازسازی شده
		مسلمان، زن پاکدامن، بهشت، زنان بهشتی، مؤمنان، شخصیت‌های قرآنی: آسیه، فعالیت‌های اجتماعی، مؤمنان در قرآن.	خود را از تعلیمات دینی الگوگیری می‌کند. اعمال زنان و مردان مؤمن که در قرآن معرفی شده‌اند، ملاک خوبی به‌عنوان الگوهای دینی هستند.	

#### ۴-۴. تمدن نوین اسلامی

ظهور اسلام باعث شد تا نخستین سنگ‌بنای تمدنی با رویه‌های الهی و توحیدی توسط نبی مکرم اسلام شکل بگیرد. در دوران حیات پیامبر اسلام، زمینه‌های اولیه تمدن‌سازی اسلامی ایجاد شد و پس از آن نیز با رشد علم و ظهور دوران طلایی تاریخ اسلام، دوران تمدن‌مندی اسلامی در فاصله قرون سوم تا هفتم هجری قمری برپا شد. با انحلال تمدن اسلامی که دلایل داخلی و خارجی متعددی داشت، مسلمانان با اطلاع از دوران تمدن‌سازی و تمدن‌مندی اسلامی به طرح ایده‌ای نوین رسیدند و آن، ساخت تمدن نوین اسلامی بود؛ تمدنی که بر پایه اهداف دوران تمدن‌سازی بوده است که پیامبر اسلام، اصلی‌ترین نقش را در تحقق آن داشتند و رسالت آن، شکل‌دهی جامعه‌ای آرمانی متناسب با شرایط جدید در نظم نوین جهانی است.

در منابع درسی دوره دبستان، نبوت پیامبر اسلام در غار حرا به‌عنوان آغاز دوران تمدن‌سازی معرفی شده است (هدیه‌های آسمانی چهارم دبستان، ۱۴۰۲: ۶۹-۷۱). تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و معرفی مسجد به‌عنوان پایگاه حکمرانی توسط آن حضرت نیز به‌عنوان نخستین اقدام عملی نبی مکرم اسلام در تمدن‌سازی مورد توجه قرار گرفته است (مطالعات اجتماعی پنجم دبستان،





۱۴۰۲: ۹۸). در ادامه با اشاره به تحولات جامعه اسلامی پس از پیامبر ﷺ و همچنین دوران امام علی علیه السلام و برپایی جنگ‌های صفین و نهروان، تلاش شده است تا توجه مخاطب به بحران‌های درونی جامعه اسلامی که خود مسلمانان در ظهور آن نقشی مهم داشتند و مشکلات داخلی جلب شود (مطالعات اجتماعی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۱۰۶-۱۰۴).

انتقال فرهنگ تساهل‌گرایی دینی توسط مسلمانانی که به حبشه رفتند، اشاره به سوره مریم در قرآن و توضیح هدایت‌گری جهانی اسلام (هدیه‌های آسمانی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۲۵)، از دیگر محورهای هستند که در منابع درسی به آنها اشاره شده است و ذیل مبحث تمدن اسلامی قرار می‌گیرند.

اشاره به تداوم تمدن‌مندی در اسلام و نقش محوری ایرانیان در آن در درس هجدهم پایه پنجم در کتاب مطالعات اجتماعی با عنوان «ایرانیان مسلمان حکومت تشکیل می‌دهند»، یکی از مهم‌ترین محورهایی است که در کتب آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. طرح این دیدگاه که ایرانیان مسلمان با تشکیل حکومت در ایران نقشی مهم در رونق فرهنگ و هنر اسلامی داشتند و ذکر نمونه‌هایی مانند ساخت مدارس نظامیه و توسعه علمی، تدبیر و کارآمدی وزرایی ایرانی مانند خواجه نظام‌الملک و هویت‌پروری شاعرانی همچون فردوسی (مطالعات اجتماعی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۱۲۱-۱۱۶) باعث می‌شود تا مخاطب (دانش‌آموزان دبستانی) بتواند پیوندی میان هویت اسلامی و هویت ایرانی و درنهایت، تثبیت نگرش هویت اسلامی - ایرانی را در ذهن و باور خویش پرورش دهد. علاوه بر این، اشاره به بازسازی ایران پس از حمله مغول‌ها توسط اشخاصی مانند شیخ طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (مطالعات اجتماعی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۱۲۵) نشان‌دهنده تداوم حضور ایرانیان در تمدن‌مندی اسلامی است.

اشاره به اقدامات توسعه‌گرای دوران طلایی تمدن اسلامی و تشریح فرایند رشد علوم در این تمدن و همچنین اشاره به عوامل تمدن‌مندی در دوران اسلامی، مانند آموزه‌های دین اسلام مبنی بر لزوم رشد علم، توسعه شهرهای اسلامی و نیازهای جدید مسلمانان، نهضت ترجمه، حمایت فرمانروایان مسلمان، تجارت و بازرگانی، ساخت نظامیه رصدخانه و بیمارستان که در منابع آموزشی مقطع دبستان مورد توجه قرار گرفته‌اند (مطالعات اجتماعی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۶۷-۶۵) باعث شناخت صحیح از قدرت و توانمندی و ارتقای هویت بومی (هویت اسلامی - ایرانی) می‌شود. تلاش برای





بازگشت به احکام اسلام و ساخت تمدن نوین اسلامی و نقشی که انقلاب اسلامی در شکل‌گیری و تقویت این ایده داشته است، نمونه مهم دیگری است که در این منابع درسی به آن توجه شده است (هدیه‌های آسمانی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۹۹-۱۰۲).

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد در محور شرح تمدن‌سازی لازم است برخی موضوعات، مانند نقش جنگ جمل در ایجاد شکاف میان مسلمانان یا نقش ستیزه‌گری یهودیان با مسلمانان و شرح روایت نبرد احزاب در بحران آفرینی و فراهم کردن شرایط تهدید برای اسلام و مسلمانان که مورد غفلت قرار گرفته و از بیان آنها خودداری شده است، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و زمینه‌های آشنایی دانش‌آموزان با آنها فراهم شود. در بخش تمدن‌مندی (دوران طلایی تمدن اسلامی) نیز لازم است که با معرفی برخی متفکران مسلمان، به مخاطب نشان داده شود که مسلمانان در آن دوران در حوزه‌هایی علوم و همچنین مباحث تعلیمی و اجتماعی دارای چه نخبگانی بوده‌اند و برای حال حاضر نیز چه استفاده‌ای از دیدگاه‌های آنان می‌توان داشت.

جدول شماره ۵: محورهای مرتبط با مؤلفه تمدن نوین اسلامی

تکرار مضامین (مطالعات اجتماعی)	تکرار مضامین (هدیه‌های آسمانی)	مضامین پایه	مقوله‌های محوری	مقوله بازسازی شده
۳۹ مورد	۳۱ مورد	تمدن، شکل‌گیری تمدن، تمدن‌سازی اسلامی، تمدن‌مندی اسلامی، تمدن نوین اسلامی، ایرانیان مسلمان، دوران طلایی علم، بحران داخلی، مدارس نظامیه، رصدخانه، توسعه علم، نهضت ترجمه، جامعه	با ظهور اسلام، دوران تمدن‌سازی توسط پیامبر آغاز شد. ایرانیان مسلمان نقشی مهم در تمدن‌مندی اسلامی داشته‌اند. مدارس نظامیه و نهضت ترجمه، نمونه‌هایی از رشد علم در تمدن اسلامی هستند.	تمدن نوین اسلامی



تکرار مضامین (مطالعات اجتماعی)	تکرار مضامین (هدیه‌های آسمانی)	مضامین پایه	مقوله‌های محوری	مقوله بازسازی شده
		آرمانی، حکومت اسلامی، مسجد، علوم نوین، تاریخ اسلام، شیخ طوسی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی.	تمدن نوین اسلامی، ایده‌ای است که می‌خواهد مسلمانان را به عزت بازگرداند.	

#### ۵-۴. امامت و ولایت

در گفتمان سیاسی - اجتماعی اسلام، وحدت و حفظ و گسترش آن، یکی از شعاع‌های است که عموم جامعه برای تحقق آن باید تلاش کنند. این وحدت نیز در سایه اطاعت‌پذیری از رهبری دینی صالح امکان‌پذیر است. در کتب درسی دوره دبستان با ذکر نمونه‌هایی همچون کنشگری پیامبر اسلام به‌عنوان رهبری راستین که چهار ویژگی رفتاری شاخص داشتند: ۱. مردم‌داری و ارتباط با مردم؛ ۲. پاکیزگی و نطافت؛ ۳. با ادب و اخلاق؛ ۴. دارای علم و دانش و ترویج علم‌آموزی و دانش‌دوستی (هدیه‌های آسمانی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۳۷-۳۵)، تداوم حکمرانی اسلامی توسط امام علی (ع) پس از پیامبر اسلام در قالب روایت واقعه غدیر و معرفی غدیر به‌عنوان رخداد سنجش اطاعت‌پذیری جامعه از رهبر دینی (هدیه‌های آسمانی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۶۵-۶۴) و همچنین، معرفی مفهوم امت و امامت و اهمیت وجود رهبر برای هدایت جامعه اسلامی و لزوم اطاعت‌پذیری از او به‌منظور تحقق اهداف حکومت اسلامی (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۳۹)، تلاش شده است که اهمیت تبعیت از رهبر جامعه تشریح شود.

در ادامه این نگرش با معرفی ایده ولایت فقیه به‌عنوان تداوم حکمرانی الهی، به اهمیت پشتیبانی از نگرش ولایت فقیه و ولی فقیه به‌عنوان کسی که وظیفه انجام دستورات الهی و حکمرانی اسلامی را دارد (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۵۲)، اشاره شده است. نمونه موفق پیروزی انقلاب



اسلامی و دوران دفاع مقدس به‌عنوان نماد مقاومت ملی، دفاع مردمی و مشارکت اجتماعی که عامل اصلی موفقیت آنها تدبیر رهبری دینی و اطاعت اجتماعی از رهبر جامعه و همبستگی ملی به همراه ظهور مفاهیمی مانند ایثار و شهادت بوده است (مطالعات اجتماعی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۱۴۱)، نمونه مثال‌هایی از عصر حاضر برای موضوع مورد بحث بوده‌اند.

پیاده‌روی اربعین (هدیه‌های آسمانی دوم دبستان، ۱۴۰۲: ۷۱-۷۰) و اردوی راهیان نور (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۹۲-۹۰) نیز به‌عنوان گزاره‌های جمع‌گرایی معرفی شده‌اند که ضمن پاسداری از ارزشی دینی به‌عنوان رفتاری جمع‌گرایانه و گروهی، باعث انسجام و شناخت از ارزش‌ها می‌شوند. در این بین، تشکیل دسته عزاداری برای حضرت قاسم توسط بچه‌های مدرسه (هدیه‌های آسمانی سوم دبستان، ۱۴۰۲: ۳۲) و معرفی مسجد و مدرسه به‌مثابه دو پایگاه مذهبی و کارگروهی (هدیه‌های آسمانی سوم دبستان، ۱۴۰۲: ۵۲) از دیگر موضوعاتی هستند که در کتب درسی مقطع دبستان به‌ویژه کتاب هدیه‌های آسمانی روایت شده‌اند.

جدول شماره ۶: محورهای مرتبط با مؤلفه امامت و ولایت

تکرار مضامین (مطالعات اجتماعی)	تکرار مضامین (هدیه‌های آسمانی)	مضامین پایه	مقوله‌های محوری	مقوله بازسازی شده
۱۷ مورد	۳۹ مورد	هدایت جامعه، امت، امامت، ولایت فقیه، ولی فقیه، پیروزی، انقلاب اسلامی، تدبیر رهبری، گفتمان سیاسی - اجتماعی، اسلام، وحدت، اطاعت‌پذیری، رهبر دینی، مسجد، تداوم	در گفتمان سیاسی - اجتماعی در اسلام، اطاعت‌پذیری از رهبر دینی واجب است. رهبر دینی نقشی مهم در تداوم حکمرانی اسلامی دارد. ولایت فقیه یک اصل دینی در فرایند حکمرانی اسلامی است.	امامت و ولایت



تکرار مضامین (مطالعات اجتماعی)	تکرار مضامین (هدیه‌های آسمانی)	مضامین پایه	مقوله‌های محوری	مقوله بازسازی شده
		حکمرانی، پیاده‌روی اربعین، راهیان نور، پایگاه، تشکیلات، کار گروهی.	پشتیبانی از ولی فقیه و ولایت فقیه برای حفظ حکمرانی دینی لازم است.	

#### ۶-۴. هویت دینی - اسلامی

هویت، مفهومی چندبُعدی است که براساس آن، گروه یا فرد خود را از گروه و افراد دیگر متمایز می‌کند. همان‌طور که افرا با هویت ملی یا هویت قومی به تمایز خود می‌پردازند، هویت دینی نیز یکی از ابعادی است که افراد براساس آن، خود را از دیگران جدا می‌کنند یا براساس آن به دیگران پیوند می‌خورند. در گفتمان اسلامی نیز مباحثی همچون جهان‌بینی توحیدی، اهداف خلقت و برنامه زندگی برای رسیدن به هدفی معین، از جمله مباحثی است که هویت مسلمانان را شکل می‌دهد و با شکل دادن به مفهوم جامعه اسلامی، این جامعه را از جامعه غیراسلامی جدا می‌کند.

در کتب تعلیمی مقطع دبستان تلاش شده است با معرفی فرهنگ نبوی و نوع معاشرت نبی مکرم اسلام با مردم (هدیه‌های آسمانی دوم دبستان، ۱۴۰۲: ۳۷-۳۳) و همچنین ذکر سیره عملی برخی از ائمه اطهار مانند امام کاظم علیه السلام در دو قالب اهل کار بودن و رابطه با مردم و کارگران (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۳۷)، به موضوع روابط اجتماعی و الگوهای آن در بستر هویت دینی پرداخته شود.

گزاره‌های انسجام‌بخشی مانند حج به‌عنوان نماد وحدت مسلمین (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۵۲) و عید فطر به‌عنوان «عید مسلمانی» و تشریح آن در کشورهای اسلامی مانند فلسطین و همچنین کشور هند (هدیه‌های آسمانی سوم دبستان، ۱۴۰۲: ۷۴-۷۰)، در ساختار هویت دینی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در کتب هدیه‌های آسمانی به مفهوم «انتظار» به‌مثابه یک باور متداوم و برنامه زندگی (هدیه‌های آسمانی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۵۱-۵۰) نیز اشاره شده است.



درس مطالعات اجتماعی نیز در مقطع دبستان به طور کامل مروج نظم سیستماتیک سنتی است؛ نظمی که معرف نقش و جایگاه ثابت افراد جامعه در خانه، بستر شغل‌ها، مدرسه و اقدامات و نقش‌آفرینی‌های مردانه و زنانه در خانه و جامعه است (مطالعات اجتماعی سوم دبستان، ۱۴۰۲: ۳۲).

هویت ملی در کتاب مطالعات اجتماعی در قالب معرفی ادوار تاریخی مانند تمدن ایلام، دوره مادها و هخامنشیان (مطالعات اجتماعی چهارم دبستان، ۱۴۰۲: ۵۸-۴۵) مورد توجه قرار گرفته است. رابطه هویت دینی و توسعه علمی و همچنین نگاه اسلام به لزوم رشد علم و کوشگری ایرانیان مسلمان در توسعه علوم پزشکی، شیمی و ریاضی (مطالعات اجتماعی ششم دبستان، ۱۴۰۲: ۶۳) نیز از جمله مباحثی است که ضمن آشنایی مخاطب با نگاه اسلام به علم، رابطه تعامل هویت دینی با علم‌گرایی و هویت ملی را نشان می‌دهد که امری بسیار مهم است.

معرفی جمهوری اسلامی به عنوان حکمرانی مروج نگرش مردم‌سالاری دینی و پیونددهنده هویت دینی و هویت ملی در کنار یکدیگر و همچنین تعریف ساختار آن در قالب سه‌گانه: ۱. تنظیم قوانین بر پایه قوانین اسلامی؛ ۲. مشارکت مردم و نظام انتخاباتی؛ ۳. تفکیک قوای سه‌گانه (مطالعات اجتماعی پنجم دبستان، ۱۴۰۲: ۵۳)، از جمله مباحث دیگری است که در بستر سیاسی - اجتماعی لحاظ شده است.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که هویت دینی بیشتر در کتاب هدیه‌های آسمانی و هویت ملی بیشتر در کتاب مطالعات اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند. حال آنکه بهتر است برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با موضوع هویت دینی - ملی در کنار یکدیگر، نمونه‌های تاریخی و اجتماعی در هر دو کتاب و منبع درسی ذکر شود؛ نمونه‌هایی که مروج نگرش هویت اسلامی - ایرانی در کنار یکدیگر هستند. این امر باعث تثبیت پیوستگی این دو هویت در ذهن مخاطب می‌شود. برای مثال، ذکر نقش‌آفرینی‌های حکمرانی سامانیان به عنوان دولتی اسلامی و فرهنگ‌مدار و همچنین حکومت آل بویه به عنوان دولتی شیعی در ایران که ضمن گسترش فرهنگی شیعی به توسعه علم نیز کمک کرده‌اند، می‌تواند نمونه مثال‌های خوب برای مخاطب با هدف پیوند هویت دینی - ملی باشد. در مورد هویت غیربومی، بازنگری‌هایی از جمله معرفی صحیح و غیرشعاری هویت غیربومی و همچنین تمایز میان هویت غیربومی و هویت غیربومی تهاجمی لازم است.



جدول شماره ۷: محورهای مرتبط با مؤلفه هویت دینی - اسلامی

تکرار مضامین (مطالعات اجتماعی)	تکرار مضامین (هدیه‌های آسمانی)	مضامین پایه	مقوله‌های محوری	مقوله بازسازی شده
۹ مورد	۲۱ مورد	هویت، هویت دینی، هویت ملی، هویت قومی، فرهنگ نبوی، فرهنگ اسلامی، سیره ائمه، جامعه اسلامی، جهانبینی توحیدی، حج، عید فطر، مردم‌سالاری دینی، جمهوری اسلامی، فرهنگ بیگانه، فرهنگ غربی، هویت غیرایرانی.	فرهنگ نبوی، خاستگاه اصلی زیست مبتنی بر هویت دینی است.	هویت دینی - اسلامی
		هویت دینی - ملی ضامن استقلال و مانع نفوذ فرهنگی است.		
		جمهوری اسلامی مبتنی بر ایده مردم‌سالاری دینی شکل گرفته است.		
		در هویت دینی به موضوع وحدت اسلامی توجه ویژه شده است.		

## ۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

### ۵-۱. بحث

بررسی مؤلفه‌های فرهنگی حکمرانی اسلامی در کتب درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نظام آموزشی یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای فرهنگی به نسل‌های آینده به‌شمار می‌آید. کتب آموزشی در مقطع ابتدایی نقشی بنیادین در شکل‌گیری هویت فرهنگی و دینی دانش‌آموزان دارند. توجه به مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در این منابع، می‌تواند بستری مناسب برای پرورش شهروندانی آگاه، متعهد و مسئولیت‌پذیر ایجاد کند؛ شهروندانی که توانایی مشارکت در توسعه و پیشرفت جامعه براساس الگوهای اسلامی - ایرانی را دارند. در این



پژوهش، مؤلفه‌های فرهنگی حکمرانی اسلامی در محورهای شش‌گانه (۱. دشمن‌شناسی؛ ۲. پایداری، استقامت و مبارزه؛ ۳. زیست اسلامی؛ ۴. تمدن نوین اسلامی؛ ۵. امامت و ولایت؛ ۶. هویت دینی - اسلامی) در تمامی کتب دو درس هدیه‌های آسمانی و مطالعات اجتماعی در مقطع دبستان مورد توجه و بررسی قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که مؤلفه دشمن‌شناسی بیشترین تکرار را در کتاب هدیه‌های آسمانی داشته و مؤلفه تمدن نوین اسلامی نیز دارای بیشترین تکرار در کتاب مطالعات اجتماعی بوده است. از طرفی نیاز است که در این کتب درسی به مؤلفه‌هایی مانند هویت اسلامی - ایرانی، علل داخلی افول تمدن اسلامی و معرفی الگوی عناصر ساختار پیشین از تاریخ صدر اسلام و همچنین مفهوم جهاد تبیین، توجه بیشتری شود.

## ۲-۵. نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام‌شده در تمامی کتب دو درس هدیه‌های آسمانی و مطالعات اجتماعی در مقطع دبستان به ما نشان داده است که محورهای مختلفی به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگی در روایات درسی این کتب مورد توجه قرار گرفته است. مبحث دشمن‌شناسی یکی از نخستین نمونه‌های مورد ترویج بوده که بیشترین سطح توجه به آن در درس‌های مندرج در کتاب هدیه‌های آسمانی وجود دارد. در محور دشمن‌شناسی به‌عنوان یکی از نمونه‌های موفق و کارآمد، علاوه بر بهره‌گیری از نمونه‌های قرآنی، از نمونه‌های تاریخ اسلام، زندگی امامان شیعه علیهم‌السلام و همچنین نمونه‌های دوران معاصر نیز استفاده شده است، اما برای تکمیل لازم است تا به موضوع تبری (دشمن یا دشمنان خدا) و همچنین، مفهوم تولی (دوستی با دوستان خدا) که تا حدودی مورد غفلت بوده است، توجه بیشتری شود. در محور موضوعی پایداری، استقامت و مبارزه نیز از نمونه‌های قرآنی (حضرت ابراهیم علیه‌السلام)، تاریخ اسلامی (حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام) و دوران معاصر (دفاع مقدس و مبارزات فلسطینیان) استفاده شده که امری مثبت است، اما محدودیت‌ها و کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد که در بخش پیشنهادها به آن اشاره خواهد شد.

زیست اسلامی، نشان‌دهنده کنشگری‌ها و نقش‌آفرینی‌های یک جامعه در گذشته تاریخی است. در این منابع درسی به‌ترتیب در کتاب هدیه‌های آسمانی و پس از آن در کتاب مطالعات اجتماعی به





این موضوع توجه شده است. البته، باید اشاره داشت که در محور موضوعی عناصر ساختار پیشین، الگوهای هویت دینی به صورت گزینشی معرفی شده‌اند و ترتیب زمانی آنها نیز رعایت نشده است. همچنین، الگوهای هویت ملی نیز مورد توجه جامع قرار نگرفته‌اند. تمدن اسلامی شامل دوره حکمرانی نبی مکرم اسلام، دوران طلایی تمدن اسلامی، دوران تمدن مندی و نقش ایرانیان مسلمان در آن تا زمان افول تمدن اسلامی، محوری است که بیشتر در کتاب مطالعات اجتماعی مورد توجه بوده است؛ برخی نمونه‌های آن نیز در کتاب هدیه‌های آسمانی انعکاس یافته است.

امامت و ولایت و تبعیت از آن نیز موردی بوده که همواره از سوی بزرگان و اصلاح‌گران دین مورد تأکید قرار گرفته است. ایده وحدت اسلامی، یکی از مهم‌ترین آرمان‌های مورد توجه حکمرانی اسلامی از صدر اسلام تاکنون بوده است. از این رو، وحدت به نوعی به نبودن تفرقه، نفاق، درگیری و کشمکش است و به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب اسلامی در سایه رهبری دینی صالح اشاره دارد. به طور کلی باید گفت که انسجام و وحدت جمعی، مهم‌ترین مسئله امت اسلامی بوده و استعمارگران اهمیت آن را فهمیده و همواره درصدد شکستن آن برآمده‌اند. این‌گونه اقدامات فرهنگی در این حوزه به‌ویژه در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان می‌تواند مؤثر واقع شود. براساس یافته‌های مطالعه حاضر، باید گفت که در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی و هدیه‌های آسمانی به ویژگی‌های شاخص رهبر راستین توجه شده است و مصادیق تاریخی از حکمرانی دینی توسط ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز در این کتب ذکر شده‌اند. ایده ولایت فقیه هم موردی بوده است که در این کتب درسی، به‌ویژه در کتاب هدیه‌های آسمانی، به آن اشاره شده است. نمونه‌هایی از موفقیت‌های ملی که حاصل وحدت اسلامی مسلمانان بوده، نظیر انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس، در کتاب مطالعات اجتماعی نیز لحاظ شده است.

هویت دینی - اسلامی نیز مفهومی است که یک فرد یا جامعه را از فرد و جامعه‌ای دیگر متمایز می‌کند. هویت دینی - ملی هم به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی همین‌گونه است. با توجه به آنکه در هویت دینی، اسلام و مسلمانی، متمایزکننده پیروان این مذهب از دیگر ساختارهای هویت دینی است، در ساختار هویت ملی نیز ایرانی بودن وجه تمایز با دیگر ملیت‌ها است. از آنجاکه هویت دینی - ملی می‌خواهد هنجارها و ارزش‌های یک مسلمان ایرانی را نشان دهد، لازم است تا هویت





اسلامی و هویت ایرانی برای تعریف، تمایز و تقویت این امر مورد توجه قرار گیرند. هویت دینی - ملی در منابع مورد بررسی در پژوهش حاضر، بیشتر در کتاب مطالعات اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. البته، فرهنگ وارداتی (تهاجم فرهنگی) به صورت ناقص و گذرا نیز مدنظر بوده است. در کتاب هدیه‌های اسلامی نیز بیشتر به هویت دینی و در کتاب مطالعات اجتماعی نیز بیشتر به هویت ملی اشاره شده است. حال آنکه بهتر است برای اثرگذاری، این دو هویت در کنار یکدیگر باشند.

### ۵ - ۳. پیشنهادها

- با توجه به نقش مهمی که کتب درسی و مدرسه در فرایند اجتماعی شدن افراد دارند، باید بررسی‌ها و تحقیقات علمی در حوزه‌های مختلف موضوعی با هدف سنجش و ارزیابی کمی و کیفی روی این آثار صورت پذیرد. با توجه به جایگاه منابع درسی و همچنین سیاست‌گذاری‌های فرهنگی - اجتماعی نظام حکمرانی و طرح مباحثی مانند حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی، لازم است تا مؤلفه‌های فرهنگی مندرج در این منابع آموزشی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند تا از یک سو موجب تداوم و بازتولید نمونه‌های کارآمد شود و از دیگر سو کاستی‌ها شناسایی و اصلاح شوند.
- توجه به موضوع عدالت اجتماعی، تمرکز بیشتر بر مبانی نظری تمدن‌سازی اسلامی توسط نبی مکرم اسلام و همچنین معرفی علل افول تمدن‌مندی اسلامی، تمرکز بیشتر بر تداوم حضور ایرانیان در تمدن‌مندی اسلامی و اشاره به موضوع جهاد تبیین و آشنایی دانش‌آموزان با این مهم، از جمله مواردی هستند که برای معرفی، اثرگذاری و ترویج مؤلفه‌های فرهنگی حکمرانی انقلابی لازم است تا در منابع درسی مقطع دبستان مورد پردازش کمی و کیفی قرار گیرند. انجام این امور باعث می‌شود تا مخاطبان، یعنی دانش‌آموزان، با مؤلفه‌های فرهنگی حکمرانی انقلابی به شکل صحیح‌تر و کامل‌تر آشنا شوند. تکرار این مباحث با روش‌های نوین مانند آموزش از طریق فیلم و تصویر و همچنین بهره‌گیری از زبان داستان و نمایش نیز باعث بازتولید فرهنگی و در نتیجه، تثبیت این مباحث در ذهن و باور مخاطبان خواهد شد.
- در حوزه مفاهیمی مانند پایداری، استقامت و مبارزه، لازم است تمامی ابعاد، انواع و نحوه





پایداری‌ها و استقامت‌ها در ساختار هویت دینی و چگونگی و چرایی بهره‌گیری از ظرفیت هرکدام متناسب با شرایط و زمانه مورد بحث و معرفی قرار گیرند. روایات مندرج در کتب درسی هدیه‌های آسمانی و مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که در این منابع بیش از آنکه به مفهوم پایداری و استقامت توجه داشته باشند، به مفهوم مبارزه (برخورد) توجه شده است و مباحثی مانند صلح امام حسن علیه السلام که نمونه‌ای موفق از پایداری و استقامت است، به درستی تحلیل و معرفی نشده است.

- فقدان معرفی متفکران و اندیشمندان مسلمان، به ویژه کنشگران حوزه‌های اجتماعی، در این منابع درسی به وضوح قابل مشاهده است. رفع این نقص، بر آگاهی مخاطب در دو محور تمدن‌مندی و تمدن‌سازی می‌افزاید. با توجه به آنکه یکی از مؤلفه‌های فرهنگی حکمرانی انقلابی، تلاش و برنامه‌ریزی برای تحقق تمدن نوین اسلامی است، لازم است دیدگاه‌ها و نظریه‌های تمدنی متفکران اسلامی با زبانی قابل فهم برای مخاطب تشریح شود. برای نمونه، در میان متفکران مسلمان، ابن‌خلدون در نظریه انحطاط تمدن‌ها در کنار معرفی عوامل مختلف، سه ایده را مطرح کرده است که با زیست اجتماعی امروز هم‌خوانی دارند. این ایده‌ها عبارتند از: ۱. مسئله جمعیت در دوگانه کمی و فزونی جمعیت؛ ۲. مسئله تجمل‌گرایی و لذت‌جویی افراطی و رفاه‌طلبی بی‌حد و اندازه؛ ۳. اختلال‌های جنسی و روابط نامشروع و ناهنجار. از این رو، می‌توان این نمونه را در کتب مطالعات اجتماعی در قالب تعریف یک درس به صورت داستانی - تعلیمی معرفی کرد.

- با توجه به اهمیت وحدت و اطاعت‌پذیری از رهبر دینی در گفتمان اسلامی، لازم است نمونه‌های عمل‌گرایی جمعی در تاریخ دوران اسلامی معرفی شوند و نمونه‌هایی که جامعه اسلامی به دلیل اطاعت نکردن از رهبری دینی با آن مواجه و دچار شکست، گسست و ناکامی شده است، به دقت مورد معرفی و بررسی قرار گیرند تا بتوان از وقوع مجدد آنها جلوگیری کرد. با توجه به اهمیت و جایگاه مطالب مذکور به عنوان مؤلفه‌های فرهنگی در حکمرانی اسلامی با رویکرد انقلابی و نقشی که کتب درسی در فرایند اجتماعی شدن جامعه و پرورش نسل آینده دارند، باید این موضوع در منابع درسی نیز مورد توجه بیشتر قرار گیرد.





- معرفی الگوهای مقاومت و پایداری (عناصر ساختار پیشین تاریخی که در قالب هویت دینی قابل تعریف هستند) یکی از محورهایی است که در ایده‌پردازی، تثبیت و تقویت نظریه حکمرانی انقلابی اثرگذار است. با توجه به نقص جدی در معرفی الگوهای هویت دینی زن مسلمان، لازم است در درس هدیه‌های آسمانی، بخش «ایستگاه فکر» یا «تدبر کنیم»، موضوع هویت دینی زن مسلمان و معرفی نمونه‌هایی همچون ام‌سلمه، همسر نبی مکرم اسلام ﷺ که در صلح حدیبیه مورد مشورت پیامبر اکرم ﷺ بود و نمونه‌ای از دخالت زنان در تصمیم‌گیری‌های مهم اجرایی در تاریخ صدر اسلام است، لحاظ شود.
- عمل‌گرایی جمعی بر پایه رهبری اصیل دینی و معنویت برآمده از اسلام راستین، موضوع مهم دیگری است که در حکمرانی انقلابی و ساخت تمدن نوین اسلامی باید بیشتر مد نظر قرار گیرد. لذا، لازم است در کتب درسی، همان‌گونه که دوگانه نظام الهی - نظام طاغوتی مورد توجه گسترده قرار گرفته است، به فعالیت‌های جمعی مسلمان در تاریخ صدر اسلام مانند کنشگری‌های مسلمین در جنگ خندق (سال پنجم هجری قمری) به‌عنوان عناصر ساختار پیشین و همچنین دیگر ادوار نیز بیشتر توجه شود.



## ۶. منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۷). اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون، تهران، سروش.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۹). تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر، تهران، علم.
- آموزش قرآن اول دبستان (۱۴۰۲). تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- برام، سایروس (بی‌تا). انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی، ترجمه پ. شیرازی، بی‌جا، بی‌نا.
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱). شماره ابلاغ ۲۸۹۰۹۸، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- پاک‌مهر، حمیده؛ امین خندقی، مقصود؛ سعیدی رضوانی، محمود و قنبدیلی، جواد (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از حیث توجه به آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر نظرات شهید مطهری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی. پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۶ (۱۴)، ۱۷۵-۱۹۶.
- شریعتی، علی، (بی‌تا)، شیعه، تهران، حسینیه ارشاد.
- شریعتی، محمدتقی (۱۳۴۲). چرا حسین قیام کرد؟، مشهد، چاپخانه طوس، نشریه کانون نشر حقایق اسلامی.
- صافی، احمد (۱۳۹۳). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران، سازمان مطالعات و تدوین کتب درسی (سمت).
- قاسمی، حاکم (۱۳۸۷). همبستگی ملی در کتب درسی دوره ابتدایی: مورد مطالعه کتب فارسی. مطالعات ملی، ۹ (۲)، ۱۶۰-۱۳۳.
- متقی، زهره؛ نصرتی هشی، کمال و نجفی، محمد (۱۳۹۴). تحلیل محتوای کتب درس دینی دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد تربیتی محبت اهل بیت. مشرق موعود، ۹ (۳۶)، ۱۲۴-۱۰۳.
- مطالعات اجتماعی سال پنجم دبستان (۱۴۰۲). تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- مطالعات اجتماعی سال چهارم دبستان (۱۴۰۲). تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- مطالعات اجتماعی سال سوم دبستان (۱۴۰۲). تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- مطالعات اجتماعی سال ششم دبستان (۱۴۰۲). تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، حماسه حسینی. تهران، صدرا.



- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا.
- میرزائی، جمشید و خزاعی، فاطمه (۱۳۹۹). بررسی جایگاه «جامعه مدنی» در کتب درسی، با تأکید بر کتب مطالعات اجتماعی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول. پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی، ۲ (۲)، ۴۸-۲۱.
- میرزائی، مهدی (۱۴۰۰). تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از منظر توجه به ابعاد و مؤلفه‌های بیداری اسلامی. مطالعات بیداری اسلامی، ۱۰ (۱۹)، ۱۶۵-۱۴۹.
- هدیه‌های آسمانی سال پنجم دبستان (۱۴۰۲). تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- هدیه‌های آسمانی سال چهارم دبستان (۱۴۰۲). تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- هدیه‌های آسمانی سال دوم دبستان (۱۴۰۲). تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- هدیه‌های آسمانی سال سوم دبستان (۱۴۰۲). تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- هدیه‌های آسمانی سال ششم دبستان (۱۴۰۲). تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.



---

## Explaining the Reflection of the Cultural Components of Islamic Governance in the Primary School Textbooks

Zahra Baradaran Kashani<sup>۱\*</sup>

Ali Baghdar Delgosha<sup>۲</sup>

### Abstract

Islamic governance as an idea seeks to provide an efficient and effective model of governance by linking governance with the religious identity that builds civilization. In the life of the Prophet and then during the reign of Imam Ali (AS), the first examples of the idea of religious governance can be seen. In the contemporary history of Iran, the discussion of governance in relation to religious identity has been noticed during the period of the Constitution and then with the establishment of the Islamic Republic. As with all social and political ideas, the concept of Islamic government has cultural elements. The present research tries to answer the question which cultural components of Islamic governance are most used in primary school textbooks by using qualitative method and content analysis method based on a non-selective list of primary school textbooks (Gifts of Heaven and Social Studies textbooks). Moreover, in order to make the narratives of these books effective in the process of socialization of students, which axes need to be reviewed? This research aims to evaluate the extent to which cultural components are redefined in primary textbooks. As a result, Islamic and Iranian identities, internal causes of decline of Islamic civilization, introduction of model of previous structural elements from early history of Islam, and introduction of concept of jihad, among others, need to be revised and paid attention in primary school curricula.

**Keywords:** Islamic Governance, Cultural Reproduction, Religious Identity, Educational Books.

---

۱. PhD student, Department of Social Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran  
(Corresponding Author) zahra.baradarankashani@mail.um.ac.ir

۲. Ph.D. Department of History, Ferdowsi University, Mashhad, Iran

---





---

benefit both challenging and inhibiting stress employees. On the other hand, employees with challenging stress and employees with inhibitory stress have different ideal levels of non-work use of organizational social media. Workers experiencing inhibiting stress may need a relatively higher level of time spent using non-work organizational social media than workers experiencing challenging stress in order to achieve optimal levels of work engagement.

**Keywords:** Occupation, Work Engagement, Social Media, Stressors, Hindrance Stressors, Sadaf Industrial Group of Delijan.





---

## The Effect of Work Stressors on Work Engagement (Emphasizing the moderating role of social media usage time)

Mostafa Heidari Haratemeh<sup>1\*</sup>

### Abstract

The duration of using modern organizational social media as information technology-based interventions for employees' work engagement will be of great importance. Thus, the present study aimed to investigate the moderating role of the duration of using enterprise social media for work engagement in the relationship between stress and work engagement. The research is descriptive-survey and correlation type based on the purpose of the applied type and in terms of method. In order to verify the hypothesis and answer the research problem, a 26-item questionnaire was developed. The design of the questionnaire is on the basis of the Likert scale that has seven options. The statistical population was Sadaf Delijan Holding, which includes managers and experts of all subsidiary units of this company, and the numbers of samplings were determined by Cochran's 1976 formula. Data analysis was conducted after simple random distribution and collection of questionnaires. Correlation tests were used for the examination of the relationship between variables, and then regression tests were used for the examination of the effect of variables on each other. The research model was tested on the basis of 226 valid responses that were collected through an online questionnaire in Sadaf Industrial Group of Delijan. The results showed: challenge stressors are positively related to work engagement, while hindrance stressors are negatively related to work engagement. In addition, the relationship between challenging stressors and work engagement shows a U-shaped effect under the influence of the moderator of the duration of the use of enterprise social media of the work organization, but shows an inverted U-shaped effect under the influence of the moderator of the duration of the use of enterprise social media of the work organization. Finally, under the moderating influence of the duration of use of non-work social media of work organization, the relationship between obstacles to stress and work engagement also shows a U-shaped effect. Managers can design rules to limit non-work use of organizational social media to reasonable levels that

---

<sup>1</sup>. Associate Professor, Department of Economics, Islamic Azad University, Naraq Branch, Naraq, Iran (corresponding author) heidarimu@yahoo.com.

---







---

## The Components of Governance in the Thought of Noorollah Najafi Isfahani

Mohammad Reza Ghaeminik<sup>۱\*</sup>

Yahya Bouzarinejad<sup>۲</sup>

Mohammad Obeyasi<sup>۳</sup>

### Abstract

While governance is not a new concept in the literature of the humanities, its emergence in recent decades is the product of a reconsideration by thinkers in this field of the past literature of political philosophy, especially in the Western World. Thus, the Islamic-Iranian meaning of government requires a re-reading of the political ideas raised in the Islamic-Iranian heritage, especially after the constitutional revolution. One of these political ideas is the political idea that was put forward by Noorollah Najafi Isfahani during the constitutional period in his "Treatise on the Conversation between the Resident and the Traveler". In this article, we first identified five components of contemporary governance: rule of law, accountability, participation, transparency, and efficiency. In the second part of the paper, we discussed the epistemological and socio-historical conditions in Tehran, Qom, and above all Isfahan in the time leading up to the Constitutional Revolution. Agha Noorollah began his struggles before the constitutional period. By playing an active role in the tobacco protest, he was at the forefront of Isfahan's constitutional scholars. The components of governance in the said treatise include the rule of law (criticizing the monarchy and explaining the law in the constitutional period), accountability (emphasizing the provisions of the Council Verse in the Quran), participation (emphasizing the Council), transparency (emphasizing monitoring and fighting corruption), and efficiency (strengthening Islam and removing obstacles to the weak performance of Muslims).

**Keywords:** Noorollah Najafi Isfahani, Constitutionalism, Governance,

---

۱. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. (Corresponding Author) ghaeminik@razavi.ac.ir

۲. Associate Professor, Department of Islamic Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

۳. Master's student, Department of Social Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran





---

Treatise on the Conversation of Resident and Traveler, Isfahan.

فصلنامه مطالعات علوم انسانی و اسلامی | دوره اول | شماره ۱ | بهار ۱۴۰۴

۳۱۸





---

## Jungle Movement and the Idea of the Formation of Islamic Governance

Ali Baghdar Delgosha<sup>1\*</sup>

### Abstract

Constitutional political and social discourse was formed in Iran during the Qajar period with the aim of ruling under the rule of law. The interference of foreign forces in the internal affairs of Iran in the last years of the Qajar era caused Iran's constitutional thought and national independence to be threatened. The central government's incompetence in maintaining national independence also caused the emergence of local resistances in Iran, the forest movement is an example of these resistances. The current research, which was collected using a qualitative method and using the technique of content analysis, relying on manifestos, press and historical narratives related to the forest movement, seeks to answer the question of what idea or ideas in the field of governance with what thought base during the uprising. The forest (۱۲۹۳-۱۳۰۰) was presented by the activists of the mentioned movement? The conducted studies show that activists in the forest movement have proposed three ideas of governance: ۱- Soviet Republic, ۲- Constitutional Monarchy and ۳- Soviet Republic of Iran. Among the above-mentioned ideas, the idea of the Soviet Republic of Iran was the only model of governance that has taken into account the three propositions of national independence, Islamic identity and people's participation in governance. The idea of the Soviet Republic of Iran can be considered as an early miniature of the idea of the Islamic Republic.

**Keywords:** Jungle Movement, Mirza Kochak Khan Jungle, Iran Council rial Republic, religious democracy, Islamic identity - Iran.

---

<sup>۱</sup>. PhD in History Department, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (corresponding author)  
ali.b.delgosha@gmail.com.

---





---

## Assessing the Resistance Economy Policies Reflection in the Seventh Development Plan Law

Ali Younessi<sup>۱\*</sup>

### Abstract

It is obvious that an independent and strong economy is necessary for the achievement of the ideals of the Islamic system of governance, and in the second phase statement, resistance economy has been proposed as one of the most important solutions to the economic problems. Therefore, it seems that Resistance Economy is a pre-requisite for achieving the Islamic System of Governance, and it needs to be planned in order to achieve its measures. Five-year development plan laws are one of the important aspects of planning in the country. While more than ten years have passed since the announcement of the general policy of Resistance Economy, the ۷th Five-Year Development Plan Law for ۲۰۲۳-۲۰۲۷ has been approved. It is clear that the more the policies of the Resistance Economy are applied in the ۷th Development Plan, the more it is hoped that Iran's economic challenges will be reduced and the faster the country will reach the dimensions of revolutionary governance. This article tries to answer the question of the success of the ۷th development plan in consideration of the measures of resistance economy to achieve the governance system through the quantitative and qualitative analysis method and the analysis in the ۲۴ dimensions of resistance economy policies and the ۲۴ seasons of the ۷th development plan. The results of the study show that up to ۸۶ percent of the expectations of the General Policy of the Resistance Economy have been covered in the Seventh Development Plan, and ۱۴ percent of the points of the General Policy of the Resistance Economy have not been included in the Seventh Development Plan.

**Keywords:** Islamic Governance System, The Seventh Development Plan Law, Resistance Economy Policies, JEL classification: K۰۰, K۱۰, K۲۰.

---

۱. Assistant Professor, Department of Economics, Payam Noor University, Central Province, Arak, Iran (corresponding author) Email: younessi@pnu.ac.ir





---

## Designing a Revolutionary Identity Model for Young Students Based on Religion and Spirituality

Ali Akhtarshahr<sup>1\*</sup>

### Abstract

After the Islamic Revolution, events occur at certain times; some youths riot in the streets due to external and internal provocations, and incidents occur in society targeting young students' spirituality and religion. To this end, the text of two documents (Islamization of the Universities and the Second Phase of the Islamic Revolution statement) were examined through qualitative analysis and a phenomenological approach. The results of the research are given in two parts. The first part includes descriptive data and the second part includes presenting the findings and qualitative data. Firstly, descriptive data was used to identify indicators of revolutionary identity of young students, their main components and characteristics through aforementioned documents. Semi-structured in-depth interviews were conducted and tables of open coding, central coding and selective coding were prepared in the presence of ۱۲ university professors and experts to present the results of the research. The results of the interviews were used to construct a model of the revolutionary identity of student youths in terms of the achievement of Islamization and the second phase of the revolutionary declaration. In order to ensure the validity of the study, the final report of the analysis was given to ۹ experts of both documents in order to apply their suggestions in the open coding phase. The next step was the review of the axial coding by the same group of experts and their opinions were used in the development of the model. The analysis of the results showed that the components of quest for knowledge, social sensitivity, understanding of the times, religious freedom, pure and firm faith, and civilizing perseverance and motivation on the basis of religion can be the most important basis for designing the model of revolutionary identity for young students.

**Keywords:** Model, Revolutionary Identity, Religious Identity, Teacher, Student, Islamization of the Universities Document, Second Phase of the Islamic

---

<sup>۱</sup>. Assistant Professor, Islamic Studies Department, Islamic Azad University, Lahijan Branch, Lahijan, Iran (Corresponding Author); Email: akhtarshahr@yahoo.com

---





---

Revolution Statement.

فصلنامه مطالعات علوم انسانی و اسلامی | دوره اول | شماره ۱ | بهار ۱۴۰۴

۲۳۱





